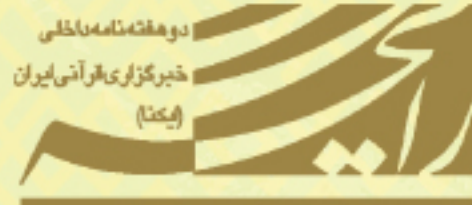


امروز بحمدالله شخصیت‌های علمی
بزرگی در حوزه پرفیض و برکت قم،
سرگرم تحقیق و تدریس و تربیت
شاگردان و فراهم آوردن آثار علمی
و تهذیب نفس و کمک به امت
مسلمان‌اند و به فضل الهی نیاز
مردم به مرجع تقلید جامع الشرائط
از آن حوزه مبارکه بر آورده گردیده
است.

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب
اسلامی در تاریخ ۷۳/۹/۹





سال پنجم - شماره پنجاه و هشتم - ۱ مرداد ۱۳۸۸
ویژه نامه بزرگداشت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)

مدیر مسئول: رحیم خاکی

سردبیر: مرتضی رضائی زاده

دبیر تحریریه: طاهره خیرخواه

معاون تحریریه: غلامرضا حسین پور

مدیر اجرایی و هنری: احسان حسینی

مشاور مطبوعاتی: مرتضی نجفی قدسی

هیئت تحریریه:

گروه سیاسی: حبیب‌الله ترکاشوند، مجتبی برزگری، بهروز گودرزی

گروه اندیشه: حمیدرضا یونسی، سید میلاد اوصیاء،

ابوالفضل عنایستانی، محمد پارسائیان

گروه فعالیت‌های قرآنی: جواد نصیری اوانکی، صدیقه صادقین، فاطمه بختیاری خواه

گروه عکس: محمد نمازی، امیر حسامی نژاد، نقی خوش خلق، پیام اکبری، حسن

آقامحمدی، محمد نجفی غروی، فضیلت سوخکیان

فهرست

سخن نخست ۴

مروری بر زندگی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) ۴۲-۵

حیات علمی و سیاسی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) ۷۰-۴۳

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) در نگاه قرآن پژوهان ۸۴-۷۱

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) در نگاه علما و کارشناسان ۱۱۶-۸۵

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) در نگاه فعالان قرآنی ۱۱۰-۱۰۳

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) از دیدگاه نمایندگان مجلس ۱۲۰-۱۱۱

مقاله‌ای درباره شخصیت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) ۱۴۶-۱۲۱

آلبوم خاطرات آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) ۱۵۵-۱۲۷

نشانی نشریه:

تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵.

خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

پست الکترونیک نشریه: Rayeh@iqna.ir

تلفن: ۲۱۲-۶۶۴۷-۲۱-۹۸+



مركز پژوهشی تخصصی قرآنی



مركز پژوهشی تخصصی قرآنی
دانشگاه امام خمینی



شورای قرآن

این شماره از «رایحه» با مشارکت و حمایت مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری تهران (شورای عالی قرآن) تدوین و منتشر شده است.

سخن‌های

هنگام هجوم مکاتب باطله، پناهگاهی برای طلاب و دانشجویان بوده و هست.

از جمله کتب فقهی این مرجع تقلید انوار الفقاهه، والقواعد الفقیهیه و انوار الاصول و تقلیقات مستدل و مشروحو بر تمام عروه الوثقی است که مکرر به چاپ رسیده است. رساله عملیه ایشان (توضیح المسائل) تا کنون بارها چاپ شده و این رساله به زبان عربی، اردو، ترکی آذری و انگلیسی نیز ترجمه و منتشر شده است.

معظم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ اجازه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شد و حضرت آیت الله العظمی حکیم تقریظ کوتاه و پر محتوایی بر تقریرات ایشان از درس فقه «ابواب طهارت» نوشت که بسیار ممتاز است.

در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس حوزه علمیه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلاء عالیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی همچنین در مبارزات انقلاب اسلامی و همراهی امام راحل (ره) حضور فعال داشت و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتاد.

معظم له طی سی سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، چه در ایام حیات حضرت امام (ره) و چه بعد از ایشان همواره یار و پشتیبان ولایت فقیه بوده است.

خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با توجه به رسالت قرآنی خود، درصدد برآمد تا ابعاد شخصیتی این مرجع قرآن‌پژوه را در گفت‌وگو با مفسران، علما و کارشناسان، شاگردان ایشان، کارشناسان سیاسی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی را بیشتر به جامعه بشناساند.

حبیب الله ترکاشوند
دبیر گروه سیاسی

در روزگار کنونی بر اساس اندیشه شیعه، به خاطر دوری از رهبران معصوم، راهی به سوی علم به احکام شریعت جز اجتهاد وجود ندارد و هیچ مرجع دیگری را جز مجتهد نمی‌توان سراغ داشت که برای حوادث روزافزونی که در جوامع بشری پدید می‌آیند، حکم و قانون جامعی ارائه کند. بنابراین، اجتهاد و مرجعیت دینی، از اعتقادات مهم شیعیان در عصر غیبت به حساب می‌آید و سرچشمه تحولات سیاسی و اجتماعی بسیاری در جامعه می‌گردد.

هر چند اصل اجتهاد در عصر حضور امامان معصوم (ع) نیز وجود داشته است اما به دلیل حضور معصوم نیاز کمتری به اعمال اجتهاد بوده است، ولی در عصر غیبت چنین نیازی به سرحد کمال خود رسید.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی از جمله این مجتهدان جامع‌الشرایط است که علاوه بر اینکه در کسوت عظیم‌الشان مرجعیت تقلید شیعه قرار دارند و محل رجوع دینی صدها هزار انسان مومن و مومنه ایرانی و غیر ایرانی است، در طول عمر بابرکت خود، خدمات بسیار ارزنده‌ای به قرآن و اسلام داشته است.

همانگونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم نسبت به مهجور قرار گرفتن قرآن در دروس حوزوی هشدار داده و نسبت به رفع آن توصیه‌هایی داشتند، بی‌شک آیت الله العظمی مکارم شیرازی را باید از جمله مراجع و علمای بزرگی دانست که نقش مؤثری در مهجوریت‌زدایی از قرآن طی سال‌های عمر بابرکت خود برداشته‌اند.

از این مرجع تقلید تاکنون حدود ۱۳۰ جلد کتاب به چاپ رسیده که بعضی از آنها بیش از ۳۰ بار تجدید چاپ شده و بعضی به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است.

«تفسیر نمونه» این مرجع تقلید وارسته به چند زبان ترجمه شده و در اغلب خانه‌ها موجود است؛ این تفسیر و تفسیر موضوعی «پیام قرآن» باب تازه‌ای در تفسیر قرآن گشوده و کتب اعتقادی ایشان به



مردوری بر زندگی آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی)



«دورترین خاطره‌ای که از دوران طفولیت به نظر دارم مربوط به زمانی است که بیماری مختصری داشتم و در گهواره خوابیده بودم، حادثه از این قرار بود که فصل تابستان بود و گهواره من در گوشه حیاط خانه قرار داشت؛ در وسط حیاط، حوض آبی بود که می بایست از آب چاه، پر شود ولی چون حوض، نجس شده بود با آب چاه که از دلو به آن می ریختند پاک نمی شد، برای حل مشکل، در شیراز چنین معمول بود که قسمت عمده حوض را با آب دستی پر می کردند سپس ظرف بزرگ چرمی به نام «کر» - که واقعاً به مقدار کر بود - را پر از آب می کردند و روی آن حوض، خالی می کردند تا با آب حوض مخلوط شود و همه پاک گردد (البته این توضیحات را من الان می فهمم و در آن وقت به صورت کم رنگی می فهمیدم) بالاخره ظرف کر را پر از آب کردند و روی حوض ریختند، حوض پر شد و آب از حوض بیرون ریخت و از زیر گهواره من هم گذشت و من همه این کارها را می دیدم و اجمالاً می فهمیدم و چنان به خاطرمانده که گویی دیروز این امر اتفاق افتاده است!»

این جریان که یادآور قصه‌های افسانه‌ای و یا غیرافسانه‌ای مربوط به نبوغ افرادی مثل بوعلی است، به روشنی دلیل بر وجود یک هوشمندی فوق العاده در استاد بود.

کلاس‌های جهشی

استاد به کلاس‌های به اصطلاح جهشی خود در آن دوران اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«چهار یا پنج ساله بودم که به دبستان رفتم و به اصطلاح امروز چون سن من کافی نبود، در کلاس آمادگی شرکت کردم، مدرسه ما به نام «زینت» در شیراز معروف بود، ولی در همان کلاس آمادگی، به ما تعلیماتی یاد دادند که خوب آنها را فراگرفتم و به همین دلیل بدون این که سلسله مراتب رعایت شود، مرا به کلاس‌های بالاتر بردند.»

نقطه آغاز درس دینی

این نایغه پس از طی دوره دبستان و دبیرستان و پس از آن که با سقوط رضاخان و فراهم شدن آزادی نسبی، از طرف یکی از علمای بزرگ شیراز (مرحوم آیت الله حاج سید نورالدین شیرازی)

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در طول عمر بابرکت خود، خدمات بسیار ارزنده‌ای به قرآن و اسلام داشته و نقش مؤثری را در مهجوریت‌زدایی از قرآن در جامعه ایفا کرده است. آنچه در ذیل می‌آید، مروری است بر زندگی این شخصیت عالیقدر که می‌تواند حاوی نکات آموزنده و پرباری برای نسل جوان، طلاب و دانشگاہیان باشد.

نبوغ و استعداد

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضائل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود.

جد اعلای ایشان «حاج محمدباقر» که از تجار شیراز به شمار می‌رفت، در «سرای نو» شیراز به تجارت اشتغال داشت، لباسی شبیه لباس روحانیت می‌پوشید و پیوسته در مسجد «مولای» شیراز به جماعت حاضر می‌شد و مورد تکریم و احترام و اطمینان بود. جد ایشان مرحوم «حاج محمد کریم» فرزند حاج محمدباقر که او نیز عمامه‌ای بر سر داشت و در بازار در اثنای کار، کلاه پوستینی بر سر می‌گذاشت، در «سرای گمرک» شیراز و سپس در «بازار وکیل» به تجارت مشغول بود، همواره در مسجد «مولای» شیراز در نماز

جماعت شرکت می‌کرد و از مرتب‌ترین و نزدیکان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمدجعفر محلاتی رحمه الله پدر مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ بهاء الدین محلاتی و مرحوم آیت الله حاج سید محمدجعفر طاهری رحمه الله به حساب می‌آمد.

پدرشان حاج محمد علی او نیز از تجار معروف شیراز بود استاد در مورد پدرشان چنین می‌فرمایند:

«پدرم علاقه زیادی به آیات قرآن داشت در دورانی که در مدرسه ابتدایی تحصیل می‌کردم، گاهی شبها مرا به اطاق خودش فرا می‌خواند و به من می‌گفت: ناصر! کتاب آیات منتخبه و ترجمه آن را برای من بخوان (این کتاب مجموعه آیاتی بود که توسط بعضی از دانشمندان، انتخاب شده و در زمان رضاخان در مدارس به عنوان تعلیمات دینی تدریس می‌شد) من آیات و ترجمه آن را برای او می‌خواندم و او لذت می‌برد.»

نبوغ استاد از اوایل کودکی امری مشهود بود و در هر مرحله از مراحل عمرش آشکارتر می‌گشت.

دورترین خاطره

روایتی که خود استاد از دوران کودکیش دارد چنین است:

«روزی استاد ما، عبارت معروف «صمدیه» (والمبردان کان کالخلیل فکالخلیل و الافکیونس و الافکالبدل) را از من سؤال کرد و سفارش کرد آن را حل کنم، من صمدیه را از میان کتاب‌های جامع المقدمات تا آن روز نخوانده بودم در حالی که از پیچیده‌ترین کتاب‌های جامع المقدمات است، تصمیم گرفتم آن را با مطالعه حل کنم، در مدت «سی و شش ساعت» یعنی کمتر از دو شبانه روز، تمام آن را مطالعه و جواب سؤال استاد را تهیه کرده و برای ایشان بیان کردم و ایشان تعجب کرد و مرا تشویق نمود.

این درخشش هنگامی به قله خود می‌رسد که مشاهده شود جوانی هیجده یا نوزده ساله، پای در محفل درس شیخ الفقهاء و استاذ الاساتذہ مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره) می‌گذارد.

او که (مطابق تعریف استاد) مردی بسیار باتقوی، هوشیار، نورانی، جذاب و فوق العاده در فقه قوی بود و در واقع مکتب خاص و مستقلی در فقه داشت که به واقعیت بسیار نزدیک بود و در رجال و حدیث و ادبیات و فنون دیگر، فوق العادگی داشت، درسش برای استاد ما بسیار دلچسب بود و به اعتراف خود استاد، بسیار چیزها در مکتب فقهی او آموخت. خاطرہ شرکت در درس این ابر مرد فقه و حدیث را استاد، این چنین توصیف می‌کند:

«در آغاز جوانی، هیجده - نوزده ساله بودم و شرکت چنین نوجوانی در درس مثل آیت الله العظمی بروجردی که معمربین و بزرگان حوزه، حتی استاد من آیت الله العظمی داماد و آیت الله العظمی گلپایگانی و همچنین امام راحل «قدس سره» در آن شرکت داشتند، کمی عجیب بود، مخصوصاً زمانی که به خود شجاعت طرح اشکال در اثنای درس را می‌دادم، مسأله عجیب تر به نظر می‌رسید و شاید بعضی به خود می‌گفتند: این پسر بچه شیرازی چرا این قدر جسور است و به خود اجازه طرح اشکال و «ان قلت» را در چنین محضر بزرگی می‌دهد؟!»

حکایت ذیل در این رابطه قابل توجه و جالب است:

«یک روز آیت الله العظمی بروجردی در درس فقه اشاره به مسأله «صید لہوی» کردند یعنی شکار رفتن کسانی که برای تفریح شکار می‌کنند. معروف میان فقها این است که سفر این گونه اشخاص تمام است، اما شاید کمتر کسی حکم به حرام بودن چنین کاری کند، من که در آن زمان طلبه کم سن و سالی بودم، رفتم و مدارک زیادی برای حرمت صید لہوی از کلمات قدما و متأخرین از آنها، جمع آوری کردم و ثابت نمودم که سفر صید لہوی یکی از مصادیق سفر حرام است که نماز در آن، باید تمام خوانده شود. هنگامی که آیت الله العظمی بروجردی آن

از همه علاقمندان به تحصیل علوم دینی دعوت به عمل آمد (و استاد نیز در سال سوم دبیرستان با اشتیاق زائد الوصفی حاضر شدند که در کنار دروس دبیرستان، دروس دینی را مشغول شوند) بیشتر و بیشتر رخ نشان می‌داد: «محل بعدی مامدرسه خان در شیراز بود که از مدارس بسیار قدیمی و بزرگ و معروف است که محل تدریس یا تحصیل فیلسوف گرانقدر صدرالمتألهین شیرازی بود. شروع به جامع المقدمات و شرح الأمثله کردم. استاد من، مرحوم آیت الله ربانی شیرازی بود، به ایشان گفتم من جامع المقدمات ندارم اگر بیست و چهار ساعت، امانت بدهی مطالعه می‌کنم و امثله و شرح الأمثله را یک روزه با مطالعه، امتحان می‌دهم، ایشان به من دادند و تمام شب و روز را مشغول شدم و فردا امتحان دادم قبول شدم و به رتبه بالاتر ارتقاء یافتم و با ایشان خداحافظی کردم و در کلاس دیگری شرکت نمودم.»

پیمودن راه ده ساله در چهار سال

درخشندگی این نبوغ، زمانی اوج می‌گیرد که استاد، ره ده ساله امروز دوران سطح حوزه‌های علمیه را چهارساله می‌پیماید، آن گاه، در حالی که تنها هفده بهار از عمر شریفش می‌گذرد بر متن عمیق و در عین حال معقد کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی، حاشیه می‌زند. استاد در این باره می‌فرماید:

«با جدیتی که استاد بسیار دلسوز و پرکار (آیت الله موحّد) داشت، از اول سیوطی تا آخر کفایه را نزد او در مدت چهار سال خواندم، همان درسی که امروز در حوزه‌ها در مدت ده سال خوانده می‌شود و هنگامی که کفایه را تمام کردم، حدود هفده سال داشتتم و در همان سال داشتتم و در همان شیراز، حاشیه فشرده‌ای بر کفایه نوشتم، این نکته نیز شنیدنی است که بعد از اتمام جامع المقدمات در مدرسه خان، روزی مرحوم آیت الله موحّد به مغازه پدرم آمد؛ تابستان بود و روزها در مغازه پدر که شغلش در آن زمان جوراب بافی بود کار می‌کردم، رو به پدرم کرد و سخنی گفت که مضمونش این بود:

چند پسر داری؟

- چهارتا.

بیا این یکی (ناصر) را وقف امام زمان (علیه السلام) کن و پدرم با این که کمک زیادی به او می‌کردم پذیرفت که مرا به خدمت آقای موحّد یعنی مدرسه علمیه آقاباباخان بفرستد.»

اتمام صمدیه در کمتر از دوشبانه روز

از شگفتی‌های آن زمان در همین زمینه، قصه‌ای است که استاد حکایت می‌کند:



نوشته را مطالعه کرد با تعجب پرسید که این نوشته را خود شما نوشته اید؟! عرض کردم آری!..»

درجه اجتهاد

چنین نبوغ و استعداد فوق العاده بود که به ضمیمه خصوصیات دیگری که ذکرش خواهد آمد، سبب شد استاد در سن بیست و چهار سالگی موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردد: از زبان خود استاد بشنوید:

«پس از ورود به نجف اشرف به زودی به واسطه طرح سؤالات مختلف در بحث‌های اساتید بزرگ، شناخته شدم و همه جا مورد عنایت و محبت قرار می‌گرفتم و سرانجام در سن بیست و چهار سالگی به وسیله دو نفر از مراجع بزرگ آن زمان مفتخر به اجازه اجتهاد گشتم؛ یکی آیت‌الله العظمی اصطهباناتی بود که از مراجع بسیار باشخصیت و شیخ الفقهاء محسوب می‌شد، ایشان لطف و محبت فوق العاده‌ای به من پیدا کردند، لذا اجازه کامل اجتهاد برایم مرقوم فرمودند و دیگر آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء بود، ایشان چون آشنایی به وضع من نداشتند فرمودند از شما امتحان می‌کنم! گفتم آماده‌ام، از من خواستند رساله‌ای درباره این مسأله که «آیا تیمم، مبیح است یا رافع حدث؟» بنویسم، من هم رساله‌ای مشروح در این زمینه تهیه کردم، خدمت ایشان دادم، ایشان علاوه بر آن، یک امتحان شفاهی نیز از من به عمل آوردند و یکی از مسائل پیچیده علم اجتمالی را سؤال فرمودند، وقتی جواب دادم ایشان اجازه را مرقوم داشته و محبت فرمودند.»

از نکته‌هایی که دلیل این نبوغ و استعداد موهبتی است (در عین حال بر حافظه قوی استاد نیز گواهی می‌دهد) این است که استاد گاهی درس‌هایی را که دو هفته قبل در نجف اشرف از مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی شنیده بودند بعد از گذشتن این مدت طولانی به طور کامل یادداشت می‌کردند، این در حالی است که امروز، غالب طلاب، مطالب استاد را سر درس می‌نویسند، مبادا چیزی از خاطر آنها محو شود!

تقریظ آیت‌الله العظمی حکیم (رحمت‌الله

علیه)

آخرین قصه‌ای که از حوزه نجف، مهر تأیید بر نبوغ استاد و اوج نضوج اندیشه ایشان می‌زند تقریظی است که صاحب مستمسک العروة الوثقی، مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم، آن فقیه تمام عیار، بر حاشیه دفتر کتاب الطهارة (که تقریر درس خارج فقه آن مرحوم بود و به قلم



خواستم که یاریش دهد و او را به مقام عالی از علم و عمل برساند چراکه اوست یاری دهنده و اوست کفایت کننده ما و بهترین پشتیبان، و الحمد لله رب العالمین.»

تشویق و جلب اعتماد اساتید

از جمله چیزهایی که نقش بسیار اساسی (و شاید اساسی ترین نقش را) در تکیه شخصیت یک طلبه و به طور کلی یک شاگرد دارد، جلب اعتماد استاد و در نتیجه محبت‌ها و تشویق‌های پدرا نه اوست، بافت محافل درسی و حوزه‌های تعلیمی، اعم از حوزه و دانشگاه، با انواع رقابت‌ها و گاه حسادت‌ها و تخریب‌ها و تضعیف‌هایی همراه است که سبب تزریق روحیه یأس و احساس عقب ماندگی از قافله شده، اسباب پژمردگی و افسردگی خاطر را فراهم می‌سازد.

مهم ترین عاملی که می‌تواند همه این عوامل منفی را خنثی کرده و روح امید و پیشرفت را در کالبد شاگرد بدمد، تشویق‌ها و شخصیت دادن‌های اساتید است. باهوش ترین و با استعدادترین شاگرد اگر در یک مدار سالم قرار نگیرد و بر محور استاد یا اساتید مخلق به اخلاق اسلامی و وارسته‌ای نچرخد و از «خودرو بودن» و «آزادی‌های مطلق و بی حد و مرز» بیرون نیاید، دچار ناهنجاری‌های روحی و کج سلیقه‌ها یا بلندپروازی‌ها و باورهای غلط، و ادعاهای عجیب و غریب می‌شود.

استاد، تقریر و تدوین شد) وارد کردند، دستخط شریف آن مرحوم، عیناً چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم و له الحمد و الصلاة و السلام علی رسوله و آله الطاهرين، قد نظرت فی بعض مواضع هذا التقرير بمقدار ما سمح به الوقت فوجدته متقناً غاية الاتقان ببيان رائق و أسلوب فائق يدل علی نضوج فی الفكر و توقد فی القریحة اعتدال فی السلیقة فشکرت الله سبحانه أهل الشکر علی توفیقه لجناب العلامة المهدب الزکی الألمعی الشیخ ناصر الشیرازی سلمه الله تعالی و دعوته سبحانه أن یسده و یرفعه الی المقام العالی فی العلم و العمل، انه ولی التسدید و هو حسبنا و نعم الوکیل و الحمد لله رب العالمین.»

محسن الطباطبائی الحکیم

۹ ج ۱ / ۱۳۷۰ هـ ق

«بنام خداوند بخشنده مهربان، و او راست سپاس، و درود و سلام بر فرستاده او و اهل بیت طاهرینش. به بخشی از این تقریر به مقداری که وقت اجازه می‌داد نظر افکندم. آن را در نهایت اتقان دیدم با بیانی شیوا و رسا، و اسلوبی سرآمد که بیانگر رشد فکری و شکوفایی ذوق و قریحه، و اعتدال سلیقه مقرر است، پس شکر خداوند سبحانی که شایسته و اهل شکر است را بجا آوردم به جهت توفیقی که به جناب علامه مهدب، پاک و هوشمند، شیخ ناصر شیرازی سلمه الله تعالی عطا کرد و از حضرتش

بود (چون بعضی از شهریه‌ها از سه تومان تجاوز نمی کرد) به عنوان
جائزه به من مرحمت فرمودند و تشویق کردند.»

تواضع فوق العاده و روحیه تشویق آیت‌الله العظمی میرزا هاشم

آملی

شکی نیست که این تشویق، زمانی اوج می‌گیرد و تأثیرش چند برابر
می‌شود که استادی نصیب انسان شود که از روحیه اشکال‌پذیری
خاصی برخوردار باشد و بی‌اعتنا از کنار
سؤالات و ایرادات شاگرد نگذرد و قبول اشکال
را منافی شئون خود نبیند که اتفاقاً بعضی از
استاد ما از این ملکه نورانی نیز برخوردار
بودند و استاد خود، چنین حکایت می‌کند:

«محبت‌های فوق العاده مرحوم آیت‌الله
العظمی میرزا هاشم آملی مرا به درس ایشان
جذب و جذب کرد... آیت‌الله العظمی آملی
علاوه بر تواضع فوق العاده و روح تشویق و تقدیر
از شاگرد، احاطه زیادی بر بحث‌های اساتیدش
مانند آیت‌الله آقایی‌الدین عراقی داشت،
شاگردان او در آن زمان در نجف، اگر چه کم بودند
ولی از فضلا محسوب می‌شدند، ایشان مخصوصاً انصاف عجیبی
در درس داشت که من کسی را همانندش در این ویژگی ندیدم، اگر
شاگردی اشکالی می‌کرد که وارد بود نه تنها با بی‌اعتنایی نمی‌گذشت
بلکه آن را کاملاً شرح و پرورش می‌داد و با بیان شافی از آن دفاع می‌کرد
و سپس می‌پذیرفت.»

تشویق آیت‌الله العظمی بروجردی (رحمت‌الله) و کتاب جلوه حق

استاد در ارتباط با تشویق و کرامت مرحوم آیت‌الله العظمی
بروجردی «رحمت‌الله» چنین تعریف می‌کند:

«وقتی کتاب «جلوه حق» نخستین تألیف من چاپ شده بود، یک
جلد از آن را خدمت آیت‌الله العظمی بروجردی فرستادم. مدتی بعد،
ایشان دنبال من فرستادند خدمتشان رفتم فرمودند: من پابم درد
می‌کرد و چندروزی به درس نیامدم و طبعاً وقت بیشتری برای مطالعه
داشتم، چشمم به کتاب شما افتاد، اول دیدم «جلوه حق» اسمی است
که به صوفی‌ها می‌خورد و همین، حس کنجکاو می‌تحریک کرد و
کتاب را برداشتم از اول تا به آخر، تمام آن را خواندم من بسیار از روحیه
این مرد بزرگ تعجب کردم که چطور یک کتاب را که از یک طلبه جوان به
اورسیده، از اول تا به آخر مطالعه می‌کند.

و این درس عبرتی برای من شد. آن هم از سوی کسی که دارای
مرجعیت و زعامت جامعه بود بعداً فرمودند: من در تمام این کتاب مطلقاً
چیز خلافی ندیدم و تعبیرشان این بود:

بسیار اندکند کسانی که از آغوش گرم و پرمحبت اساتید، محروم
بودند و به تعبیر دیگر، فرزند حوزه و پرورش یافته دامن‌های پاک معلمان
ربانی به حساب نمی‌آمدند، در عین حال مشکلاتی - لااقل در حد
مشکلات سلیقه‌ای - نداشتند.

آیات عظام اصطهباناتی و کاشف الغطاء

به هر حال موهبت دیگری که نصیب استاد ما شد، همین بود که از
آغاز جوانی و نوجوانی مورد حمایت‌ها،
تشویق‌ها و محبت‌های بی‌دریغ اساتید
خویش قرار گرفتند و گواه آن، حکایتی است که در
فصل دوم (نبوغ و استعداد موهبتی) تحت عنوان
«درجه اجتهاد» به آن اشارت رفت و تکرار آن
خالی از لطف نمی‌باشد:

«... به زودی به واسطه طرح سؤالات مختلف
در بحث‌های اساتید بزرگ شناخته شدم و همه
جامورد عنایت قرار گرفتم و سرانجام در سن ۲۴
سالگی به وسیله دو نفر از مراجع آن زمان مفتخر
به اجازه اجتهاد گشتم: یکی آیت‌الله العظمی
اصطهباناتی بود، که از مراجع بسیار باشخصیت

و شیخ الفقهاء نجف اشرف بودند، ایشان لطف و محبت فوق
العاده‌ای به من پیدا کردند، لذا اجازه کامل اجتهاد برابم مرقوم
فرمودند، نفر دیگر آیت‌الله العظمی کاشف الغطاء بود ایشان چون
آشنایی به وضع من نداشتند، فرمودند: از شما امتحان می‌کنم! از من
خواستند رساله‌ای درباره این مسأله که آیا تیمم مبیح است یا رافع
حدث؟ بنویسم. من هم رساله‌ای در این زمینه تهیه کردم خدمت
ایشان دادم و هنگامی که به اتفاق آیت‌الله العظمی میرزا هاشم
آملی (رحمه الله) خدمت ایشان رسیدم ایشان یک امتحان شفاهی
از من بعمل آوردند و یکی از مسائل پیچیده فقهی علم اجمالی را از
من سؤال فرمودند، وقتی جواب دادم ایشان نیز اجازه، مرقوم داشته
و محبت فرمودند.»

آیت‌الله حجت (رحمت‌الله)

و حکایت دیگر تشویقی است که از جانب مرحوم آیت‌الله العظمی
حجت (رحمت‌الله) صورت پذیرفت که استاد در این رابطه نیز چنین
می‌فرماید: «یکبار هم در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت که
خدایش رحمت کند طبق روشی که ایشان داشتند سؤالی رامطرح
کردند و گفتند: هرکس جواب آن را بیاورد من به او جایزه می‌دهم، بعد از
درس به کتابخانه رفتم و مدتی جست‌وجو کردم، جواب را پیدا کردم
خدمت ایشان تحویل دادم، کمی بعد از من نیز یکی دیگر از شاگردان
باسابقه ایشان، جواب را آورده بود، ایشان به او فرمود، قبل از شما دیگری
جواب را آورده است و بعد یکصد تومان که در آن روز پول بسیار زیادی

«احساس کردم نویسنده بدون آن که بخواهد خودنمایی کند و مرید، برای خودش جمع کند می خواسته حقایق را درباره گروه صوفیه بازگو کند» این جمله مرا بسیار تشویق کرد و اعتماد به نفس فوق العاده‌ای در مسأله نویسندگی به من داد و از آن جا فهمیدم تشویق، آن هم از سوی بزرگان چقدر مؤثر و کارساز است.»

ناصر! تو از ما استفاده خواهی کرد

این نکته زمانی به اوج خود می‌رسد و بلکه نورانی و آسمانی می‌شود که شاگرد، صرف نظر از تشویق اساتید، مورد تفقد و تشویق استاد حقیقی و امام الاساتید، امام معصوم قرار بگیرد و در رؤیایی رحمانی و بشارت بخش از جانب حضرت حجت (سلام الله علیه) به او خطاب شود: «ناصر! تو از ما استفاده خواهی کرد.» قصه را از زبان مرحوم حجت الاسلام و المسلمین قدوه می‌شنویم که چنین حکایت می‌کند:

«امروز صبح آقای مکارم در حالی که برافروخته (و خوشحال) بودند وارد جلسه درس شدند، گفتم چرا؟ از پاسخ امتناع داشتند، با اصرار من جواب دادند که دیشب ولی عصر «سلام الله علیه» را خواب دیدم به من فرمود: «ناصر تو از ما استفاده خواهی کرد.»

تشویق‌ها و عنایت‌های حضرت امام (رحمه الله)

این بخش را با تشویق‌ها و عنایت‌هایی که آن پیر مراد، امام راحل قدس سره نسبت به استاد داشته‌اند پایان می‌بریم، استاد خود در این رابطه چنین می‌گوید:

«اگرچه من توفیق شرکت در درس امام «قدس سره» را بیش از یک روز پیدا نکردم، شاید به دلیل این بود که در ایامی که درس ایشان گل کرد، من کمتر به درس کسی می‌رفتم و بیشتر تدریس می‌کردم، ولی به هر حال با افکار ایشان کاملاً ارتباط داشتم یعنی از خلال تقریرات ایشان و کتاب‌ها و نوشته‌هایشان با افکار فقهی و اصولی ایشان آشنا بودم، و برای ایشان احترام فوق العاده‌ای قائل بودم و کلاً به زیارت ایشان می‌رفتم و ایشان هم محبت آمیخته با احترامی نسبت به بنده داشتند. فراموش نمی‌کنم مدتی به عللی از رفتن به جامعه مدرسین خودداری کرده بودم ایشان، به یکی از معاریف از اعضای جامعه دستور دادند و گفتند به سراغ فلانی برو و از او برای بازگشت به جامعه مدرسین دعوت کن و ایشان آمدند و من هم مجدداً به جامعه بازگشتم، فرزند



مباحثه‌ای با امام موسی صدر و سایر همراهان و کتاب فیلسوف‌نماها
 نبوغ و استعداد سرشار استاد در زمینه تدریس و تحقیق و تألیف، پس از اقامت یک سال و نیمه در حوزه نجف و بازگشت به حوزه مقدسه قم، جلوه‌ای خاص یافت، خصوصاً در زمینه تحقیق و تألیف، اولاً: کتابی چون «فیلسوف‌نماها» را در حدود ۲۷ سالگی نوشتند و ثانیاً: این کتاب توانست در جوی که پر از ضدیت نسبت به حوزه و بی‌مهری و بی‌حرمتی نسبت به روحانیت و دین بود، به عنوان کتاب سال شناخته شود، آن هم از طریق ارائه و معرفی فرزانه‌ای چون استاد شهید مطهری (رحمه‌الله). ثالثاً: از جهت تجربه تألیفی، دومین اثر مؤلف به حساب می‌آید و رابعاً: بیش از سی بار به چاپ رسیده که روشن است سی بار چاپ شدن یک اثر در عالم مطبوعات رقم مهمی است. استاد، خود، درباره این کتاب، چنین به صحبت می‌نشیند:

«جلسه‌ای داشتم با فضلی و الامقام که دوستان هم مباحثه من بودند و حتی جمعی از شخصیت‌های برجسته دیروز و امروز در محل شرکت داشتند، از جمله امام موسی صدر و افراد بزرگی از بزرگان کنونی که الان دلیلی بر ذکر نام آنها نمی‌بینم. مباحث مربوط به کمونیست‌ها در آن جا مطرح می‌شد، دلیل مطرح شدن آن این بود که به واسطه مجاورت کشور ما با شوروی سابق، به سرعت افکار کمونیستی (در زمان حکومت سلسله پهلوی که سبب تضعیف مهمترین سنگر ضد کمونیست، یعنی دین شده بودند) شیوع پیدا کرده و به اصطلاح حزب

توده و سایر کمونیست‌ها فعالیت فرهنگی بسیار گسترده‌ای را در همه جا مخصوصاً دانشگاه، شروع کردند و نشریات بسیار زیادی از آنها منتشر می‌شد، که قسمتی از آن، ترجمه آثار سران کمونیست، و قسمتی هم تألیفات طرفداران ایرانی آنها بود. در اواخر، آنها کار را به جاهای بسیار وقیحانه‌ای کشاندند و از حدود بحث‌های منطقی، بسیار فراتر رفتند و شدیدترین اهانت‌ها را به مقدسات مذهبی شروع کردند، زیرا می‌دانستند همان اسلام

تضعیف شده، هنوز بزرگترین مانع بر سر راه آنهاست، این مباحث به حوزه‌های علمیه کشیده شد و حوزه‌های علمیه، وظیفه داشتند در مقابل این موج بایستند. مرحوم علامه طباطبائی و شاگرد برومندشان مرحوم علامه مطهری، از جمله کسانی بودند که برای مقابله با این موج قیام کردند و کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، محصول این کار مهم فلسفی است.
 ما هم با دوستانمان به نوبه خود بحث و بررسی درباره عقاید آنها را شروع کردیم و جلسه هفتگی داشتیم که آن مسائل را از متون کتاب‌هایشان دقیقاً می‌خواندیم تا به افکارشان کاملاً آشنا شویم و بعد، روی آن بحث و بررسی کنیم. من از برادران اجازه خواستم که موافقت کنند، من یک سلسله مطالب درباره آنها بنویسم و در جلسه برای همه بخوانم، اگر ایرادی دارند بگویند تا اصلاح بشود و این را انجام دادیم و

محترم ایشان حاج سیداحمد آقا در جلسه‌ای که جمعی حضور داشتند به من گفتند: نامه‌هایی که به مناسبت‌های مختلف برای امام می‌فرستید، امام این نامه‌ها را مطالعه می‌کنند (چون من گفته بودم نمی‌دانم نامه‌های ما به ایشان می‌رسد یا نه) و ایشان گفتند: می‌رسد و می‌بیند و نسبت به نامه شما عنایت دارند.»

و نیز در همین رابطه خاطره شیرین دیگری را از دوران مجلس خبرگان قانون اساسی نقل می‌کند و می‌فرماید:

«من در بخش مذهب در قانون اساسی با چند نفر از علمای شیعه و اهل سنت و مذاهب دیگر بودم؛ موقعی که مذهب شیعه را که مذهب اکثریت مردم کشور ماست در مجلس خبرگان مطرح کردم و از آن دفاع نمودم برادری از اهل سنت (آقای مولوی عبدالعزیز) بر خلاف انتظاری که از ایشان داشتیم بعد از دفاع من وقت گرفت و مخالفت کرد. من با یک بیان منطقی به جواب ایشان پرداختم و روشن کردم که در یک مملکت، بالاخره باید قوانین، از یک مذهب پیروی کند و دو مذهب و سه مذهب نمی‌شود در احکام عمومی حاکم باشد، البته بقیه مذاهب باید محترم باشند و از تمام حقوق شهروندان بهره‌مند گردند ولی تعدد قوانین حاکم بر کشور ممکن نیست، افراد در مسائل داخلی زندگی خود آزادند (مانند ازدواج و طلاق که مسائل شخصی و احوال شخصیه نامیده می‌شود) ولی در مسائل عامه، باید پیروی یک قانون باشند، بعد که امام را زیارت کردم ایشان فرمودند: «من از تلویزیون دفاع شما را دیدم و شنیدم و خیلی خوشم آمد، خوب و منطقی دفاع کردید و حق مسئله را ادا نمودید.»!

خلاصیت و ابتکار

ذهن خلاق و نوآور استاد به ضمیمه حافظه قوی و انس با آیات قرآنی و کلمات نهج البلاغه و روایات اهل البیت، باعث شده که استاد در غالب سؤالات و معضلات، حاضرالجواب بوده، نوآوری و ابتکار خاص داشته باشد و فولاد مشکلات علمی را در خویش ذوب کند، بارها و بارها مشاهده شده

است روایتی را که به ظاهر از مضمون ساده و آشنایی برخوردار بوده و جای تحلیل و تدقیق نداشت و یا به عکس، گره کوری در آن به نظر می‌رسید و نیازمند به توجیه و تفسیر بود، به طرز بسیار جالب و بدیعی باز نموده، نکات متعدد زیبا و ظریفی را از آن بیرون کشیده است. گشودن نقاط کور و ترسیم زوایای جدید و نهراسیدن از شروع و آغاز و یافتن نقطه ابتدا، شهادت و فراست موهبتی می‌خواهد و این که انسان، در عین حال که تلاش‌های پیشینیان را تقدیس می‌کند با دقت و تیزبینی، قصورهای آنان در شیوه و محتوا را دریابد و خصوصاً سنت و سیره آنها در شیوه‌های بیان و نوشتار را حجاب اندیشه خویش نسازد، تأیید روح القدس را می‌طلبد و این هر دو، در آثار مختلف استاد، محسوس است.



ذهن خلاق و نوآور استاد به ضمیمه حافظه قوی و انس با آیات قرآنی و کلمات نهج البلاغه و روایات اهل البیت، باعث شده که استاد در غالب سؤالات و معضلات، حاضرالجواب بوده، نوآوری و ابتکار خاص داشته باشد



نورانی. فارسی را خوب صحبت می‌کرد و اظهار داشت: من سی سال قبل درباره کمونیست‌ها در تاجیکستان که جزو شوروی سابق بود، فکر می‌کردم، منبعی نبود که حق و باطل آنها را جدا سازد تا این که کتابی به نام «فیلسوف نماها» به دستم رسید که نام شما پشت آن نوشته شده بود، من خواندم و در مسائل، روشن شدم و به تعبیر خود این مرد، حجت قاطع بر من اقامه شد و با آن سانسور شدیدی که در آن جا حکمفرما بود دست به کار خطرناکی زدم و در هزار جلد آن را چاپ و مخفیانه منتشر کردم (توجه داشته باشید که این کتاب ظاهراً از طریق افغانستان به تاجیکستان نفوذ کرده بود) به هر حال بعد از سی سال که به مکه مشرف شدم در فکر فرورفتم که آیا مؤلف این کتاب هنوز زنده است یا مرده؟ گفتم حتماً بعد از سی سال فوت کرده و در قید حیات نیست، ولی احتیاطاً آدمم از مرکز ایرانی‌ها این سؤال را کردم، گفتند: او زنده است و به مکه مشرف شده است (شاید او خیال می‌کرده که نویسنده، مثلاً در هفتادسالگی آن را نوشته، که به اضافه سی سال صد سال می‌شود و بعد از صد سال، بعید است زنده باشد! در حالی که من آن کتاب را شاید در بیست و هفت سالگی یا حدود آن نوشته بودم).



در هر حال نبوغ، ابتکار، خلاقیت و حسن سلیقه‌ای که استاد در این کتاب از خود نشان داد، در حدی است که اندیشمند مخلصی چون شهید مطهری را - که میوه‌ای است از همین شجره طیبه و فرزانه‌ای است از همین تبار - وا می‌دارد تا حجاب معاصرت را ببرد و با دست خویش کتاب مزبور را به گروه نظارت بر کتاب سال معرفی کند تا برای تشخیص کتاب سال، آن نیز مورد ملاحظه قرار گیرد



بعضی از کلاس‌ها در آمده بود و من دوستان زیادی اعم از شیعه و سنی در میان برادران افغانی از طریق این کتاب پیدا کرد. «سپس خاطره جالبی در این زمینه نقل می‌کند که بهتر است از زبان خود ایشان بشنویم:

چند سال قبل، به مکه مشرف شده بودم و از طرف بعثه امام (رحمة الله) از ما دعوت به حج شده بود، یک روز از دفتر بعثه، خبر دادند که مرد محترمی از تاجیکستان تقاضای ملاقات با شما را دارد. من گفتم مانعی ندارد، او به اتاق ما آمد، مرد میان سالی بود با محاسن بلند و چهره

محصول این کار، کتاب «فیلسوف نماها» بود که مطالب همه ماتریالیست‌ها و مخصوصاً کمونیست‌ها در آن به نقد کشیده شد و اگر دوستان، ایراد و اشکالی داشتند، من آن را اصلاح می‌کردم سپس آن را در قالب یک داستان ریختم تا شیرین تر و جذاب تر شود و آن کتاب منتشر شد که دومین کتاب من بود و استقبال زیادی از آن کتاب شد. شاید بیش از سی بار این کتاب به چاپ رسید.»

تأثیر عمیق و وسیع فیلسوف نماها در بیدارگری

استاد، از نفوذ و تأثیر زیاد این کتاب خصوصاً در میان شوریهایی که تحت سلطه روس‌ها بودند، سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید: «برادرانی که از افغانستان آمدند متواتراً به من گفتند که این کتاب، در آن جا در دوران سلطه روس‌ها بسیار کارساز بوده، مخصوصاً جوانان دانشگاهی افغانی با استفاده از آن در مقابل قشر کمونیست‌ها قیام می‌کردند و حتی به صورت کتاب درسی در بعضی از کلاس‌ها در آمده بود و من دوستان زیادی اعم از شیعه و سنی در میان برادران افغانی از طریق این کتاب پیدا کرد.

کار خیر گم نمی‌شود

استاد به این نکته بسیار لطیف اشاره می‌کند که عمل صالح، هر چند کم باشد جای خود را باز می‌کند و خودش را نشان می‌دهد و بلکه رشد و نمو می‌یابد و چون شجره طیبه‌ای که «توتی آکله‌ها کل حین باذن ربها» به

بار می نشیند. می فرماید:

«و من خدا را شکر کردم که بدون این که هیچ اطلاعی داشته باشم این اثر ناچیز من، به افغانستان رفته و از آن جا به تاجیکستان نفوذ کرده و باعث بیداری گروه زیادی شده است و این جاست که می خواهم عرض کنم کار خیر گم نمی شود و همان طوری که در آن جمله معروف آمده: کاری که از روی اخلاص انجام شود نمو می کند (ما کان لله ینمو)، گرچه این کار من کار کوچکی بود ولی رشد و نمو آن را با چشم خود دیدم. جالب این که آن مرد می گفت: مذهب من حنفی است ولی به انقلاب ایران بسیار علاقه مند، هفته ای یک روز به زیارت سفارت ایران در دوشنبه (پایتخت تاجیکستان) می روم و دو پسر دارم دلم می خواهد آنها را به قم بفرستم تا در حوزه علمیه، نزد شما درس بخوانند. من هم او را راهنمایی کردم، ولی بعدها مسائل تاجیکستان پیش آمد و این مسأله عملی نشد.»

تفاسیر، ملاحظه کنیم، باور خواهیم کرد که این تفسیر نیز همانند تفسیر شریف «المیزان» گام مهمی را به جلو برداشته و در عین حال که گلچینی از میراث عظیم تفاسیر پیشینیان است، نکات اجتماعی و سیاسی و اخلاقی تازه و بدیع بسیار زیادی را عرضه کرده و انصافاً خلای را در عصر حاضر پر نموده است و بلکه بعد هدایتی و جاودانگی قرآن و این که «قرآن کتاب هدایت و شفا برای همه اعصار و امصار و نسل ها می باشد» را به اثبات رسانده است.

مخفی نیست که وصول به حقیقت قرآن و روح و معانی کلام اهل بیت، صرف نظر از نبوغ و استعداد سرشار (که در فصل قبلی توضیحش گذشت) اعتلای جان و سنخیتی شایسته می خواهد و اغیار را در حریم آن راهی نیست.

کتاب «القواعد الفقهية» اولین اثر در نوع خود

از تفسیر نمونه که بگذریم، آن چه مؤید ابتکار و خلاقیت استاد است کتاب های متنوع اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و بلکه حوزوی ایشان است، از آن جمله کتاب ارزشمند «فلیسوف نماها» که توصیفش گذشت و دیگر کتاب قیم و وزین «القواعد الفقهية» که تا زمان نشر اولین جلد آن، در نوع خود بی نظیر بود؛ چراکه آن چه تحت همین عنوان از محقق بزرگوار، مرحوم بجنوردی معروف شده، تاریخ انتشارش پس از نشر کتاب استاد است و کتاب های دیگری نظیر «القواعد و الفوائد» شهید اول «رحمه الله» و «القواعد» مرحوم علامه (رحمة الله) و «العناوين» دانشمند محقق، حسینی مراغی (رحمة الله) و «عوائد الایام» مرحوم نراقی (قدس سره)، یا این که ممحض در باب قواعد فقهیه نیستند و یا اساساً از مسائل معمولی فقهی (یعنی از بعضی فروع فقهی نه از قواعد فقهی) بحث کرده اند. استاد برای اولین بار توانست قواعد سرگردان فقهی را - که در سراسر فقه پراکنده بود و اکثر آنها از جایگاه ویژه ای به عمل نیامده بود - با سبک و سیاق بدیعی مورد بحث قرار دهد. ایشان، خود در مقدمه این کتاب چنین تعریف می کند:

«از مهم ترین چیزهایی که تحقیق و بحث درباره آن بر فقیه لازم است «قواعد فقهیه» ای است که وسیله برای وصول به احکام زیادی از اول فقه تا آخر آن می باشد و فروع و ابواب مختلف فقه، بر آن مترتب می شود. لکن علی رغم چنین جایگاه باارزش، بررسی شایسته ای روی آن، انجام نگرفته و حق بحث آن، نه در فقه ادا شده و نه در اصول مگر مقدار اندکی از آنها نظیر قاعده لاضرر و قاعده تجاوز و فراغ و بعضی از قواعد دیگری که در کتب بعضی از اصولیین متأخر، مطرح گردیده است آن هم به عنوان یک بحث تبعی و استطرادی لذا این قواعد نفیس و ارزشمند با همه ارزش و کاربردی که دارد به آوارگانی می ماند که نه مأوی دارند و نه قرار می دهند از اصول به حساب می آیند و نه از فقه در حالی که با توجه به نیاز شدیدی

فتوت و اخلاص شهید مطهری (رحمت الله)

در هر حال نبوغ، ابتکار، خلاقیت و حسن سلیقه ای که استاد در این کتاب از خود نشان داد، در حدی است که اندیشمند مخلص چون شهید مطهری را - که میوه ای است از همین شجره طیبه و فرزانه ای است از همین تبار - وا می دارد تا حجاب معاصرت را بدرود و با دست خویش کتاب مزبور را به گروه نظارت بر کتاب سال معرفی کند تا برای تشخیص کتاب سال، آن نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. استاد خود از این فتوت شهید مطهری چنین سخن می گوید:

«این نکته را هم بسیار لازم می دانم که مطرح کنم: مرحوم شهید مطهری به من گفتند: من کتاب فیلسوف نماهای شما را چون پسندیدم به جمعیت نظارت بر بهترین کتاب های سال دادم (که جمعی از اساتید دانشگاهی بودند) من دلم می خواهد این دانشگاهیان بدانند که در حوزه های علمیه ما، مغزهای متفکری وجود دارد که با بهترین مغزهای متفکر دانشگاهی رقابت می کنند.»

مرحوم شهید مطهری این کار را انجام داد و این کتاب، در آن سال، به عنوان بهترین کتاب سال معرفی شد و عالی ترین جایزه به آن تعلق گرفت و سال قبل از آن نیز کتاب اصول فلسفه (و روش رئالیسم) که بحث های استاد علامه طباطبائی «قدس سره» و شهید مطهری (رضوان الله علیه) بود، در این مسابقه علمی شرکت داده شده بود و برنده عالی ترین جایزه شد. البته گروهی از روی عدم اطلاع و عدم ریشه یابی مسأله، مطالب بسیاری در این باره گفتند.

نگاه به تفسیر نمونه به دیده انصاف

اگر به تفسیر نمونه ایشان به دیده انصاف بنگریم و روانی و فارسی بودن آن را گناه نابخشودنی تلقی نکرده و لاقلاً آن را در عرض سایر



همچنین است کتاب «تمهید القواعد» شهید ثانی که - چنان که در مقدمه اش ذکر شده - حاوی صد قاعده ادبی است و اما کتاب عوائد الأیام مرحوم نراقی (رحمة الله)، اگرچه مشتمل بر بعضی از قواعد فقهی است لکن اولاً همه قواعد فقهی را دربر نگرفته و ثانیاً این کتاب نیز ممحض در این باب نیست؛ نتیجه این می شود که در میان

که در لابه لای مجموعه فقه به آن است حقتش این بود که علم مستقلی برای آن، وضع می گردید؛ چرا که نه امکان طرح آن در ضمن مسائل فقهی وجود دارد (به خاطر جزئی و خاص بودن مسئله فقهی و شمول و کلیت قاعده فقهی) و نه امکان طرح آن در ضمن مسائل اصولی البته تعدادی از متأخرین از اصحاب مارساله‌هایی در زمینه بعضی از قواعد فقهی تألیف کرده‌اند که متأسفانه به دست ما نرسیده است، اما کتاب «القواعد» شهید اول مشتمل بر مسائل گوناگون فقهی از ابواب مختلف فقه و بعضی از مسائل اصولی است و ممحض در قواعد فقهی نیست همچنانکه بعضی از مسایل کلامی و بلکه لغوی نیز در آن مشاهده می شود.

چنین مجله‌ای را نمی‌داد و منتظر بودیم که به سرعت برای خاموش کردن این صدا اقدام کنند و همین طور هم شد، رژیم طاغوت که تازه متوجه شده بود این مجله اسلامی به سرعت به قدرت مهمی تبدیل می‌شود و می‌تواند برای او ایجاد زحمت کند و افکار مذهبی را همه جا نشر دهد، عکس‌العمل شدید نشان داد و مجله را توقیف کرد و معلوم بود که اینها نداشتن امتیاز را دلیل خود مطرح می‌کنند و اگر هم درخواست امتیاز نشر بکنیم به هیچ وجه اجازه نخواهند داد»

استاد از نقش بسیار مؤثر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در احیای و ابقای این مجله و نفوذ و قدرت فوق‌العاده مقام مرجعیت در عصر ایشان اشاره می‌کند و می‌گوید:

«ما مطلب را خدمت آیت‌الله العظمی بروجردی منتقل کردیم، ایشان رئیس شهرستانی قم را احضار کردند و گفتند: این مجله، فوراً باید آزاد شود. رژیم شاه به خوبی می‌دانست که تهدیدهای آیت‌الله العظمی بروجردی جدی است. یک وقت دیدم رئیس شهرستانی دربدر به دنبال من می‌گردد و گفت: خواهش می‌کنم شما دستور دهید زودتر این مجله منتشر شود، من شفاهی می‌گویم و بعد هم اجازه کتبی خواهیم داد. ما مجله را منتشر کردیم بی آن که اجازه‌ای به ما داده شود، و مشکلات همچنان وجود داشت تا بعد از فشار زیاد آن مرجع بزرگ، به حکم اجبار، امتیاز آن را صادر کردند و جالب این که روی پرونده مجله از بخش مطبوعات وزارت کشور نوشته شده بود: «مورد توجه آیت‌الله العظمی بروجردی»، و همین امر، حلال مشکلات بود.»

بعد انتقادی و سیاسی مجله مکتب اسلام و نقش آن در انقلاب

سپس بعد انتقادی و سیاسی این مجله ابداعی و ابتکاری را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«ما که احساس کردیم زمینه محکم است کم کم به مقاله‌های انتقادی و اجتماعی و سیاسی پرداختیم، قبلاً همه مقالات، جنبه عقیدتی و تفسیری و اخلاقی و روایی داشت ولی حالا می‌بایست به مفاسد اجتماعی نیز پرداخته و به نقد کشیده شود. بحمدالله این فصل، بسیار مؤثر شد، و مجله با قدرت و نفوذ زیادی که داشت توانست کنترلی روی مطبوعات آن زمان درباره اسلام داشته باشد، و تا حد زیادی جلو سخنان ناروا را گرفت.»

آن گاه استاد با بیان خاطره‌ای در همین زمینه اضافه می‌کند: «در یکی از شماره‌های روزنامه اطلاعات - که به طور کلی زیر نظر «مسعودی» که از دوستان نزدیک شاه بود اداره می‌شد - چیزی بر ضد روحانیت نوشته شده بود، من نامه تندی به مسعودی نوشتم و

کتب اصحاب ما، کتابی پیدا نمی‌شود که حاوی جمیع قواعد فقهیه بوده، حق بحث آن، ادا شده باشد، لذا شکی باقی نمی‌ماند در این که لازم است برای به وجود آوردن موسوعه‌ای مستقل در این زمینه که مجموعه قواعد را در بر بگیرد و حق بحث آن، ادا شده باشد قیام شود.»

چشمه‌ای در کویر طاغوت!

مورد چهارمی که در ارتباط با اندیشه باز و خلاق استاد، قابل ذکر است مجله مکتب اسلام است، چشمه‌ای که در کویر شرارت بار دوران طاغوت جوشید و به عنوان اولین مجله دینی در تاریخ ایران، شروع به کار کرد. استاد، خود، در این رابطه چنین حکایت می‌کند: «این مجله وقتی شروع به کار کرد که تاریخ‌ترین دوران رژیم

ستمشاهی بود، تقریباً هیچ مجله دینی قابل ملاحظه‌ای در سرتاسر مملکت، پخش نمی‌شد. عده‌ای از دوستان فاضل و عالم و روشن، دور هم جمع شدند و تصمیم بر این شد که یک مجله دینی را برای مبارزه با انحرافات عقیدتی و مفاسد اخلاقی منتشر کنند و با کمک جمعی از نیکوکاران و تجار تهران (که هزینه مالی آن را تأمین می‌کردند) این مجله در حدود چهل سال قبل، مشغول فعالیت شد و از آن جایی که مردم مسلمان، تشنه معارف دینی بودند و آن مجله نیز، مانند جرعه‌ای بود که در یک کویر سوزانی نمایان شود و یا مشعلی که در یک تاریکی مطلق بدرخشد، استقبال عظیمی از آن شد، استقبالی که ما هرگز انتظار آن را نداشتیم، تیراژ مجله از یکی دو هزار نسخه شروع و مرتباً افزایش یافت، کار به جایی رسید که تیراژ مجله از صدهزار هم گذشت! و به تمام نقاط مملکت فرستاده می‌شد، از مدارس و دانشگاه‌ها گرفته تا ادارات و بازار، و موج عظیمی ایجاد کرد.»

حمایت آیت‌الله العظمی بروجردی (رحمت‌الله) و مزاحمت رژیم

طاغوت

این جریان در زمان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بود و چون این حرکت‌های به اصطلاح روشنفکری در حوزه و محیط روحانیت وجود نداشت ما و دوستان گفتیم: شاید آیت‌الله العظمی بروجردی با آن مخالفتی کنند و نگران بودیم. مجله را خدمت ایشان فرستادیم و منتظر عکس‌العمل ایشان بودیم، غافل از این که آن مرجع بزرگ و بسیار قدرتمند و پرنفوذ، روشن‌تر از آن بود که ما و دیگران فکر می‌کردیم. به دنبال بعضی از دوستان فرستاد و به وسیله ایشان پیغام داد: من شماره‌هایی از مجله شما را خوانده‌ام، بسیار خوب است و گفتند: من از شما حمایت خواهیم کرد. حمایت ایشان برای ما بسیار پرارزش بود، زیرا مجله، بر خلاف روال عادی مطبوعات یعنی بدون امتیاز! منتشر شده بود چراکه حکومت وقت، اجازه نشر



تأکید کردم که اگر این گونه برنامه‌ها که بر ضد روحانیت است ترک نشود، ما روزنامه اطلاعات را در سرتاسر مملکت تحریم خواهیم کرد و با نفوذی که این مجله در سراسر مملکت دارد این تحریم مؤثر واقع خواهد شد.

چیزی نگذشت که نامه‌ای مبنی بر عذرخواهی آمد که ما نظرم‌ان توهین به روحانیت نبوده، ولی شما چون تشخیص می‌دهید توهین بوده، سفارش می‌کنیم این کار تکرار نشود و شما بزرگوارتر از آن هستید که روزنامه اطلاعات را تحریم کنید، پیدا بود خیلی دست پاچه شده بود و می‌بایست هم چنین باشد.»

نقش بزرگان در مجله مکتب اسلام

سپس به نقش مؤثر بزرگانی چون علامه طباطبائی (رحمة الله) و شهدای گرانقدری چون مطهری، بهشتی، مفتاح و امام موسی صدر اشاره می‌کند و از سهم قابل توجه این زبان گویای حوزه علمیه در هموار کردن راه انقلاب و نیز از وضعیت فعلی مجله سخن می‌گوید و می‌فرماید:

«دوستان ما در این مجله افرادی بودند که بعداً در زمره شخصیت‌های بزرگ روحانی درآمدند، امام موسی صدر، مرحوم آیت الله شهید مطهری، مرحوم آیت الله شهید بهشتی و آیت الله شهید مفتاح و حتی اساتید بزرگی مانند علامه طباطبائی در نوشتن مقالات و پیشبرد اهداف مجله، سهیم و شریک بودند. بعدها که با اقشار مختلف تماس گرفتیم احساس کردیم که یکی از چیزهایی که راه را برای انقلاب هموار کرد همین مجله مکتب اسلام بود، برای این که بسیاری از شخصیت‌هایی که الان در رأس کارهای مهم یا نسبتاً مهمی هستند وقتی با ما تماس می‌گیرند می‌گویند: ما از خوانندگان و پرورش یافتگان این مجله بودیم و واقعیت هم این بود که تنها زبان گویای حوزه علمیه قم همین مجله بود. این مجله در حال حاضر نیز منتشر می‌شود (منتهی جمعی از دوستان زحمت آن را می‌کشند و من به خاطر مشکلاتی که شرایط فعلی برایم فراهم کرده، توان همکاری ندارم) البته فعلاً نه به آن تیراژ سابق، چرا که الحمدلله، الان مجلاتی از این قبیل در حوزه علمیه و خارج حوزه فراوان شده و مقداری از آن خلأ را پر می‌کند اما، این مجله تقریباً تنها نوری بود که در آن تاریکی زمان شاه می‌درخشید.»

مسائل مستحدثه و حوادث واقعه

پنجمین موردی را که در رابطه با ابتکار و خلاقیت استاد، می‌توان از آن نام برد، حرکت بسیار ارزنده‌ای است که در سال‌های اخیر در زمینه مسائل مستحدثه فقهی در حوزه علمیه مشهد و در فصل تابستان شروع کردند.

می‌دانیم که پرداختن به حوادث واقعه، به خاطر حدیث و جدید بودن و عدم سابقه طرح آنها به خصوص، در کتب فقهی فقهای

گذشته و در نتیجه دم دست نبودن منابع و مدارک آن و بلکه آشنا و مأنوس نبودن ماخذ آن، کار بسیار پرزحمت و پردردسری است که نیاز به حوصله، مهارت، قدرت اجتهادی پیل افکن و جرأت و شهامتی لازم برای رسیدن به یک نتیجه روشن و قابل عرضه و عمل، دارد. استاد، خود در این باره چنین توضیح می‌دهد:

«من این سال‌ها در ایام تابستان، چند هفته مشرف به زیارت آستان قدس رضوی می‌شوم، چندین سال برای طلاب، در مشهد در همان چند هفته، مسائل مستحدثه فقهی را مورد بحث قرار دادم. که به عقیده من این مباحث یک دریای مواج و مهم است، به علت این که تغییرات فوق العاده‌ای که در عصر و زمان و زندگی انسان‌ها به وجود آمده، از یک طرف، و از سوی دیگر روی کار آمدن حکومت اسلامی سبب شده، مباحث تازه مختلفی در زمینه مسائل سیاسی، اقتصادی، قضایی، طب و بهداشت، جرم‌شناسی و حتی در عبادات، پیدا شود، و ما معتقدیم فقه ما جواب‌گوی نیازهای هر زمان و مکان است و هرگز در فقه ما سؤالی بدون جواب وجود ندارد.»

روایات زیادی هم از معصومین (علیهم السلام) شاهد بر همین مطلب نقل شده است. بنابراین فقهای ما باید زحمت بکشند و از متون ادله و منابع غنی و سرشاری که در مباحث فقهی در دسترس ماست پاسخ این سؤالات و مانند آن را به دست آورند. ما این سؤالات

نوشتن، شدیداً بیزار بوده و هست که در خصوص روان نویسی ایشان در مباحث آینده، مطالبی خواهد آمد.

نگاه به تفسیر نمونه از این زاویه و شاید برای اولین بار، تقسیم و تجزیه مباحث آن به دو بخش کلی: ۱- مباحث توضیحی و ادبی مربوط به ظاهر آیات و جملات و مفردات ۲- نکته و پیام‌ها، و به این صورت قابل هضم شدن مفاهیم تفسیری برای «خاص و عام»، بهترین گواه بر مدعای فوق است. این روش در تفسیر نهج البلاغه، تکامل یافته، به این صورت که ابتدا، سند خطبه مورد بحث قرار می‌گیرد (البته در پاورقی، به جهت فنی و تخصصی بودن که در نتیجه از حوصله عامه مردم خارج است) سپس مجموع خطبه به چند بخش متناسب تقسیم شده، هر بخشی مستقلاً شرح و تفسیر می‌شود، یعنی جمله به جمله آن مورد بحث واقع شده، مراد و محتوای هر جمله و ارتباط آن با قبل و بعد، به روشنی مورد دقت نظر قرار می‌گیرد، و در مرحله سوم، نکته‌ها و پیام‌هایی که از این بخش به دست می‌آید با تیترو و عنوان مناسب، بیان می‌شود و در مرحله چهارم تمام لغات مشکله این بخش در پاورقی (باز هم به جهت خارج بودن این مسائل از حوصله عامه) مورد بررسی قرار می‌گیرد و در آخرین مرحله، بازگشت به آغاز، این بخش از خطبه ترجمه می‌شود.

این نحوه از عرضه و ارائه که عبارات عمیق و احیاناً به ظاهر پیچیده و معقد خطبه‌های نهج البلاغه را برای خاص و عام «راحة الحلقوم» می‌سازد، دلیل روشنی است بر مدعای مزبور؛ چنان که اگر به مکتب اسلام ایشان نیز از این منظر نگاه شود تصدیق می‌شود که این مجله ابتکاری ترین شیوه عرضه معارف و مفاهیم دینی در آن عصر، به حساب می‌آید.

مورد دیگر تفسیر موضوعی «پیام قرآن» است که انصافاً روش تازه و بدیعی در عرضه یک دوره اصول عقاید و معارف اعتقادی و اخلاقی و... قرآن، می‌باشد و حقاً - چنان که بعضی از اساتید حوزه، تأکید داشتند - جا دارد که به عنوان کتاب درسی حوزه‌ها در آید.

در این کتاب تمام مباحث اعتقادی از شناخت‌شناسی گرفته تا مباحث معاد و عدل و امامت و نیز مباحث حکومتی و اخلاقی اسلام، از نظر آیات قرآنی (با چاشنی قرار دادن روایات و نکات تاریخی در لابه لای مباحث) مورد بحث قرار می‌گیرد به این صورت که ابتدا مجموعه آیات مربوط به یک عنوان اعتقادی شناسایی شده، سپس به همان سبک تفسیر تربیتی، ترجمه، شرح و تفسیر می‌شود آن گاه نکته‌هایی که از جمع‌بندی این آیات در ارتباط با آن عنوان اعتقادی به دست می‌آید یکی پس از دیگری بیان می‌گردد.

مورد چهارم کتاب «فیلسوف‌نماها» است که صرف نظر از خلاقیتی که از حیث محتوا در آن، اعمال شده (و بحث گذشت) از جهت عرضه و ارائه مطالب نیز - لااقل در محدوده حوزه و کتاب‌های حوزوی و دینی - شاهکاری از ذوق و هنر و نوآوری است؛



را در چند سال، در آن درس‌های خارج تابستانی در جوار حرم مقدس رضوی (علیه‌السلام) و با استمداد از روح پرفتوح آن حضرت تعقیب کردیم و یادداشت‌هایش جمع‌آوری می‌شد و این‌ها به صورت کتاب‌های متعددی در آمده و منتشر شده است و بحمدالله اثر فقهی خوبی است. امیدوارم آیندگان هم به سهم خودشان برای گشودن این عقده‌ها تلاش و کوشش کنند و ثابت کنند که فقه در هیچ زمینه کمبودی ندارد و جواب‌گوی همه نیازها و سؤال‌ها خواهد بود و این خود یکی از نشانه‌های جاودانگی آیین مقدس اسلام است.»

اندیشه نوین با عرضه نوین

ششمین و آخرین موردی را که می‌شود در ارتباط با ابتکار و خلاقیت استاد ذکر نمود ابتکارات و ذوقیاتی است که در نحوه عرضه و ارائه فرآورده‌های دینی اعم از مسائل تفسیری، اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی به کار می‌گیرند.

استاد، حفظ باطن و محتوا را بی‌تغییر قالب و ظاهر، ناممکن می‌داند، و معتقد است که در روش آموزش دین، مسائل بسیاری وجود دارد که نیازمند به تحول است و با این تلقی، شیوه جدید نگرش به مکتب و نگارش آن را آغاز کرده، او خود از گذشته دور، شیوه نویسندگی را تدریس می‌کرد و پیوسته از تکلفات قلمبه حرف زدن و پیچیده

دقیقاً به این تحول و دگرگونی التفات دارد در مقدمه کتاب «انگیزه پیدایش مذاهب» می‌گوید:

«برخورد افکار در عصر ما که عصر ارتباط‌های وسیع و سریع است، امری اجتناب‌ناپذیر است، جنگ عقاید در عصر ما از جنگ‌های نظامی، وسیع‌تر و گسترده‌تر می‌باشد و وجود وسائل مجهز ارتباط جمعی به این جنگ، وسعت بی‌سابقه‌ای بخشیده است.

جایی که نیمی از مردم جهان (حدود دو میلیارد نفر) فی‌المثل می‌توانند یک

مسابقه ورزشی را با وسائل روز مشاهده کنند، یا یک مجله یا

روزنامه در چندین میلیون نسخه در پنج قاره دنیا منتشر

می‌گردد، اهمیت برخوردار

عقاید با استفاده از این وسائل را آشکارتر می‌سازد.

برای پی بردن به اهمیت

موضوع، کافی است بدانیم

این تعداد تماشاکننده یا

مستمع، به آن اندازه است

که اگر ما بخواهیم همه روز،

جلسه‌ای بالغ بر یک هزار نفر

داشته باشیم، شش هزار سال تمام

یعنی تمام طول تاریخ گذشته بشر را

اشغال خواهد کرد و یا اگر کتابی را از

آغاز تاریخ بشر تا امروز هر سال تجدید

طبع در یک‌هزار نسخه می‌کردیم مجموعاً به

اندازه تیراژ یکی از این مطبوعات آن هم در یک

روز می‌شد!»

در پایان این فصل لازم است به یک سؤال پاسخ

داده شود و آن این که آیا چنین ذهن مبتکر و خلاق

در همه انسان‌ها وجود دارد و یا در بعضی از

انسان‌ها به ودیعت گذاشته شده است؟ و در هر

صورت چگونه می‌شود قوه خلاقیت را شکوفا کرد

و به فعلیت رساند؟

در جواب سؤال اول باید گفت که شواهدی

از آیات و روایات دلیل بر آن است که همه

انسان‌ها بالقوه از نوعی از ابتکار و خلاقیت

برخوردارند و اساساً این نکته از امتیازات

نوع انسان بر سایر انواع است و ممکن

است آیه «علمه البیان» در سوره «الرحمن»



در آغاز طلبگی وسواس عجیبی به من دست داد، و این وسواس تدریجاً گسترش پیدا کرد و به همه چیز، حتی اصول اعتقادی کشیده شد و در همه چیز گرفتار وسواس شده بودم شاید گاه در وجود خودم نیز شک می‌کردم!



زیرا اولاً: مطالبی که به عنوان نقد سخنان «مارکسیسم و ماتریالیسم» در آن بیان گردیده با حقایق شیرین و جالب اجتماعی و تاریخی آمیخته شده و ثانیاً: در قالب قصه و داستان در آمده است.

استاد خود در این زمینه در مقدمه کتاب می‌نویسد: «نگارنده سال‌ها

در اطراف این مکتب (مکتب مارکسیسم) و عواقب خطرناک معنوی و

مادی که از آن متوجه عالم بشریت می‌شود، مطالعاتی به عمل آورده...

مانع بزرگی که بیش از هر چیز بر سر این راه خودنمایی می‌کرد، عدم

اطلاع غالب افراد از اصطلاحات فلسفی جدید و قدیم بود ولی آن هم با

حذف آن اصطلاحات و یا تبدیل به عبارات ساده معمولی - بدون این

که ارزش حقیقی خود را از دست دهد - از میان برداشته شد. باز برای

کمک به این منظور، مطالب مزبور را با یک رشته حقایق شیرین و

جالب اجتماعی و تاریخی آمیخته، و در قالب داستانی ریختیم تا فهم

آن از هر جهت سهل و آسان باشد.»

و درست به همین دلیل نزدیک به «چهل بار!» این کتاب به زیور

طبع آراسته شد و با استقبال عجیبی روبرو گشت.

مورد پنجم کتاب «خدا را چگونه بشناسیم» است که باز استاد در

مقدمه آن می‌نویسد:

«فلاسفه در شناسایی صفات خدا راهی را انتخاب کرده‌اند و علمای

علم کلام راه دیگری و علمای حدیث هم به نوبه خود راه ثالثی را

پیموده‌اند. آرزوی ما این است که در این باب از راهی برویم که مزایای

همه راه‌ها را داشته باشد، در عین حال از نقاط ضعف آنها نیز خالی

باشد و در این راه، حداکثر کوشش خود را به کار می‌بریم، لذا روش

بحث‌های آنها را به هم آمیخته و روش معتدلی که قاعدتاً به حقیقت

نزدیک‌تر است انتخاب می‌کنیم.»

در هر حال، هم فکر نوین، عرضه نوینی را طلب می‌کند و هم، عصر

نوین با شنوندگان و خوانندگان و بینندگان جدیدش، اقتضا دارد که

معارف و فرآورده‌های دینی با ابتکاری‌ترین شکل، ارائه و بلکه با

مجهزترین و جدیدترین وسائل ارتباط جمعی، عرضه شود، استاد که



من فکر می‌کنم بخشی از وسواس، خاصیت دوران بلوغ است که من به آن نزدیک می‌شدم، دوران بلوغ دوران استقلال فکری است و انسان می‌خواهد با تقلید خدا حافظی کند لذا اگر آموزش کافی نباشد طبیعی است که گرفتار وسواس می‌شود



که این حالت خواب است یا بیداری؟!؟

کار وسواس من گاه به جایی می‌رسید که امروز وقتی یادی از آن می‌کنم برای من مضحک است، مثلاً صبحگاهان ماه رمضان، هنگامی یقین به طلوع فجر پیدا می‌کردم که شک داشتم آیا آفتاب طلوع کرده است یا خیر؟!؟»

ریشه‌های وسواس

استاد این وسواس عمیق و گسترده را تحلیل می‌کند و از علل و ریشه‌های آن سخن می‌گوید و می‌فرماید:

«من فکر می‌کنم بخشی از وسواس، خاصیت دوران بلوغ است که من به آن نزدیک می‌شدم، دوران بلوغ دوران استقلال فکری است و انسان می‌خواهد با تقلید خدا حافظی کند لذا اگر آموزش کافی نباشد طبیعی است که گرفتار وسواس می‌شود.

بخش دیگری از وسواس زاینده ناآگاهی و جهل نسبت به مسائل فروع دین، طهارت و نجاست، حلال و حرام و مانند آن است، و اگر انسان خوب مسائل را فراگیرد این بخش از وسواس برطرف خواهد شد. بخش دیگر از وسواس زاینده بیکاری و فراغت است که اگر انسان کاری پیدا کند آن را فراموش می‌کند. من گرفتار بخش سوم، قطعاً نبودم چون بیش از حد کار می‌کردم، ولی دوران بلوغ نزدیک می‌شد و در مقابل ده‌ها و یا صدها پرسش که در ذهن من بود جوابی نمی‌یافتم، این حالت بعد از بلوغ، شاید تا سن بیست و چندسالگی ادامه یافت و بیداد می‌کرد و مرا بسیار رنج می‌داد! انبوهی از سؤالات پیچیده‌ای مانند اشکالات معروف «هیوم» در برهان نظم و اشکالات فراوان مادی‌ها و طبیعی‌ها و وهابی‌ها و امثال آنها به فکرم هجوم آورده بود و روح مرا شدیداً تحت بمباران خود قرار می‌داد، و در آن محیط کسی نبود که جواب سؤالات و مشکلات مرا بدهد. استادم مرد فاضلی بود ولی با همان علم کلام سنتی آشنا بود و تنها می‌توانست مشکلات فقهی را تا حدود زیادی برطرف کند.»

ناظر به همین باشد.

خلاقیت و ابتکار چگونه شکوفا می‌شود؟

در جواب سؤال دوم می‌توان گفت: یکی از اسباب شکوفا شدن قوه ابتکار، حصول شک و تردید و بلکه وسواس در هر مسأله‌ای است که به ذهن انسان عرضه می‌شود.

اگر مسأله مطروحه،

برای شاگرد، به

شکل عقده‌ای

درآید و

بی اعتمادی

خاصی نسبت به

تحقیقات و افکار

دیگران، در او،

به وجود آید

به گونه‌ای

که در همه

چیز شک

کند، چنین

ش... اگر دی

قطعاً آرام

نمی‌گیرد و با تلاش و

پیگیری خاص، به نوآوری

دست می‌یازد.

روایتی که خود استاد از

دوران جوانی‌اش دارد دقیقاً

گواه بر چنین چیزی است،

می‌فرماید:

«در آغاز طلبگی وسواس

عجیبی به من دست داد، از

مسائل طهارت و

نجاست شروع شد، و این

وسواس تدریجاً گسترش

پیدا کرد و به همه چیز،

حتی اصول اعتقادی

کشیده شد و در همه چیز

گرفتار وسواس شده بودم

شاید گاه در وجود خودم نیز

شک می‌کردم! یا این که در

حالات بیداری شک می‌کردم



وسواس خود به سراغ مردان آگاه و دل سوز و پرتجربه بروند.

به هر حال این طوفان فکری که در درون روح من پیدا شده بود و سال ها ادامه پیدا کرد هرگز مانع درس و بحث من نبود بلکه به عکس احساس می کردم فشار به درس و اشتغال فکری تا حد زیادی آن را تسکین می دهد، و در هر صورت با این مسائل درگیر بودم که به حوزه علمیه قم وارد شدم.»

پشتکار و نظم در امور

از ویژگی های استاد، پشتکار در عمل و با قوت و قدرت به کار ادامه دادن و از مسامحه گری و سهل انگاری پرهیز کردن است. دو نصیحت و پند استاد، همیشه به یاد می آید و در خاطره زنده می شود:

الف: می بایست کار را با قوت شروع کرد و تسامح و سستی ای در آغاز کار نداشت و این نکته ای است که استاد بارها در ابتدای سال تحصیلی با آهنگ محرک و عزم آفرین خود بیان می داشت و این آیه را تلاوت می کرد که (یا یحیی خذ الكتاب بقوه).

و گاه این بیت شعر را نیز با حرارتی خاص بر زبان جاری می ساخت:

من نمی گویم سمندر باش یا پروانه باش
چون به عشق سوختن افتاده ای، مردانه باش!
ب: و می بایست پس از شروع نیز، با پشتکار تمام آن را ادامه داد و در این رابطه نیز اولاً به این آیه تمسک می کردند که: (و الذین جاهدوا فینا لنهذبینهم سبلنا) و می فرمودند: رمز موفقیت و پیشرفت یک طلبه، دو چیز است: یکی جهاد و به کارگیری نهایت تلاش و پشتکار (جاهدوا)، و دیگر خلوص نیت (فینا)، و ثانیاً به گذشته تاریخ اشاره می کردند و می فرمودند: اگر تاریخ مردان بزرگ را ورق بزنیم و زندگی عالمانی که خدمت به اسلام نمودند و کار زمین افتاده ای را بلند کردند بررسی نماییم به این نتیجه می رسیم که غالب این بزرگان این گونه نبودند که از استعداد و نبوغ فوق العاده ای برخوردار باشند بلکه ای بسا استعداد متوسطی را دارا بودند ولی به خاطر پشتکار فوق العاده ای که داشتند خدمت فوق العاده ای را متحمل شدند.

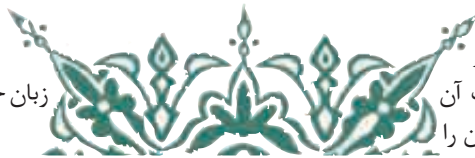
مهم شکوفا ساختن است

به بیان دیگر: حتی انسان های متوسط هم اگر با تلاش و پشتکار، استعداد های نهفته و بالقوه آنان به فعلیت رسد و در مسیر واقعی خودش به جریان افتد، قدم های بزرگی را می توانند بردارند و خدمات شایانی را می توانند به انجام رسانند. بسیاری کسانی که بالقوه از قدرت بیان و یا توان نویسندگی خوبی برخوردارند اما چون سعیشان را در راه شکوفایی آن به کار نگرفته اند و تمرین و ممارست لازم را به عمل نیاورده اند نه خوب می توانند سخن بگویند و خطابه ایراد کنند و نه خوب

آثار روانی و جسمی و رنج های فوق العاده وسواس

آن گاه به آثار فیزیکی و روانی آن و درد و رنج های فراوان جسمی و روحی ای که در این رابطه متحمل شده اشاره کرده، و چنین حکایت می کند:

«در این دوران رنج های زیادی کشیدم و روز به روز پژمرده تر می شدم، دائماً در فکر بودم، خود را بیگانه از همه و همه را از خود بیگانه می دانستم فکر می کردم در عالمی غیر از عالم دیگران زندگی می کنم، شاید می خواستم فریاد بکشم، ولی فریاد سودی نداشت، کسی را می خواستم که جوابگوی انبوه سؤالات من در مورد مبدأ و معاد و اصول و فروع دیگر باشد. هنگامی که این افکار مرا زیاد تحت فشار قرار می داد گاه در گوشه ای خلوت می نشستم و زار زار گریه می کردم و به همان خدایی که در راه معرفتش گرفتار وسواس شده بودم پناه می بردم. دلم می خواست آخر شب بیدار شوم و بتوانم نماز شب بخوانم و با خدا راز و نیاز کنم، ولی بیدار شدن در آن سن و سال برایم بسیار مشکل بود. فکر



به هر حال این طوفان فکری که در درون روح من پیدا شده بود و سال ها ادامه پیدا کرد هرگز مانع درس و بحث من نبود بلکه به عکس احساس می کردم فشار به درس و اشتغال فکری تا حد زیادی آن را تسکین

می دهد



کردم ساعت زنگ داری پیدا کنم. یکی از شاگردان من که شاید در ساعت فروشی کار می کرد ساعت زنگ داری آورد و گفت: قیمت آن سیزده تومان است من به صورت محترمانه آن را بازگرداندم برای این که در آن زمان که شاید تمام شهریه من در یک ماه سه تومان بود امکان خریدن چنین ساعتی وجود نداشت.»

برکات وسواس!

استاد در پایان، آثار مثبت و فواید و برکات وسواس و نیز راه اصلی درمان آن را این گونه توصیف می کند:

«این درد و رنج ها گرچه بسیار طاقت فرسا بود ولی برای من برکات زیادی نیز به همراه داشت، مرا مجبور کرد که آثار مختلف بزرگان و دانشمندان را در مسائل اعتقادی و کلامی مطالعه کنم و در ادله آنها زیاد دقت نمایم و در آیات قرآن و روایات غور کنم، و شاید همین ها بود که خمیرمایه فکری من برای نوشتن کتاب های زیادی در اصول دین در زمان های بعد شد.

برای آگاهی به مسائل فرعی و عملی و از بین بردن ریشه های وسواس کتاب «عروة الوثقی» را بارها مطالعه کردم و همین سبب شد که تسلط زیادی بر مسائل فرعی (نه به صورت استدلالی بلکه به صورت معمولی و عادی) پیدا کنم و فکر می کنم اگر با این گونه وسواس ها برخورد سازنده ای شود، موجب جهش های فکری خواهد شد، و اگر برخورد منفی و مایوسانه با آن گردد ممکن است انسان را خدای نخواستہ نسبت به دین و ایمان به کلی بیزار کند، همان گونه که نمونه هایش را در طول عمرم در بعضی از افراد، دیده ام و همین جاست که به عزیزی که دچار وسواس هستند هشدار می دهم که برای درمان



علم

القرآن - خلق الانسان

علمه البیان) و در جای دیگر به

قلم سوگند یاد می‌کند و به محتوای قلم (ن و

القلم و ما یسطرون). این نکته معلوم است که همیشه به

چیزهای مهم سوگند می‌خورند.

حدیث معروف «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» را همه شنیده‌ایم که می‌گوید: مرکب‌های قلم‌های دانشمندان از خون شهیدان هم گرانبه‌تر است! چرا که، قلم‌های علما، انگیزه قیام شهیدان است، به علاوه، پاسداران خون شهیدان هم، همین قلم‌های دانشمندان است. در حدیث معروفی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: هنگامی که انسان از دنیا می‌رود رابطه‌اش با عالم، قطع و امیدش از همه چیز بریده می‌شود مگر از سه چیز، یکی از آن سه، همان علومی است که از او به یادگار می‌ماند یعنی یا از طریق بیان به شاگردانش منتقل می‌شود و یا از طریق قلم و کتاب‌هایش.»

روایت یکی از دوستان و همراهمانش نیز در این رابطه شنیدنی است که می‌گوید:

می‌تواند بنویسد و مقاله یا کتاب تألیف نمایند.

«شکی نیست که فن

نویسندگی و سخنوری، به

همه انسان‌ها از سوی خدا

یکسان داده نشده، ولی به هر

حال هر کسی از این دو موهبت،

مقداری برخوردار است، گرچه

نویسندگی و سخنوری را باید جزء

هنرها و یا مهم‌ترین هنرها به حساب

بیاوریم ولی به عقیده من مثل فن شعر

نیست که بعضی ذوق آن را داشته باشند و

بعضی فاقد آن باشند، بلکه هر کس

می‌تواند از این دو بهره‌مند باشد حرف دلش

را بزند، عقیده‌اش را بنویسد و از آن دفاع کند،

بنابراین باید همه فضلا و طلاب بکوشند به

اندازه توان خودشان از طریق تمرین و ممارست و

دیدن مکتب استاد، به این دو شمشیر مجهز شوند

و سخنوری و نویسندگی را فرا بگیرند. من در دوران

دیستان و دبیرستان، شکوفایی قلم نداشتم و به

اصطلاح انشاهایی که می‌نوشتیم از انشای دیگران

چندان بهتر نبود زیرا زمینه شکوفایی این استعداد فراهم

نشده بود، تجربه من این است که برای آشنا شدن به فنون

نویسندگی و کسب مهارت، لازم است آثار نویسندگان خوب

مطالعه شود، من مدتی این کار را کردم، کتاب‌هایی که در

نوع خودش موفق بود و به همین دلیل زیاد چاپ شده بود و

مورد استقبال و بر سر زبان‌ها بود را مطالعه می‌کردم و روی

بندیدم جمله‌ها می‌ایستادم و فکر می‌کردم و تجربه‌های آنها را

جمع می‌نمودم. البته تجربه دیگر این است که کار زیر نظر استاد،

با سرعت بسیار بیشتری پیش می‌رود، من خودم متأسفانه استادی در

نویسندگی نداشتم، بلکه همان طور که عرض کردم از نوشته‌های خوب

دیگران (که آن هم نوعی استفاده از استاد محسوب می‌شد) استفاده

می‌کردم، ولی کسانی که در جلسات ما بودند و فن نویسندگی را به

صورت منظم فراگرفتند، خیلی سریع‌تر پرورش یافتند، و آثار خوبی

منتشر ساختند.»

جایگاه مهم نویسندگی و سخنوری

سپس اهمیت دو فن سخنوری و نویسندگی را گوشزد کرده، می‌فرماید:

«در آیات قرآن و احادیث اسلامی از این دو موضوع به عنوان دو

موهبت بزرگ الهی یاد شده است، مثلاً در سوره «الرحمن» بعد از آن که

صحبت از آفرینش انسان می‌کند، بلافاصله مسأله بیان ذکر می‌شود (الرحمن -

ندارد ساعتی که وارد مدرسه می‌شود و در اتاق مخصوص خویش مشغول فعالیت می‌گردد تا ساعتی که از مدرسه خارج می‌شود در تمام ایام سال، تغییری نمی‌کند، شاید بشود گفت: بهره‌ای را که ایشان از تعطیلاتشان می‌برند بیش از بهره‌ای است که از ایام تحصیل نصیبشان می‌شود!

اگر چنین نبود به هیچ وجهی ممکن نبود که تفسیر تمامی قرآن را آن هم با آن گستردگی و جامعیت در عرض پانزده سال به اتمام برسانند؛ کاری که به تعبیر بعضی از اساتید بزرگ و معروف حوزه از مواهب الهی است. جالب است که این سخت کوش مصمم، در ایام تبعید نیز، دست از تلاش برنمی‌داشتند و در روزهای سیاه و سهمگین مبارزه با طاغوت، در محل تبعید نیز کار جلسات تفسیری را ادامه می‌دادند. استاد، خود در این زمینه چنین حکایت می‌کند:

«یادم نمی‌رود همین تفسیر نمونه را که می‌نوشتیم شب و روز، وقت اضافی را که داشتیم صرف آن می‌کردیم... در تبعیدگاه مشغول تفسیر نمونه بودیم، چون مجال بسیار وسیعی برای این کار داشتیم، ده نفر از دوستان که با من همکاری می‌کردند دو نفر دونفر به نوبت به تبعیدگاه می‌آمدند، البته آمدن آن‌جا مشکلات سیاسی و غیرسیاسی هم داشت منتهی به هر حال می‌آمدند و کار را ادامه می‌دادیم. گاه در مسافرت با قطار مشغول نوشتن کتاب بودم و در هواپیما نیز همین گونه، در اتومبیل نوشتن، مشکل است ولی مشغول فکر کردن و یادداشت برداشتن می‌شدم. بسیاری از مطالب و اشعار را در سفرها نوشتیم و یادداشت کردم. اعتقاد ما بر این است که تمام مؤلفان بزرگ، افراد پرکاری بودند.»

چهارده ساعت کار در شبانه روز

این سخت کوش خستگی‌ناپذیر می‌گوید:

«من از کار کردن بحمدالله خسته نمی‌شدم، الان هم که بیش از هشتاد سال از عمرم می‌گذرد شاید بعضی از روزها چهارده ساعت کار می‌کنم و چون کار مورد علاقه من است، سبب نشاط من می‌شود نه سبب خستگی. شاید تعجب کنید اگر این حرف را بزنم، که گاه آنقدر غرق کار می‌شوم که مثلاً می‌خواهم ناخن‌های دستم را بگیرم، ناخن یک دست را امروز می‌گیرم، وقت برای دست دوم پیدا نمی‌کنم به فردا موکل می‌کنم، گاه حتی مجال نوشیدن آب هم پیدا نمی‌شود، وقتی آن



یکی

از جهاتی که در ترقی

ایشان دخیل بود پشتکار و جدیت تمام

است. یاد دارم در شیراز وقتی که در مدرسه آقاباباخان

بودیم در شبانه روز فقط چهار ساعت استراحت داشتیم با این که از

تعطیلات نیز (برای استراحت) استفاده نمی‌کردیم.»

همراه و دوست دیگری نیز چنین حکایت می‌کند:

«یکی از خصایصی که از ایشان اطلاع دارم پشتکار ایشان است، پدر

ایشان مرحوم شد، ما و استاد ایشان رفتیم تشییع جنازه و برگشتیم،

ایشان منزل رفتند و فردا آمدند سر درس. در تمام سال در آن مدرسه،

درس و بحث بود، تعطیلی نبود، جز روز جمعه و سه روز در سال: عاشورا

و ۲۸ صفر و ۲۱ ماه رمضان، جدأ شب و روز مشغول بود، بعد هم که قم

آمدند درس مرحوم آیت‌الله العظمی محقق داماد می‌رفتند و از

شاگردان برجسته ایشان بودند.»

پرکاری

از مسائل جالب این که: تعطیلات در قاموس کاری استاد مفهومی

که مهم‌ترین و عالی‌ترین رشته‌هاست چراکه نتیجه‌اش هدایت انسان‌هاست و مسأله‌هدایت و تربیت در جامعه، بالاترین و ضروری‌ترین نیازهاست و جامعه بدون اخلاق و انسانیت، کالبدی است بی‌روح (و تفاوتی با جوامع حیوانی ندارد بلکه درنده‌تر و پست‌تر از آن خواهد شد، اگرچه از بالاترین تکنولوژی و بیشترین و قوی‌ترین پزشکان و مهندسان و ارباب سایر فنون و علوم برخوردار باشد) اگر کسی این‌گونه بیندیشد و بر اساس چنین بینشی این رشته را انتخاب کند یعنی راهش را راه انبیا و رشته‌اش را رشته اولیای دین، و خودش را سربازی برای دین و خادم امام زمان (عج) بداند و با این بینش، عشق به تحصیل و تحقیق و تألیف، پیدا کرده باشد، مسلماً چنین انسانی، هم پرکار می‌شود و از کار کردن خسته و ملول نمی‌گردد و هم پشتکار به خرج می‌دهد و کار شروع شده را ناتمام و ابتر نمی‌گذارد.

خمس فرزندان تقدیم حضرت حجت

می‌شود

استاد که با همین بینش و با آرزوی سربازی امام زمان (عج) قدم به این راه گذاشت و بلکه پدر بزرگوارش با همین نیت و خلوص و به تعبیر آیت‌الله موحد به عنوان خمس فرزندان، او را تقدیم به حضرت حجت (عج) کرد از عشق سوزانی برخوردار شد که خستگی و دل‌مردگی را از او می‌زدود و قرار و استراحت را سلب می‌کرد!

او خود، از اقدام پدرش چنین حکایت می‌کند:

«از آن جایی که دروس، در مدرسه خان شیراز به صورت پاره‌وقت بود، و من هم عشق سوزانی نسبت به علوم دینی پیدا کرده بودم عشقی که تمام وجودم را شعله‌ور ساخته بود، این مقدار مرا سیراب نمی‌کرد و ضمناً امتحانات سال سوم دبیرستان من تمام شده بود، به مدرسه دیگری که طلاب تمام‌وقت درس می‌خواندند به نام «آقاباباخان» - که از مدارس معروف شیراز بود - رفتم و نزد آیت‌الله موحد شروع به تحصیل کردم. روزی او به بازار به مغازه پدرم آمد و به او گفت، شما پنج فرزند دارید یکی از آنها «ناصر» است، او را به عنوان خمس فرزندان تقدیم امام زمان (عج) کن و بگذار مرتب دروس علوم دینی بخواند، پدرم قبول کرد، این در حالی بود که حدود سیزده سال بیشتر نداشتم و پدرم به من نیاز داشت.»

عشق به امام زمان (عج)

ایشان در ارتباط با عشق و توجه به امام زمان (عج) می‌گویند:

«دقیقاً نمی‌دانم چند ساله بودم که عشق شدیدی به معرفت خداوند و اولیای دین و مخصوصاً امام زمان (عج) پیدا کردم شاید بیش از دوازده سال از عمرم نمی‌گذشت که دائماً احساس می‌کردم گمشده‌ای دارم که باید آن را پیدا کنم، به مسجد می‌رفتم، در جلسات وعظ شرکت می‌کردم، به زیارت حضرت شاه چراغ که در شیراز است می‌رفتم، ولی

را احساس می‌کنم که بسیار تشنه شده‌ام چون وقت نوشیدن آب هم در لابلای برنامه‌ها پیدا نشده است. این‌ها ممکن است برای بعضی عجیب باشد ولی برای کسانی که از نزدیک این مسائل را دیده‌اند چیز عجیبی نیست و خانواده و نزدیکان ما هم این مطلب را احساس کرده‌اند.»

همین نکته است که مسأله کثرت تألیفات (بیش از صد جلد) استاد را توجیه می‌کند و شبیه عجولانه کار کردن و کتاب نوشتن و «کیفیت را فدای کمیت کردن» را (که ممکن است نسبت به بعضی از مؤلفان کثیرالتألیف صادق باشد) درباره ایشان برطرف می‌سازد. کسی که شبانه روزی چهارده ساعت یا بیشتر کار کند و به تعبیر بعضی از همراهان: «آخرهای شب بیدار می‌شدند و بعد از نوافل، نماز صبح می‌خواندند و بعد هم مشغول مطالعه می‌شدند تا وقت صبحانه و سپس از حجره بیرون می‌رفتند برای کارهای روزانه از تعلیم و تعلم.»

خصوصاً اگر نسبت به دیگران، تا حد زیادی سرعت در کار هم داشته باشد و با توجه به نبوغ و استعداد ذاتی و ذهن جوال و خلاقیتی که شرح آن گذشت، سریع‌الانتقال در مسائل باشد و برای فهمیدن مطالب و حل و فصل گره‌های کور، معطلی نداشته باشد، چنین کسی به خوبی می‌تواند بین کثرت تألیف و اتقان و استحکام در کیفیت، جمع کند.

کیفیت فدای کمیت نشود

استاد خود، در این رابطه چنین می‌گویند:

«سفارش دیگر حقیر این است که ما کار عجولانه در هیچ جا مخصوصاً در مسأله تألیف انجام ندهیم، تألیف مثل تیری است که رها می‌شود، وقتی از دست انسان بیرون رفت و در جامعه پخش شد دیگر قابل جمع کردن نیست، در این جا و در همه جا سفارش حقیر این است که کمیت را فدای کیفیت نکنیم، کمتر بنویسیم با کیفیت بالاتر، شاید این اشکال را به من بکنید که پس شما خودتان تألیفات زیادی نوشت‌اید، حدود صد و بیست جلد کتاب کم نیست؟

جواب من این است که به راستی اگر من می‌خواستم کیفیت را فدای کمیت کنم خیلی بیشتر از این، چیز می‌نوشتم، ولی بعضی از این نوشت‌ها دوبار، سه بار بازنویسی شده، اینها محصول کثرت کار (گاهی چهارده ساعت در شبانه روز) و سرعت در کار است و تصور نمی‌کنم کیفیت را فدای کمیت کرده باشم.»

عشق به کار

شکی نیست که یکی از عوامل پرکاری، عشق به کار و راهی است که انسان انتخابش می‌کند چنان که اگر این عشق، عشق کوری نباشد بلکه بر حکمت‌ها و مصالح معقولی استوار باشد، هم سبب پرکاری و عدم خستگی در کار می‌شود و هم باعث پشتکار و تداوم و استمرار در آن. مثلاً اگر کسی رشته طلبگی و تحصیل علوم دینی را از این بابت اختیار کند

می رفتم، شب و روز در مدرسه بودم. شب‌ها که مشغول مطالعه می‌شدم تا دیروقت سعی بر مطالعه داشتم در آن وقت از چراغ نفتی استفاده می‌کردم، یک شب وسط مطالعه خوابم برد و چراغ هم واژگون شد صبح که بیدار شدم خودم را در یک طرف و کتاب و چراغ را در طرف دیگر دیدم که سیاه و خاموش بود و خدا رحم کرده بود که حجره آتش نگرفته بود. به هیچ وجه به تغذیه اهمیت نمی‌دادم و اصولاً وضع زندگی طلاب در آن روز، از امروز بسیار سخت‌تر بود. مجموع این امور سبب شد که از نظر جسمی بسیار لاغر و پژمرده شدم ولی عشق و شور و علاقه، همه اینها را جبران می‌کرد.»

نظم در همه امور

نظم استاد ما در کارها، هر انسان منظمی را به زانو در می‌آورد و آدم‌های غیر منظم را به ستوه می‌کشاند و این نکته‌ای است که افرادی که کم‌ترین تماس و برخوردی با استاد دارند به آن اذعان می‌کنند.

خود ایشان در این رابطه می‌گوید:

«نه تنها کارهای درسی و بحث و تحقیق بلکه حتی خوردن و خوابیدن و بیدار شدن و همه اینها باید مطابق نظم باشد و این نظم سبب می‌شود که ما از اوقات مان بهترین بهره را ببریم. اگر نظم نباشد ما نمی‌توانیم کارهای مهمی را انجام بدهیم. تألیفات مهم بدون برنامه‌ریزی منظم، غیرممکن است.»

حکایت‌های دوستان و همراهان، نشان از وجود چنین نظمی در استاد، از گذشته دور دارد. یکی از آنان می‌گوید:

«یک چیزی که از ایشان سراغ دارم نظم در کار بود، منظم بود، با برنامه حرکت می‌کردند، برنامه مطالعه، برنامه خواب، برنامه عبادت و برنامه کارهای حجره.»

اگر نظم نباشد تنوع کارهای استاد و کثرت مراجعات مردمی، خصوصاً پس از قبول مسئولیت «افتاء» و نشست بر کرسی مرجعیت، مشکلات فراوانی را به وجود می‌آورد، نظم و انضباط است که می‌تواند هر کاری را در جایگاه خودش قرار دهد و جوابگوی حجم زیاد سؤالات و استفتائات، در بخش‌های متنوع باشد. استاد

خود، در این رابطه می‌فرماید:

«نکنه دیگری که هم جنبه شخصی دارد و هم اجتماعی، این است که من معتقدم باید حتی الامکان به نامه‌های مردم جواب گفت.

این نامه‌ها اگر ادامه پیدا کند حلقه اتصال خوبی بین انسان و جامعه می‌شود. من سفارش کرده‌ام بخش نامه‌های دفتر، فعال باشد.

حتی الامکان به هر نامه‌ای جواب داده شود و نگذاریم این رابطه ضعیف شود، چون نامه‌ها آگاهی زیادی به انسان از وضع جامعه می‌دهد و به همین دلیل در حال حاضر، حجم نامه‌ها زیاد است و همه روز، مسئولین دفتر می‌آیند و نامه‌ها را باز می‌کنند و چون این نامه‌ها

گمشده خود را پیدا نمی‌کردم، توسل‌های مختلفی داشتم ولی باز سیراب نمی‌شدم، علاقه شدیدی به عبادت پیدا کرده بودم ولی در آن سن و سال کودکی، از عبادات، چندان سر در نمی‌آوردم، گاه نیاز به حمام پیدا می‌کردم و چون، در آن زمان حمامی در منازل وجود نداشت و من نیز بسیار کم رو بودم (و نمی‌خواستم از پدر و مادر پولی برای حمام بگیرم و اصولاً پسرها فقط همراه پدر به حمام می‌رفتند)، ناچار تک و تنها به بیرون شهر، محلی که قبر سعدی است و چشمه‌ای با آب نیمه گرم از آن جا عبور می‌کند و شاید حدود یک فرسخ تا منزل ما فاصله داشت می‌رفتم و خود را شست و شو می‌دادم و باز می‌گشتم، اما در دل، احساس رضایت می‌کردم و هنگامی که افتخار طلبگی را پیدا کردم، آن حالات، بسیار شدیدتر و قوی‌تر شد.»

عشق به تحصیل

در هر حال چنین عشق معقول و مقدسی بود که - همچنان که در فصل‌های قبل گذشت - سبب می‌شد که استاد در کمتر از دو شبانه‌روز، کتاب صمدیه را بدون استاد مطالعه کند و معمای استادش را جواب دهد و یا در عرض یک شبانه‌روز کتاب امثله و شرح الامثله را بخواند و امتحان دهد و به کلاس بالاتر، ارتقا یابد، خود استاد در این ارتباط می‌گوید:

«من این کارها را تنها مربوط به استعداد نمی‌دانم بلکه بیش از استعداد عشق و علاقه را در این امور مؤثر می‌دانم و عقیده دارم عشق و علاقه، کارهایی می‌کند که معجزه‌آساست و کمتر کسی می‌تواند آن را باور کند.»

و نیز می‌فرماید: «شب و روز، تابستان و زمستان، ماه رمضان و محرم و صفر، جز روز جمعه و بعضی از ایام تعطیلات مهم (سه روز در سال!) همه روز درس می‌خواندیم و در مدرسه چیزی جز مباحثه و تدریس حاکم نبود. عشق من روز به روز بیشتر می‌شد، هر مقدار درس می‌خواندم راضی نبودم مرتباً به استاد فشار می‌آوردم که بیشتر درس بدهد ولی او راضی نمی‌شد، شاید تصورش این بود که اگر کودکی سیزده ساله، این همه برای درس فشار بیاورد، به زودی پژمرده شده، آینده‌اش به خطر می‌افتد.

پیوسته با او در جنگ و گریز برای گرفتن درس بیشتر بودم و او سعی داشت من بیشتر از اندازه درس نخوانم و حق با او بود ولی شخصی که عاشق چیزی است تسلیم این حرف‌ها نمی‌شود!

شاید باور نکنید و حتی برای خودم باور کردنش مشکل است که من در آن ایام، شروع به تدریس مراحل پایین‌تر کرده بودم و گاه در همان مدرسه در یک روز، هشت جلسه تدریس داشتم و خودم نیز چندین درس و مباحثه داشتم و با این که منزل ما در شیراز با مدرسه، فاصله زیادی نداشت بسیار کم به منزل



در هر حال چنین عشق معقول و مقدسی بود

که - همچنان که در فصل‌های قبل گذشت -

سبب می‌شد که استاد در کمتر از دو شبانه

روز، کتاب صمدیه را بدون استاد مطالعه کند و

معمای استادش را جواب دهد و یا در عرض یک

شبانه‌روز کتاب امثله و شرح الامثله را بخواند

و امتحان دهد و به کلاس بالاتر، ارتقا یابد



شاید باور نکنید و حتی برای خودم باور کردنش مشکل است که من در آن ایام، شروع به تدریس مراحل پایین‌تر کرده بودم و گاه در همان مدرسه در یک روز، هشت جلسه تدریس داشتم و خودم نیز چندین درس و مباحثه داشتم و با این که منزل ما در شیراز با مدرسه، فاصله زیادی نداشت بسیار کم به منزل



حضرت آیت الله العظمی بروجردی شنیدنی و خواندنی است و ذکر آن در عنوان «آزاداندیشی و اعتماد به نفس» استاد خواهد آمد، لکن در این فصل بی تناسب نیست که گفته شود، اگر چه اقدامات اصلاح‌گرایانه استاد و دوستانش برای ایجاد نظم در حوزه، در زمان خود آن مرحوم (آیت الله العظمی بروجردی) مؤثر واقع نشد،

لکن در طول زمان و به دست بزرگانی چون مرحوم امام (قدس سره) و آت الله العظمی گلپایگانی که در زمان حیات مرحوم آیت الله العظمی بروجردی از علمای درجه دوم به حساب می آمدند ولی پس از او به عنوان علمای درجه اول و زعیم حوزه علمیه مطرح گردیدند تأثیر خویش را گذاشت که بهتر است مشروح جریان را از زبان خود استاد بشنویم:

«بعد از آیت الله العظمی بروجردی (رحمت

الله) و تحولاتی که به وجود آمد همه احساس کردند که مسأله امتحان مثلاً در حوزه‌ها جزو واجبات است، برای مراحل اولیه درس طلبگی، باید یک برنامه‌ریزی دقیق بشود و مدارس تحت پوشش این برنامه‌ها تأسیس بشود، از جمله آیت الله العظمی گلپایگانی، اولین مدرسه را به این سبک تأسیس کردند: برنامه منظم، ساعات درس

امانت‌های مردم است، من هرگز اجازه نمی‌دهم خود افراد دفتر، نامه‌ها را باز کنند. باید تنها در حضور خود من باشد تا این که آنها که جنبه محرمانه و اسرار مردم را دارد جدا بشود و آنها که جنبه سر و محرمانه ندارد در همانجا از هم تفکیک شود، نامه استفتا به بخش استفتا، و

نامه‌های مربوط به تقاضای کتاب به بخش مخصوص خودش برود، نامه‌های علمی روی آن نوشته شود: «نامه‌های علمی» و به بخش پاسخ علمی برود، نامه‌های عادی هم به بخش عادی برود که هر کدام مسئولی برای جواب دارد ولی امضاء نهایی نامه‌ها و مخصوصاً استفتانات، زیر نظر خود من خواهد بود تا بعد از تهیه شدن آنها را کنترلی بکنم.



روحیه نظم استاد وقتی با خصلت اصلاح‌گری و تحول و تکامل بخشی ایشان آمیخته شد برکات فراوانی را برای حوزه علمیه به بار آورد، برخوردار از چنین روحیه مثبتی سبب گردید که از عنفوان جوانی به فکر اصلاح و تنظیم برنامه‌های حوزه بیفتند



برکات نظم و روحیه اصلاح و تنظیم روحیه نظم استاد وقتی با خصلت اصلاح‌گری و تحول و تکامل بخشی ایشان آمیخته شد برکات فراوانی را برای حوزه علمیه به بار آورد، برخوردار از چنین روحیه مثبتی سبب گردید که از عنفوان جوانی به فکر اصلاح و تنظیم برنامه‌های حوزه بیفتند که در این رابطه قصه ملاقات ایشان (به اتفاق عده‌ای از دوستان و همراهان جوان) با



گلیپایگانی و آیت‌الله العظمی اراکی رسید و امضا کردند و مقام معظم رهبری نیز بر آن صحنه گذاردند و بنا شد سایر بزرگان که در قم هستند آنها هم صحنه بر آن بگذارند و به ثبت داده شود که از نظر حقوقی و قانونی پایه محکمی داشته باشد و اموال حوزه به نام اشخاص نباشد بلکه به نام همان شخصیت حقوقی باشد و از این طریق اموالی که در حال و آینده خواهد داشت از هر جهت مصون و محفوظ بماند. فراموش نمی‌کنم مرحوم آیت‌الله العظمی گلیپایگانی را در اواخر عمرشان در مورد مسائل حوزه، زیارت کردم، ایشان گریه می‌کردند و نسبت به آینده حوزه دلسوزی می‌نمودند، خیلی تأکید داشتند که سعی کنید استقلال حوزه محفوظ بماند (همان تأکیدی که همه بزرگان داشتند و امام نیز اصرار زیادی بر این معنی داشتند) که من عرض کردم شما مطمئن باشید ما که فرزندان شما به حساب می‌آییم تلاش می‌کنیم این استقلال را حفظ کنیم به خصوص اینکه الحمدلله کسی ظاهراً با این استقلال مخالفتی در حال حاضر ندارد و آینده هم به لطف خدا این برنامه همچنان محفوظ خواهد بود.

جامعیت بین قلم و بیان

بسیار بودند (و هستند) کسانی که از خطبای درجه اول و بسیار موفق به حساب می‌آمدند، اما اثر قلمی مهمی از خویش به یادگار نگذاشتند؛ با این که فرصت، و به تعبیر دیگر همتش را نیافتند و یا قدرت و موهبت قلمی به آنها داده نشد، چراکه قدرت بیانی هیچ ملازمه‌ای با قدرت قلمی ندارد و آن خطیب موفق و خوش بیان می‌گفت: «من اگر بخواهم چیزی بنویسم اول باید آن را بگویم و بر زبان جاری کنم سپس بر صفحه کاغذ بیاورم.»

و نیز بسیاری اندیشمندان و فرزاندگانی که فقط می‌توانند بنویسند و تحقیق کنند، اما از بیان مطالب عاجزند و حتی - احياناً - از اداره یک جمعیت محدود و منبر رفتن و موعظه کردن، امتناع می‌ورزند.

استاد دام ظلّه از معدود افرادی است در تاریخ علمای شیعه که توانسته، بین قلم و بیان، تدریس و تبلیغ، تحقیق و تألیف، علوم قدیم و جدید، جمع نماید و به یک معنی، تا حدودی جمع بین اضداد کند، چراکه تضلع در مباحث حوزوی و غور در مسائل فنی و صناعی، انسان را از پرداختن به مسائل روز و علوم تجربی و آشنا شدن با مقتضیات زمان، عادتاً باز می‌دارد و جمع بین این ابعاد به ظاهر متضاد، نبوغ، حافظه قوی، پشتکار، پرکاری و استعداد سرشار و از همه مهم تر توفیق غیبی و الهی را می‌طلبد که - چنان که از مجموع مباحث گذشته به دست آمد - استاد بحمدالله از همه این خصوصیات، بهره‌مند است.

آن چه در این جا ذکرش خالی از لطف نیست اشاره به دو جلوه از جلوه‌های این جامعیت، از زبان و قلم خود استاد است:

نخست جامعیت بین دو شمشیر قلم و بیان است که در این رابطه می‌فرماید: «من همیشه عقیده داشته‌ام که روحانیت باید با دو شمشیر

منظم، حضور و غیاب در جلسات درس و امتحان‌ها مرتب و تشویق افراد و رسیدن به زندگی طلاب. بعدها این برنامه‌ها در حوزه، گسترش بیشتری پیدا کرد. من فراموش نمی‌کنم با جمعی از همان دوستان، گفتیم لازم است یک زبان خارجه هم در کنار درس‌ها بخوانیم، استاد خصوصی پیدا کردیم و شب‌ها که درس و بحث حوزوی نداشتیم ساعتی برای برنامه درس زبان خارجه می‌رفتیم، ولی بعدها مسأله عمومی شد، من خودم معلم زبان خارجه‌ای را استخدام کرده بودم که برای عده زیادی از طلاب در همین مدرسه امیرالمؤمنین (علیه السلام) تدریس می‌کرد. طلاب هم با عشق و علاقه استقبال می‌کردند، و ما این را به عنوان مقدمه واجب - حداقل - برای گروهی از طلاب، لازم می‌دانستیم چون هم منابع دیگران را باید بتوانیم با زبان خودشان مطالعه کنیم و هم صدای اسلام را از طریق قلم و بیان بتوانیم به اقصی نقاط عالم برسانیم. این برنامه‌ها در جهات مختلف از جمله: اصلاح و تکمیل کتب درسی غیر فقه و اصول، حذف مباحث زائد از فقه و اصول، توجه به مسائل مستحدثه، توجه به مکاتب مختلف انحرافی و مذاهب ساختگی و مباحث دیگر، مطرح گردید و روز به روز توجه به آن بیشتر می‌شد، تا این که انقلاب شروع شد و به حمدالله به ثمر نشست، امام «قدس سره» که طرفدار این برنامه‌ها بودند پیشنهاد تأسیس شورای عالی مدیریت را فرمودند و سفارش کردند که شورای عالی تشکیل بشود، سه نفر از طرف ایشان، سه نفر از طرف آیت‌الله العظمی گلیپایگانی و سه نفر از جامعه مدرسین، مجموعه‌آنه نفر از فضلا و اساتید بزرگ حوزه، این مسئولیت را پذیرفتند و مدتی به سامان بخشیدن به اوضاع پرداختند و بحمدالله موفقیت‌هایی کسب کردند، برنامه آنها که پایان گرفت برادران جامعه مدرسین، از جمله به من پیشنهاد کردند که این مسئولیت را قبول کنم.

من به دلایلی که از سخنان قبلی ام معلوم شد (یعنی واقعاً مایل بودم تحولی در حوزه به وجود آید و آرزوی دیرینه من بود و به علاوه دیدم جمعی از دوستان، موافقتشان را با قبول این برنامه منوط به قبول و موافقت من کردند) این مطلب را پذیرفتم، در موقعی که در شک و تردید بودم که آیا قبول این مسئولیت با کارهای سنگین فعلی سازگار است یا نه؟ در حرم مقدس حضرت رضا (علیه السلام) - که جزء خادم‌های افتخاری ایشان طبق مقرراتی که هست محسوب می‌شوم - استخاره‌ای با قرآن کردم، این آیه آمد: (فلما جاوزا قال لفتاه اتنا غداً لئنا لئنا من سفرنا هذا نصبا) فهمیدم کار مشکلی است ولی درونش آب حیات است به تناسب محتوای آیه شریفه. به هر حال این را پذیرفتم و در دوره دوم و سوم، من سرپرستی شورای مدیریت را بر عهده گرفتم و بحمدالله کارهای زیادی انجام شد....»

استاد در ادامه، فهرست مفصلی از اقدامات به عمل آمده را بر می‌شمرد که شرح مفصل تر آن را می‌شود در مجله پیام حوزه جویا شد و در پایان چنین می‌فرماید:

«از جمله کارهای مهمی که انجام شد، مسأله تنظیم اساسنامه شورای عالی حوزه علمیه بود که به نظر مبارک آیت‌الله العظمی

من که جوانی است تیزهوش و خوش فهم و قلم خوبی دارد و در کار خود، مخلص است، تمام دوره اصول را جمع آوری و برای من قرائت کرد و اصلاحات لازم در آن به عمل آمد و بحمدالله در سه جلد منتشر شد. در فقه کتاب‌های انوارالفقاهه جلد اول: کتاب البیع و جلد دوم: مکاسب محرمة و جلد سوم: کتاب الخمس و الانفال و جلد چهارم: کتاب الحدود و التعزیرات، و همچنین یک تعلیقه کافی بر تمام عروه منتشر شده است. تعلیقه عروه را من حدود ده سال درباره آن زحمت کشیدم، سعی کردم بر خلاف آن چه معمول است با یک کلمه یا یک جمله که حکایت از فتوا می‌کند قناعت نکنم، سعی کردم در کنار فتاوا، آن نکته‌های اصلی استدلال را هم در جاهای مهم بنویسم تا هم برای خود من مفید باشد و هم برای مراجعه کنندگان. یعنی تقریباً یک دوره فقه نیمه استدلالی بشود. من خدا را شکر می‌کنم که زحمت ده ساله من به هدر نرفت و اثر خوبی باقی مانده است.

اثر دیگر دوره «القواعد الفقهیة» است؛ آن روز که منتشر شد در نوع خودش منحصر به فرد بود، سی قاعده فقهیه را که نه در اصول، بحث کامل از آنها شده بود و نه در فقه، با زحمت زیادی جمع آوری کردم و هنوز، حتی القواعد الفقهیه مرحوم علامه بجنوردی هم منتشر نشده بود و این را در دو مجلد چاپ کردم و باز هم چاپ مکرر خورد و بحمدالله مورد استقبال فضلا و طلاب واقع شد و در بعضی از جاها به شکل کتاب درسی درآمد.»

شمشیر بیان!

آن چه بیان شد مربوط به شمشیر قلم است، درباره شمشیر بیان استاد می‌فرماید:

«عالمی که قلم به دست نباشد و زبان گویا نداشته باشد من معتقدم رسالت خودش را به خوبی نمی‌تواند انجام دهد. الان هم عرض من به همه طلاب عزیز و علمای محترم همین است، و چه بهتر که بتوانند نه به یک زبان، به چند زبان،

تبلیغ و سخنرانی کنند. بر اساس همین تفکر، شاید از همان موقعی که پانزده یا شانزده ساله بودم سخنرانی و منبر را تمرین می‌کردم و انجام می‌دادم و در ماه مبارک رمضان یا محرم و صفر برای تبلیغ

می‌رفتم. اولین جایی که رفتم در آن موقعی که طلب‌ای در شیراز بودم، روستایی به نام «گویم» در نزدیکی شیراز بود که الان تقریباً جزء شهر شده، بعد سفری برای تبلیغ در ماه مبارک رمضان به «فسا» یکی از شهرستان‌های فارس رفتم، با این که از نظر درسی و اطلاعات تفسیری و مخصوصاً عقاید، خودم را خوب می‌دانستم ولی در سخنرانی، خودم را موفق نمی‌دیدم، بسیار کم رو بودم، فکر می‌کردم آن جاذبه بیان که لازم است ندارم، توسل به معصومین (علیهم السلام) پیدا کردم و از آنها زبان گویایی خواستم که بتوانم خدمتی به اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) کنم، توسل‌ها ادامه داشت، تدریجاً احساس کردم نیروی بیشتر و بهتری دارم پیدا می‌کنم، بعداً کار به جایی رسید که سخنرانی من فوق

مجهر باشد، شمشیر بیان و شمشیر قلم، عالمی که فاقد این دو باشد اگر کوه علم هم باشد علوم و دانش هایش را با خود به خاک می‌برد، ولی اگر با این وسیله بسیار مهم یا حداقل به یکی از اینها مجهز باشد، می‌تواند آثار خودش را عالمگیر کند.»

شمشیر قلم!

استاد از موهبتی که خداوند در این رابطه در حق ایشان نموده سخن به میان می‌آورد و از راه شکوفا شدن و به ثمر رسیدن دو فن سخنوری و نویسندگی حرف می‌زند آن گاه با اشاره به دومین اثر موفق و مهم خود یعنی کتاب «فیلسوف نماها» می‌گوید:

«معمولاً یک کتاب موفق برای بعضی که انگیزه‌های خاصی دارند تحریک‌آمیز است، سعی می‌کنند با شایعاتی آن را از اهمیت بیندازند. این کتاب را مرحوم شهید مطهری رحمة الله علیه بدون اطلاع من به «هیئت داوران کتاب سال» داده بود، سال قبل هم در همان مراسم «کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم» تألیف علامه بزرگوار طباطبائی داده شده بود و کتاب سال شناخته شده، سال بعد هم فیلسوف نماها بود و دلیل مرحوم علامه مطهری هم این بود که ما نباید این میدان‌ها را خالی کنیم تا این که مخالفان گمان کنند در حوزه هیچ خبری نیست، هر چه است در دانشگاه است. این حساسیت شدیدی بود که علامه شهید مطهری داشت و به همین دلیل کتاب مرا در برنامه کتاب سال شرکت داد و سرانجام برنده شد.»

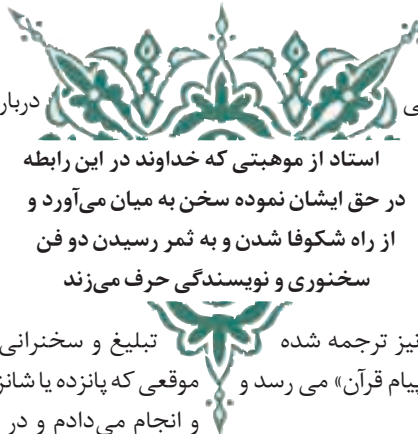
در ادامه با اشاره به سایر تألیفات (بیش از ۱۵۰ جلد کوچک و بزرگ) و این که بعضی از آنها

حدود سی بار و بعضی حدود بیست بار و بعضی حدود ده بار چاپ شده و مورد استقبال قرار گرفته، از نفوذی که تفسیر نمونه در تمام محافل مذهبی، کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و خانه‌ها پیدا کرده و این که منحصر به عالم تشیع نیست بلکه در جهان تسنن نیز،

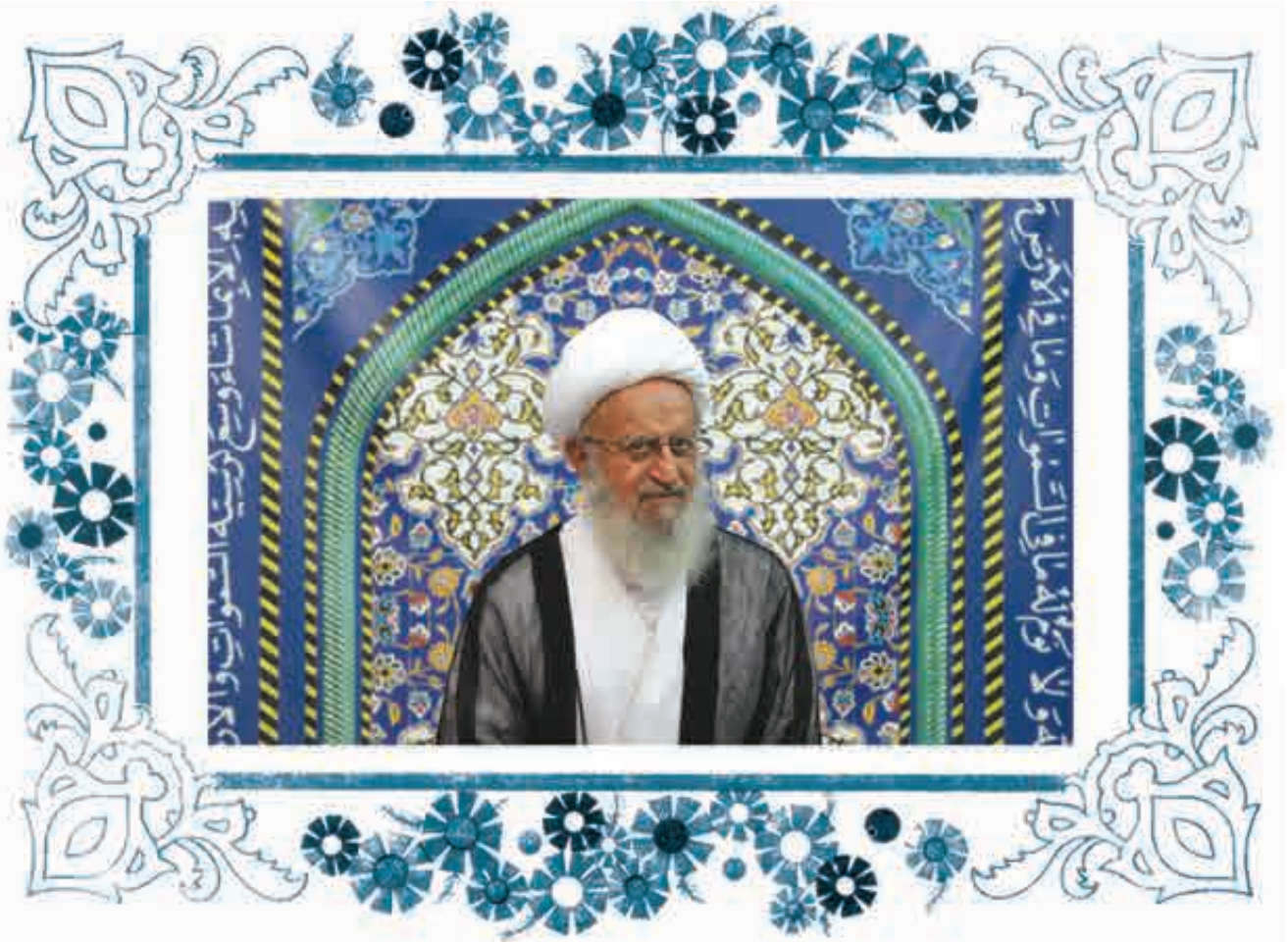
مورد استقبال واقع شده و به زبان اردو و عربی نیز ترجمه شده است، سخن می‌گوید و به تفسیر دیگری به نام «پیام قرآن» می‌رسد و درباره آن می‌فرماید:

«تفسیری دیگر به نام پیام قرآن نوشتیم که تفسیر موضوعی، یعنی به ترتیب آیات نیست، بلکه به ترتیب موضوعات قرآن است. در این ده جلد، مسائل اعتقادی و معارف اسلام را از توحید تا معاد، در سایه آیات قرآن مطرح کرده‌ایم، تمام آیات دلایل توحید، تمام آیات صفات خدا، تمام آیات نبوت عامه و نبوت خاصه، تمام آیات معاد، امامت و حکومت اسلامی به تناسب بحث امامت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این سخن را من نمی‌گویم، بعضی می‌گویند: «فعلاً بهترین منبع برای فهم عقاید اسلامی این دوره پیام قرآن است.»

استاد در اشاره به کتاب‌های فقهی و اصولی و می‌گوید: «اما کتاب‌های فقهی و اصولی: دوره اصول را یکی از شاگردان درس اصول



استاد از موهبتی که خداوند در این رابطه در حق ایشان نموده سخن به میان می‌آورد و از راه شکوفا شدن و به ثمر رسیدن دو فن سخنوری و نویسندگی حرف می‌زند



العاده مطلوب و مورد استقبال واقع شد بحمدالله.»

خاطره ای بسیار آموزنده

استاد در ادامه از رونق عجیبی که سخنرانی او پیدا کرده بود و از مبارزات شدیدی که با حربه منبر بر علیه کمونیست‌ها و بعضی از فرقه‌های ضاله و مفسد اخلاقی در آبادان و خرمشهر، آغاز کرده بود سخن می‌گوید، آن گاه به جلسات مفصل «پاسخ به سؤالات و حفظ حدیث» قبل از انقلاب، در مسجد ارک تهران و حسینیه بنی فاطمه و اقداماتی که برای جذب جوانان و دانشجویان به صفوف مذهبی‌ها به عمل آورده بود اشاره می‌کند و در این رابطه خاطره‌ای را که برای خود معظم له نیز بسیار جالب بود نقل می‌نماید و می‌فرماید:

«بسیاری از افراد، الان که به من برخورد می‌کنند که دارای سؤالات مختلفی هستند و یاد آن جلسات را می‌کنند، سرگذشت‌های زیادی در این قسمت دارم، با یک نکته دلم می‌خواهد این بحث را پایان بدهم، نکته‌ای که همیشه برای من آموزنده بود، ما صبح‌های جمعه برای همین جوانان در مسجد امام حسین (علیه السلام) جلسه‌ای داشتیم در آخر هفته از قم به تهران می‌رفتم جلسه‌ای شب‌های پنجشنبه و در زمینه عقاید و معارف اسلام داشتیم و جلسه‌ای صبح جمعه، در جلسه

مسجد امام حسین (علیه السلام) تهران هر هفته یک حدیث را می‌نوشتیم، حدیث ناب، با ترجمه گویا و شرح کوتاه در یک صفحه چاپ می‌شد، در میان شرکت‌کنندگان که اکثر جوان بودند در مجلس پخش می‌شد... یک روز بنا بر امتحان از مجموعه چهل حدیث شد، عده زیادی از خواهران و برادران در این امتحان شرکت کردند و جالب این که جمع قابل ملاحظه‌ای از آنها چهل حدیث ناب را به طور کامل با اعراب و ترجمه و مدرک از حفظ نوشته بودند... بعداً بنا شد به وسیله یکی از نیکوکاران، جوایزی به این جوانان پرشور و علاقه‌مند بدهیم، جوایز، لباس بود (کت وشلوار و چادر) و زیارت حضرت ثامن الائمه (علیه السلام)، ظاهراً به وسیله هواپیما بود و جوایز دیگری از این قبیل، بعد که نتیجه امتحان و جوایز روشن شد من به آن بانی محترم گفتم: شما موافقت کنید اسم شما را بنویسیم که فلان کس بانی این کار خیر است، او امتناع کرد و گفت: نه ننویسید مهم، این جمله است: برای این که اگر این جا بنویسید می‌ترسم آن جایی که باید نوشته شود نوشته نشود! از این اخلاص لذت بردم و بر او آفرین گفتم!..»

جمع بین اصول و فروع

دیگر از جلوه‌های جامعیت استاد، جمع بین اصول و فروع (اصول

برخوردار بوده و حق آن ادا نشده است؟

طبعاً از آن جا که زبان و بیان، ترجمان ذهن و فکر انسان است می شود گفت که این بیان روان، فهم سالم و روانی را نیز در ورا، در بر دارد و مسلماً آن چه که در روانی بیان، نقش اول را ایفا می کند کیفیت ورود و خروج در مسأله، تحلیل صحیح موضوع بحث، تشقیق و جداسازی و ریزکردن موضوع کلی و عام و بالجمله نشان دادن موضوعات جانبی و متشابه و پرده برداری دقیق از چهره محل نزاع است و انصافاً، استاد در این رابطه بسیار موفق است.

جالب است که وقتی این نکته ضمیمه شود به این که استاد، قیبراق و پرائرزی و بانشاط و شادابی کامل، کلمات را با قوت و قدرت ادا می کند، از کرسی درس ایشان محفل بسیار سرحال و زنده ای به وجود می آید به گونه ای که شاگرد، احساس کدورت و کسالت نمی کند و خود را از قافله بحث، عقب نمی بیند، بلکه هر کسی خویش را حاضر در صحنه درس دیده، به فهم خویش امیدوار شده، باور می کند که او نیز مطلب را گرفته است. این نکته ای است که در اثنای جلسه درس اصول، بارها و بارها توجه حقیر را به خویش معطوف می داشت و برایم خاطره توفائی را زنده می کرد که در بدو امر برای شرکت در درس استاد، به قرآن زده شد که آمده بود: (و قالوا الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور) چراکه درس او حزن ها را برطرف کرده، گره های کور را باز می کرد!

مسلماً برخوردار از این خصلت می تواند یکی از علی باشد که

اعتقادی و فروع فقهی) است، استاد در عین حال که یک فقیه تمام عیار (به معنای مصطلح آن در حوزه) است و می دانیم که مباحث فقهی حوزه و جهت گیری درس های اصولی و اجتهادی به گونه ای است که بسیاری از فقهاء را از پرداختن به مباحث اعتقادی، اخلاقی و تفسیری (که در حقیقت فقه عالی به حساب می آید) باز می دارد و عملاً ورود در این میدان را بسیار دشوار می سازد، در عین حال، معظم له اهتمام وافری به این مباحث اساسی و ریشه ای دارد و همیشه بر اهمیت اصول دین در مقابل فروع دین، پای فشرده، می نویسد: «عجیب این است که با این که مباحث عقیده ای را «اصول دین» می نامیم و مباحث فقهی را «فروع دین»، عده ای تنها به «فروع» چسبیده اند و از اصول در حوزه های علمی ما کمتر خبری هست. درست است که مسائل فرعی باید در حوزه های علمی، محققانه بحث شود اما نه به معنی فراموش کردن اصول عقاید و ریشه ها...» و نیز می نویسد: «چه جالب است که دین را به درخت باروری تشبیه کرده اند که ریشه های آن عقاید و شاخه های آن برنامه ها و دستورات و احکام فقهی و میوه آن تربیت انسان کامل است و تعبیر به اصول دین و فروع دین، همواره این خاطره را در نظرها زنده می دارد.»

بیان روان در سایه فهم روان

سلاست و سهولت بیان استاد، در حدی است که بسا شاگرد، در بدو امر به تردید می افتد که نکند مطلب ارائه شده، از عمق بیشتری



چرا دست به تألیف تفسیر نمونه زدیم

قلم روان استاد در سنگر تألیف و تحقیق نیز، همانند بیان روان ایشان در کرسی تدریس، فعال و بانشاط بوده و هست و اساساً انگیزه مهم تألیف کتاب نفیس تفسیر نمونه، ارائه تفسیری به زبان فارسی روان و به دور از پیچیدگی و تعقید بوده است، می‌فرماید:

«بد نیست انگیزه تألیف تفسیر نمونه را عرض کنم، بسیاری از جوانان دانشگاهی و فرهنگی می‌آمدند و از ما سؤال می‌کردند که ما یک تفسیری به زبان فارسی که مسائل روز در آن منعکس باشد و خالی از پیچیدگی باشد لازم داریم، به ما معرفی کنید که کدام تفسیر را مطالعه کنیم. من فکر می‌کردم و بعضی از تفسیرهای فارسی را معرفی می‌کردم ولی معتقد بودم مشکل آنها حل نمی‌شود، طبیعی است که وقتی انسان تقاضایی ببیند و ملاحظه کند که مشکل، به وسیله آن چه موجود است حل نمی‌شود مسئولیت سنگین بر دوش او می‌افتد که باید دامن همت به کمر ببندد و اقدامی کند. این جا بود که به فکر نوشتن تفسیری به زبان فارسی افتادم تفسیری که تمام دقایق تفسیری در آن باشد، در عین حال روان و ساده هم باشد و مسائل و مشکلات روز نیز، در آن مطرح باشد... و آرزوی ما این بود که اثری به وجود آید هم برای علما و فضلا مفید باشد و هم برای توده مردم و مخصوصاً جوانان تحصیل کرده و قشر دانشگاهی، تصدیق می‌کنید جمع کردن بین اینها کار آسانی نیست، بلکه یک توفیق الهی و ویژه ای لازم دارد و بحمدالله این کار انجام شد، لذا غالباً افرادی که به ما برخورد می‌کنند می‌گویند: این منظور در این تفسیر، تأمین شده است.»

نفوذ چشمگیر تفسیر نمونه در نشر فرهنگ قرآنی

سپس با اشاره به نفوذ چشمگیر و تأثیر گسترده‌ای که این تفسیر در نشر فرهنگ قرآنی و معارف شیعی پیدا کرده است می‌فرماید:

«فقط در یک جمله کوتاه عرض می‌کنم، یکی از برادران نقل کرده است: پروفیسوری که استاد دانشگاه کانادا بود و معارف اسلامی را در آن جا تدریس می‌کرد، می‌گفت: «منبع اصلی من در تدریس معارف اسلام در آن دانشگاه همین تفسیر نمونه است» و مرحوم حجت‌الاسلام حاج سیدصدر حسین نجفی پاکستانی که مرد بسیار پرکار و مخلص بود و تمام مجلدات تفسیر نمونه را به زبان اردو ترجمه کرده است برای من نقل می‌کرد که یکی از علمای اهل سنت اردوزبان به ایشان گفته بود: «من کتاب‌های علمای شیعه را مطالعه نکرده بودم، جلد اول تفسیر نمونه به زبان اردو به دستم افتاد، مطالعه کردم و به من ثابت شد که علوم اسلام نزد شیعه هاست!.»

درک مقتضیات زمان

برای محققانی که در بحث‌های علمی و تحقیقی، در عرصه وسیع میراث فرهنگی بس عظیم و کهن، غور می‌کنند بسی دشوار است که در عرض آن، از آخرین گزارشات و اطلاعات عمومی علمی و تجربی باخبر

باعث شده، درس استاد فقهاً و اصولاً (در آن سال‌هایی که اصول می‌گفتند) یکی از شلوغ‌ترین و پرجمعیت‌ترین درس‌های حوزه باشد.

اعتراف به یک گناه بزرگ!

جالب است که این روانی و سهولت، به قدر تمام و کمال در قلم ایشان نیز جلوه‌گر است به گونه‌ای که از ویژگی‌های قلمی ایشان همین ساده‌نویسی و روان‌نویسی و قابل فهم و هضم کردن معارف عمیق و بلند قرآنی و دینی است، خصیصه‌ای که باعث شده، بعضی از کتاب‌های ایشان بیش از سی بار چاپ شود و از استقبال عظیمی در میان خاص و عام برخوردار گردد و ویژگی‌ای که در نظر بعضی‌ها به عنوان یک عیب بزرگ به حساب می‌آید و استاد، خود، در مقدمه کتاب معادش، تحت عنوان «گناه بزرگ نویسنده» چنین می‌نویسد:

«... دلیل این موفقیت (مقصود، موفقیت کتاب‌هایی است که در زمینه عقاید دینی توسط استاد نوشته شده است نظیر «آفریدگار جهان» و «خدا را چگونه بشناسیم» و «رهبران بزرگ» و «قرآن و آخرین پیامبر») در حقیقت رعایت چهار اصل بود: پرهیز از اصطلاحات پیچیده، صداقت در بحث، دوری از تعصب، و نوآوری‌ها! ولی بعضی معتقدند این سلسله کتاب‌ها یک عیب بزرگ دارد که می‌تواند از ارزش آن بکاهد و اگر تعجب نکنید عیب بزرگش در نظر آنها پرهیز از اصطلاحات مغلق و عبارات قلمبه و سلمبه و دوری از جمله‌بندی‌های گنگ و مبهم و رعایت حداکثر روانی عبارات و نزدیک ساختن مطالب مشکل به اذهان عموم است که آن را به گمان کوتاه‌نظران از بحث «سطح بالا»! به پایین می‌آورد!.»

سپس می‌فرماید: «من به این عیب یا گناه معترفم! و می‌دانم اگر جلو قلم را رها می‌ساختم تا از اصطلاحات پیچیده و عبارات گنگ کمک بگیرد بحث‌ها در نظر بعضی علمی‌تر! جلوه می‌کرد، اما آگاهانه این کار را نکردم و فکر می‌کنم رسالت یک نویسنده همین است. به جرأت می‌توان گفت: هر یک از بحث‌های این سلسله را می‌توان چنان پیچیده نوشت که اکثر خوانندگان عادی نفهمند و فقط بگویند بحث‌ها خیلی علمی است و در سطح بالا، که ما نمی‌فهمیم!.»

آن چه که سبب شد کتاب «فیلسوف نماها»ی ایشان کتاب سال شناخته شود و آن گونه مورد استقبال قرار گیرد و بیش از سی بار! چاپ شود مسلماً یکی از جهاتش همین ساده‌نویسی و پرهیز از تعبیرات معقد و اصطلاحات پیچیده فلسفی و یا تبدیل آن به عبارات ساده معمولی است.

نقش تدریس

قطعاً از جمله چیزهایی که در روان شدن بیان و به عبارتی دقیق‌تر در پیدا کردن قدرت تفهیم، نقشی اساسی دارد، تمرین و ممارست فراوان در کرسی تدریس و منبر تبلیغ است، باید درس گفتن را همانند درس خواندن، و تدریس و تفهیم را در کنار تعلم و تدریس، لازم و واجب شمرد که طبعاً یکی از برکات آن، باز شدن گره‌های بیانی، و پیدا کردن قدرت تبیین مسأله و تفهیم آن به مخاطب با سهولت و روانی است.



زندگی و سرانجام دگرگون ساختن ارزش‌ها. «
شکی نیست که این خصلت، یکی از عوامل مهم پویایی اندیشه
استاد و اعتقاد او به پیشرو بودن دین اسلام و قدرت آن بر تشکیل
حکومت و اداره جامعه انسانی و بر جواب‌گویی از مشکلات و مسائل
گونگون جوامع بشری می‌باشد، به همین جهت است که دست به قلم
می‌برد، و اولاً: از جمله از فرزانگانی است که طرح حکومت اسلامی را
ارائه می‌دهد و در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، کتاب «طرح حکومت
اسلامی» را می‌نویسد و ثانیاً: با نوشتن چندین
جلد کتاب، تحت عنوان «پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، از
شبهات مختلف عصر حاضر جواب می‌دهد.

گواه دیگر بر آشنایی استاد با مقتضیات
زمان و جلوه دیگر روشن بینی معظم له، مقدمه
کتاب «چهره اسلام در یک بررسی کوتاه» است
که در آن، چنین آمده است:

«اگر وضع امروز مسلمانان جهان را بررسی

کنیم می‌بینیم وضعی است اسفانگیز و رقت‌بار و دردناک! این
همان ملتی است که یک روز بر قسمت عمده دنیای متمدن،
حکومت می‌کرد و از کرانه‌های اقیانوس اطلس تا دیوار چین، پرچم
پرافتخار او در اهتزاز بود... ولی امروز آن همه عظمت و قدرت و
سربلندی و افتخار، جای خود را به ضعف و ناتوانی و پراکندگی سپرده...
نه آن موفقیت بی‌دلیل بود و نه این عقب‌ماندگی بدون جهت است.»

استاد در بررسی عوامل این نابسامانی می‌فرماید: «در میان عوامل
گونگونگی که برای وضع نابسامان و اسفانگیز کنونی می‌توان ذکر کرد
دو عامل بیش از هر چیز، مؤثر بوده است: ۱- پراکندگی و نفاق ۲- عدم
درک موقعیت زمان...»

هوش سرشار در تشخیص موضوعات فقهی

در پایان لازم است گفته شود که یکی دیگر از جلوه‌ها و برکات خصلت
مزبور برخوردار می‌باشد «هوش سرشار و تفرس لازم برای تشخیص
موضوعات فقهی» در جلسه استفتاء است.

بر کسانی که در جلسات استفتاء حضور می‌یابند پوشیده نیست که
سؤالات وارده، از چه تنوع شدیدی برخوردار است و چه مسائلی از شرق
و غرب عالم فقه، وارد جلسه می‌شود و لازم است مورد بحث و بررسی قرار
گیرد. آن چه در این رابطه بسیار ضروری به نظر می‌رسد و به وضوح
خودش را نشان می‌دهد علاوه بر برخوردار می‌باشد صاحب فتوی از حد نصاب
لازم در قدرت افتاء و ملکه استنباط فقه سنتی و «جوهری»، و آشنا بودن
او به اصول و ضوابط لازم در فن اجتهاد - علاوه بر همه اینها - داشتن
هوش اجتماعی سرشار و تفرس لازم برای تشخیص موضوعات مختلف و
جور و اجوری است که از داخل و خارج کشور و از سازمان‌ها و تأسیسات
شخصی و دولتی و عناوین و مراکز حقیقی و حقوقی، به شهر علم و
اجتهاد، قم سرازیر می‌شود، مسائل و موضوعاتی که گاهی ذاتاً پیچیده
است و گاهی هم عمدتاً از جانب استفتاءکننده سوءاستفاده‌گری، پیچیده

شود و در این زمینه نیز، مطالعات منظم و منسجمی را در پیش بگیرد و از
آخرین پیشرفت‌ها و کشفیات علوم روز، یادداشت بردارد و هماهنگ با
زمان حرکت کند.

آن چه از سخنرانی‌های عمومی و مجالس علمی و اخلاقی استاد ما
در گذشته و حال و نیز از مقالات سیاسی و اجتماعی معظم له در جراید
(که از قبل از انقلاب اسلامی تا چند سال پیش ادامه داشت) بر می‌آید
این است که ایشان از خصوصیت فوق، به خوبی برخوردار بوده، در
زمینه‌های مختلف علمی و تجربی، فرزند روز به
حساب آمده و دوشادوش حوادث زمان، حرکت
کرده است.

این نکته، شادابی خاصی به اندیشه استاد
بخشیده است و باعث شده که اندیشه شاداب او،
هدایت‌گر اندیشه‌های شاداب باشد و همین،
سبب آمیختگی مباحث ایشان با نکته‌های
ملموس و محسوسی از علوم تجربی و علمی
گردیده است.

خصوصیت مزبور، سبب شده است که استاد بتواند در اعماق روح
و ذهن انسان‌ها به خصوص نسل جوان سیر کند، دردها و نگرانی‌های
آنها را کشف کرده، به درمان آن بپردازد و از شبهات و سؤالات مختلف
آنها جوابگو باشد.

پیش‌بینی و دوراندیشی دقیق

هماهنگی استاد با مقتضیات زمان نیز، سبب شده است دشمن و
نقشه‌های استعماری او را بشناسد و دستشان را رو کند و از دوراندیشی
چشمگیری برخوردار شده، پیش‌بینی‌های قابل توجهی را از خودش
بروز دهد، به عنوان مثال در کتاب «پایان عمر مارکسیسم» که سال‌های
سال، قبل از انقلاب انتشار یافته است می‌نویسد:

«و با این بررسی در نهایت به این جا می‌رسیم که مارکسیسم مکتبی
است که دوران شکوفایی خود را پشت سر گذارده و در سرایشی و افول
قرار گرفته و از نظر فعالیت جهانی پایان عمرش چندان دور نیست.»

استاد در مقدمه کتاب «خطوط اصلی اقتصاد اسلامی» با بیان
ویژگی‌های سه‌گانه استعمار (۱- فلج کردن اندیشه‌ها ۲- ایجاد
وابستگی‌ها ۳- دامن زدن به نفاق) در توضیح ویژگی اول می‌نویسد:

«مار ضحاک استعمار، قبل از هر چیز خوراکش مغز است! او مغزها
را می‌خورد مخصوصاً این مار، علاقه خاصی به مغز جوان دارد! همه روز
و همیشه. بنابراین هر جا دیدید سخن از تخدیر مغزها در میان است و
گفت‌وگو از مسائلی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با
کار انداختن مغزهای متفکر و آگاه می‌باشد بدانید در آن جا استعمار،
حضور دارد، در شکل مرئی یا در اشکال نامرئی. نخستین گام در
برنامه‌های استعماری کشتن «تفکر» و «اندیشه» است و این
«اندیشه‌کشی» گاه از طریق خالی کردن فرهنگ اجتماعی از محتوا است
و گاه از طریق توجه دادن به مسائل حاشیه‌ای و دور ساختن از متن



یکی دیگر از جلوه‌ها و برکات خصلت

مزبور برخوردار می‌باشد «هوش سرشار و
تفرس لازم برای تشخیص موضوعات فقهی»

در جلسه استفتاء است





می‌شود و یک‌سو و یک‌جانبه نوشته شده، همه حقیقت جریان، در آن، منعکس نمی‌گردد تا بتواند جواب استفتاء را به نفع خویش تغییر دهد.

این جاست که صاحب فتوا اگر از ذکاوت و تیزهوشی لازم اجتماعی و روانی برخوردار نباشد و به همه آفاق آن معضله، دست نیازد و ترفندها و شیطنت‌ها را رو نکند، احیاناً دچار اشتباه شده، قلمش به خطا می‌رود، و روشن است اشتباه و لغزش او (گرچه نزد خدا مأجور است) مشکلات زیادی را بار می‌آورد و حق یا حقوقی را پایمال کرده، باطلی را زنده می‌کند.

این جاست که بر صاحبان فتوایی که از بساطت خاصی برخوردارند و فرصت حشر و نشر با طبقات مختلف جامعه را پیدا نکرده، همگان را چون قلب صاف و پاک خویش، شفاف و صمیمی می‌بینند لازم است مشاوران هوشمند و باکیاست و امینی را در جلسه استفتاء خود دعوت کنند تا در موضوع بایی و تشخیص پیچ و خم موضوعات معاملی و غیر آن، با آنان به مشورت نشسته، از زیرکی و تفرس آنان در این رابطه کمک بگیرند.

استاد اولاً: به خاطر هوش سرشار اجتماعی که در وجود او نهاده شده و ثانیاً به خاطر تماس‌های گسترده و طولانی که با اقشار مختلف جامعه از طرق مختلف داشته و دارد و از مقتضیات زمان و مکان باخبر است، هوشیاری ویژه‌ای را در جلسه استفتاء و در ارتباط با دریافت ترفندها و رگه‌های نامرئی و مرموز شیطنت‌ها، از خود نشان می‌دهد و زودتر و سریع‌تر از سایر اعضای جلسه، سرنخ را می‌یابد و نبض مسأله را در دست می‌گیرد.

دیدبانی برای مکتب

در ظلمت افسونگر تردیدها، انکارها و الحادها، «خضر راه» بودن و «دلیل قافله» شدن ورگه‌های نفوذ دشمن را چون دیدبانی هوشیار، پاییدن و از مکاتب مصنوع و خودباختگان مقهور، و از التقاط‌های مرئی و نامرئی باخبر شدن، نیازمند به بیداری و هوشمندی خدادادی و شجاعت و شجاعت موهبتی است و استاد ما از دیرزمان و بلکه از سنین نوجوانی و جوانی از این همه، بهره‌مند بود.



مشتاق حوزه را سیراب می‌کرد.

اهمیت این موضوع زمانی جلوه می‌کند که در نظر بگیریم پرداختن به مباحثی این‌گونه و قلم زدن و سخن گفتن در این مقولات، آن هم به راه انداختن یک مجله، به عنوان «خروج از همه قالب‌های حوزوی»! تلقی می‌گردید، و در نژاده‌ای از مدرسیان خشک، «جرم»! به حساب آمده، دلیلی بر بی‌سوادگی و کم‌عمقی! قلمداد می‌شد، غافل از این که استاد از کسانی نیست که دین را در عرش به حبس بیفکند، بلکه در احیای تفکر دینی از پیشتانزانی است که مکتب و معارف دینی را در خدمت پاسخ‌گویی به شبهات نسل حاضر و حل مشکلات عصر نوین در آورده و به ثنویت و دوگانگی «روشنفکری» و «دینداری» خاتمه داده است.

بسیاری از آثار قلمی استاد دام‌طله گواه بر آن است که می‌شود دین را در رگ حیات اجتماعی طلبد و باور دینی و ایمان درونی را با تیزبینی اجتماعی، قرین ساخت و «تحقیق دینی» را - حتی در مدرسه‌ای ترین و آکادمیک‌ترین مسائل چون مسائل فلسفی - در خدمت حل «عضلات فرهنگی و اجتماعی» در آورد و عملاً افضلیت مداد علما نسبت به خون شهدا را به اثبات رساند.

تألیفاتی چون «آفریدگار جهان»، «خدا را چگونه بشناسیم»، «فلسوف‌نماها»، «نشریات نسل جوان» و مجله «مکتب اسلام» و... گواه خوبی بر این مدعا است.

داستان مناظره ایشان با مبلغ بهائی‌ها در شیراز در سنین نوجوانی و نیز جریان مناظره ایشان با خانقاه‌نشینان شیراز در سنین جوانی و منتهی شدن آن به نوشتن کتاب «جلوه حق» که مسأله مورد تشویق قرار گرفتن ایشان از جانب حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی در قبل: «تشویق و جلب اعتماد اساتید» گذشت در میان شیرازی‌های هم‌سن و سال، معروف و مشهور است.

در مقابله با کمونیست‌ها

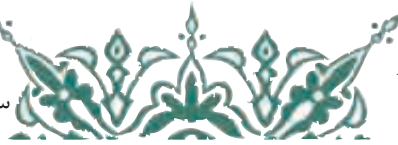
استاد پس از ورود به حوزه علمیه قم و بحث‌ها و کلاس‌های متنوعی را که در ارتباط با تشریح معارف دینی و دفع شبهات مذهبی شروع کردند به نسل جوان حوزه‌ها آموختند که بایستی دین را به صحنه زمان و جامعه در آورد و در مقابله با «حوادث سوء واقعه» از آن سود جست.

جمع بین «روشنفکری» و «دینداری»

قابل توجه است که حساسیت استاد در مواجهه با افکار ناصحیح و قدرت جواب‌گویی ایشان از شبهات مختلف و حاضر جواب بودن او در این رابطه، شور و هیجانی در طلاب جوان حوزه به وجود آورده بود و جلسات شبهای پنج‌شنبه ایشان در این راستا، با مباحث و معارف مطروحه در آن، بارانی بود که بر کویرستان خشک افکار می‌بارید و دانشجویان

عصر نوین، عرضه نوینی از دین را طلب می‌کند

او بصیر دین‌شناسی است که از نقش سازنده دین در زندگی انسان‌ها غافل نمی‌باشد و بیست و پنج سال قبل، از «دین و نقش آن در زندگی انسان‌ها، دین پشتوانه‌ای برای اصول اخلاق، دین تکیه‌گاه مؤثری برای مبارزه با حوادث سخت زندگی، دین وسیله مبارزه با خلأ ایدئولوژیکی، دین وسیله‌ای برای پیشرفت علوم و دانش‌ها، دین مهم‌ترین وسیله برای مبارزه با تبعیض» سخن می‌گوید، و به پیشرو و مترقی بودن دین اسلام و قدرت جواب‌گویی آن از مسائل گوناگون، اعتقادی راسخ دارد و بالاخره انقلابی‌گری فکری است که روح اصلاح‌گر و فکر نوین او به همراه تحول و ابتکار، به دنبال عرضه نوینی از دین است.



استاد دام‌طله دیدبان بیداری است که نقشه‌های دشمن را رو کرده و چیزی را گوشزد می‌کند که بعد از گذشت سالیان زیادی از انقلاب اسلامی همچنان مسأله روز ما به حساب می‌آید

فکر جوان و حل مشکلات نسل جوان

در آن زمانه پرغوغا، نسل نوحاسته، غریقی را می‌ماند که بر تخته پاره‌ای سوار است و در اقیانوس بی‌کران سرگردان. عده‌ای بر این اضطراب و تحیر، نگاهی بدبینانه داشتند، آن را از علائم ظهور تلقی کرده، دست از کار شستند و به انتظار نشستند! به گمان این که هدایت این نسل مرتد! نامیسر است. اما استاد، تلقی دیگری از این نسل داشت، ابهام‌های فکری و شبهات دینی آنان را کفر و ارتداد تلقی نمی‌نمود، انتشارات «نسل جوان» را به وجود آورد، کتاب‌هایی نظیر «پرسش‌ها و پاسخ‌های مذهبی» و «آن چه باید از اسلام بدانیم» و «فرآورده‌های دینی» و «اسرار عقب‌ماندگی شرق» و «چهره اسلام در یک بررسی کوتاه» و «زندگی در پرتو اخلاق» و... تألیف نمود و در یافته بود که مشکل اساسی، نوع برخورد با این قشر است (نه خود این طبقه!) و باید زبان مکالمه با این نسل را دریافت.

نشریه نسل جوان

استاد در ارتباط با تلاش‌های به عمل آمده برای رفع مشکلات جوانان می‌گوید: «غیر از مجله مکتب اسلام، نشریه دیگری هم - باز بدون امتیاز - به نام نجات نسل جوان منتشر کردیم که بعداً به صورت مجموعه کتاب‌های متنوع و گسترده درآمد. قسمت زیادی به قلم من بود و قسمت دیگری هم به قلم برادران و دوستان. نشریه نجات نسل جوان آن طور که از نامش پیداست هدفش مسائل جوانان بود و واقعاً نجات از چنگال مفاسد آن زمان را تعقیب می‌کرد و این نشریه، تضاد بیشتری با دستگاه طاغوت داشت.

آنها روی کلمه نجات نسل جوان خیلی حساس بودند و می‌گفتند: نجات از چی؟ مگر نسل جوان را در این جامعه چه خطری تهدید می‌کند که شما می‌خواهید نجاتش بدهید؟! این را اضافه کنم که آنها دل بسته بودند به این که جوانان را منحرف کنند چون می‌دانستند که لشکر

تربیت دیدبانان مکتبی

دیدبانی استاد از مکتب، زمانی به عمق و اهمیتش رسید که از حد دیدبانی فردی بیرون آمده، به سطح دیدبانی گروهی و به تعبیر رستار: «پرورش دیدبانان مکتبی» ارتقا یافت یعنی با تشکیل لجنه‌های مختلف در موضوعات متفاوت، تربیت نیروهای انسانی کارآمدی را برای پاسخ‌گویی به شبهات و معضلات اعتقادی و اخلاقی آغاز کرد.

گاهی «کتاب» نیز مسلمان می‌شود

در ادامه، خالی از لطف نیست که به میدان دیگری از میدان دیدبانی استاد (که ضمناً از طبع سیال، سلامت فکری، قدرت سالم سازی و تبدیل و تحول معظم له نیز، حکایت دارد) اشاره شود که عبارت از نظارت بر کتاب‌های مفیدی است که در عین حال، با مطالب و افکار انحرافی و ضد اخلاقی نیز آمیخته شده، نیازمند به تهذیب و تطهیر است. بهتر است از زبان خود استاد بشنویم:

«همان گونه که انسان‌ها را می‌شود مسلمان و خداپرست کرد گاهی کتاب‌ها را باید مسلمان و خداپرست کرد؛ یعنی کتاب خوبی نوشته شده که گاهی با مطالب انحرافی، الحادی، ضد اخلاقی و ضد اسلامی آمیخته بود، لازم بود این کتاب را از آن جنبه‌های منفی، پیراسته می‌کردیم تا یک کتاب مؤمن و مفید و خداپرست، حاصل شود...»

گروه‌های سیاسی به هوش باشند

در هر حال استاد دام‌طله دیدبان بیداری است که نقشه‌های دشمن را رو کرده و چیزی را گوشزد می‌کند که بعد از گذشت سالیان زیادی از انقلاب اسلامی همچنان مسأله روز ما به حساب می‌آید، می‌فرماید: «کسانی که به اخبار بعضی از رادیوهای بزرگ که به زبان خارجی برای کشور خودشان پخش می‌شود گوش فراداده اند می‌گویند: آنها از تمام تجربه‌های تلخ و ناموفقی که برای فرونشاندن انقلاب ایران کرده‌اند چشم پوشیده و فعلاً تمام نیروی خود را متمرکز در جهت ایجاد دو گروه «تندرو» و «میان‌رو» و تفرقه انداختن میان این دو، و روشن کردن آتش جنگ داخلی در میان گروه‌ها کرده‌اند و احتمالاً طرح‌های وسیعی برای این کار آماده ساخته‌اند.

این حقایق تلخ به ما هشدار می‌دهد که بر میزان بیداری و هوشیاری خود بیفزاییم، بدانیم این بار با تمام سرمایه وجود و هستی تاریخی و اجتماعی خود به میدان آمده‌ایم و اگر خدای ناکرده شکست بخوریم همه چیز را از دست خواهیم داد. مخصوصاً باید سطح آگاهی خود را در مسائل سیاسی در زمینه حکومت اسلامی بالا ببریم، و از هر چیز که ما را به جدایی می‌کشاند بپرهیزیم و هر رنج و دردی را در این راه تحمل کنیم.»

خواب دیدم نهری را که آبش به سرعت داخل باتلاق بسیار آلوده و کثیفی می شد، با کمال تعجب دیدم قلب های زیادی از انسان ها داخل این نهر، به سوی باتلاق روان بود! عده ای از فضلی معروف حوزه را دیدم که یکی پس از دیگری و به سرعت قلب ها را می گرفتند و آن را شست و شو می دادند و از نهر خارج ساخته، مانع ورود آن به باتلاق می شدند، تنها یکی از آنها را شناختم و آن مکارم شیرازی بود!

آن روز مرحوم تربیتی از این خواب به عنوان رؤیای صادقه یاد کردند و تمام بحث آن روزشان بر محور قلب و آفت هایی که سبب تیره شدن آن می شود و مباحثی از این قبیل دور می زد.

خصوصیات و ویژگی ها

توجه دائم و ذکر مستمر

کثرت مشغله و تنوع کارهای روزمرگی آفتی است برای دوام ذکر و استمرار حضور. اگر سحرگاهان کوله بار روز، محکم بسته نشود و جوانح انسان سالک، بر جزم و عزیمت در مسیر حق، گره نخورد (اشدد علی العزیمه جوانحی) و تمام اوقات و آنات، و تمام افعال و اعمال با همه تکثر و تنوعش، به «ورد واحد» تبدیل نشود و یک سو و یک جهت نگردد (اسئلک... حتی تکون اعمالی و أورادی کلها ورداً واحداً) مشغله های روزمرگی، پرده های نسیان و غفلت را در مقابل دیدگان روح، در می آویزد و حضور و سرمدی را از انسان رهرو می گیرد (و حالی فی خدمتک سرمداً) و بلکه شفاف ترین قلب ها در مرتبه خودش به نوعی تیره و تار می سازد تا جایی که صاحب زلال ترین و صاف ترین دل ها یعنی رسول مکرّم می فرمود: «انه لیغان علی قلبی...»

مسلم است که برای نجات از چنین زنگار و ظلمتی و برای تحصیل چنان «وحدت» و «دوامی» (وحدت ورد، و دوام درک حضور) انسان سالک، هم باید پیشگیری نماید و هم حالت پیش آمده را درمان کند. پیشگیری این باشد که از مجالس بی مصرف و افعال و اقوال مهممل و لایعنی بپرهیزد و همانند راهوار سریع السیری که لحظه به لحظه وضعیت و امکانات مرکب خویش را کنترل می کند، او نیز لحظه به لحظه و ساعت به ساعت خویشتن را - به اصطلاح - چک کند و پیوسته مقصد را در نظرش مجسم و لقای محبوب را زمزمه نماید و مدام ذکر بگوید و از هواها و وسوسه ها به خدا پناهنده شود و بالاخره مراقب باشد تا مسیرهای انحرافی و کج راه های به ظاهر زیبا و فریبنده ای که از این سو و آن سوی مسیر اصلی، برای انسان چشمک می زند او را فریب ندهد.

و درمان حالت پیش آمده هم، آن باشد که پیوسته استغفار کند و همانند آن پیامبر مکرّم (صلی الله علیه وآله) (که پس از بیان مزبور فرمود: «و انی لأستغفر بالنهار سبعین مرة» هفتاد بار و بیشتر، از خداوند» مدرک کل فوت طلب پوشش، مغفرت، جبران و تدارک نماید. آنان که با استاد مأنوسند و خصوصاً در سفری از سفرها محضرش را به خوبی و از نزدیک درک کرده اند، به توجه دائم و چک کردن ها و پاییدن های مستمر استاد، پی برده اند و به هرز ندادن عمر و پرهیز از



انقلاب بالاخره از نسل جوان خواهد بود و اگر نسل جوان به فساد و تباهی کشیده شود آنها به هدفشان خواهند رسید. بنابراین برایشان خیلی سنگین بود که کسی بخواند نسل جوان را نجات بدهد. به هر حال استقبال زیادی از این نشریه از سوی جوانان شد. فوق العاده استقبال کردند و من بسیار خوشحال بودم. نامه هایی که برای ما از سوی جوانان رسید از یک سو بسیار امیدوارکننده بود و از یک سو هم خبر از عمق فاجعه در نسل جوان و در آن زمان داشت. یکی از کارهای مهم ما جواب دادن به سوالات جوانان شده بود و باید عرض کنم من در این مدتی که با این مسائل تا حد زیادی کار داشتم تدریجاً متخصص مسائل جوانان شدم، با عقده های فکری آنها آشنا شدم و آگاهی زیادی نسبت به مسائل جوانان پیدا کردم و باید عرض کنم این آگاهی در فتاوی که امروز دارم بسیار مؤثر است و سعی می کنم در فتاوا تا آن جایی که می توانم و ادله شرعی به من اجازه می دهد عقده ها و مشکلات نسل جوان را بگشایم و خدا را شکر می کنم که این مسائل برای من پیش آمد تا شناختی درباره این قشر بسیار فعال و حساس جامعه پیدا کنم و در مقام فتوا هم به سهم خود بتوانم با ملاحظه ادله شرع عقده گشایی کنم.»

رؤیای صادقه از مرحوم تربیتی

در پایان این بخش جادارد به رؤیای صادقه ای اشاره شود که بعضی از فضلا آن را بلاواسطه از واعظ معروف مرحوم تربیتی (رحمه الله) نقل می کنند، می گوید:

روزی آن مرحوم بالای منبر این چنین گفتند:

این میدان، با ایشان همراه بوده و از جمله نکاتی است که بعضی از همراهان روی آن انگشت می‌گذارند.

رمز موفقیت

و جالب است که استاد خود، از مسأله خلوص، به عنوان تجربه اصلی زندگی خویش یاد می‌کند و آیه مزبور (و الذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا) را چون تابلویی، الهام‌بخش زندگی خصوصی و اجتماعی خود می‌داند.

حلم و تسلط بر اعصاب

یکی از جلوه‌های آن، حلم و مدارایی و تسلط بر اعصاب و تواضع در برخورد با اقدار مختلف جامعه (از پایین‌ترین طبقات تا بالاترین و معتبرترین آن) است و این جلوه‌ای است که همراهان استاد آن را از گذشته‌ای دور در حافظه دارند.

پایبندی به اصول و پرهیز از افراط و تفریط

دیگر از جلوه‌های خلوص، پایبندی به اصول و پرهیز از افراط و تفریط در همه امور و ضوابط و حدود را فدای مصالح شخصی نکردن است.

بسیار جالب است که استاد با همه ذوقیات، هنرمندی‌ها، زنده‌دلی و پویایی که دارد از اصول و ضوابط ثابت در هر مسأله، تخطی نمی‌کند که یکی از مصادیق مهم و بارز آن، پایبندی ایشان در استظهارات و برداشت‌های تفسیری و روایی و فقهی از آیات و روایات است.

اعتدال سلیقه و سلامت فکری

یکی از برجستگی‌های استاد را می‌توان، اعتدال سلیقه و سلامت فکری و اتقان آرا، به حساب آورد. حسن سلیقه استاد، زبان زد خاص و عام است، خصلتی که اتفاقاً خود استاد

در شاخص‌هایی که برای یک روحانی مفید و تمام عیار بیان می‌دارد روی آن تکیه دارد و می‌فرماید:

«روحانی خوب فقط آن نیست که از استعداد خوب و تقوای لازم برخوردار باشد، بلکه مضاف بر آن، می‌بایست دارای حسن سلیقه نیز باشد، به عالم بزرگواری که علم و استعداد دارد و از ورع و تقوی نیز برخوردار است و لکن اعوجاج سلیقه دارد هرگز نمی‌توان امیدوار بود.»

نگاه به باطن عمل!

از جلوه‌های دیگر خلوص نگاه به باطن عمل و در نتیجه دوراندیشی و برخوردار از برنامه‌ریزی‌های دراز مدت است. عجله و شتاب‌زدگی از یک طرف و عدم اعتماد به نفس از طرف دیگر از آفت‌هایی است که دامنگیر عده‌ای شده، مانع بسیاری از کارهای مداوم و مستمر می‌گردد،

نشستن‌های بی‌مصرف، گعده‌های بی‌حاصل، مسامحه‌کاری و سهل‌انگاری در گذشت وقت و عمر ایشان، توجه یافته‌اند.

پرهیز از جلسات بی‌مصرف

با آن که حافظه قوی و خوش ذوق بودن استاد باعث شده که سفرها و مجالس و جلسات ایشان آمیخته با انواع لطایف و ظرایف مسرت‌بخش باشد و در نتیجه مجلس ایشان از شیرین‌ترین مجلس‌ها و خصوصاً سفر با او از شیرین‌ترین سفرها گردد، در عین حال پرهیز معظم له از کارهای افراطی و بی‌مصرف از یک طرف، و انضباط در همه کارها از طرف دیگر، احیاناً سبب کدورت ورنجش خاطر بعضی از دوستان و علاقه‌مندان شده است و می‌شود؛ چراکه توجه او به محدودیت و گذرا بودن عمر و از سوی دیگر کثرت طرح‌ها و پروژه‌های تألیفی و تحقیقی که در راستای خدمت به دین و بلند کردن کارهای زمین افتاده، در نظر گرفته، کار را به جایی رسانده که حتی برای مهمانی‌ها و دعوت‌های پذیرفته شده نیز ابتدا و انتها تعیین کند و مثلاً بفرماید: همه زمان مهمانی از آغاز جلوس تا پایان آن با همه مقدمات، صرف غذا و پیشوند و پسوند سفره، نباید از یک ساعت تجاوز کند!

لطافت روحی و علاقه به شعر

در هر حال توجه دائم و ذکر مستمر و مراقبت پیوسته استاد جلوه‌های مختلفی را در افعال و حالات او به وجود آورده است و از آن جمله است لطافت روحی و حال و هوای عرفانی که از علاقه شدید او به شعر و شاعری و خصوصاً گرایش زیادی که به اشعار حافظ و از شعرای معاصر، گرایشی را که به اشعار شهریار از خود نشان می‌دهد (که کاملاً از ابیات فراوانی که در جلسات و نشست‌های علمی و غیر علمی بر زبان ایشان جاری می‌شود و در حافظه ایشان جا گرفته است) به دست می‌آید.

خلوص نیت

خلوص نیت، خصلتی است که در مباحث گذشته نیز، ذیل عنوان پشتکار و جدیت به آن اشارتی رفت، خصلتی که در قرآن کریم به عنوان یکی از دو رکن پیشرفت در امور و عبور از بن‌بست‌ها و رهنمون شدن به «سبل‌الهی» (والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا) معرفی شده است.

دو عنصر تلاش خستگی‌ناپذیر (جاهدوا) و خلوص نیت (فینا...) دو رکن اساسی برای جلب امدادهای غیبی و هدایت‌های معنوی به حساب می‌آیند، از تلاش و جدیت استاد، تحت عنوان پشتکار و جدیت به تفصیل، سخن رفت و آن چه اکنون در مقام شرح آنیم خلوص نیت استاد در میدان تحصیل و تدریس و تألیف است که از آغاز ورود استاد به

حودائی که قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، در ارتباط با بعضی از اشخاص یا جریان‌های روشنفکری گمراه و گمراه‌کننده، پیش آمد می‌توان به وجود این شهامت و فتوت در استاد پی برد.

جریان‌هایی که به جهت محبوبیت‌هایی که در میان جمعی از جوانان و روشنفکران و احیاناً در میان عدد قابل توجهی از توده مردم به دست می‌آوردند درگیری و مقابله با آن، ریسکی و جاهتی و اجتماعی به حساب می‌آمد و طبعاً مقتضای روحیه ملامت ترسی و سیاست محافظه‌کاری و حراست از موقعیت موجود اجتماعی، این است که انسان دم فروبندد و با تسویلات و تزیینات شیطانی (لازینن لهم) و خیالات واهی و توجیهات نفسانی، به حسب ظاهر، گلیم موقعیت خویش را سالم از آب بیرون کشد و از حریم شئونانش حفاظت کند! و ناخواسته و ناخودآگاه به جرم کتمان حقیقت و عدم ایستادگی در مقابل بدعت و انحراف، مصداق (ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب، أولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون) شود!

جوهره روحی و خلوص استاد و عشق او به پاسداری از حریم دین موجب می‌شد که در بسیاری از موارد، بی توجه به هرگونه کارشکنی و اتهامی، از بذل موقعیت، آبرو و اعتبار، دریغی نداشته باشد و برای روشنگری نسل معاصر و نجات آنان از دام گمراهان و کج‌اندیشان از اقدام لازم و موضع‌گیری مقتضی در جایگاه مناسب، پروایی نکند هرچند بدگویی‌هایی را از سوی بدخواهان به دنبال داشته باشد.

شکی نیست که این جرأت و شهامت و ملامت ترسی نیز فضلی است که به هر کسی عطا نمی‌شود (یا ایها الذین آمنوا من یرتد... و لایخافون لومه لائم ذلک فضل الله یوتیه من یشاء).

دفاع معقول از انقلاب و نظام

دیگر از جلوه‌های خلوص دفاع معقول از انقلاب و نظام اسلامی و رهبری است.

با آن که حفظ نظام اسلامی از اهم واجبات است و مسأله رهبری دینی به منزله ستون خیمه نظام به حساب می‌آید در عین حال، عده‌ای حتی در حساس‌ترین لحظات و بحرانی‌ترین فترات، دم فرو می‌بندند و دفاع از این موضوع حساس را خلاف شئون خود تلقی می‌کنند. دفاع معقول و حکیمانه، به همراه نصایح و تذکرات دلسوزانه و مشفقانه، خلوص می‌خواهد و انصاف، فتوت دینی، اعتدال روحی و به دور بودن از ملاحظات اعتباری و نفسانی را طلب می‌کند.

پرهیز از تکلفات در نگارش

از جلوه‌های خلوص، به دور بودن در میدان نویسندگی، از پیچ و خم‌های مصنوعی و عبارات مغلق و جملات گنگ و نامفهوم و سایر تکلفات و ملاحظات وهمی و اعتباری می‌باشد.

به عکس دوری از شتاب‌زدگی و داشتن اعتماد به نفس، هر قلعه‌ای هر چند به ظاهر مستحکم را قابل فتح می‌سازد.

با این طرز تفکر است که استاد، با کمال شهامت و امید دست به کارهای ادامه‌داری چون تفسیر نمونه، پیام قرآن، و پیام امام امیرالمؤمنین (شرح نهج البلاغه) می‌زند و در تربیت نسل معاصر، خستگی احساس نمی‌کند و نمی‌کند. خصوصاً وقتی ملاحظه می‌شود که تحولات روحی و فکری در تربیت انسان‌ها (که کار اصلی حوزویان است) تدریجی است و بر مری لازم است عامل زمان را در ساختن روان و فکر آدمی به حساب آورد و دل‌خستگی از تبلیغ دین را به خودش راه ندهد و همانند بسیاری نباشد که پرشور و پرگداز وارد صحنه می‌شوند، اما با برخورد با ناملایمات و ناسازگاری‌ها و کم‌توجهی‌ها، از میدان به در می‌روند و به طور کلی از هدایت نسل معاصر، ناامید می‌شوند!

تألیفات متنوع استاد در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اخلاقی، و طول زمان ارشاد و هدایت نسل حاضر، گواه زنده‌ای است بر این مدعا.

بذل آبرو در راه خدا

دیگر از جلوه‌های خلوص، بذل آبروست؛ کسانی ممکن است در مقام سخن و قلم، از مدینه فاضله اسلام سخن‌ها برانند و از توان دین در اداره جامعه، قلم‌ها بزنند و از ضعف تئوری‌های شرق و غرب حرف‌ها بگویند، اما در مقام عمل، به هیچ قیمتی حاضر نباشند که شاید بتوانیم یکی از آثار و جلوه‌های برجسته خلوص استاد را، توکل به خدا کردن و دغدغه خاطر نداشتن از خطاها و اشتباهات احتمالی در نوشتار و با نور شهامت و شجاعت به جلو تاختن است

آکادمیک فلسفی و غیرفلسفی بیرون آمده، سری به دنیای خارج و هیاهوی مکاتب و افکار موجود در سایر محافل و مراکز تعلیمی بزنند و از جامع‌نگری دین و قدرت پاسخ‌گویی آن به همه دردها در همه اعصار و امصار، بهره‌ای داشته باشند.

همه اینها به این جهت است که پاسخ‌گویی از شبهات و معضلات مختلف نسل حاضر و آشنا شدن با مقتضیات و معلومات زمان، با دشواری‌های فراوانی همراه است و اتهامات جانکاه و توان‌سوزی را به دنبال دارد و خلوص و عشق و آفری را نسبت به پاسداری از مرزهای دینی طلب می‌کند و این در حالی است، که استاد ما از دیرزمان راه را یافته بود و از پای نمی‌افتاد و از بذل آبرو و نادیده گرفتن تشخیصات علمی و حوزوی باکی نداشت و بر این اساس و با بیرون آمدن از چهار دیواری مباحث حوزوی و شئون پنداری، توانست بیش از یکصد و بیست جلد کتاب برای رفع اشکالات و تربیت نسل معاصر بنویسد.

آن چه گفته شد در محدوده حوزه و شئون حوزوی بود. در محدوده خارج از حوزه و در بستر جامعه نیز با یک گذر اجمالی به سیر تحولات و

حفظ الغیب از دیگران

و از جمله از جلوه‌های خصلت مزبور تعبد و ترس از حساب و میزان «حفظ الغیب استاد در غیاب دیگران» است. با توجه به این که شیوع مسأله غیبت و عدم رعایت حریم آن، در میان خاص و عام بر احدی پوشیده نیست و بعضی از افراد، با همه کرامت‌ها و فضیلت‌ها در زمینه‌های مختلف، با کمال تأسف مشاهده می‌شود که در مسأله حفظ الغیب و رعایت حرمت اشخاص، خصوصاً رقبا و هم دوره‌ای‌ها، کمیتشان لنگ است و گاه با کمترین بهانه و احساس خطر، افشاگری و هتک را روا می‌دارند و حکم جوازش را صادر می‌کنند - با توجه به همه اینها - بسیار پندآموز است که استاد با همه بی‌مهری‌هایی که در موارد مختلف از جانب عده‌ای متحمل شد، خویش‌نشان دار بوده و هست و علی‌رغم فراهم آمدن زمینه مساعد برای جواب‌گویی، مهر سکوت بر لب می‌زدند و می‌زنند و کریمانه از کنار موقعیت به عمل آمده می‌گذرند. شکی نیست که پرهیز و امساک این چنین، تقوایی راسخ و ملکه‌ویژه‌ای از عدالت را طلب می‌کند و نصیب کسانی می‌شود که سحرگهان کوله بار روزشان را محکم می‌بندند.

سعه صدر، روحیه جمعی و کار گروهی

هر کار خیری و اقدام به هر عمل بنیادی و مهمی، همچنان که تحسین و تشویق عده‌ای را بر می‌انگیزد، بعضی را نیز به انگیزه‌های مختلف (خواه انگیزه سلیقه‌ای باشد و یا خطی و جناحی و با نفسانی و از باب حسادت‌های درونی) به مخالفت وای می‌دارد، ولی با توجه به عامل «گذشت زمان» و پایدار بودن حق و عمل صالح، و هبوط و سقوط باطل، این عده تدریجاً به خود می‌آیند و متنبه می‌شوند، روشن است که هم تحمل مخالفت‌های آنان در آن زمان و هم به آغوش گرفتن و انتقام نگرستن در این زمان، شرح صدری موهبتی و الهی می‌خواهد که معظم له بحمدالله از آن برخوردار بوده و هست.

مورد فوق تنها یکی از میادین ظهور و بروز انشراح صدر است، چراکه این خصیصه، میادین دیگری نیز، برای ظهور دارد که از آن جمله است کار گروهی کردن و جمع را تحمل نمودن.

توضیح آن که شکی نیست که جمع «وجود سیال فرد» است و انسان‌ها در درون جمع، رشد خود را در می‌یابند و تکامل پیدا می‌کنند و از طرفی دیگر اتقان کار جمعی و پیشرفت آن به مراتب، بیشتر از کارهای فردی است.

اما از آن جایی که انسان، شیفته اندیشه‌های خود و دلداد نوآوری‌ها و بافته‌های خود است، غالباً شرح صدر تحمل سلیقه‌ها و افکار دیگر را ندارد و از تن دادن به کار جمعی طفره می‌رود، ولی آیت‌الله مکارم شیرازی از پیشگامان و خط‌شکنان این جبهه است.

ورزش و نشاط جسمانی

از آفت‌های حوزه و عالمان حوزوی خصوصاً در ادوار گذشته، این بود که بی‌توجهی عالم دینی به عوامل تندرستی و اعتنا نکردن به کم و کیف



توکل بر خدا از لغزش‌های قلم

شاید بتوانیم یکی از آثار و جلوه‌های برجسته خلوص استاد را، توکل به خدا کردن و دغدغه خاطر نداشتن از خطاها و اشتباهات احتمالی در نوشتار و بانور شهامت و شجاعت به جلو تاختن است.

توکل و تفویضی که سلامت فکری انسان را در نوشته‌ها بیمه می‌کند و به نسبت، حاصل فکری و قلمی انسان را از لغزش، محفوظ نگه می‌دارد.

تعبد و ترس از حساب و میزان

با آن که ایشان اولاً؛ بسیاری از ابواب فقه را درس گفته‌اند، و از این طریق یک‌بار مسائل مختلف فقهی را استنباط کرده‌اند، و ثانیاً؛ بر تمام عروة الوثقی سید یزدی (قدس سره) تعلیقه زده‌اند و از این طریق بار دیگر، نگاهی مستنبطانه به ابواب فقهی معنون در عروة الوثقی دوخته‌اند و نسبت به ابوابی از فقه که در عروه مطرح نیست بر تحریرالوسیله مرحوم امام (قدس سره) کم و بیش تعلیقه زده‌اند و ثالثاً؛ به مدت دو سال کار مداوم، با قلم روان و رسای خویش و به شکل بدیعی، رساله عملیه را نوشته‌اند و به این طریق، برای بار سوم همه ابواب فقه را مرور کرده‌اند و آرای شخصی خویش را استخراج نموده‌اند و در نتیجه بسیاری از مسائل را لااقل سه بار دیده‌اند و مورد لحاظ و توجه قرار داده‌اند.

در عین حال در بسیاری از استفتائات با وسواس و حساسیت، برخورد کرده و با صبر و حوصله برای بار دیگر مدارکش را مورد دقت قرار داده، جواب مسأله را موکول به زمان دیگری می‌کنند.

روشن است چنین حساسیتی، تعبد و تدینی خاص، تقوایی ویژه و خوف از حساب و کتاب و میزان را طلب می‌کند، خصوصیتی که چون سایر خصلت‌ها و ویژگی‌های استاد، از نمودها و جلوه‌های مختلفی در زندگی معظم له برخوردار است.

آن چه که مربوط به شخص معظم له می شود این است که از همان عنفوان جوانی این جرئت را یافته بود که با انس با قرآن گمشده هایش را از آیات این کتاب کریم پیدا کند که در این زمینه در مقدمه کتاب «قرآن و آخرین پیامبر» چنین می نویسد:

«نگارنده هم مانند همه افراد از آغاز دوران بلوغ که دوران قطع پیوند از تقالید گذشته و ورود در مرحله استقلال است، شدیداً علاقه داشت بداند این مذهب مقدسی که نامش «اسلام» است و به حکم تعلیمات پدران و مادران و اجتماع، به آن دل بسته است، در ترازوی عقل و خرد چگونه خواهد بود؟ این فکر به صورت گمشده بزرگی، نگارنده را رنج می داد. پس از دقت و بررسی،

راهی برای شناسایی و آشنایی هرچه بیشتر با این آیین، بهتر از مطالعه اصیل ترین و زنده ترین سند اسلام یعنی قرآن مجید نیافتیم» و آن چه مربوط به مکتب تشیع است جرأت تألیف کتاب و مبارزه با انحرافات از همان آغاز جوانی است که از تألیف کتاب جلوه حق شروع می شود تا تفسیر قرآن کریم و نهج البلاغه در سنین بالاتر.



استاد دام ظلّه دیدبان بیداری است که
نقشه های دشمن را رو کرده و چیزی را
گوشزد می کند که بعد از گذشت سالیان
زیادی از انقلاب اسلامی همچنان مسأله روز
ما به حساب می آید



اصلاح گری در سطح حوزه

و آن چه مربوط به حوزه علمیه می شود، اصلاحاتی است که به اتفاق دوستان و همراهانش از همان دوران جوانی در سطح حوزه علمیه، آغاز کردند.

خود ایشان می فرمایند:

«با وجود همه این امتیازات که در حوزه علمیه است، متأسفانه کاستی هایی را از همان ابتدا می دیدیم، از جمله امتحانات، مطلقاً وجود نداشت، ما آرزو می کردیم امتحاناتی وجود داشته باشد، افرادی که تلاش بیشتری می کنند شناخته شوند، انگیزه ها قوی تر بشود، میدان رقابت مثبت آشکار بشود، همچنین انتظار داشتیم برای لباس روحانیت، حساب و کتابی باشد، از این لباس مقدس بدون شرایط، استفاده نشود، خدای نکرده اگر تخلفی می شود از طرف روحانیت و مراجع، مسأله پیگیری شود.

انتظار داشتیم در کتاب درسی اصلاحاتی صورت بگیرد و بعضی از دروس مهم اسلامی که در حوزه ها کمرنگ است مانند عقاید، تفسیر قرآن مجید و بحث های مربوط به حدیث، پررنگ تر بشود.

انتظار داشتیم در مورد مبلغین افرادی ورزیده و تمرین دیده و عده ای آشنا به زبان های خارجی، امر تبلیغ اسلام را در داخل و خارج بر عهده بگیرند. انتظار داشتیم مشکلات طلاب تا آن جا که می شود از نظر مسکن و جهات دیگر حل بشود و در مجموع انتظار داشتیم برنامه ریزی های کاملی در جهات مختلف در حوزه های علمیه صورت بگیرد.»

تغذیه و سلامت آن و مسائل مربوط به حفظ الصحه، در دیدگاه بعضی از عوام، دلیل زهد و وارستگی حضرت آقا و بی اعتنایی او به دنیا بود. آشفتگی ظاهری در کفش و لباس و... و زردی رخسار، افسردگی، رنجوری و بی حالی در تکلم و مشی و نشست و برخاست، همه و همه در نظر تعدادی از عوام الناس، اماره ای بر زهد و ورع و تقوی بود و ارزش و کرامتی به حساب می آمد! به عکس، قبارق و سرحال بودن و ورزش و نرمش و چون سربازی پای در رکاب در جای خود پریدن، و محکم حرف زدن و محکم نشستن و محکم جهیدن، از آثار بی تقوایی و گرایش به مادیات و دنیازدگی و حرکت در خلاف شئونات و عدم رعایت زی طلبگی و روحانی محسوب می شد!

ایشان از آغاز جوانی از این آفت غافل نبودند، پیاده روی بین الطلوعین ایشان زبان زد همه بود، و تا الان نیز ساعتی از شب و روزش به نرمش و پیاده روی اختصاص دارد، در مسائل حفظ الصحه و ضوابط و نکات بهداشتی طب قدیم و جدید، اطلاعات وسیع و قابل استفاده ای دارند و طرف مشورت دوستان، آشنایان و شاگردانند.

آزاداندیشی، اعتماد به نفس، شهامت و طبع بلند

با آن که محور قرار گرفتن تقریری از تقریرات در درس های خارج اصول، امری شایع است و بسیاری از اساتید خارج گو، در واقع، تقریرات استاد خویش را تقریر می کنند و یا آن را محور بحث قرار می دهند، در عین حال استاد به گونه ای مستقل و آزاد بحث می کردند و یا اهم آراء موجود در مسأله ای را در عرض هم مطرح می نمودند که به وضوح مشخص بود که عقربه فکر او به هیچ سمتی گرایش ندارد.

و جداً این مقدار از شهامت و حریت فکری و اعتماد به نفس برای شاگرد خارج خوانی که در واقع می خواهد با خارج شدن از یک متن مشخص (آن چنان که در مرحله سطح به آن مبتلا بود) روی پای خویش بایستد و با کمال شهامت و آزاد اندیشی همه آراء و اقوال یک مسأله را به نقد بکشد، وجدآور و اعتماد به نفس برانگیز است و این حالت و خصلت استاد در جلسه تفسیر نهج البلاغه و برخورد استاد با شروح مختلف آن نیز، کاملاً آشکار است.

نور شهامت و بلندی طبع

آن چه گفته شد مربوط به سنگر تحقیق و تدریس در محدوده مباحث تخصصی حوزه است. استاد در سنگر مباحث اجتماعی و مبارزات سیاسی نیز از موهبت اعتماد به نفس و از نور شهامت و بلندی طبع برخوردار بودند.



حیات علمی و سیاسی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

حیات علمی آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در (مدرسه آقا باباخان شیراز) آغاز کردند و در مدت اندکی نیازهای خود را از علوم صرف، نحو، منطق، بیان و بدیع تأمین نمودند.



سپس توجه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساختند و به خاطر نبوغ فوق العاده ای که داشتند مجموع دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را در مدتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساندند. در همین سالها گروهی از طلاب حوزه علمیه شیراز را نیز با تدریس خود بهره مند می ساختند. انتقادهای و نظرات معظم له در قم تدریس و با اضافه نسبت به متون علمی حوزه ها، آینده درخشان علمی ایشان را قطعی می ساخت و در محافل علمی و روحانی آن دیار، استعداد، نبوغ، دقت و عمق تفکر معظم له درج می شد و کسی نمی توانست این فضیلت خدادادی را انکار کند. این ستاره فروزان، در حالی که هنوز بیش از هیجده سال از عمر شریفش نگذشته بود با فکر نافذ و قلمی روان، حاشیه ای بر (کفایة الأصول) نوشت که نقاط مبهمی از این کتاب را روشن می ساخت. ایشان در ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند آیت الله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر - (رضوان الله علیهم) بهره گرفتند. معظم له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه های عظیم



و با همکاری جمعی از دانشمندان نوشته شده است. این مجموعه به زبان عربی نیز چاپ شده است.

۴- مثال‌های زیبایی قرآن: مجموعه بحث‌های تفسیر معظم له در دو ماه مبارک رمضان است که توسط یکی از فضلاء حوزه علمیه بحث ایشان گردآوری و تنظیم شده است این کتاب در دو جلد و مشتمل بر ۶۰ مثال قرآنی است.

۵- آیات ولایت در قرآن: این مجموعه شامل سلسله بحث‌های تفسیری معظم له در مورد آیه‌های مربوط به امامت و ولایت در قرآن مجید و بحث‌های مشروحی در ذیل آن آیات است که توسط یکی از فضلاء حوزه علمیه جمع‌آوری شده است. این مجموعه به زبان عربی نیز ترجمه و منتشر شده است.

۶- والاترین بندگان: محتوای این کتاب، سخنرانی‌های معظم له در جلسات تفسیر قرآن در مورد آیات «عباد الرحمن» و صفات سالکان الی‌الله است که توسط یکی از فضلاء حوزه علمیه جمع‌آوری شده و یک دوره سیر و سلوک اخلاقی را در بر گرفته است.

۷- ترجمه قرآن کریم: این ترجمه محصول پانزده سال زحمت بر روی تفسیر قرآن بوده و در حال حاضر از سوی جمعی از محققان به عنوان بهترین ترجمه قرآن به زبان فارسی شناخته شده است. این کتاب در قطع‌ها و اشکال مختلف به چاپ رسیده است.

۸- شأن نزول آیات قرآن: در این کتاب شأن نزول آیات قرآن طبق بیان تفسیر نمونه توسط یکی از فضلاء حوزه علمیه جمع‌آوری شده است.

۹- سوگندهای پربار قرآن: در این کتاب به بررسی سوگندها و قسم‌های پر معنای قرآن مجید پرداخته شده است. مجموعه فوق توسط یکی از فضلاء حوزه علمیه جمع‌آوری شده است.

۱۰- اسلام و کمک‌های مردمی: این کتاب ارائه‌کننده طرح نسبتاً جامعی از اصول اساسی تعلیمات اسلام بوده و در حقیقت عصاره‌ای از کتاب‌های متعدد است که در رشته‌های عقائد و فقه اسلام نوشته شده است.

بخش دوم - آثار در زمینه نهج‌البلاغه

۱- پیام امام: این کتاب شرحی است مهم و جامع و تازه بر نهج‌البلاغه که توسط معظم له و با همکاری جمعی از فضلاء حوزه علمیه نگاشته شده و در سال ۸۲ به عنوان بهترین کتاب سال برگزیده شد. این مجموعه در ۸ جلد می‌باشد که به زبان عربی نیز ترجمه شده است.

۲- اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه: مجموعه ۲ جلدی از مباحث معظم له درباره شرح خطبه همام در نهج‌البلاغه امیر المؤمنین علیه

شبیعه در سال ۱۳۲۹ ه. ش وارد حوزه علمیه نجف اشرف گردید و در آنجا در درس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم و آقای خوئی و آقای عبدالهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر - قدس الله اسرارهم - شرکت جستند.

معظم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ اجازه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند و حضرت آیت‌الله العظمی حکیم تقریظ کوتاه و پر محتوایی بر تقریرات ایشان از درس فقه (ابواب طهارت) نوشتند که بسیار ممتاز است. اقتباس و استفاضه از فیوض علمی درس اساتید نجف همچنان ادامه داشت تا این که بر اثر نبود وسایل و امکانات، در ماه شعبان ۱۳۳۰ ه. ش به ایران بازگشتند و در شهر مقدس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوی گزیدند و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم به وجود آوردند وارد شدند.

حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج (اصول) و فقه پرداختند و قریب ۵۷ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و بسیاری از کتب مهم فقهی را پس از تدریس به رشته تحریر در آورده اند. در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین درس حوزه علمیه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلاء عالیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و عارف اسلامی و مسأله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، که بسیاری از این کتب به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده است که همین امر سبب شده که ایشان یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب شوند. از معظم له حدود یکصد و پنجاه جلد کتاب منتشر شده است. این کتب در یازده بخش معرفی می‌شود:

بخش اول - آثار قرآنی

۱- تفسیر نمونه: این تفسیر ۲۷ جلدی نتیجه تلاش مستمر پانزده ساله معظم له با همکاری جمعی از نویسندگان حوزه علمیه می‌باشد. این کتاب به زبان عربی و اردو نیز ترجمه شده است.

۲- تفسیر پیام قرآن: این کتاب در ۱۰ جلد به سبک تازه‌ای در زمینه تفسیر موضوعی نگاشته شده و یک دوره کامل معارف و عقاید است که به صورت کتاب درسی یا کمک درسی در بعضی دانشگاه‌ها در آمده است. این مجموعه نیز به نام «نفحات القرآن» چاپ و منتشر شده است.

۳- اخلاق در قرآن: این مجموعه سه جلدی یک دوره کامل اخلاق اسلامی مشتمل بر اصول و فروع مسائل می‌باشد که توسط معظم له



السلام است که اوصاف ۱۱۰ گانه پرهیزکاران را در آن شرح داده است. این مجموعه توسط یکی از فضلاء حوزه جمع آوری شده است.

۳- ترجمه نهج البلاغه: ترجمه و شرح کوتاهی بر نهج البلاغه امیر المؤمنین علیه السلام که به طرز جالب و دور از هرگونه پیچیدگی توسط دو تن از فضلاء حوزه زیر نظر معظم له ترجمه شده است.

۴- حدیث غدیر: در این کتاب برای روشن شدن ابعاد مختلف حدیث غدیر منابع و مدارک آن به طور مفصل جمع آوری شده است.

بخش سوم - آثار فقهی و اصولی

۱- انوار الفقهة کتاب البیع: این کتاب به زبان عربی است و حاوی مسائل مهم بیع که در درس خارج فقه بیان شده به طور مبسوط و مستدل آمده است و می تواند یک کتاب درسی حوزوی باشد.

۲- انوار الفقهة کتاب التجارة: در این کتاب مباحث و مسائل مهم مکاسب محرمة که در درس خارج فقه بیان شده به طور کامل و مستدل جمع آوری شده و قابل استفاده به عنوان کتاب درسی است.

۳- انوار الفقهة کتاب الحدود و تعزیرات: در این کتاب علاوه بر مسائل رایج فقهی مربوط به انواع حدود و تعزیرات مسائل مستحدثه فراوان به طور مبسوط و مستدل آمده است.

۴- انوار الفقهة کتاب الخمس و الانفال: این کتاب مشتمل بر مسائل رایج فقهی مربوط به خمس و انفال است که در درس خارج فقه بیان شده است و مسائل مستحدثه فراوانی را در بر دارد.

۵- انوار الفقهة کتاب النکاح: این کتاب مجموعه بحث های خارج فقه معظم له در مورد مسائل ابواب نکاح است به ضمیمه مسائل مستحدثه مورد ابتلا در عصر ما.

۶- کتاب النکاح: این دوره ۷ جلدی مشتمل است بر دروس خارج فقه معظم له در مبحث نکاح که به شکلی نوین توسط دو تن از فضلاء حوزه علمیه گرد آوری شده. همچنین تمامی روایات نقل شده به طور دقیق و با ذکر آدرس کامل نوشته شده است.

۷- القواعد الفقهیه: در این کتاب ۲ جلدی ۳۰ قاعده مهم فقهی برای نخستین بار به سبک ابتکاری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و به عنوان کتاب درسی در بحث قواعد فقهی می توان از آن استفاده کرد.

۸- تعلیقات علی العروة: این کتاب حاشیه بر عروة الوثقی است. در این کتاب معظم له سعی نموده اند بر خلاف معمول به دلایل مهم و مورد نظر اشاره شود تا فایده آن بیشتر شود (مخصوصاً از کتاب حج به بعد در همه موارد اشاره لطیفی به ادله شده است).

۹- بحوث فقهیه هامه: در این کتاب ده مسأله مهم فقهی و محل ابتلائی امروز به طور مستدل و مشروح مورد بحث قرار گرفته که قسمت قابل توجهی از آن مربوط به مسائل مستحدثه است.

۱۰- حیل های شرعی و چاره جویی های صحیح: این کتاب مشتمل بر مباحثی است که حیل های مشروع را از حیل های نامشروع و به تعبیر دیگر چاره جویی های مثبت را از منفی جدا کرده تا راه را برای کسانی که تمام تلاششان پیمودن مسیر عبودیت و بندگی خداست هموار ساخته و آنها را از اشتباهات خطرناک حفظ کند.

۱۱- ربا و بانکداری اسلامی: در این کتاب دلائل حرمت ربا و طرز صحیح بانکداری اسلامی یا بانک بدون ربا در آن تشریح شده است. این کتاب به زبان عربی نیز ترجمه و چاپ شده است.

۱۲- بررسی طرق فرار از ربا: در این کتاب طرق معروف و غیر معروف فرار از ربا مطرح شده و آن چه صحیح است از غیر صحیح با دلایل روشن فقهی جدا شده است.

۱۳- تعزیر و گستره آن: این کتاب حاصل تحقیقات عمیق و گسترده پیرامون یکی از اساسی ترین سؤالات در مورد تعزیرات اسلامی یعنی محدوده و گستره و انواع آن می باشد.

۱۴- چند نکته مهم درباره رؤیت هلال: در این کتاب مسائل مربوط به



ترجمه نهج البلاغه: ترجمه و شرح

کوتاهی بر نهج البلاغه امیر المؤمنین علیه السلام که به طرز جالب و دور از هرگونه پیچیدگی توسط دو تن از فضلاء حوزه زیر نظر معظم له ترجمه شده است



است که توسط یکی از فضلاء محترم حوزه با دقت فراوان به رشته تحریر در آمده و شایسته است کتاب درسی باشد.

۹- بازاریابی شبکه‌ای یا کلاه برداری مرموز: در این کتاب سعی شده تا مؤسسات ناسالم اقتصادی که بطور مرموز به اغفال و فریب و چپاول مردم پرداخته را معرفی نموده و ماهیت اصلی آن را آشکار سازد.

بخش چهارم - آثار اعتقادی

۱- پیدایش مذاهب: در این کتاب تمام فرضیه‌های پیدایش مذاهب در جامعه بشری که از سوی روانشناسان غربی مطرح شده مورد نقد قرار گرفته سپس به اثبات نظریه علمی وحی پرداخته است.

۲- آفریدگار جهان: این کتاب نتیجه بخشی از درس‌های عقاید و مذاهب معظم له است که در حدود سی سال به طور هفتگی بیان کرده‌اند و سپس به وسیله ایشان تحریر شده و جمعی از فضلا آن را تحقیق و تنقیح کردند. این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۳- خدا را چگونه بشناسیم: بحث صفات خدا یکی از معماها و در ردیف پیچیده‌ترین مسائل علمی است. کتاب فوق مجموعه مباحث معظم له پیرامون صفات خداست که در جلسات عقاید و مذاهب مطرح شده و به قلم ایشان به رشته تحریر در آمده است.

۴- رهبران بزرگ و مسؤولیت‌های بزرگ‌تر: آیا می‌توان راه سعادت را پای عقل پیمود؟ آیا وجدان می‌تواند به جای مذهب بنشیند؟ راه شناسایی پیامبران و مردان خدا چیست؟ وحی یا رابطه مرموز با جهان ماورای طبیعت چگونه است؟ این کتاب شامل مجموعه مباحث فوق (نبوت عامه) و از اساسی‌ترین مطالبی است که با سرنوشت و سعادت هر انسانی رابطه مستقیم دارد و دانستن آن بر همگان لازم است.

۵- قرآن و آخرین پیامبر: چرا بعضی از شنیدن معجزه وحشت دارند؟ حقیقت اعجاز چیست؟ چگونه قرآن معجزه جاویدان پیامبر اسلام (ص) است؟ این کتاب پیرامون این مسائل و دیگر مسائل مربوط به نبوت خاصه بحث می‌کند.

۶- معاد و جهان پس از مرگ: آیا مرگ دردناک است؟ روح چیست؟ آیا با پوسیدن بدن روح باقی می‌ماند؟ آیا مسائل مربوط به زندگی پس از مرگ را می‌توان با اصول علمی ثابت کرد؟ این سؤال‌ها و ده‌ها سؤال دیگر در کتاب حاضر

مورد بحث قرار گرفته است. این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۷- حکومت جهانی مهدی: این کتاب در مورد ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی‌های حکومت او بحث می‌کند که علاوه بر ذکر مهم‌ترین دلایل از کتاب و سنت بسیاری از مسائل را با ادله عقلی به ثبوت رسیده است. این کتاب به زبان عربی نیز ترجمه و منتشر شده است.



رؤیت هلال با تلسکوپ و اتحاد افق با ذکر دلایل فشرده مطرح شده است. این کتاب به زبان عربی نیز ترجمه و چاپ شده است.

۱۵- حکم الأضحیة فی عصرنا: این کتاب در ارتباط با فتوای معروف و جدید ایشان در زمینه قربانی است که تأثیر فراوانی از خود به یادگار گذاشته است.

۱۶- جمرات در گذشته و حال: این کتاب تحقیقی پیرامون جمرات و مجموعه اقوال پنجاه تن از فقهای شیعه و اهل تسنن و دلایل علمی این مسأله است. این کتاب به زبان عربی نیز ترجمه و چاپ شده است.

۱۷- دائرة المعارف فقه مقارن: این مجموعه با همکاری جمعی از دانشمندان زیر نظر معظم له تدوین شده و مشتمل بر دائره‌المعارف بزرگ فقهی است که علاوه بر تبیین و برجسته شدن فقه اهل بیت علیهم السلام آرای فقهی سایر مذاهب و بلکه کنوانسیونها و مصوبات حقوقی بین‌المللی نیز در آن مطرح شده است.

۱۸- انوار الاصول: این کتاب در ۳ جلد است که شامل یک دوره کامل مسائل اصولی که نتیجه «چهارمین دوره درس خارج اصول» معظم له



چند نکته مهم درباره رؤیت هلال: در این

کتاب مسائل مربوط به رؤیت هلال با

تلسکوپ و اتحاد افق با ذکر دلایل فشرده مطرح شده است. این کتاب به زبان عربی نیز

ترجمه و چاپ شده است





اصولها» آیت الله العظمی کاشف الغطاء است که معظم له در مقدمه و پاورقی ها و پایان این کتاب مطالب قابل ملاحظه‌ای بر آن افزودند.

۱۳ - جلوه حق: این کتاب نخستین اثر علمی معظم له در جواب تبلیغات صوفیه و نقدی است بر افکار و دعاوی آنها و همچنین افشا کردن ضعف‌ها و انحرافات آنها به شیوه منطقی و علمی که در زمان خود مورد تقدیر آیت الله العظمی بروجروی قرار گرفت.

۱۴ - مسأله انتظار: در این کتاب مسأله انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تحلیل منطقی و جالبی مورد بحث قرار گرفته است.

۱۵ - قرآن و حدیث تقلید یا تحقیق: مجموعه‌ای است شامل:

۱- بحثی در مورد قرآن و حدیث، دو منبع مهم احکام اسلامی. ۲- بحث فشرده و جالبی در مورد مسأله اجتهاد و تقلید.

۱۶ - وهابیت بر سر دو راهی: شواهد و قرائن نشان می‌دهد که عمر وهابی‌گری افراطی به سر آمده و طرفداران و حامیان خود را به سرعت از دست می‌دهند، زیرا در بطن اصول وهابیت تندرو اموری نهفته است که قابل بقادر دنیای امروز نیست. کتاب فوق به شرح این اصول می‌پردازد.

۱۷ - شیعه پاسخ می‌گوید: این کتاب تحقیقی است در مورد ۱۰ مسأله مهم در مورد بحث میان پیروان اهل بیت علیهم السلام و علمای اهل سنت.

۸ - پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان: مجموعه‌ای دقیق و مستدل و در عین حال جالب و شیرین از اعتقادات خالص اسلامی برای همگان به ویژه جوانان. این مجموعه در پنج قسمت مختلف با دقت و ظرافت و ابتکار خاصی تهیه شده است. این کتاب به زبان‌های عربی، انگلیسی، اردو و بسیاری از زبان‌های زنده دنیا ترجمه و چاپ شده است.

۹ - در جست‌وجوی خدا: این کتاب پژوهشی عمیق و در عین حال گویا و روان درباره خداشناسی می‌باشد. این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۱۰ - اعتقاد ما: این کتاب خلاصه‌ای است از عقاید شیعه که به طور دقیق و ظریف و با دلایل فشرده‌ای که مورد قبول همه باشد در پاسخ سمپاشی‌های فراوان وهابیون نسبت به شیعه نگاشته شده است. این کتاب به بسیاری از زبان‌های زنده دنیا از جمله عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو و ... ترجمه و منتشر شده است.

۱۱ - اسلام در یک نگاه: اسلام چیست و چه ارمغانی برای بشر آورده است؟ برای چه اسلام را باید پذیرفت؟ این کتاب ارائه کننده طرح نسبتاً جامعی از اصول اساسی تعلیمات اسلام بوده و در حقیقت عصاره ای از کتابهای متعددی است که رشته‌های عقاید و فقه اسلام نوشته شده است.

۱۲ - این است آئین ما: این کتاب ترجمه کتاب «اصل الشیعه» و

۱۸- پاسخ به پرسش‌های مذهبی: مجموعه پرارزشی از سؤالات مهم دینی در زمینه اصول و فروع و پاسخ مستدل به آنها که بسیاری از شبهات امروز نسل جوان را برطرف می‌سازد. این کتاب به زبان عربی نیز ترجمه و منتشر شده است.

۱۹- این مسائل برای همه جوانان مطرح است: کتابی شامل پاره‌ای از مسائل فراموش شده و مورد نیاز جوانان به گونه‌ای که سطح آگاهی جوانان را افزایش داده و در انتخاب راه درست آنها را کمک کند.

بخش ششم - آثار اخلاقی

۱- یکصد و پنجاه درس زندگی: این کتاب مشتمل بر ۱۵۰ حدیث ناب اخلاقی با ترجمه روان و شرح کوتاه است که هم برای گویندگان و خطبا منبع خوبی است و هم برای توده مردم. این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۲- زندگی در پرتو اخلاق: این کتاب در مورد مباحث مهم اخلاقی از جمله تهذیب نفس، راه سعادت و خوشبختی، اخلاق بد و سنجش اعمال و ... بوده و می‌تواند راهنمای خوبی برای همه به ویژه جوانان باشد. این کتاب به زبان عربی و انگلیسی نیز ترجمه و منتشر شده است.

۳- ۱۱۰ سرمشق از سخنان علی علیه السلام: مجموعه‌ای از یکصد و ده فراز از زندگی مولای متقیان در قالب قطعات تاریخی و داستانهایی جالب و شنیدنی با گوشه‌هایی از فضایل و کمالات و ظلم‌هایی که بر آن حضرت رفته که هر کدام می‌تواند الگویی خوب و چراغ روشنی فراسوی ظلمت‌های زندگی ما باشد.

۴- مشکلات جنسی جوانان: نامه‌های فراوانی که در زمینه گرفتاری‌های جنسی جوانان به دست معظم له رسید ایشان را بر آن داشت تا کتاب جامعی جهت پیشگیری و درمان این مشکلات بنویسند این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۵- انوار هدایت: این کتاب مجموعه روایات اخلاقی جهت پیشرفت در تهذیب نفس و خودسازی است که در درس خارج معظم له مطرح و توسط برخی از فضلا جمع‌آوری شده است.

۶- مکارم خوبان: حدیث مفصلی از پیامبر اکرم (ص) مشتمل بر ۱۰۳ صفت از صفات مؤمن کامل الایمان است که توسط معظم له شرح گردیده و جمعی از فضلا آن را جمع‌آوری نموده‌اند.

۷- مشکوة هدایت: مجموعه درس‌هایی از اخلاق پیشوایان که در روزهای چهارشنبه قبل از درس خارج فقه شرح گردیده و توسط جمعی از فضلا گردآوری شده است.

۸- ارزش‌های فراموش شده: مجموعه‌ای از سر مقاله‌های مهم و ماندگار مجله مکتب اسلام که در دوران تاریک و خفقان بار رژیم ستم شاهی منتشر شد و موحی در جامعه افکند.

۹- مدیریت و فرماندهی در اسلام: این کتاب به درخواست برخی از فرماندهان سپاه جهت تدریس در دوره‌های فرماندهی اسلامی تألیف شده و شیوه‌های مدیریت و فرماندهی اسلامی را تبیین نموده است.

بخش پنجم - آثار فلسفی

۱- فیلسوف نماها: این کتاب طرز تفکر کمونیست‌های جهان و نقاط ضعف و اشتباه منطق آنها را با یک رشته حقایق اجتماعی و تاریخی آمیخته و در قالب داستانی شیرین و جالب روشن می‌سازد.

۲- معمای هستی: این کتاب بسیار جالبی است که تجربه‌ها و مسیرهای فکری معظم له را از دوران نوجوانی به بعد در جهان بینی اسلامی نشان می‌دهد. این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۳- پایان عمر مارکسیسم: معظم له در تحلیل‌های خود به این نتیجه رسیده بودند که ستاره اقبال مارکسیسم رو به افول است و این پیش بینی ۱۰ سال قبل از فروپاشی اتحاد

جماهیر شوروی بود که در آن زمان به ظاهر در اوج قدرت بودند. ۴- آخرین فرضیه تکامل: بحثی است فلسفی در مورد آخرین فرضیه‌های تحول و تکامل جانداران و نقدی است بر نظریه معروف داروین و همفکران او.

۵- التقاط و التقاطی‌ها: این کتاب چنانکه از نامش پیدا است در مورد مکاتب التقاطی سخن می‌گوید که چیزی از اسلام گرفتند و چیزی از کفر، چیزی از حق و چیزی از باطل!

۶- ارتباط با ارواح: مسأله تناسخ و بازگشت مجدد ارواح در قالب‌های جسمانی دیگر در این جهان و همچنین امکان ارتباط با ارواح همیشه مورد بحث دانشمندان بزرگ بوده است که در این کتاب مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۷- اسرار عقب‌ماندگی شرق: این کتاب از علل و عوامل عقب‌ماندگی مسلمین پس از پیشرفت چشمگیر و درخشان تاریخی بحث می‌کند و علل آن پیشرفت و این عقب‌ماندگی را شرح می‌دهد.

۸- طرح حکومت اسلامی: در آغاز به ثمر رسیدن انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی بسیاری از مردم از یکدیگر سؤال می‌کردند ارکان حکومت اسلامی چیست. معظم له برای پاسخ‌گویی به این سؤالات این کتاب را نوشته و انتشار دادند.

۹- معراج، شق القمر، عبادت در قطبین: این کتاب با توجه به علم روز از امکان معراج و شق القمر صحبت می‌کند و تکلیف کسانی را که در



فیلسوف نماها: این کتاب طرز تفکر

کمونیست‌های جهان و نقاط ضعف و اشتباه منطق آنها را با یک رشته حقایق اجتماعی و تاریخی آمیخته و در قالب داستانی شیرین و جالب روشن می‌سازد

جالب روشن می‌سازد





۱۰ - گفتار معصومین (علیهم السلام): مباحث اخلاقی شامل احادیث کوتاه و شرح آن که توسط معظم له در روزهای چهارشنبه قبل از شروع درس خارج فقه بیان شده و توسط یکی از فضلا جمع آوری شده است.

۱۱ - شیوه همسررداری: این کتاب اشاره‌ای به انبوه مشکلات ازدواج و تشکیل خانواده توسط جوانان داشته و سپس به شرح گوشه‌های جالب و آموزنده‌ای از زندگی پرافتخار حضرت علی علیه السلام و بانوی اسلام فاطمه زهرا علیهما السلام به عنوان رهنمونی برای حل آنها پرداخته است.

۱۲ - فلسفه شهادت: چرا حسین (علیه السلام) فراموش نمی‌شود؟ چه کسی در قیام کربلا پیروز شد؟ چهره اصلی قیام امام حسین علیه السلام چه بود؟ سوگواری برای چیست؟ این کتاب در مورد این مسائل بحث می‌کند.

۱۳ - فلسفه روزه: در این کتاب بحث فشرده‌ای در مورد فلسفه روزه و اثرات تربیتی اجتماعی و بهداشتی و درمانی روزه شده است.

۱۴ - خمس پشتوانه بیت المال: در این کتاب معظم له حکم خمس و فلسفه آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۱۵ - تقیه سپری برای مبارزه عمیق تر: تقیه چیست؟ آیا در تعلیمات اسلامی دستوری به نام تقیه وجود دارد؟ تفاوت تقیه با نفاق چیست؟ این کتاب به بررسی همه جانبه این مسائل پرداخته است.

۱۶ - سیگار پدیده مرگبار عصر ما: این کتاب در پاسخ جمعی از طلاب حوزه علمیه که خواهان توضیح در مورد فتوای تحریم سیگار و ادله آن بودند توسط معظم له نگارش یافت.

بخش نهم - دعا و زیارت

۱ - مفاتیح نوین: این کتاب کار مهم نوینی است برای نوسازی مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی و با امتیازات متعددی که در مقام احیای آن بر آمده است. این کتاب توسط معظم له و با همکاری دو نفر از محققان انجام شده است.

۲ - دعای کمیل: این کتاب ترجمه شیوا و روان دعای کمیل بن زیاد است که زیر نظر معظم له و توسط دو تن از فضلاء حوزه انجام شده است.

۳ - پرتوی از زیارت جامعه کبیره: این کتاب نگاهی اجمالی به زیارت

۱۰ - گفتار معصومین (علیهم السلام): مباحث اخلاقی شامل احادیث کوتاه و شرح آن که توسط معظم له در روزهای چهارشنبه قبل از شروع درس خارج فقه بیان شده و توسط یکی از فضلا جمع آوری شده است.

۱۱ - شیوه همسررداری: این کتاب اشاره‌ای به انبوه مشکلات ازدواج و تشکیل خانواده توسط جوانان داشته و سپس به شرح گوشه‌های جالب و آموزنده‌ای از زندگی پرافتخار حضرت علی علیه السلام و بانوی اسلام فاطمه زهرا علیهما السلام به عنوان رهنمونی برای حل آنها پرداخته است.

بخش هفتم - زندگی معصومین (علیهم السلام)

۱ - عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها: کتاب مهمی است در ارتباط با قیام امام حسین علیه السلام که از ریشه‌ها و انگیزه‌ها شروع شده و سپس به بیان اصل وقایع از منابع معروف و معتبر پرداخته و سرانجام آثار گسترده و ثمرات گرانقدر این قیام را بیان می‌کند این کتاب توسط دو تن از فضلاء حوزه زیر نظر معظم له تدوین شده است. این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۲ - زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان: این کتاب شرح خطبه‌های بسیار پر محتوا و معروف حضرت زهرا علیها السلام به همراه شرح حال فشرده و گویایی از آن حضرت است. این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

۳ - فضایل حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام): این کتاب حاصل جلسات پربرکت ایام فاطمیه در منزل معظم له است که در ارتباط با نام‌های نورانی فاطمه زهرا علیها السلام بحث می‌کند.

بخش هشتم - فلسفه احکام

۱ - نماز مایه تربیت و آرامش روح و روان: چگونه به یاد خدا باشیم؟ آثار

جالبی که مورد قبول جوانان است و توسط یکی از اساتید گردآوری شده و بارها به چاپ رسیده است.

۳- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه: این مجموعه شامل چندین هزار واژه قرآنی است که علاوه بر معانی آنها و آیه‌ای که واژه در آن بکار رفته به شرح و توضیح هر یک بر اساس تفسیر نمونه پرداخته و گاه به نکات تفسیری آنها به صورت موضوعی نیز اشاره شده است. این مجموعه توسط یکی از فضلاء حوزه مشهد گردآوری شده است.

۴- حج و حرمین شریفین در تفسیر نمونه: در این کتاب مباحث حج و مناسک و اسرار آن از ۲۷ جلد تفسیر نمونه توسط یکی از فضلاء حوزه گردآوری تبویب و تنقیح شده و مجموعه پرارزشی را فراهم ساخته تا تمام کسانی که می‌خواهند شکوه و عظمت و اسرار حج را از طریق قرآن بدانند از آن بهره ببرند.

۵- ۱۸۰ پرسش و پاسخ در تفسیر نمونه: این مجموعه که توسط جمعی از فضلا انجام گرفته به جمع‌آوری سؤال و جواب‌های مختلف عقیدتی، اجتماعی، اخلاقی به ویژه مسائل روز در ۲۷ جلد تفسیر نمونه و ۱۰ جلد پیام قرآن پرداخته و در پیچه تازه‌ای به روی همگان به خصوص جوانان در مسائل اسلامی و قرآنی گشوده است.

۶- یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث: این کتاب شامل یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، شامل سیصد آیه و هفتصد حدیث برگرفته از تفسیر نمونه است که می‌تواند گام مثبتی در طریق ارتقای سطح اخلاق عملی باشد.

۷- داستان‌های تفسیر نمونه: این کتاب دربرگیرنده بیش از چهارصد داستان و حکایت واقعی شیرین، جذاب و خواندنی در موضوعات کاملاً متنوع از قرآن است که توسط یکی از فضلاء حوزه از مجموع ۲۷ جلد تفسیر نمونه گردآوری شده که دارای آثار اخلاقی و تربیتی زیادی است.

۸- قصه‌های قرآن: این کتاب سرگذشت پیامبران بزرگ و داستان‌های اقوام پیشین است که توسط یکی از فضلاء حوزه با استفاده از تفسیر نمونه گردآوری شده که هر خواننده‌ای را در دنیای مملو از روشنی‌ها و هدایت‌ها فرو برده و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد.

۹- اسلام و کمک‌های مردمی: در این کتاب آیات انفاق در قرآن مجید توسط یکی از بانوان محترم به طرز جالبی گردآوری و تنظیم شده و از اهمیت آن سخن به میان آمده است.

۱۰- سلامت روح نماز و عبادت در تفسیر نمونه: در این کتاب بحث‌های تفسیر نمونه درباره اهمیت، اسرار، فلسفه و آثار نماز به طور کامل توسط یکی از فضلاء حوزه گردآوری شده است.

۱۱- قصه‌های قرآن: این مجموعه سرگذشت زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آغاز وحی الهی، زندگی پرماجر حضرت موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل، زندگی حضرت عیسی السلام از ولادت تا توطئه قتل و افسانه صلیب و زندگی آموزنده حضرت یوسف علیه السلام بر گرفته از تفسیر نمونه است.

جامعه کبیره در هفت بخش همراه با شرح تفصیلی آن دارد که معظم له در مشهد مقدس برای طلاب و مدرسین بیان فرموده‌اند.

بخش دهم - رساله‌های علمیه و احکام

۱- رساله توضیح المسائل: مجموعه فتاوی فقهی معظم له در ابواب مختلف فقه با بیانی ساده و روان است که در قطع‌های مختلف به چاپ رسیده است. این کتاب به زبان‌های عربی، انگلیسی، اردو، روسی، آذربایجانی، چینی و ... ترجمه و چاپ شده است.

۲- احکام بانوان: کتابی است مشتمل بر تمام احکام اختصاصی و مورد نیاز و ابتلای بانوان در تمام فقه مطابق با نظریات و فتاوی معظم له. این کتاب به زبان عربی نیز ترجمه و چاپ شده است.

۳- رساله احکام برای جوانان: در این رساله سعی شده است احکام واجب، حرام و غیر آن که برای غالب نوجوانان و جوانان مطرح است به زبان ساده، روشن و دور از اصطلاحات پیچیده فقهی ذکر شود.

۴- استفتائات جدید: این کتاب در ۳ جلد که به صورت پرسش و پاسخ توسط یکی از فضلاء حوزه جمع‌آوری شده به بخش عمده‌ای از مسائل مورد ابتلای امروز مطابق فتاوی معظم له اشاره شده است. این کتاب به زبان عربی نیز ترجمه و چاپ شده است.

۵- مناسک چهار حاشیه: این کتاب مشتمل است بر احکام و مسائل مربوط به اعمال حج، طبق فتاوی حضرت امام خمینی (ره) با حاشیه معظم له و سه تن دیگر از مراجع عظام تقلید پیشین.

۶- مناسک جامع حج: در این کتاب احکام و مسائل مربوط به اعمال حج و عمره به طور کامل و جامع مطابق فتاوی معظم له توسط یکی از فضلاء حوزه جمع‌آوری شده است.

۷- مناسک حج: در این کتاب احکام و مسائل مربوط به اعمال حج و عمره مطابق فتاوی معظم له به صورت فشرده بیان شده است.

۸- مناسک عمره مفرده: این کتاب مشتمل است بر مسائل و احکام مربوط به عمره مفرده، مطابق فتاوی معظم له که توسط یکی از فضلاء حوزه جمع‌آوری شده است.

۹- مناسک حج بانوان: در این کتاب احکام حج مخصوص بانوان مطابق فتاوی معظم له توسط یکی از فضلاء حوزه جمع‌آوری شده است.

۱۰- احکام پزشکی: در این کتاب احکام و مسائل مربوط به امور پزشکی مطابق فتاوی معظم له بیان شده است.

بخش یازدهم - کتاب‌های برگرفته از تفسیر نمونه

۱- برگزیده تفسیر نمونه: این کتاب اثری ارزنده است که هم قرآن با ترجمه سلیس و روان را در بر دارد و هم تفسیر فشرده گویایی برای کسانی که می‌خواهند با یک مراجعه سریع از تفسیر آیات آگاه شوند. این کتاب به زبان‌های انگلیسی، ترکی آذری و عربی ترجمه و منتشر شده است.

۲- تفسیر جوان: این دوره خلاصه‌ای از هر جلد تفسیر نمونه به سبک

حیات سیاسی

عافیت خواهی و رفاه طلبی، گذشته از آن که آفتی است برای فکر و اندیشه عالمان و اندیشمندان، و در بسیاری از موارد به آنان اجازه نمی‌دهد که حق را آن گونه که هست و باطل را آن گونه که هست ببینند و تشخیص دهند و تفسیر نمایند، در موارد زیادی نیز، آفتی است برای اقدام و عمل، یعنی پس از تشخیص درست و درک به جا، جرأت اعلان و شهادت اقدام را نیز سلب می‌کند.



چه بسیارند کسانی که تا زمانی حاضرند بنویسند و تحلیل کنند و حرف خود را بزنند که به آب و نان و رفاه و حضورشان در جمع خانه و خانواده، و بود و بقایشان در وطن و کاشانه، صدمه‌ای وارد نشود، اما آن گاه که احساس خطر کنند و مقولات یاد شده را در معرض زوال ببینند، از اصلی ترین رسالت دینی که «بی قرار بودن در مقابل ظلم و بی عدالتی‌ها و فریاد کشیدن در برابر بدعت‌ها و افسادها و اضلال هاست» دست می‌کشند و دم فرو می‌بندند.

در مقابل، فرهیختگان و فرزانه‌گانی را در طول تاریخ سرخ تشیع و خصوصاً در ادوار متأخر و بالأخص در قرن معاصر، می‌بینیم که با قلم و بیان، سنگر بیدادگری و اصلاح خواهی و افشاگری در مقابل بیداد و اضلال را پاس داشتند، و با قبول خطر و استقبال از جلای وطن و دور شدن از فضای بسته رفاه طلبی و آسایش خواهی و رفتن تا مرز شهادت، اثبات کردند که در راه دفاع از دین و کیان مسلمین حاضرند همه هستی خویش را فدا کنند و هرگونه محرومیتی را بپذیرند.

مرزداران و دیدبانانی که در حدیث معروف اهل بیت عصمت آمده است: «علماء شیعتنا مرابطون بالثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته، یمنعونهم عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا؛ علمای شیعیان ما مرزبانان و دیدبانانی هستند که شکاف‌های نفوذی شیطان و سربازان او را می‌بندند و مانع هجوم آنان بر ضعفاء شیعه می‌شوند» روایت دیگری، مرگ عالم را شکافی معرفی می‌کند که هیچ چیز آن را پر نمی‌کند (ثلم فی الاسلام سلمة لایسدها شیء) و در ادامه آن آمده است: «لأن المؤمنین الفقهاء حصون المسلمین کحصن سور المدینة لها؛ این شکاف به این جهت است که مؤمنان فقیه، دژهای مسلمین اند و همانند حفاظتی که دیوارهای یک شهر نسبت به شهر دارد، مومنان را حراست می‌کنند.»

باز هم خدای را شاکریم که استاد فرزانه ما، از این توفیق عظیم نیز بی نصیب نبودند و در بحبوه اختناق و انقلاب، در برابر بیداد، غریبند و پس از جسارتی که در روزنامه اطلاعات آن روز در حق امام راحل



آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)

شخصیت‌های علمی حوزه احساس کردند که هجوم مکاتب باطله و نشریات روز افزون افراد گمراه و ایادی بیگانه که در اختیار جوانان گذارده می‌شود، جوانان را تهدید می‌کند. در این برهه از زمان رجال مذهب و استادان فلسفه و عقاید، احساس مسئولیت کرده و جلسه‌هایی برای آشنا ساختن جوانان با طرز مبارزه منطقی با این مکاتب، تشکیل دادند و معظم له یکی از پیشگامان در تأسیس چنین جلساتی بودند.

ایشان با همکاری جمعی از دانشمندان جلسه بحث علمی و فلسفی تشکیل دادند که در آن جلسه کلیه اصول فلسفی مکتب‌های مادی مطرح می‌گردید. این جلسه سبب شد تا ایشان در این مباحث به حد کافی غور کنند و رساله و نوشته‌های آنها را مورد بررسی قرار دهند. از این نظر توانستند یک شاهکار علمی که در باب خود ممتاز و بی‌نظیر است به نام (فیلسوف نماها) را از خود به یادگار بگذارند. این کتاب با استقبال عظیم جوانان و طبقه روشنفکران روبه‌رو گردید و دسته‌ای از گمراهان در پرتو این کتاب از چنگال مکتب مادی‌گری و ماتریالیسم‌رهایی یافتند. این کتاب بیش از ۳۰ مرتبه به چاپ رسیده و به تصدیق اهل فن کمتر کتابی این چنین جامع در تحلیل اصول فلسفی مارکسیست‌ها نگارش یافته است.

با اینکه ده‌ها سال از انتشار این کتاب می‌گذرد هنوز طراوت و ابتکار خود را در محیط‌های علمی حفظ نموده است و اخیراً که کمونیست‌ها، کشور همسایه و مسلمان افغانستان را مورد هجوم وحشیانه خود قرار داده و آن را مدتی به اشغال خود در آورده بودند، اخبار فراوانی رسید که حاکی از نقش مهمی است که این کتاب در خنثی نمودن تبلیغات خام آنها و در توجیه صحیح مردم ایفا کرده بود.

این فصل در حقیقت نخستین نقطه تحول فکری در حوزه علیه قم بود و از این هنگام به بعد ایشان قسمتی از اوقات خود را صرف خواندن کتابها فلسفی و کلامی و مطالعه در آرا و عقاید فرقه‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی به خوبی واقف گردند و کتاب‌هایی در این زمینه منتشر سازند. (ج) تأسیس جلسات درس عقاید و مذاهب: معظم له احساس کردند کتاب‌هایی که در زمینه عقاید اسلامی نوشته شده با گذشت زمان نمی‌تواند پاسخگوی همه نیازمندی‌های این زمان باشد؛ زیرا این کتاب‌ها

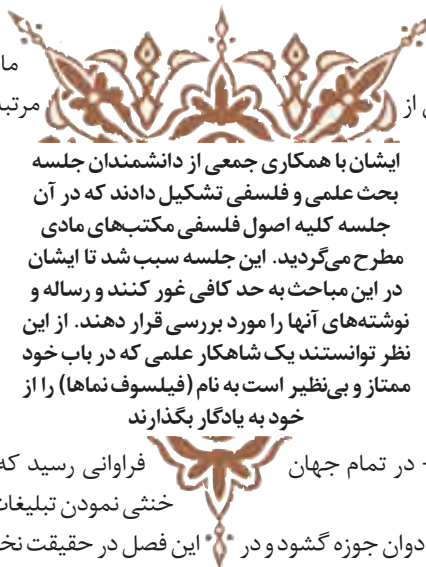
عظیم‌الشان قدس سره روا داشته شد، سخنرانی صریح و تندی را ایراد فرمودند که نتیجه‌اش هفت ماه تبعید و دوری از حوزه علمیه و وطن شد. این مرجع تقلید در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر (چابهار)، (مهاباد)، (انارک) تبعید شدند و در تدوین قانون اساسی در خبرگان اول، نقش مؤثری داشتند.

خدمات ارزنده

الف) نشریه علمی مرکز بزرگ شیعه: از مدت‌ها پیش احساس می‌شد که حوزه علمیه قم نیازمند یک نشریه عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید. علاوه بر مسلمانان همواره از این دانشگاه بزرگ اسلامی چنین انتظاری را داشتند و طبقات مختلف از مراجع بزرگ حوزه و دیگران چنین تقاضایی می‌کردند بطور مسلم انتشار مجله‌ای که بتواند به اشکالات مذهبی جوانان پاسخ بگوید و با نشریات گمراه‌کننده مبارزه نماید، مشکلاتی داشت که باید پشت سر گذاشته می‌شد و از آنجا که بعضی از افکار در آن روز آماده پذیرش چنین نشریه‌ای نبود اندیشمندانی مصمم و مبتکر را می‌طلبید تا با عزم راسخ خود این بار مهم را به دوش گیرند. از این نظر معظم له به اتفاق جمعی از دانشمندان نشریه ماهانه (مکتب اسلام) را با مساعدت زعمای حوزه علمیه قم و با کمک مالی عده‌ای از نیکوکاران پایه‌گذاری کردند. این نشریه در جهان تشیع بی‌سابقه بود و شاید از نظر وسعت انتشار - در میان مجلات علمی و دینی - در تمام جهان اسلام، جزو درجه اول‌ها بود.

این مجله راه‌نویینی به روی فضلاء دانشمندان دوان حوزه گشود و در حالی که از سال تأسیس آن (۱۳۳۶ شمسی) بیش از ۳۹ سال می‌گذرد خدمات ارزنده‌ایی به جهان اسلام و شیعه نمود و در قلوب جوانان و دانشجویان و اساتید و فضلاء، مقام و منزلتی بس ارجمند پیدا کرد و نور اسلام و تشیع را از مرکز آن به اطراف جهان فرستاد.

ب) نقطه تحول در افکار طلاب و دانشجویان: در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ تبلیغات (مادی‌ها) در محیط کشور بالا گرفت، مقامات روحانی و



خانه‌ها موجود است؛ این تفسیر و تفسیر موضوعی پیام قرآن باب تازه‌ای در تفسیر قرآن گشوده و کتب اعتقادی ایشان به هنگام هجوم مکاتب باطله، پناهگاهی برای طلاب و دانشجویان بود. از جمله کتب فقهی ایشان: انوار الفقاهه، والقواعد الفقهیه و انوار الاصول و تقلیقات مستدل و مشروحی بر تمام عروة الوثقی می‌باشد که مکرر به چاپ رسیده است. رساله عملیه ایشان (توضیح المسائل) تا کنون بارها چاپ شده و این رساله به زبان عربی و اردو و ترکی آذری و انگلیسی نیز ترجمه و منتشر شده است.

از آن جا که خدمات فرهنگی هنگامی ماندگار می‌شود که محل و جایگاه مناسبی برای آن در نظر گرفته شود، حضرت استاد برای خدمات علمی و فرهنگی خود ساختمان‌های مجهز و آبرومندی را به کمک یاران خیر و توده مردم علاقه‌مند، بنیان نهاده است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

۱- مدرسه الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام): این مدرسه که در قم بنا نهاده شده نخستین مرکزی است که پایگاه فعالیت‌های فرهنگی ایشان در طول سالیان دراز بوده، مرکزی است بسیار پربرکت و مجهز به مرکز انتشارات که تقریباً تمام مجلدات بیست و هفت‌گانه تفسیر نمونه و بسیاری از کتب دیگر ایشان در آن جا نگاهشته شده و سالیان متمادی مرکز درس‌های باشکوه فقه، اصول و عقاید ایشان بوده است.

۲- مدرسه امام مجتبی (علیه السلام): این مدرسه مرکز پرورش گروهی از طلاب با استعداد و یکی از بهترین مدارس حوزه علمیه قم محسوب می‌شود.

۳- مدرسه امام حسین (علیه السلام): این مدرسه محل استقرار مرکز تخصصی تفسیر قرآن کریم و همینطور به طور موقت شدن ساختمان اصلی در جوار مسجد جمکران) محل استقرار مرکز تخصصی شیعه‌شناسی می‌باشد.

همچنین بخش کامپیوتر و اینترنت و دفتر مراجعات مردمی دفتر معظم له نیز در این ساختمان قرار دارند.

دفتر استاد که محل مراجعات مردم و ملاقات‌های شخصیت‌ها با ایشان است مدت‌ها در همین مدرسه واقع انجام می‌گرفت.

۴- مدرسه امام سجاد (علیه السلام) در این محل استقرار کتابخانه بزرگ تحقیقاتی معظم له، سالن ملاقات‌ها، بنیاد فقه اهل البیت (علیهم السلام) شورای استفتاء، دفتر انتشارات امام علی ابن ابیطالب (علیه السلام) بوده و همچنین در بخش‌هایی از آن محققان مختلف علوم دینی راجع به مسائلی که مورد نیاز بخش‌های مختلف دفتر می‌باشد به تحقیق و تالیف مشغولند.

۵- بنیاد فقه اهل بیت (علیه السلام) این مرکز در مدرسه امام سجاد

در قرونی نوشته شده که اشکالات امروز مادی‌ها مطرح نبود و بازار ایادی استعمار این چنین گرم نبود. بعلاوه در آن کتاب‌ها مسائلی مانند نزاع (اشعری و معتزلی) و امثال آن مطرح است که امروز از گردونه مباحث عقاید بیرون رفته و رنگ بحث‌های موسمی به خود گرفته. روی این ملاحظاتی ایشان بار دیگر به کمک ذوق و استعداد خاص خویش، مسائل عقیدتی اسلام و اصول پنج‌گانه را به طرز بی‌سابقه‌ای مطرح ساختند و با تشکیل درس عقاید، صدها نفر را به این مسائل آشنا کردند و کتاب‌هایی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است، تألیف نمودند.

د) مجمع علمی نجات نسل جوان: ایشان به موازات جلسات درس عقاید، جلسه دیگری تشکیل دادند که در هشت رشته از مذاهب موجود جهان، افرادی پرورش یابند تا بتوانند از طریق بحث و مناظره یا نوشتن کتاب، با مبلغان مذاهب مختلف رو به رو شوند و به ایرادها و دلایل

آنها پاسخ گویند. این جلسه در مدت کمی توانست فضایی پرورش دهد که هر کدام در رشته خاص خود تخصص لازم را کسب نمودند و هم اکنون جمعی از نویسندگان زنده جوان حوزه علمیه، محصول آن جلسه می‌باشند. همچنین برای رهایی جوانان از چنگال عوامل فساد به همکاری جمعی دست به تشکیل (مجمع علمی نجات نسل جوان) زدند. یکی از نتایج این مجمع گذاردن نشریات جالب در اختیار جوانان بود که به سرعت جای خود را در میان جوانان کشور باز کرد.

ه) مبارزه با التقاطی‌ها: معظم له در یکی از سفرهای خود به شهر شیراز با بازار گرم صوفیگری رو به رو شدند. گروهی از محضر ایشان در خواست نمودند که با قلم شیوای خود کتابی پیرامون اصول صوفیگری - که اتفاق و ادب در آن رعایت شده باشد - بنویسد.

معظم له نیز با استفاده از مدارک موجود، عقاید دسته‌مزبور را با کمال ادب و احترام - که

همواره شیوه ایشان در نگارش می‌باشد - مورد بررسی و انتقاد قرار داده و کتابی نوشتند که به نام (جلوه حق) در سال ۱۳۳۰ انتشار یافت. طرز نگارش این کتاب توجه مخصوص حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) را جلب نمود و مؤلف را به حضور خود پذیرفت، پس از تقدیر از خدمات ارزنده ایشان بیاناتی ایراد فرمودند از جمله این که (من این کتاب را به هنگام فراغت مطالعه کردم و کوچک‌ترین نقطه ضعفی در آن به نظر نیامد. شکرالله مساعیک!)

و) تألیفات و آثار: از معظم له تا کنون حدود یکصد و پنجاه جلد کتاب به چاپ رسیده که بعضی از آنها بیش از ۳۰ بار تجدید چاپ شده و بعضی به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است. تفسیر نمونه ایشان به چند زبان ترجمه شده و در اغلب



مجمع علمی نجات نسل جوان:

ایشان به موازات جلسات درس عقاید، جلسه دیگری تشکیل دادند که در هشت رشته از مذاهب موجود جهان، افرادی پرورش یابند تا بتوانند از طریق بحث و مناظره یا نوشتن کتاب، با مبلغان مذاهب مختلف

رو به رو شوند



۱- مدرسه الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام): این مدرسه که در قم بنا نهاده شده نخستین مرکزی است که پایگاه فعالیت‌های فرهنگی ایشان در طول سالیان دراز بوده، مرکزی است بسیار پربرکت و مجهز به مرکز انتشارات که تقریباً تمام مجلدات بیست و هفت‌گانه تفسیر نمونه و بسیاری از کتب دیگر ایشان در آن جا نگاهشته شده و سالیان متمادی مرکز درس‌های باشکوه فقه، اصول و عقاید ایشان بوده است.

۲- مدرسه امام حسین (علیه السلام): این

این مدرسه محل استقرار مرکز تخصصی تفسیر قرآن کریم و همینطور به طور موقت (تا زمان آماده شدن ساختمان اصلی در جوار مسجد جمکران) محل استقرار مرکز تخصصی شیعه‌شناسی می‌باشد





ساختمان مرکز شیعه شناسی در جوار مسجد مقدس جمکران به ساختمان اصلی خود منتقل می شود.

در این مرکز آموزشی، رشته تخصصی شیعه شناسی حوزه علمیه قم در دو سطح کارشناسی ارشد و دکتری برگزار می شود.

مرکز شیعه شناسی که زیر نظر معظم له فعالیت خود را آغاز خواهد نمود دارای بخش های مختلفی است که مرکز آموزش تخصصی شیعه شناسی یکی از بخش های آن است.

۷ و ۸ - مجموعه فرهنگی و زائر سرای امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهم السلام) تحت اشراف مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) در زمستان ۱۳۸۴ افتتاح و در فروردین ۱۳۸۵ آماده بهره برداری قرار گرفت.

۹ - مجتمع فرهنگی خاتم الانبیاء: جمعی از مقلدان و همشهریان ایشان انتظار داشتند که یک حرکت فرهنگی علمی و دینی گسترده را در موطن مألوف خویش (شیراز) آغاز کنند که امواج آن استان فارس را فراگیرد، پس از مشورت های لازم زمینی به وسعت دوازده هزار و پانصد متر در یک محله حساس و محروم شهر (خیابان احمدی نو) تهیه کردند و احداث پنج مرکز دینی در کنار هم ۱۰. دارالقرآن برای تربیت معلمان قرآن و علوم قرآنی و تفسیر ۲. حوزه علمیه ۳. مسجد ۴. کتابخانه مجهز ۵. سالن بزرگ دارالقرآن برای تشکیل همایش های بزرگ قرآنی و دینی، آغاز شده است و به برکت الطاف الهی دارالقرآن آن به بهره برداری رسیده است.

(علیه السلام) استقرار دارد و در حال حاضر در دوزمینه زیر دارای فعالیت می باشد:

الف: دایرة المعارف فقه مقارن

این مجموعه از سال ۱۳۸۱ با هدف کمک به شکوفائی و پیشرفت و تعمیق فقه اهل بیت (علیهم السلام) به منظور ارائه فرهنگ غنی اهل بیت (علیهم السلام) در کنار مذاهب دیگر آغاز شد.

این مجموعه با در نظر گرفتن نظرات مذاهب اربعه اهل سنت تا کنون یک جلد از این مجموعه را وارد بازار نموده است.

ب: تهیه و تنظیم آیات الاحکام

این قسمت که فعالیت خود را از تیر ماه سال ۱۳۸۶ آغاز کرده، تصمیم دارد آیات مربوط به احکام فقهی که بیش از ۵۰۰ آیه است را به صورت مجموعه ای در آورد تا گنجینه ای باشد از تلاش های چندین ساله علمای حوزه در زمینه فقه اسلامی.

این مجموعه به نام موسوعه آیات الأحکام مزین خواهد شد. این مجموعه بارزش، با همت تعدادی از محققین حوزه علمیه قم و تحت اشراف حضرت آیت الله مکارم شیرازی در حال تدوین است و قرار است به یاری خداوند متعال تا ۱۰ سال آینده به اتمام برسد. قابل ذکر است جلد اول این مجموعه پس از اتمام به بازار کتاب عرضه خواهد شد.

۶ - مرکز تخصصی شیعه شناسی: این مرکز به طور موقت در مدرسه امام حسین (علیه السلام) واقع شده و به محض اتمام عملیات ساخت

حسین) علیه السلام (قدردانی نشود و لذا این مرکز را به نام آن خطیب بزرگوار نامگذاری کردند تا با یک کرشمه چند کار انجام شود.

۱۱- سایت اینترنتی: امروزه بهره‌گیری از تکنولوژی در تمامی امور بخش لاینفک زندگی افراد شده است، در همین راستا به منظور تسهیل در دسترسی عموم کاربران به مباحث مختلف اسلامی از جمله: احکام و مسائل شرعی، معارف اسلامی، مسائل اعتقادی و... دفتر معظم له اقدام به راه‌اندازی پایگاه اینترنتی نموده که از دو قسمت فنی و تحقیقاتی تشکیل می‌گردد:

در بخش فنی، کلیه امور فنی از قبیل طراحی، برنامه نویسی، نگهداری، حروفچینی، و آماده سازی فنی مطالب جهت قرار گرفتن در سایت و همچنین رصد فضای نت جهت اطلاع از آخرین تحولات مختلف سیاسی و مذهبی جهان انجام می‌گیرد. این بخش، دارای دو شیفت کاری و تقریباً ۱۰ پرسنل می‌باشد.

و در بخش تحقیقات که فعالیت اصلی آن تولید محتوا برای پایگاه می‌باشد، اعضای آن از دانش آموختگان سطوح عالی حوزه هستند و به عنوان پژوهشگر در این بخش مشغول به فعالیت می‌باشند.

مباحثی که توسط اعضاء گروه تحقیق تهیه و تنظیم می‌گردد، در نهایت در یک جلسه علمی با حضور محققین و سرپرست واحد تحقیقات مطرح می‌گردد، پس از بررسی و بازبینی، ویراستاری و به شیوه‌ای جدید و در نوع خود منحصر به فرد در اختیار عموم کاربران محترم قرار می‌گیرد.

۱۲ و ۱۳- بنای ۱۱۰ مسجد و ۱۱۰ مدرسه در مناطق محروم:

سال ۱۳۷۹ که جمع دو عید غدیر در یک سال شمسی به

نام سال امیرالمومنین (علیه السلام) نامیده شد و

مراسم پرشکوهی در این سال در سراسر کشور و

حتی در خارج از کشور انجام گرفت، آیت الله

مکارم به فکر انجام یک خدمت ماندگار در

این سال افتادند، و همت بر بنای ۱۱۰

مدرسه فرهنگی و ۱۱۰ مسجد که به

مقیاس حروف «ابجد» با نام مقدس

«علی (علیه السلام)» هماهنگ

است در مناطق بسیار محروم کشور مخصوصاً در شرق خراسان و منطقه سیستان و بلوچستان گذاشتند.

از جمعی از تجار خیر و افراد نیکوکار دعوت به عمل آوردند و طرح خود را مطرح کردند و آنها هم استقبال نموده، کانونی به همین نام با یک هیئت امنای هفت نفری به وجود آمد تا به کمک محرومان مخصوصاً شیعیان محروم و مظلوم بشتابند، این برنامه هم اکنون به ثمر نشست و مساجد و مدارس متعددی در مناطق مذکور ساخته شده و به نام مبارک «الغدیر» یا «امیرالمؤمنین (علیه السلام)» نامیده شده و برنامه انشاء الله همچنان به پیش می‌رود تا به حد نصاب لازم یعنی عدد ۱۱۰ برسد.



۱۰- مرکز فرهنگی و دارالمبلغین فلسفی در تهران: تهران پایگاه حکومت اسلامی است و مبلغین دینی بسیاری دارد، ایشان مایل بودند که کانونی برای این مبلغان ساخته شود و آموزش‌های لازم برای آشناتر شدن به مسائل زمان و شبهات و پاسخ شبهات و هماهنگی در مسائل تبلیغی، به عمل آید، اضافه بر این گروه تازه‌ای هم برای تبلیغ اسلام در داخل و خارج پرورش یابند. برای این منظور خانه مرحوم خطیب شهیر قرن حاضر حجت الاسلام و المسلمین آقای فلسفی «رحمه الله» را خریداری کردند تا بنای با شکوهی در آن بسازند و کلاس‌های درس و کتابخانه و سالن اجتماعات در آن فراهم گردد و از آن جا که این خطیب بزرگ مدت ۸۲ سال از عمر پربرکت نود و چند ساله خود را در راه اعتلای اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) صرف نمود، حضرت استاد دریغ داشتند که نام او فراموش شود و از این خادم شایسته سالار شهیدان امام

سعید داودی:

توجه به ریشه‌های قرآنی کلمات، امتیاز ویژه شرح نهج البلاغه آیت الله مکارم است

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی با اشاره به انگیزه دوم که نبودن شرح جامع و به‌روز برای نهج‌البلاغه است، می‌نویسد: «در طول تاریخ اسلام شروح متعددی بر نهج‌البلاغه نوشته شده، و علمای عالی‌قدری چه در گذشته و چه در عصر ما برای تبیین، تفسیر و کشف گنجینه‌های آن کوشیده‌اند و خدمات پرارزشی انجام داده‌اند، ولی انصاف این است که نهج‌البلاغه هنوز دست نخورده است، هنوز مظلوم است، هنوز تلاش‌های بسیار فراوان دیگری را می‌طلبد.

مخصوصاً در عصر و زمان ما که عصر مشکلات پیچیده جوامع انسانی، عصر ظهور مکتب‌های مختلف فکری، عصر تهاجم بر اعتقادات، اخلاق، تقوا و فضیلت از سوی دنیاپرستان و جهان‌خواران است، تا راه را برای رسیدن به منافع آلوده و نامشروعشان هموار سازند. آری در این عصر، نهج‌البلاغه تلاش و کوشش و کار بیشتری را می‌طلبد. کار تحقیقاتی و گروهی برای یافتن راه غلبه بر مشکلات معنوی، مادی، فردی و اجتماعی و مقابله با مکتب‌های ویران‌گر فکری و اخلاقی به وسیله آن.»

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی در بخش دیگری از همین کتاب، پس از گزارشی از شروع نهج‌البلاغه می‌نویسد: «ولی با این همه باید اعتراف کرد که گویی این کتاب بزرگ هنوز دست نخورده است و نیاز به شروع فراوان دیگری دارد که گوهرهای معانی آن را از درون صدف الفاظ بیرون کشید و در دریای بیکران نهج‌البلاغه به غواصی پرداخته، لؤلؤهای معانی را بیرون آوردند و نیازهای این عصر و زمان و اعصار و ازمنه آینده را از آن بیرون کشند، زیرا ابعاد نهج‌البلاغه همچون ابعاد وجود علی (ع) آنچنان وسیع و گسترده است که به این آسانی نمی‌توان بر آن دست یافت.»

۲- ویژگی‌ها

این کتاب ارزشمند با آن انگیزه‌های که بیان شده و اینکه در صدد ارائه شرح جامع‌تر و تازه‌ای بر نهج‌البلاغه است، امتیازات و ویژگی‌های دارد:

۱. این شرح جامع توسط نویسنده‌ای توانا با کوله‌باری از تجربه، دانش، نویسندگی و پس از نوشتن ده‌ها جلد کتاب، با همکاری جمعی از دانشمندان حوزه علمیه قم به نگارش درآمده است. آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی پس از تدوین کتب مختلف و تدوین تفسیر نمونه، پیام قرآن و تجربه کار جمعی به نگارش این کتاب روی آورده است و این امتیاز مهمی است.

ایشان در مقدمه پیام امام در همین ارتباط می‌نویسد: «به همین دلیل بعد از توفیقی که در تفسیر نمونه و پیام قرآن به حمدالله نصیب این حقیر و جمعی از یاران باوفا شد که سبب حرکت جدیدی درباره کارهای قرآنی و نفوذ بیشتر قرآن و تفسیر در مجامع علمی بلکه غالب خانه‌ها گردید،

توجه به ریشه‌های قرآنی کلمات نهج‌البلاغه امتیاز ویژه شرح نهج‌البلاغه آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی است؛ زیرا به اعتقاد ما کلمات امیر مؤمنان (ع) منشأ و حیانی دارد و در بسیاری از موارد شرح و تفسیر معارف و حقایق قرآنی است.



از جمله آثار پربار آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی که بعد از فراغت از «تفسیر نمونه» و «تفسیر موضوعی پیام قرآن» با همکاری جمعی از دانشمندان و محققان حوزه علمیه قم تدوین شده است، «شرح جامع و روانی بر نهج‌البلاغه» است.

۱- انگیزه‌ها

به همین منظور حجت‌الاسلام سعید داودی، از محققان و همکاران علمی تدوین «پیام امام‌المؤمنین (ع)» مقاله‌ای را اختصاصاً برای خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، ارسال داشته که متن این مقاله در ادامه آمده است.

انگیزه‌های تدوین این کتاب در دو نکته مهم خلاصه می‌شود؛ نخست جامعیت کتاب ارزشمند و گرانسنگ نهج‌البلاغه برای هدایت جامعه بشری و دیگری غربت و مظلومیت این کتاب که میان مسلمانان و حتی شیعیان آن حضرت، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی در صفحات نخستین جلد اول پیرامون انگیزه اصلی تألیف این کتاب چنین می‌نویسد: «نهج‌البلاغه گنجینه بزرگ معارف اسلام، عالی‌ترین درس برای تعلیم و تربیت انسان‌ها، بهترین سرمایه خودسازی و تهذیب نفس و مؤثرترین برنامه برای ساختن جامعه‌ای سالم، پاک و سربلند است.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی در همین صفحات به آشنایی بیشتر خود با نهج‌البلاغه در دوران «زندان ستم شاهی» در سال ۴۲ اشاره می‌کند و این‌که در آن مدت، فرصت خوبی برای مطالعه دقیق‌تر این کتاب برای وی فراهم شده است، آنگاه می‌نویسد: «آن ایام متوجه شدم که نهج‌البلاغه چیزی فراتر از آن است که ما فکر می‌کنیم و درباره آن می‌اندیشیم؛ خود را با دریایی از علم و دانش روبه‌رو دیدم که با مهم‌ترین مسائل زندگی انسان در تمام ابعاد معنوی و مادی سر و کار دارد، دریایی موج و خروشان، که گوهرهایش را همراه امواجش به ساحل فرومی‌پاشد و ساحل‌نشینان خود را غرق در انواع مواهب معنوی و مادی می‌کند، ولی غواصان تلاش‌گر سهم بیشتری دارند. آن روز فهمیدم چقدر محرومند کسانی که با داشتن چنین گنجینه‌ای گران‌بها از آن بی‌خبرند، و دست به سوی دیگران دراز کرده و آنچه خود دارند از بیگانه تمنای کنند!»

بتوانند از آن استفاده کنند. سادگی و روانی قلم هرگز از اتقان و دقت کار نکاسته؛ کتابی است که دقت را در کنار روانی، جامعیت را در عین قابل فهم بودن و ژرفایی را همراه با سادگی گرد آورده است.

۴. همه فصول و فرازهای نهج البلاغه مورد توجه بوده است، برخلاف غالب شروح که تنها بخش‌های مورد نظر خویش را مورد توجه قرار داده‌اند و فزازهایی که برای آن‌ها جلب نمی‌کرد، به سرعت از آن می‌گذشتند، نویسندگان این کتاب ارزشمند، در پی شرح جمله به جمله و تفسیر همه فزازه‌ها و فصول هر بخش بوده و هیچ قسمتی را از نظر دور نمی‌دارند.

۵. از دیگر ویژگی‌های این شرح، توجه خاص به پیوند جمله‌ها و بخش‌های یک خطبه یا نامه و به طور کلی کلمات آن حضرت است. همان‌گونه که در قرآن کریم میان آیات پیوند منطقی برقرار است، نهج البلاغه که رشحاتی از کلمات الهی دارد و از امامی فصیح و بلیغ صادر شده است، به یقین با پیوندی منطقی همراه است. کشف این پیوندها در هر فزار و فصل و تعقیب اهداف مرتبط با یکدیگر در این کلمات زیبا از دیگر ویژگی‌های این شرح است؛ چیزی که در غالب شروح مورد توجه قرار نگرفته است.

۶. در این شرح، به روح کلی حاکم بر مجموع خطبه‌ها و نامه‌ها توجه خاص شده است. بر این اساس، همه بحث‌ها در محدوده آن روح کلی قرار می‌گیرد و از پرداختن به مطالب حاشیه‌ای و غیر ضروری پرهیز می‌شود. گاهی در برخی از شرح‌ها دیده شده است که مطلبی فرعی از امام (ع) مورد توجه نویسندگان قرار گرفته و در صفحات زیادی به شرح آن پرداخته شده است به گونه‌ای که از مطلب اصلی که روح حاکم بر آن کلمات است، دور شده است.

اما سعی نویسندگان پیام امام امیرالمؤمنین (ع) بر این بوده است که روح کلی حاکم بر کلام حضرت را نادیده نگیرند و بیشتر به شرح و تفسیر آن بپردازند.

۷. در فزازه‌های کلام امیرمؤمنان علی (ع) کلمات مشابه هم دیده می‌شود، برخی از شارحان بدون حل

گروهی از اهل فضل اصرار داشتند که اکنون «نوبت نهج البلاغه فرا رسیده است و باید کاری مشابه تفسیر نمونه روی آن انجام گردد، بلکه با استفاده از تجربیات گذشته، کاری پخته‌تر و جالب‌تر صورت گیرد.»

شخصیتی به شرح و تفسیر این کتاب گرانسنگ همت گماشت که خود در جهان اسلام شناخته شده است و در مقام افتاء و مرجعیت شیعیان است کسی که هزاران تن از خرمن دانش او بهره گرفته‌اند و شاگردانی فراوانی را در عرصه عقاید، فقه، اصول، تفسیر و دیگر علوم اسلامی پرورش داده است.

به ویژه آنکه پیش از این، دو تن از دانشمندان و فضایی حوزه علمیه قم یعنی مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا آشتیانی ترجمه و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه زیر نظر ایشان نوشته و آن را منتشر ساخته بودند. همه این دانش، تجربه و قلم در خدمت شرح گسترده‌ای بر نهج البلاغه قرار گرفت. بدیهی است که ره‌آورد آن، شرحی جامع‌تر بر نهج البلاغه خواهد بود.

۲. از دیگر ویژگی‌های این شرح، تدوین آن به صورت گروهی است. آیت الله العظمی مکارم شیرازی که به کارگروهی اعتقاد کامل دارد و معتقد است کار جمعی هم به اتقان کار می‌افزاید و هم از خستگی‌ها می‌کاهد، چرا که هر کسی گوشه‌ای از کار را به عهده می‌گیرد و هم سبب رشد و پرورش نیروهای مستعد می‌گردد، در تدوین این کتاب نیز دو تن از یاران گذشته و همکاران تفسیر نمونه و چند تن از یاران تازه نفس به کمک گرفته شدند. همه این اعضا از فضلا و دانشمندانی هستند که در مراکز علمی به تحقیق و تدریس مشغولند. حضور فعال این گروه، نشاطی تازه و رونقی نوبه جلسه تدوین شرح نهج البلاغه بخشید و در طول نگارش این شرح، بر تجربه آن نیز افزوده شد و هر چه پیش رفتند، پختگی اتقان کار نیز افزایش یافت.

۳. نوشتن کتاب با قلمی روان و قابل استفاده برای عموم مردم از دیگر ویژگی‌های این شرح است. این شرح به گونه‌ای نوشته شده که علاوه بر دانشمندان و فرهیختگان، همه علاقه‌مندان به فهم نهج البلاغه

یا «زبیر» بیان فرمودند، در بحث نکته‌ها به شخصیت این دو تن و زندگی نامه آن‌ها پرداخته شده است و یا اگر حضرت خودش را نخستین کسی معرفی می‌کند که اسلام آورده، در نکته‌ها ادله روشن دیگری برای این مطلب و دفع شبهات آمده است. همچنین هنگامی که آن حضرت مطلبی پیرامون «امر به معروف و نهی از منکر» بیان داشته، اهمیت و ابعاد دیگر این دو فریضه در نکته‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱۲. از امتیازات دیگر این شرح، توجه به ریشه‌های قرآنی کلمات آن حضرت است. به اعتقاد ما کلمات امیرمؤمنان علی (ع) منشأ و حیانی دارد و در بسیاری از موارد شرح و تفسیر معارف و حقایق قرآنی است؛ از این رو، تا جایی که ممکن است، فرازهای سخنان آن حضرت با قرآن پیوند زده می‌شود و آیاتی از قرآن در همین راستا مورد استناد قرار می‌گیرد.

۱۳. دورنمای خطبه‌ها و نامه‌ها در آغاز بحث، تحت عنوان «خطبه (یا نامه) در یک نگاه» بیان می‌شود تا خواننده از ابتدا به طور اجمالی در جریان کلمات آن حضرت قرار گیرد.

۱۴. پیوند نکات اجتماعی، تاریخی و تربیتی با مسائل روز از دیگر امتیازات این شرح است. در این کتاب سعی شده است، کلمات حضرت با آنچه امروز مورد نیاز است تطبیق داده شود و به اصطلاح «به روز» و «کاربردی» عرضه گردد. چرا که کلمات آن حضرت هر چند در واقعه‌ای خاص و ماجرای ویژه صادر شده، اما انتخاب کلمات و جمله‌ها توسط آن حضرت برای بیان آن واقعه و تحلیل آن، فرازمانی، فرامکانی و فراشخصی است. آن حضرت به گونه‌ای به تحلیل آن قضایا می‌پردازد و گاه قواعدی عام و جملاتی بنیادین بیان می‌کند که در تمام عصرها و برای همه نسل‌ها قابل استفاده است. تحلیل این بیان‌ها و تطبیق آن بر مشکلات عصر حاضر و پندآموزی از آن جهت حل مشکلات از دیگر امتیازات این شرح جامع و جالب است.

۱۵. قلم منصفانه و به دور از تعصب و توهین از دیگر امتیازات این شرح است. نویسندگان محترم این کتاب ضمن پایبندی به اصول شیعه و دفاع منطقی از آن و

این کلمات مشابه آن را تأکید یکدیگر و از فنون بیانی می‌دانند؛ در حالی که در این شرح اصل را در تفسیر جمله‌ها بر تأسیسی بودن گذاشته شده، به این معنی که هر جمله‌ای معنایی خاص خود را دارد و تا آنجا که ممکن است لازم است از هر جمله‌ای پیام تازه‌ای را دریافت کنیم و به تأکیدی بودن بسنده نکنیم.

۸. حل مشکلات کلمات، جمله‌ها و فرازهای پیچیده از دیگر امتیازات این شرح است؛ برخی از شارحان گاه بدون تفسیر کلمات و جمله‌های آن حضرت، فقط به مباحث استطرادی می‌پردازند و عنایتی به حل نهایی جمله‌ها و عبارات نمی‌کنند؛ اما تلاش در این شرح (پیام امام) بر آن است که پیچیدگی کلمات حل شود و در پی فهم مقصود امام (ع) از بیان این جملات تلاش نمایند و آن را برای خوانندگان با بیان ساده بنویسند.

۹. در هر خطبه، نامه و یا کلمه حکمت‌آمیز به اسناد آن - در غیر نهج البلاغه - توجه شده و از کتاب‌هایی که پیرامون اسناد نهج البلاغه نگارش یافته بهره گرفته شده است. هر چند بلندای محتوا و فصاحت و بلاغت نهج البلاغه آن را از مستند ساختن بی‌نیاز می‌سازد، اما با این حال، برای رفع پاره‌ای از شبهات، دانشمندان - همچون سید عبدالزهراء خطیب - با نوشتن کتاب «مصادر نهج البلاغه و اسانیده» در پی آن برآمده که کلمات حضرت را به کتاب‌های قبل از دوران سید رضی مستند سازند و روشن نمایند که غالب این کلمات غیر از نهج البلاغه مصادر دیگری نیز دارد. در پیام امام امیرالمؤمنین (ع) به این نکته نیز توجه خاص شده و در پاورقی هر خطبه یا نامه و کلمات قصار به آن پرداخته شده و از کتاب فوق و دیگر کتب در این رابطه استفاده شده است.

۱۰. لغات مشکل نهج البلاغه به صورت روان و ساده و با ریشه‌یابی کامل در پاورقی و گاه در متن معنا شده است.

۱۱. مطالبی که نیاز به توضیح و تکمیل دارد، در پایان هر فراز تحت عنوان «نکته‌ها» بیان می‌شود؛ مثلاً اگر یک جا امیرمؤمنان علی (ع) جمله‌ای درباره «طلحه» و

می دهد و یکی از اعضای جلسه املای ایشان را می نویسد.

در این میان دوستان حاضر نیز اگر نکته ای به خاطرشان رسیده بیان می کنند و ایشان آن ها را نیز مورد توجه قرار می دهد. مواضع مبهم مورد بررسی بیشتر قرار می گیرد و اگر شارحان مطلبی دارند بیان می شود و گرنه حاضران نقطه نظرات خود را می گویند و در نهایت استاد تصمیم آخر را می گیرند و همان را املا می کنند.

گاهی برای تعمیق و تکمیل بحث نیاز به مطالعه و دقت بیشتری است که نویسنده آن فراز، آن را کامل تر کرده و در جلسه بعد ارائه می دهند و یا در همان جلسه همکاران دیگر، از کتب مختلف و نرم افزارهای علوم اسلامی که در اختیار دارند، کمک گرفته و آیه، حدیث و نکات تاریخی دیگری را بیان می کنند و آیت الله العظمی مکارم آنها را در لابه لای بیان خود مورد استفاده قرار می دهند.

لغات مشکل نیز در پآوری و گاه در متن معنا می شود و نکته های تکمیلی با راهنمایی استاد توسط مسئول آن بخش تهیه و در اختیار استاد قرار می گیرد و ایشان در پایان تفسیر هر فراز، آن ها را تحت عنوان نکته ها بیان می کنند.

پس از آن که یک جلد کامل شد، نوشته ها به دست ویراستار سپرده می شود و پس از ویرایش، بار دیگر در اختیار آیت الله العظمی مکارم شیرازی قرار می گیرد. ایشان نیز تیتراهای مناسب را برای شرح و تفسیر و نکته ها انتخاب می کنند و پس از غلطگیری نهایی و چاپ آخر برای چاپ به ناشر سپرده می شود.

لازم به یادآوری است که استاد عالی قدر با سال ها کار پژوهشی، تبلیغی و نگارشی کتب دینی و با تسلط کاملی که بر مبنای اعتقادی شیعه دارند و با استدلال های روشن به تبیین عقاید علوی و مباین شیعی در این کتاب می پردازند و از سوی دیگر به سبب آشنایی با علوم روز در بحث های توحیدی، توصیف انسان، آسمان، زمین و حیوانات - که در نهج البلاغه آمده است - به خوبی از عهده تبیین مسائل علمی پیرامون مطالب فوق برمی آیند و با دقت و ظرافت و استفاده از نظرات دانشمندان علوم طبیعی پیچیدگی های سخنان

همچنین نقد صحابه، هرگز از خط اعتدال خارج نشده و از توهین و خشونت در کلام استفاده نکردند. به اعتقاد آیت الله العظمی مکارم شیرازی بیان استدلال و منطق قوی شیعه نیازی به تندی و توهین ندارد؛ می توان از حقانیت شیعه دفاع کرد، در عین حال از دایره منطق خارج نشد و مؤدبانه و متین نوشت.

۱۶. توجه به شأن ورود کلمات آن حضرت - در مواضع حساس و تأثیرگذار - با نگاه به تاریخ و عصر بیان این خطبه ها و نامه ها و کلمات (تا جایی که ممکن بوده) مورد توجه این شرح است. به یقین دانستن زمان و شأن ورود کلمات آن حضرت، در مواضع حساس و سرنوشت ساز، نقش مهمی را در تفسیر سخنان آن حضرت دارد. مثلاً هنگامی که آن حضرت می فرماید: «انما الشوری للمهاجرین و الانصار» (نامه ۶)، هرگز نمی خواهد نقش نص را در امانت نادیده بگیرد؛ بلکه در مقام استدلال در برابر معاویه از این کلمات استفاده می کند؛ چرا که این نامه را آن حضرت برای معاویه پس از امتناع وی از بیعت نوشت؛ توجه به زمان تدوین این نامه و مخاطب آن، رافع برخی از شبهات است.

۳- شیوه نگارش

۱۷. توجه به شروع مهمی که بر نهج البلاغه نوشته شده است و استفاده از آن ها و یا نقد و ارزیابی سخنان شارحان، در نگارش این شرح مورد توجه خاص بوده است.

شیوه نگارش این شرح بدین صورت است که یک خطبه و یا نامه «با توجه به مختصر و مفصل بودن آن» میان اعضای نویسندگان تقسیم می شود و هر یک بخش مربوط به خود را با توجه به شروع مهم نهج البلاغه تدوین می کند و پیرامون هر جمله و یا فرازی سخنان شارحان را می نویسد؛ سپس در جلسه مشترک که هر روز صبح (غیر از جمعه ها) ساعت ۸-۷ با حضور حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی تشکیل می شود، این متون خوانده می شود؛ این نوشته ها پس از قرائت در اختیار آیت الله العظمی مکارم شیرازی قرار می گیرد و ایشان نخست مواضع مبهم را مشخص می کند، سپس با تسلطی که دارند و مطالعاتی که از قبل داشته شروع به املاء می نمایند و جملات هر فراز را توضیح و شرح

که دو تن از همکاران، پس از چند سال، به خاطر اشغالات دیگر، موفق به همراهی نشدند. همچنین دو تن از یاران پرتلاش نیز به دیار باقی شتافتند و در این سال ها یک تن نیز به این جمع افزوده شده است.

مجموعه همکاران گذشته و حال بر اساس حروف الفبا چنین است، حجج اسلام والمسلمین: محمدرضا آشتیانی، محمدجعفر امامی، محمد احسانی فر، محمدجواد ارسطا، ابراهیم بهادری، عبدالمهدی توکل، مهدی حسینیان قمی، سعید داودی و احمد قدسی است.

لازم به یادآوری است که مهدی حسینیان در تدوین یک جلد با این مجموعه همکاری داشته و محمد احسانی فر در تدوین سه جلد از این مجموعه. مرحوم ابراهیم بهادری تا جلد هفتم همکاری فعالی داشته‌اند و در تابستان ۱۳۸۴ به رحمت ایزدی پیوست و مرحوم محمدجعفر امامی تا بخشی از جلد دهم همکاری مستمر و تأثیرگذاری با این مجموعه داشته که ایشان نیز در تابستان ۱۳۸۷ به لقای حق پیوست که رحمه واسعه خداوند بر آنان باد.

سید عبدالمهدی توکل که علاوه بر همکاری علمی، زحمت تایپ را نیز در جلسه به عهده دارد، از جلد نهم برای همکاری به این مجموعه پیوستند. بسیاری از این نویسندگان از استادان برجسته حوزه علمیه قم بوده و برخی از این اعضا، علاوه بر حوزه از استادان مراکز دانشگاهی نیز هستند.

اکثر نویسندگان این شرح ارزشمند، خود دارای آثار قلمی متعدد و فاخرند و چند تن از این همکاران، از اعضای هیئت علمی مراکز آموزش و پژوهشی کشورند که همه این تجربیات و اندوخته‌های علمی در مسیر همکاری با مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی مکارم شیرازی برای تدوین شرح کتاب ماندگاری همچون نهج البلاغه امام امیرالمؤمنین (ع) به کار گرفته شده است.

امیدواریم همه این تلاش‌ها، در مسیر غربت‌زدایی از این کتاب مهم و فاخر، مؤثر بوده، سیل تشنگان فهم کلمات علی را سیراب نماید و برای نویسندگان این اثر ذخیره یوم المعاد گردد.

حضرت را تبیین و از معضلات سخنانش برای خوانندگان گره‌گشایی می‌کنند.

۴- ره‌آوردها

این فرآیند جهت تدوین پیام امام امیرالمؤمنین (ع) امری سهل و ممتنع است؛ از یک نظر سهل به نظر می‌رسد، زیرا شیوه کار جمعی و هم‌فکری و هم‌اندیشی به حل مواضع ابهام کمک می‌کند و سبب سهولت کار می‌شود و ممتنع است زیرا جمع بندی و هضم مطالب، سپس پرورش و ارائه آن را همان مجلس توسط استاد، کار دشواری است که از عهده کمتر کسی برمی‌آید.

ره‌آورد این تلاش سترگ که از سال ۱۳۷۱ آغاز شد و تاکنون، ۱۳۸۸ خطبه‌ها در هشت جلد و نامه‌ها در دو جلد به پایان رسید، استقبال دانش پژوهان معارف علوی از این اثر ارزنده بود. اکنون هر محقق و مدرسی برای تحقیق و تدریس نهج البلاغه به این شرح جامع نیازمند است و خطبای زبردست، پژوهشگران معارف اسلامی و تاریخ اسلام و استادان حوزه و دانشگاه از این کتاب بهره می‌گیرند، هر چند معتقدیم جمع زیادی از پژوهشگران و اندیشمندان هنوز از این اثر قویم اطلاع کافی ندارند و گاه که سخن از این شرح به میان می‌آید با شگفتی می‌پرسند: آیا چنین شرحی بر نهج البلاغه نوشته شده است؟! است!

جامعیت و اثر بخشی این شرح موجب شده است که این کتاب در سال ۱۳۸۲ به عنوان کتاب سال ولایت معرفی شود و از آن تجلیل گردد. همچنین مجلداتی چند از این شرح به زبان عربی چاپ و منتشر شده است و در بعضی از مؤسسات آموزشی هم به صورت کتاب درسی درآمده است.

۵- معرفی همکاران و معاونان

اکنون که این گزارش نگاشته می‌شود، نویسندگان این شرح مشغول تدوین شرح کلمات قصار آن حضرت می‌باشند که پیش‌بینی می‌شود شرح آن‌ها دو تا سه جلد شود.

اعضایی که حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی آنان را برای همکاری دعوت نموده‌اند، هشت نفر بوده‌اند

عبدالکریم بی آزار شیرازی:

ویژگی بارز آیت الله مکارم شیرازی پرداختن به مسائل مستحدثه است

اصول و ...

در سایه تقوی و نظم و نبوغ و تلاش شبانه روزی و توفیقات الهی در همه این علوم سرآمده بوده و نه تنها تفسیر قرآن ایشان به زبان های مختلف ترجمه شده و مورد استفاده گسترده مسلمانان جهان است، بلکه در فقه و اصول نیز سرآمده بوده، درس خارج ایشان پر جمعیت ترین درس حوزه در طول تاریخ است. در این مقاله به گوشه هایی از بعد فقهاتی این مرجع عالیقدر آشنا می شویم.

الف: حیات فقهی و اصولی

این ستاره فروزان پس از طی دروس مقدماتی، سطح متوسط و عالی در شیراز از سن ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدند و در درس اساتید بزرگ فقه و اصول چون آیت الله العظمی بروجردی و دیگر آیات عظام شرکت کردند و چند سال بعد برای درک مختصر اساتید دیگر به نجف اشرف رفتند و از دورس اساتید بزرگی همچون آیات عظام سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خویی، و سید عبدالهادی شیرازی و دیگر فقهای برجسته استفاده نمودند. و در سن ۲۴ سالگی به دریافت

اجازه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر آیات بزرگ نجف نائل آمدند.

ایشان بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج اصول و فقه پرداختند و حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و فضلاست و بیش از چهار دوره کامل درس خارج اصول را طی کرده، بسیاری از کتب مهم فقهی را نیز تدریس کرده و به رشته تحریر در آورده، بمانند دوره انوار الفقاهة در ۹ جلد و دوره انوار الاصول در ۳ جلد، و القواعد الفقیهة در ۲ جلد و بحوث فقیهة هامة و تعلیقات علی العروة الوثقی و ... حوزه دروس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پر جمعیت ترین دروس حوزه های علمیه شیعه است و در حدود دو هزار نفر از فضلا در دروس معظم له شرکت می کنند به طوری که دو شبستان بزرگ مسجد اعظم قم پر می شود.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با بیان این که اطلاعات آیت الله العظمی مکارم شیرازی از مسائل مستحدثه بروز و مطابق با واقع است، گفت: ایشان همزمان با پیدایش مسئله، احکام آن را استنباط و در اختیار مردم قرار می دهند.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم بی آزار شیرازی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی، در راستای شخصیت عملی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، مقاله ای را اختصاصاً برای خبرگزاری ایکنانگاشته است که در متن زیر ارائه شده است:

معظم له دارای ابعاد گوناگون علمی هستند: بعد علوم قرآنی و تفسیر، بعد علوم حدیث، بعد علوم اعتقادی، بعد علم اخلاق، بعد علم فقه و

مصادیق آیه نفر

از نظر مفسرین، آیه «نفر» دارای دو تفسیر است بر اساس یکی از آن دو افراد با استعداد از هر صنف و طایفه‌ای را فرا می‌خواند تا به جبهه‌ها کوچ کنند و در طول سفر شاهد رویدادها و مسائل جبهه و مشکلات جامعه و مردم بوده به کسب علم و دانش و پاسخ مناسب آن‌ها بپردازند تا در دین فقیه شوند و در بازگشت بتوانند فقه و واقعیات و کاربردی و مورد نیاز جامعه را به مردم انتقال دهند، برخلاف کسانی که عمری در کنج حجره معتفک اوراق و دفتر شده و از واقعیات و مشکلات جامعه بی‌خبرند و فقه‌شان با جامعه فاصله زیاد دارد و در بسیاری موارد غیر کاربردی بوده و محدوده به جهان حجره است.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی یکی از مصادیق آیه نفر بوده، سفرهای بسیار به شهرها و کشورها داشته‌اند و با تشکیل جلسات پرسش و پاسخ بسیار، عملاً با مشکلات فقهی جامعه آشنا گشته، و در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر چابهار، مهاباد و نازک تبعید شدند و در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خبرگان اول نقش مؤثری داشتند؛ از این رو فقه ایشان بسیار کاربردی بوده و حل‌کننده مشکلات جامعه کنونی در داخل و خارج کشور است.

با سیاست جهان‌آشنایی داشته و از ترفندهای سیاسی بازار جهانی برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان کاملاً آگاه بوده، فقه ایشان از فرقه‌گرایی و طرد دیگر مسلمانان به دور است.

اطلاعاتشان از مسائل مستحدثه آنچنان بروز و مطابق با واقع است که همزمان با پیدایش، احکام آن‌ها را استنباط و در اختیار مردم قرار می‌دهند، برخلاف بعضی که ابتدا با هر موضوع تازه‌ای به مخالفت بر می‌خیزند و بعدها که در جامعه معمول گردیده به جواز آن فتوی می‌دهند.

ب: تحولی در روش اجتهاد

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی تحولی در روش اجتهاد پدید آورده‌اند که نمونه‌هایی از آن عبارت است: اهتمام به آیات الاحکام در تمام مباحث، نظم و دسته‌بندی مطالب و مباحث هر فصل از فصول مختلف فقه، حذف مسائل نادر غیر مبتلا؛ مثل مسائل مربوط به عبد و اماء و اظهار، اهتمام به مسائل مورد ابتلاء و کاربردی، توجه خاص به مسائل روز مستحدثه. اهتمام به فقه الواقعیات و شناخت بروز موضوعات فقهی و تعریف آن‌ها، طرح قواعد اصولی و فقهی و رجالی به تناسب مسائل مختلف، پاسخ به شبهاتی که بر احکام اسلامی در موارد مختلف ایراد می‌شود؛ مانند مباحث مربوط به ارتداد و حدود و دیات؛ با حقوق زن؛ جهاد؛ بردگی؛ لوٹ و قسامه و عاقله و انواع آزادی‌ها، اهتمام به فقه المقاصد و فلسفه و حکمت احکام با استفاده از آیات و روایات به منظور توجه بیشتر و عمیق‌تر به احکام، اشاره به قوانین و حقوق بنیادی لاییک شرق و غرب در مسائل مختلف و بیان ضعف‌های آن‌ها، استفاده از روش ایجاز غیر محل و حذف اضافات، بیان تاریخچه موضوعات فقهی در مواردی که شناخت موضوع نیاز به آن دارد به عنوان نمونه در بحث بیع و معاملات ابتدا به تاریخچه پیدایش آن میان انسان‌ها و چگونگی پیدایش پول می‌پردازند، عدم اکتفاء

به بررسی نظریات فقه‌های یک مذهب بلکه مانند استاد خود؛ آیت‌الله‌العظمی بروجردی آرا و نظریات فقه‌های سایر مذاهب را مد نظر دارند و در این باره می‌فرمایند: «آگاهی از فقه سایر مذاهب سبب حل بسیاری از پیچیدگی‌های مسائل فقهی می‌شود؛ چرا که فقه مقارن کمک شایانی به ریشه‌یابی مسائل مختلف فقهی و ابهام‌زدایی می‌کند.»، مطرح ساختن ابواب جدیدی در فقه که در کتب قدما نیامده است، عدم استفاده از روایات ضعیف در مستحبات که برخی آن‌ها را به عنوان حدیث من‌بلغ و تسامح در ادله سنن پذیرفته‌اند.

۱- نمونه‌ای از نوآوری

از ویژگی‌های مهم فقه آیت‌الله مکارم، نوآوری در ابواب فقه است به عنوان نمونه یکی از مسائل مهمی که جای آن در ابواب فقه خالی بود، مسئله اسراف و تبذیر است، این ستاره فروزان فقاقت، بابتی برای آن گشوده و چنین بیان داشته‌اند: قرآن کریم به شدت از اسراف نهی کرده و فرموده است و لا تسرفوا انه لا یحب المسرفین. در قرآن کریم یکی از نشانه‌های عباد الرحمن، عدم اسراف حتی در انفاق است: والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما. و با لحن شدید از تبذیر و ریخت و پاش نهی کرده و آن را نوعی کفران نعمت برشمرده و تبذیر کنندگان را برداران شیطان معرفی می‌کند: ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین و کان الشیطان لربه کفوراً.

و آنگاه دهن و سوزاندن قربانی را که تا چند سال پیش در منی و خارج آن انجام می‌گرفت، از مصادیق بارز اسراف و تبذیر ذکر کرده و می‌نویسد: مسلمان قربانی‌هایی که در قربانگاه‌ها دفن یا سوزانده یا متعفن می‌شد بطوری که سگ‌ها هم آن‌ها را نمی‌خوردند از آشکارترین مصادیق اسراف و تبذیر است که شرعاً حرام است به خصوص با این مقدار و تعداد عظیم میلیونی، آیا شارع حکیم با چنین اسراف و تبذیر عظیمی راضی است؟ آیا دلیلی بر خروج آن از آیات محکمت و روایات وارده در حرمت اسراف و تبذیر که حتی شامل هسته خرما یا باقیمانده آب لیوان می‌شود وجود دارد؟ ممکن است گفته شود اسراف و تبذیر چون در راه اطاعت خداست مانعی ندارد.

می‌گوییم: این مصادره به مطلوب است و فرمان خدا هرگز به چیز ممنوع و حرام تعلق نمی‌گیرد و اطلاقات ادله اسراف و تبذیر به قدری محکم و قوی است که شامل تلف کردن کوچکترین چیزی می‌شود چه رسد به ضایع کردن میلیون‌ها رأس حیوان از نعمت‌های الهی.

مفهوم «لا اسراف فی الحج»

در پاره‌ای از روایات آمده که «لا اسراف فی الحج»؛ در حج اسراف نیست اما صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که فرمودند: «هیچ هزینه‌ای نزد خدا محبوبتر از هزینه مقصد میانه نیست و خداوند نسبت به اسراف خشمگین است مگر در حج و عمره».

آیت‌الله‌العظمی مکارم در این باره می‌فرمایند: «بدون شک مفهوم این‌گونه روایات تزیین مال و رها کردن و سوزاندن و خاک کردن و یا مانند تهیه طعام پنجاه نفر برای ده نفر و دور ریختن بقیه نیست. بلکه منظور از آن گشاده‌دستی در تهیه زاد و توشه و خرید هدیه و سوغاتی مناسب برای

سنگریزه‌ها به درون حوضچه‌ها کفایت می‌کند. ایشان در این باره جزوه‌ای تحت عنوان جمرات دارند که دلائل خود را به تفصیل در آن بیان داشته‌اند.

- نمونه‌ای از اهتمام به وحدت صفوف مسلمین

آیت الله العظمی مکارم شیرازی برای وحدت صفوف مسلمین اهمیت فراوان قائلند؛ به عنوان نمونه در فتاوی ایشان می‌خوانیم: ۱- نماز خواندن با اهل سنت و شرکت در جماعات آن‌ها در ایام حج و مانند آن از مستحبات مؤکد و موجب تقویت صفوف مسلمین در برابر دشمنان است و در روایات معصومین (ع) تأکیدهای بسیار درباره آن شده است و حق این است که چنین نمازی کفایت از نماز واجب می‌کند و اعاده آن لازم نیست و در مسئله وقت و مانند آن از آن‌ها پیروی نماید در مورد سجده اگر بتواند روی سنگ‌های کف مسجد سجده کند اگر نتواند روی فلز سجده کند ولی لازم نیست دست بسته نماز بخواند یا بعد از حمد آمین بگوید.

۲- حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهل بیت (ع) نباید در ایام حج و مانند آن تشکیل نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروان‌ها یا مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) بدهند و چنین نماز جماعتی اشکال دارد.

۴- نمونه‌ای از اهتمام به حفظ شدن مذهب اهل بیت (ع)

در فتاوی این مرجع عالی قدر حفظ شئون مذهب اهل بیت (ع) مورد تأکید است، به عنوان نمونه به حجاج بیت الحرام چنین توصیه می‌کند: «زوار خانه خدا باید از کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب کنند مانند: الف: بازگشت از مسجد الحرام و مسجد النبی و صفوف جماعت آنان هنگام اذان یا نزدیک اذان ب: پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابان‌ها یا برگشتن با اجناس خریداری شده به سوی کاروان‌ها در چنین ساعاتی ج: اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین (ع) هنگام نماز جماعت. د: پوشیدن لباس‌های نامناسب که مایه وهن در انظار عموم است. ه: برخورد خشونت‌آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوار خانه خدا یا ساکنان مکه و مدینه خلاصه باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آن‌ها به برکت تاسی به اهل بیت (ع) از تربیت بالایی برخوردارند و هیچ‌گونه بهانه‌ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حج آن‌ها را مضاعف می‌سازد.

۵. نمونه‌ای از اهتمام به فقه مقارن

یکی از اقدامات بسیار مهم آیت الله العظمی مکارم شیرازی تدوین دایره‌المعارف فقه مقارن است که با همکاری جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم در حال انجام است و تاکنون

خویشان و دوستان است شاهد آن‌ها که در روایت فوق گشاده دستی را در برابر میانه روی مطرح کرده. ثانیاً روایاتی که در آداب سفر عموماً وارد شده، راجع به استحباب بذل و بخشش زاد و توشه سفر و یا روایاتی که در خصوص سفر حج آمده هدیه حاجی از نفقه حاجی است، زیاده هزینه کردن در حج دارای پاداش فراوان است.

همه این روایات گواه بر آن است که مقصود از اسراف در حج، از قبل خرید هدایا یا بذل و بخشش و ضیافت دادن نفقه به افراد ضعیف و امثال این هزینه‌هاست نه سوزاندن میلیون‌ها گوسفند و گاو و شتر. افزون بر این که محل بحث مازاد مصادیق تبذیر است نه اسراف؛ زیرا که اسراف عبارت از خروج از حد اعتدال بدون تضييع مال است و تبذیر عبارت است از آنچه ضایع و فاسد شود.

فرق اسراف و تبذیر

از نظر آیت الله العظمی مکارم، اسراف به معنای خروج از حد اعتدال و اقتصاد بدون تضييع شی به حسب ظاهر است؛ مانند پوشیدن لباس گران قیمتی که مثلاً معادل ده‌ها برابر قیمت لباس معمولی است و تبذیر عبارت است از آنچه منجر به ضایع شدن نعمت‌های خدای تعالی می‌شود؛ مثلاً برای ده نفر غذای پنجاه نفر تهیه شود به طوری که مازاد آن فاسد و یا دور ریخته شود البته گاهی این دو کلمه با هم یکی می‌شوند و در یک معنی به کار می‌روند.

در طول تاریخ مذاهب فقهی، برخی از فقها سخت گیر بوده و یا احتیاط بیش از حد داشتند و بعضی با استفاده از آیه «یرید الله بکم البیسر» راه‌های آسان را برمی‌گزیدند و کمتر راه احتیاط را برای خود و مردم در پیش می‌گرفتند.

۲- نمونه‌ای از راه‌یابی برای حل مشکلات

آیت الله العظمی مکارم شیرازی همواره می‌کوشند که راه حل شرعی برای مشکلات مردم بیابند، و با احتیاط‌های بیش از حد، مردم را به عسر و حرج دچار نکنند. به عنوان نمونه در مراسم حج، حجاج در رمی جمرات، مشکل بزرگشان این بود که فکر می‌کردند سنگریزه حتماً باید به ستون‌ها اصابت کند از این رو مرد و زن مجبور بودند که با زحمت بسیار سیل جمعیت را بشکافند و خود را به نزدیک ستون‌ها برسانند تا مطمئن شوند که سنگ‌ها به ستون‌ها رسیده است. ایشان با مطالعه در تاریخچه نصب ستون‌های جمرات و متون فقهی قدمای شیعه و سایر مذاهب دریافتند که ستون‌ها قبلاً نبوده و بعداً به عنوان شاخص و علامت نصب شده‌اند و «مرمی» یعنی محل رمی جمرات همان محل حوضچه‌ها بوده است، و از این رو فتوی داده‌اند که پرتاب

البته نباید علت حکم را با حکمت و فلسفه آن خلط کرد؛ مثلاً علت قصر نماز مسافر، نفس سفر است. با شرایط مخصوص و اما حکمت و مصلحت آن مثلاً رفع مشقت و زحمت سفر است. در این باره به تفصیل در دایرةالمعارف فقه مقارن، بحث شده است. و در کتاب «بحوث فقهیه عامه» درباره فلسفه نصف بودن دیه بانوان مقاله مفصلی دارند، و می‌نویسند: زنان و مردان از جنبه الهی و علمی و فرهنگی با هم فرقی ندارند، اما از نظر اقتصادی، خلأ ناشی از فقدان مرد در خانواده و جامعه بیشتر از خلأ ناشی از فقدان زن بوده، از این رو دیه مرد دو برابر زن است.

۲. تسامح در ادله سنن: برخی از فقها در سنن و مستحبات، مسئله تسامح در ادله سنن را مطرح کرده و براساس آن بسیاری از روایات ضعیف را در مستحبات پذیرفته‌اند، آیت‌الله العظمی مکارم این بحث را در انوارالاصول جزو مسائل اصولی آورده‌اند، هر چند بعضی آن را جزو قواعد فقهی و برخی جز علم کلام دانسته‌اند. توضیح این‌که برخی به اتکاء حدیث «من بلغ» مبنی بر این‌که هرگاه خبر ثوابی برای عملی به او برسد و آن را به جا آورد آن ثواب به او داده می‌شود هر چند در واقع چنان حکمی وجود نداشته باشد، اصل یا قاعده‌ای را مطرح می‌کنند به نام «تسامح در ادله سنن» یعنی در دلیل سنت‌ها و مستحبات مسامحه باید کرد و در جستجوی صحت و سقم روایت آن‌ها نبود.

بعضی برای این‌که نخواسته‌اند حدیث‌های ضعیف را یک باره طرد کنند از باب احتیاط حمل بر استحباب یا کراهت کرده‌اند؛ یعنی اگر اخبار ضعیف مشتمل بر امری بود می‌گفتند: امر استحبابی و اگر مشتمل بر نهی بود می‌گفتند «نهی تنزیهی». متأسفانه برخی از افراط‌گران آنچنان از این مسئله را طرح کردند که گویی حدیث «من بلغ» مشوق برای جعل حدیث در باب کراهت و استحباب است. شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی می‌نویسد: «طریقه قدما این بود که در دعاهای وارده و زیارات و نمازهای مستحبی و سایر مستحبات با تسامح عمل می‌کردند و غالب اخبار وارده در این مقامات ضعیف بود و جماعتی از جمله سید در مدارک، و فاضل جزائری و صاحب حدائق با آنان مخالف کرده و گفته‌اند، فرقی میان احکام نیت و همه آن‌ها نیاز به حجت معتبر دارد.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی نیز تسامح در ادله سنن را به دو دلیل نمی‌پذیرفتند؛ اول از ناحیه سند حدیث «من بلغ» و دوم از ناحیه دلالت، و مهم‌ترین این دو که نمی‌توان به آن پاسخ داد، اشکال از ناحیه دلالت است، و بنابراین نمی‌توان با این‌گونه اخبار برای اثبات استحباب آنچه اخبار ضعیف به آن امر کرده تمسک جست و جایز نیست که فتوی به استحباب داد.

جلد اول آن در مبانی فقه مقارن دوبار به چاپ رسیده است و به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شده. ایشان در مقدمه دایرةالمعارف درباره ضرورت فقه مقارن می‌نویسد: «ارتباط نزدیک فرق اسلامی با یکدیگر و پیوندهای تاریخی فقه مذاهب از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که پیروان هر مذهب از مذاهب اسلامی فقه خود را در کنار فقه مذاهب دیگر مطالعه کنند.»

این آگاهی از یکسوسبب حل بسیاری از پیچیدگی‌های مسائل فقهی می‌شود؛ چرا که فقه مقارن کمک شایانی به ریشه‌یابی مسائل مختلف فقهی و ابهام‌زدایی می‌کند و از سوی دیگر موجب نزدیکی مذاهب اسلامی و علمای آن به یکدیگر و تقریب خواهد شد.

بحمدالله در عصر ما تفاهم و تقارب بین مذاهب اسلامی نسبت به گذشته بهتر شده و حضور فقهای شیعه و اهل سنت در جلسات فقهی جهان اسلام مانند مجمع الفقه الاسلامی یکی از نشانه‌های آن است به همین دلیل ما به فکر افتاده‌ایم که دایرةالمعارف فقهی گسترده‌ای به صورت فقه مقارن، با در نظر گرفتن مسائل روز ترتیب دهیم که آرای همه فقهای اسلامی و دلایل آن را در برگیرد و اهمیت فقه اهل بیت (ع) نیز روشن شود.

ج - تحولی در اصول فقه

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی فقیهی اصولی هستند، و سه جلد کتاب انوارالاصول ایشان یکی از بهترین کتاب اصول فقه حوزه محسوب می‌شود که با دیدی باز و نظمی نوین آن را بارها تدریس کرده و اشکالات مهم این علم را مورد بررسی قرار داده و پیشنهادهای اساسی در تحول و تکامل آن ارائه داده‌اند از جمله: ۱- وجود مسائلی که در واقع جزو مبادی علم اصول محسوب می‌شود ولی با مسائل اصلی آمیخته گشته، تفکیک شود و هر کدام در جای مناسب خود قرار گیرد. ۲- نبود بعضی از مسائلی که قبلاً در کتب پیشین مطرح بوده و در علم اصول کنونی، از آن‌ها خبری نیست. ۳- توسعه بعضی از مسائل مانند مبحث انسداد که موجب تضییع ماه‌ها از وقت طلاب این علم می‌شود. ۴- خالی بودن جای طرح بسیاری از مسائل. ۵- وجود قواعد فقهی که باید در علمی جداگانه مورد بحث قرار گیرد.

۱. فقه المقاصد یا حکمت احکام: نمونه‌ای از مباحث مورد اهتمام آیت‌الله العظمی مکارم، بحث فقه المقاصد یا حکمت احکام است به اعتقاد ایشان هم اوامر و نواهی الهی و قوانین دینی تابع مصالح و مفاسد است و هم حق داریم به جستجوگری در این زمینه بپردازیم و هم آگاهی بر آن‌ها اثر بسیار مثبتی در منطقی جلوه دادن احکام دینی و ایجاد انگیزه برای امتثال دارد.

مردانی پور:

آیت الله مکارم شیرازی در استنباط مسائل فقهی واقع گراست

حجت الاسلام مردانی پور با بیان این که آیت الله العظمی مکارم شیرازی، یک انگاره فقهی را به یک قضیه رؤیایی مبدل نمی کند، اظهار کرد: نگاه ایشان همواره به وضع عینی انسان با تمام ابعاد و آفاقی و همه تلخی و شیرینی هایش است و در سایه همین واقع گرایی به چاره جویی و نفی و اثبات می پردازد.



احکام، او التي ينتهي اليها في مقام العمل؛ علم اصول صناعتی است که با آن قواعدی که ممکن است در طریق استنباط احکام واقع شود یا در مقام عمل به آن منتهی گردد شناخته می شوند. اما طریق استنباط و روش آن چگونه است؟ از آن بحثی به میان نیامده است.

در این عرصه فقیهان دو گروهند؛ یک گروه نوگرایند که روش های نوین و تازه را پایه گذاری می کنند، کار اینان دشور است و بیشتر در معرض خطا و لغزش هستند، چون افق های تازه ای می گشایند و راه های نارفته را تجربه می کنند.

گروه دیگر سنت گرایند که روش های پیشکسوتان را سامان می دهند و بازپرداخت می نمایند، کار اینان آسان و راهشان همواره و کمتر به خطا می روند و لغزش می کنند، چون راه های رفته را می پیمایند و هر چه بیشتر هموار می کنند؛ اما چیزی بر این علم نمی افزایند. به هر تقدیر می توان گفت که استاد بزرگوار ما آیت الله العظمی مکارم شیرازی در صف گروه نخست جای می گیرد.

چنانچه اشارت رفت، فقیه بزرگوار مکتب اهل بیت (ع)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، شیوه تازه ای را در جریان استنباط به کار بسته است که با قواعد و ویژگی های خاصی که دارد نشان از توانایی های نوگرایی وی در عرصه «روش استنباط» دارد.

ویژگی های «روش استنباط»

آنچه که در پی می آید چکیده اهم ویژگی های «روش استنباطی» ایشان است که در اثنای یک و نیم دهه حضور در درس ایشان برای نگارنده این سطور حاصل شده است:

۱. استاد بزرگوار توانایی های منحصر به فرد در آسان کردن مطلب دارند؛ به هر اندازه که مطلب عمیق و پیچیده و مبهم باشد، هر کس که در درس ایشان شرکت جسته یا در آثار فقهی - اصولی وی دقت کرده باشد، این نکته را به وضوح و بی هیچ زحمتی در می یابد.

حجت الاسلام و المسلمین مردانی پور، از فضایی با سابقه درس آیت الله العظمی مکارم شیرازی در مقاله اختصاصی که برای ایکنارسال داشته، روش استاد خود را در استنباط احکام فقهی بررسی کرده است. آنچه در ادامه می آید متن این مقاله است.

مسئله روش شناسی در علوم از جایگاه خاصی برخوردار است و می توان گفت که علم بدون روش شناخته شده، قابل طرح نیست. از این رو شاخه ای به نام «فلسفه علم» در فلسفه سامان یافته که «روش تحقیق» در علم را وجهه همت خود قرار داده است. در واقع فلسفه علم هم جنبه توصیفی به خود گرفته است و هم جنبه دستوری، بدین معنا که روش های بکار بسته شده، جریان پژوهش را کشف و توصیف می کند و هم زمان جهت بهینه کردن آن توصیه هایی را عرضه می دارد.

از این رو بی تردید باید گفت که «روش شناسی» در علوم اسلامی یک واقعیت عینی و انکار ناپذیر است. اما تاکنون تلاشی در خور برای تدوین، تصویر و پرداخت آن صورت نگرفته است. تجددگرایان تلاش هایی با عنوان «فلسفه فقه» مبذول داشته اند که هدف آن نگاه بیرونی و معرفتی به فقه بوده است بی آنکه در زمینه «روش» کاری چشم گیر و در خور توجه صورت بسته باشد.

برخی گفته اند که علم اصول، منطق فقه است و از این زاویه آن را چنین تعریف کرده اند: «صناعه تعرف بها القواعد التي يمكن أن تقع في طريق استنباط

روشن کردن هر چه بیشتر ابعاد مسئله است که به حصول اطمینان برای فقیه کمک شایانی می‌کند. ولی اهتمام ویژه استاد هرگز به معنای انقیاد و پایبندی مطلق به سخن مشهور نیست؛ چرا که گاه قول مشهور را رد می‌کند، بلکه حتی اجماع را نیز نادیده می‌گیرد. بدین جهت سعی می‌کند که خلل را در اجماع بیابد تا موضع خویش در این باره را توجیه کرده باشد.

۵. ویژگی دیگر این که ایشان هنگام چاره‌اندیشی مسئله فقهی، به بررسی «حکم» قبل از بررسی «موضوع» آن می‌پردازد؛ زیرا به نظر ایشان ادله حکم بر موضوع پرتو می‌افکند و ابعاد آن را روشن می‌کند و این از نکته سنجی‌های در خور توجه است. علی‌رغم آنچه معروف است، موضوع شبیه علت برای حکم است و بنابراین باید علت (یعنی موضوع) را پیش از معلول (یعنی حکم) بررسی کرد. اما بنا بر نظر استاد، «موضوع» گرچه از جهت واقع در رتبه مقدم است، ولی از جهت فهم معنی، متأخر از حکم است؛ زیرا تا حکم مسئله را از متن کتاب، سنت و دلیل عقل و اجماع بیرون نیاوریم عنوان و ارکان موضوع را نمی‌توان کشف کرد.

۶. استاد بزرگوار مادر بحث‌های فقهی خود واقع‌گراست، از این رو یک انگاره فقهی را به یک قضیه رؤیایی مبدل نمی‌کند که تنها مثلاً به درد جمهوریت رؤیایی افلاطون بخورد، بلکه نگاهش همواره به وضع عینی زیست شده انسان‌ها با تمام ابعاد و آفاقش و همه تلخی و شیرینی‌هایش دوخته است و در سایه همین واقع‌گرایی به چاره‌جویی و نفی و اثبات می‌پردازد. به گمان ما این رویکرد همان است که امامان اهل بیت (ع) در برخورد با واقعیت‌ها، مسائل و جریان‌های فقهی به ژرف کاوی‌های نظری و موشکافی‌های عقلی و نازک‌بینی‌های فلسفی پرداخته باشند که چیزی جز پیچیدگی، واقع‌گرایی و غفلت از جریان‌های عینی زندگی مردم ره‌آوردی ندارد.

معروف است یکی از فقهای نامدار پس از تدریس یک دوره خارج «حج»، به حج مشرف شد، در جریان برگزاری این فریضه، فتاوی‌های فراوانی از وی تغییر کرد که نشان می‌دهد در فضای واقعیت قرار گرفتن و باجم و خم قضایا درگیر شدن تا چه حد در کار استنباط نقش دارد.

۷. استاد گرانمایه و فقیه مکتب اهل بیت (ع)، فقه

این ویژگی از جمله عواملی است که انبوه طالبان علم را با ملیت‌ها و زبان‌های مختلف، به درس آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی جذب می‌کند تا هر آنچه ایشان می‌گویند، ثبت و ضبط کنند و بدین سبب افراد پرشماری تلاش دارند که درس‌های ایشان را تقریر نمایند تا از آسان‌ترین و کوتاه‌ترین راه، ثمرهای کوشش و تلاش‌های علمی خود را دریابند.

۲. بر همه روشن و عیان است که استاد بزرگوار ما فقیهی اصولی است که قواعد اصول را با مهارت تمام در فقه بکار می‌گیرد، با این همه هنگام تعامل با «متون روایات» تمام توان خود را بکار می‌برد که مفاد و مرادات و مقاصد روایات را فراچنگ آورد تا بدانجا که گویی یک اخباری است که غیر اخبار را نمی‌پذیرد و به چیز دیگری تمکین نمی‌کند. بدین طریق ایشان راه را بر استفاده بی‌رویه از قواعد می‌بندد تا به نام قواعد اخبار اهل بیت (ع) پایمال و به فراموش‌خانه سپرده نشوند.

۳. بر اساس روشی که استاد بکار می‌گیرد، همواره در مرحله نخست مسئله فقهی را در سایه اصل اولی بررسی می‌کند تا تکلیف فقیه در زمانی که دستش از ادله خاصه کوتاه شد، روشن باشد و سپس به سراغ کتاب، سنت و روایات معصومین (ع) می‌رود، تا روشن شود که احادیث داده‌های قاعده اولی را صحه می‌گذارد یا رد می‌کند یا دایره آن را توسعه یا محدود می‌نماید. این امر بسیار پرارزشی است؛ چرا که از این راه درمی‌یابیم که اگر نص روایی در مسئله نباشد، به قاعده تکیه می‌کنیم و اگر باشد ما را به شیوه تعامل با قاعده رهنمون می‌شویم.

۴. ویژگی دیگر روش استاد اهتمام روزافزون به اقوال فقهاست؛ زیرا استاد گرانمایه معتقد است که آنچه در بین فقهای بزرگوار مشهور است، از راه افراد مورد اعتماد از زمان ائمه (ع) دست به دست گشته تا به زمان ما رسیده است. از این روست که می‌گویند پانصد مسئله مشهور در منابع فقهی هست که در باب آن روایت نداریم. نقل است که برخی اساتید استاد بزرگوار ما، با اقوال فقها مثل روایات ائمه (ع) برخورد می‌کردند. شاید اهتمام ویژه استاد به اقوال فقها متأثر از شیوه استاد خود در این باره باشد، و بدین طریق هیچ مسئله فقهی نیست که در درس مطرح شود اما اقوال فقها درباره آن مطرح نکند.

پرداختن به اقوال فقها اهمیت دیگری نیز دارد و آن

صف طالبان علوم دینی در آید، اهتمام ویژه‌ای به آموختن قواعد و راز و رمزهای این زبان داشت و پس از آن به مدت شانزده سال در جریان نگارش تفسیر نمونه با قرآن زندگی کرد که راز بزرگ عربیت است و از این راه از چشمه جاوید و جوشان آن سیراب شد.

هم اکنون ایشان درگیر شرح نهج البلاغه است که قله سر به فلک کشیده و بی‌همتای عربیت در درازای تاریخ ادبیات عرب است. در این لحظه که این نوشته را می‌نگارم به یاد دارم که فقهی فرصت یافته باشد این چنین از دو سرچشمه بلاغت قرآن و نهج البلاغه سیراب شده باشد.

نقل است که شهریار، شاعر بلندآوازه ادب فارسی، برای این‌که در فضای بلاغتی قرآن قرار گیرد، قرآن را از آغاز تا انجام رونویسی کرد. فاضلان درس در مناسبت‌های گوناگون، نکته سنجی‌های ادبی و بلاغی استاد را در بررسی متون آیات و روایات درمی‌یابد و بهره می‌برند.

۱۱. در شمارش آیات الاحکام، تعداد این آیات بستگی به سطح تسلط این بزرگواران بر درونمایه‌ها و نکته دانی‌های آیات قرآنی دارد. استاد بزرگوار به جهت کار دامن‌گستر و پیوسته در عرصه‌های تفسیر، چیره‌دستی تحسین برانگیزی در استفاده از احکام فقهی آیات دارند. بارها اتفاق افتاد که در اثنای بحث فقهی به آیاتی استناد جسته‌اند که دیگر فقیهان هرگز به آن عنایت نداشته‌اند.

۱۲. از چیزهایی که روش‌شناسی علمی بسیار بدان التفات شده، طبقه‌بندی دانستنی‌ها و معارف علمی است که گاه در منطق بدان تصنیف می‌گویند. استاد بزرگوار در چاره‌جویی‌های فقهی این شیوه را بسیار نیک و برزنده به‌کار می‌گیرند. خود استاد به آن «دسته‌بندی» اطلاق می‌کنند که در ابهام‌زدایی، تفهیم و استحکام استدلال بسیار سودمند و مؤثر است و دسته‌بندی ایشان در دروس مختلف شهره کار آشنایان است.

آنچه گذشت، عناصر اصلی ساختار روشی است که استاد در طریق استنباط به‌کار می‌گیرند. به یقین می‌توان گفت که کارآمدی و توانایی هر روش بستگی به قدرت اتقان و هماهنگی عناصر تشکیل دهنده آن روش دارد. کسی که در درس استاد شرکت می‌کند به وضوح انسجام تام و هماهنگی کامل عناصر و کارآمدی آن‌ها را در می‌یابد. از این رو پس از سال‌ها حضور در درس ایشان هرگز

مکتب خلافت و اهل سنت (ع) را نادیده نمی‌گیرد، بلکه در تعامل پیوسته و مستقیم با آن بوده و هست. از آن رو که فقه مدرسه خلافت به مثابه قرینه منفصله مکتب اهل بیت (ع) است و چنانکه گفته‌اند، به جهت این ارتباط است که برخی مکتب فقهی اهل بیت (ع) را در کنار نحله‌های فقهی خلافت قرار داده، نام کتاب خود را «الفقه علی المذاهب الخمسه» نهاده‌اند.

بدین طریق ایشان از «فقه مقارن» کمک می‌جوید تا حد و مرزی حکم شرعی را مشخص نموده، آفاق تازه در پژوهش‌های فقهی باز کند. افزون بر این از روایت‌های فقهی آنان در چاره‌گری مشکلات روایی مکتب اهل بیت (ع) غفلت نمی‌کند؛ زیرا روایات آنان نیز یک قرینه منفصله محسوب می‌شود.

۸. در روش استاد مخاطبان درس نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند؛ در مباحث ایشان مخاطب فرصت کافی دارد تا نظر خود را ابراز کند، چه موافق باشد و چه مخالف. این روش آثار فراوانی در بردارد بدان جهت که با این گفت و شنودها انگاره فقهی جا افتاده‌تر و پخته‌تر می‌شود و کاستی‌ها نمایان می‌گردد و اطمینان به درستی و یا کاستی آن فزونی می‌یابد. از آثار دیگر این شیوه آن است که در اثنای بحث جنبه‌هایی از مطلب خود را نشان می‌دهد که در غیر این وضعیت کمتر به آن التفات می‌شود.

۹. مبانی رجالی آیت الله العظمی مکارم شیرازی، به مواریث رجالی نامداران مکتب امامیه، از جمله دو استاد بزرگوار ایشان، آیت الله بروجردی و آیت الله خویی و همچنین بررسی‌های پیوسته و دیرپای خود تکیه دارد. گاه و بی‌گاه طی مباحث فقهی به مبانی رجالی خود اشاره می‌برد که مورد توجه فاضلان و عالمان حاضر در درس قرار می‌گیرد. برخی برآنند که خوب است مبانی رجالی استاد گردآوری شده در اختیار فاضلان قرار گیرد تا به هنگام نیاز از آن بهره‌جویند.

۱۰. برخی از بزرگان «امام بودن در ادبیات عرب» را از شرایط اجتهاد دانسته‌اند، این سخن به وضوح بر نقش تعیین‌کننده تسلط بر زبان عربی در فرآیند استنباط تأکید دارد. استاد بزرگوار ما چنان در زبان عربی چیره دست است که گویی عربیت زبان مادری اوست. البته این مسئله شگفت نمی‌نماید؛ چرا که وی از روزی که توفیق یافت در

احساس نکردیم که این روش در فرآیند رسیدن به مقصود درماند و یا حتی یکی از عناصر آن جواب ندهد.

پیشینه و پایه‌های روش

در میان دست‌اندرکاران مباحث «فلسفه علم» مقوله‌ای است که درباره آن مباحث سختی درگرفته است که برخی بر آن نام «مقوله ما قبل روش» نهاده‌اند. شایسته است در اینجا اشاره‌ای به آن مقوله رود تا بحث درباره روش استاد ما نارسا و ناقص ننماید.

هر روش بر پایه‌هایی استوار است که پیشینه معرفتی صاحب روش را تشکیل می‌دهد، بی‌شک روش استاد بزرگوار ما از این قاعده استثناء بردار نیست. به نظر می‌رسد که ساختمان پیشینه معرفتی روش ایشان، از اجزای زیر شکل گرفته است:

۱- هوشیاری و ذکاوت

استاد بزرگوار ما - با وجود عمر طولانی که ان‌شاءالله مستدام باد- از هوشیاری و فطانت کامل برخوردار است. گاه به مستشکل سمج و ستیزه‌جو می‌گوید: «مطلب اشتباهی را تکرار می‌کنید؟! از آن لحظه که لب باز کردید، فهمیدم که چه می‌خواهید بگویید!». این گفته بدین جهت است که ایشان به سرعت مطلب را می‌گیرد و بلافاصله پاسخ کافی و شافی می‌دهد.

۲- شهامت در اقدام

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی به آسانی با مشکل در می‌افتد، بی‌آنکه پیچیدگی‌های آن، عزم وی را سست کند. فی‌المثل با قدرت و شایستگی با اندیشه مارکسیستی درافتاد و با شیوه‌ای فعال و ثمربخش چاره‌جویی کرد و نقاب از کاستی‌های مبنایی و محتوایی که این اندیشه افراطی داشت برداشت و هرگز از برچسب‌هایی همچون «ارتجاعی» که زینده‌گویندگان آن بود، نهراسید.

همچنین ایشان در رویارویی با جریان‌های گمراه و منحرف مدعی اسلام‌مداری که در هنگامه پیروزی انقلاب دانشگاه‌ها را زیر سلطه خود داشتند، هراسی به خود راه ندادند. اینان امکانات تبلیغی مخوفی داشتند که می‌توانستند با آن هر کس را با هر موقعیت بدنام و ساقط کنند. حاکمیت ویرانگر تبلیغاتی این جریان‌ها هرگز نتوانست استاد را از انجام وظایف خویش در برابر دین، مردم و تاریخ باز دارد.

این خصلت استاد بزرگوار ما، محدود به مشکلات عمومی فکری و فرهنگی نیست، بلکه در مسائل داغ و جنجالی فقهی نیز جلوه‌گر شده است. از جمله این مسائل، مسئله: «ذبح قربانی»، «رمی جمرات»، «عده زنان فاقد رحم» و «تحریم سیگار» است. در این باره نظر خود را در معرض افکار عمومی قرار داده، بی‌آن‌که از ملامت ملامت‌گران که به هرچه قدیمی است انس گرفته و جرأت دوری جستن از آن را ندارد، بیم به دل راه دهند. خداوند را باید سپاس گفت که این فتاوی‌های شجاعانه به تدریج جای خود را باز کرده و طرفداران فراوانی پیدا کرده است.

۳- رویکرد نوآورانه

از عناصر بنیادین پیشینه معرفتی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی گرایش‌های تجددگرایانه است که شأن رادمردان نابغه تاریخ است؛ چرا که موارث را هضم می‌کنند، اما خود را در حصار آن حبس نمی‌کنند، بلکه آهنگ بازنگری آن را دارند هم از جهت محتوا و هم از جهت صورت، همراه با ابقای عناصر مثبت و زنده و کارساز آن. عرصه‌هایی که استاد ما به آن پرداخته‌اند، شاهدی صادق بر مدعای ماست.

۴- کار فشرده و مستمر

استاد بزرگوار در همه زمینه‌ها و از جمله زمینه‌های علمی، خستگی‌ناشناس و ملال‌ناپذیرند. هیچ فرصتی را از دست نمی‌دهند، کار علمی را شب هنگام آغاز می‌کنند و شب هنگام به پایان می‌آورند. از این رو می‌بینیم که آثار وی فراوان و پر بار است که خلأهای بسیار را پر کرده و از این روست که به شدت از سوی طیف‌های مختلف جامعه استقبال شده است.

۵- کار منظم گروهی

از عوامل فراوانی آثار استاد و استقبال شایسته خوانندگان فرهیخته و اهل فضل از آن‌ها این است که آثار ایشان نتیجه کار گروهی است. بیش از یک بار فرموده‌اند که کار علمی که مورد بحث قرار می‌گیرد، هر چند با شاگردان باشد، پخته‌تر و کامل‌تر از آب در می‌آید و خواننده با رغبت بیشتر به آن رو می‌آورد، اما آثاری که چنین اهمیتی به آن ندارد در حد مطلب و تمام عیار در نخواهد آمد.

کار گروهی، کارآمدی خود را در تمام نقاط دنیا نشان داده است و سبب آن واضح است؛ زیرا کارهای فردی وقتی

پیوند مستقیم با معرفت واقع‌گراست که توده مردم را تا چه رسد به فاضلان و دانشوران، از آن بی‌نیاز نیستند.

۸- سلیقه عرفی

آیت الله العظمی مکارم شیرازی هرگز در برج عاجی به سر نمی‌برند که تنها خویش را ببینند و وابستگان خویش را! وی با رنج‌های مردم با همه جزئیات، چهره به چهره و گاه غیرمستقیم آشنا می‌شود و با تمام وجود احساس می‌کند. ایشان پیش از این، گاه به خواندن داستان و رمان اهتمام داشتند. برخی از فقهای معاصر، داستان‌های بلند می‌خواندند تا نکته‌های عرفی از آن دریابند؛ زیرا رمان و داستان می‌تواند تصویر صادقی از جریان روزمره زندگی مردم باشد.

این عوامل باعث آمد که آیت الله العظمی مکارم شیرازی، شم عرفی حساس، دقیق، نو و صائب کسب کنند. همه ارباب معرفت به تأثیر قاطع شم عرفی در فرآیند استنباط و قوف تمام دارند تا جایی که می‌توان گفت: «کسی که فاقد شم عرفی درست و کارساز باشد، فاقد اهلیت استنباط است، هر چند که بتواند در اعماق مسائل فقهی - اصولی غور کند.»

۹- سرعت و دقت تصمیم‌گیری

فعل انسانی، منحصر به جنب و جوش‌های حسی خارجی نیست، بلکه از موضوعاتی که مساحت‌های درازدانی از فعالیت‌های انسان را پوشش می‌دهد، فعالیت‌های عاطفی و عقلانی است. بنابر آنچه گذشت، فعل انسانی با تمام ابعاد خود تابع نوع تصمیم‌گیری است و از اینجاست که نقش سرعت تصمیم‌گیری صائب در هرگونه فرآورده علمی و اجتماعی مشخص می‌شود.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی، برای انجام کارهای بزرگ در ابعاد سه‌گانه فعل انسانی - یعنی ابعاد خارجی، عقلانی و عاطفی - از ویژگی‌های استثنایی برخوردار است. بدین گونه شمارش اجزای تشکیل دهنده پیشینه معرفتی «روش» استاد بزرگوار مشخص شد.

وقتی پیشینه معرفتی فقیه متفاوت باشد، روش فقهی او در فرآیند استنباط متفاوت می‌شود، برای این که «روش» از خلأ زاده نمی‌شود، چه خوش گفته‌اند که شیوه هر کس عین شخصیت اوست. وقتی که روش متفاوت باشد، طبیعی است که نتایج نیز متفاوت است.

دست به دست هم می‌دهد، هر کدام تنظیم بخشی را بر عهده می‌گیرد و جامع می‌شود. لذا فعالیت‌های گروهی همواره نتایجی را به بار می‌آورند که هرگز از تلاش‌های فردی بر نمی‌آید، هر چند که فرد محقق خوش با استعداد، پرکار و با اراده باشد.

۶- اطلاعات عمومی

این نوع آگاهی ناشی از ذات و طبیعت معرفت انسانی است؛ زیرا معرفت در ذات خود یکپارچه است، ولی ضرورت‌های گسترش علوم سبب شد که معرفت انسانی به شاخه‌ها و تخصص‌های گوناگون تقسیم گردد. البته این پدیده نوظهور هرگز مانع آن نیست که انسان دایره‌المعارفی در روح خود داشته باشد، دایره‌المعارفی که از سنخ شناخت تخصصی نیست. از اینجاست که هر کس می‌تواند در حد توانایی و هوش و استعداد خود آن را به چنگ آورد.

استاد ما، آیت الله العظمی مکارم شیرازی با این ویژگی از هم‌گنان خود متمایز است و بدین جهت است که وقتی فی‌المثل زبان‌های کشیدن سیگار را بر می‌شمارد یا پدیده «دحوالارض» را تشریح می‌کند و یا پدیده «گلدکوئست» را توصیف می‌نماید، شنونده را به تحسین و امید دارد و گاه خود متخصصان نمی‌توانند به این شیوایی و روشنی مطلب را به مخاطب منتقل کنند.

این رویکرد نقشی مؤثر در شکل‌گیری موضع فقهی بازی می‌کند و ایشان بر اساس این دانشوری به حرمت استفاده از دخانیات فتوا دادند و موضع خویش را مبرهن نموده، منتشر کردند که خالی از نوعی مبارزه‌طلبی نبود.

۷- نشاط روحی و لطافت اخلاقی

کمتر اتفاق می‌افتد که لبخند از لبانشان دور شود، حتی خشم و غضبش دلنشین و خوش‌آیند است که نمودی است از فرهنگندی و شکوه اخلاقی. بی‌شک نابسامانی اخلاقی، خواه و ناخواه، در رویکردهای علمی فرد تأثیر مخرب بجا می‌گذارد؛ زیرا به سبب آن، به زندگی نگاهی بدبینانه و سیاه دارد که به شدت وی را از واقعیت‌های عینی و اوضاع و شرایط آن دور می‌کند. همچنان خوش‌بینی مفرط انسان را از عینیت‌های زندگی دور می‌نماید و ارزیابی‌های وی ساده‌لوحانه و گاه خنده‌آور است.

بنابراین اعتدال، فرهنگندی و لطافت اخلاقی ایشان در



آیت‌الله‌العلی‌مکرم شیخ‌الاسلام آیت‌الله العظمی آقا محمد تقی شریعت‌مداری

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی: تفسیر نمونه آیت الله مکارم برخلاف سایر تفاسیر برای عامه مردم نگاشته شده است



نمونه اشاره و تصریح کرد: ایشان در نوشتن تفسیر وقت مشخصی نداشتند به طور مثال در شب‌های تعطیل، روزهای تعطیل و یا در زمانی که ایشان در مهاباد در تبعید بودند این ۱۰ نفر به صورت شیفتی به حضور می‌رسیدند و تحقیقات خود در زمینه تفسیر قرآن را در اختیار ایشان قرار می‌دادند.

حجت الاسلام قرائتی نگرش ایشان در روی آوردن به تفسیر قرآن را نشانه دغدغه این مرجع تقلید در مورد جایگاه واقعی قرآن در حوزه و جامعه دانست و تصریح کرد: آیت الله مکارم در کنار تحقیق در فقه و اصول خلان بود تفسیر قرآن را احساس کرد و با تشکیل گروهی قرآن پژوه، تفسیری به‌روز و پاسخگوی نیازهای جامعه تالیف کرد.

قرائتی در ادامه خاطرنشان کرد: بزرگان ما به فقه بیشتر توجه می‌کنند البته فقه لازمه زندگی ما است ولی انتظار داریم در کنار سال‌ها پژوهش فقهی، نگاهی نیز بر تحقیق قرآنی داشته باشند.

وی به تاثیر فعالیت قرآنی این مرجع تقلید در جامعه اشاره کرد و افزود: اینکه من به عنوان شاگرد ایشان به کار قرآنی رو آورده‌ام و دیگران نیز به تفسیر قرآن پرداخته‌اند، نمونه‌ای از این اثرات است و در این میان تجدید چاپ فراوان تفسیر نمونه، نشان از اقبال جامعه به قرآن دارد.

این مفسر قرآن به نقش انقلابی آیت الله مکارم شیرازی در انقلاب و حمایت از رهبری پرداخت و بیان کرد: ایشان به خاطر همراهی با امام (ره) تبعید شدند و در آنجا در کنار مسئولیت انقلابی خود به تفسیر قرآن نیز می‌پرداختند و این الگویی برای همه است.

وی در پایان آیت الله العظمی مکارم شیرازی را نعمتی برای نظام جمهوری اسلامی دانست و گفت: ایشان با خدمات ارزنده خود حق بزرگی بر ما دارد و به وجود آوردن روحیه تفسیرنویسی از اهم این خدمات است.

تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی تفسیری است که برخلاف تفاسیری که برای خواص نوشته شده است برای عامه مردم است در قرآن نیز آمده است «هذا بیان للناس» و این تفسیر طبق این آیه در جهت روشن شدن اذهان مردم نگارش شد.



حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی، رئیس ستاد اقامه نماز به ویژگی‌های شخصیتی آیت الله مکارم شیرازی پرداخت و گفت: بهترین وجه شخصیت ایشان توجه ویژه به قرآن و نهج البلاغه در عین مرجع تقلید بودن است.

وی بهترین دلیل و معرف انسان را آثار او دانست و بیان کرد: تفسیر نمونه تفسیری است که برخلاف تفاسیری که برای خواص نوشته شده است برای عامه مردم است در قرآن نیز آمده است «هذا بیان للناس» و این تفسیر طبق این آیه در جهت روشن شدن اذهان مردم نگارش شد.

رئیس ستاد تفسیر قرآن به امتیازات تفسیر نمونه اشاره کرد و گفت: قلم روان، محتوای غنی و سابقه ایشان در تفسیرنویسی از جمله خصوصیات اصلی است و در تفسیر نمونه هر آیه به صورت کامل شرحی بر آن نوشته شده است و اگر شبهه‌ای وجود داشته باشد در جایی سوالی مطرح و به آن پاسخ می‌دهد.

این مفسر قرآن در ادامه افزود: یک جمع ۱۰ نفره که برخی از آنها هم چون مرحوم حجت الاسلام نورالله طباطبایی، مرحوم جعفر امامی، حجت الاسلام آشتیانی نماینده فعلی قم و من در نوشتن تفسیر با ایشان همکاری می‌کردیم. نظرات خود را در خصوص آیات نوشته و داوری نهایی با آیت الله مکارم شیرازی بود.

وی به یکی از ابتکارات آیت الله مکارم شیرازی در نوشتن تفسیر

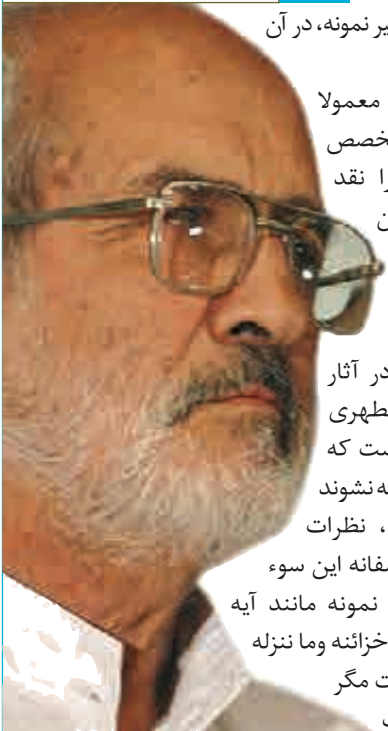


یک جمع ۱۰ نفره که برخی از آنها هم چون مرحوم حجت الاسلام نورالله طباطبایی،

مرحوم جعفر امامی، حجت الاسلام آشتیانی نماینده فعلی قم و من در نوشتن تفسیر با ایشان همکاری

می‌کردیم





برداشت، علی‌رغم مفید بودن تفسیر نمونه، در آن مشاهده می‌شود.

بهرام‌پوراظهار کرد: معمولا نویسندگانی که در کار خود متخصص هستند، وقتی نظر دیگران را نقد می‌کنند، آن چنان متبخرانه این نقد را وارد می‌کنند که خواننده احساس می‌کند که نویسنده در مقام بیان نظرات خود است.

وی ادامه داد: این ویژگی در آثار علامه طباطبایی و شهید مطهری مشاهده می‌شود و این‌گونه نیست که نظرات دیگران را به درستی متوجه نشوند و بنا بر همین سوء برداشت، نظرات انتقادی خود را وارد کنند. متأسفانه این سوء برداشت در مواردی از تفسیر نمونه مانند آیه شریفه: «وان من شیء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم؛ و هیچ چیز نیست مگر آن که گنجینه‌های آن نزد ماست

و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم» (سوره مبارکه حجر، آیه شریفه ۲۱)، مشاهده می‌شود.

نویسنده تفسیر «نسیم حیات» تصریح کرد: در کارهای گروهی معمولا این مشکل وجود دارد که سرپرست اثر، به خاطر گستردگی کار نمی‌تواند شخصا به منابع رجوع کند و ممکن است که سوء برداشت‌های محققان به جای نظر نویسنده تلقی شود. همین نکته در تفسیری که حجت‌الاسلام قرائتی به طور جمعی نگاشته‌اند نیز وجود دارد و به نظر من ضعف نوع تفاسیر گروهی، در همین مورد است.

وی افزود: در پژوهش‌ها و تفسیر قرآن شایسته است که مدیر یک گروه تحقیقاتی، شخصا برداشت‌های محققان گروه خود را ساماندهی و بررسی کند تا از سوء تعبیرها در نظرات سایرین اجتناب شود. به نظر من حتی اگر مدیر گروه نویسندگان بر این اعتقاد باشد که بعد از گردآوری تحقیقات نویسندگان، مطالب را شخصا ویرایش و اصلاح می‌کند، باز هم این کار از موقعیت بالایی به نسبت تفسیرهای فردی، برخوردار نیست.

این قرآن‌پژوه راجع به ترجمه قرآن کریم استاد مکارم شیرازی تصریح کرد: ترجمه قرآن از امور دشواری است و تا خود شخص مفسر نباشد نمی‌تواند ترجمه مناسبی از قرآن کریم ارائه دهد. در بین ترجمه‌های زیادی که از قرآن کریم نوشته شده است و امروزه در دسترس مردم است، ترجمه آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی به خاطر روان بودن ترجمه، یکی از بهترین ترجمه‌های قرآن است.

در تفسیر قرآن هر جا که احتیاج به وضوح بیشتر مطلب است، می‌توان این کار را از طریق بیان جملات بیشتر انجام داد، ولی در ترجمه این امر بسیار محدودتر است. در اینجا این نکته قابل توجه است که یکی از علائم ترجمه قوی این است که تعداد پراتنهای نویسنده در متن کمتر باشد؛ زیرا معادل فارسی کلمات را به دقت جایگزین کرده است.

ابوالفضل بهرام‌پور: تفسیر «نمونه» جرأت ساده‌نویسی را به مفسران قرآن داد

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی «تفسیر نمونه» را زمانی نوشتند که فرهنگ ساده‌نویسی رایج نبود و این اثر جرأت ساده‌نویسی را به مفسران قرآن کریم داد.



ابوالفضل بهرام‌پور، پژوهشگر و مترجم قرآن کریم، درباره شخصیت علمی آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی و ویژگی‌های تفسیر «نمونه» عنوان کرد: اگر کسی قصد دارد به زبان قوم غیر عرب تفسیر بنویسد، باید دارای لسان و قلم روان و ساده‌ای باشد؛ زیرا در غیر این صورت به آن علم ظلم و جفا شده است و حق آن به خوبی ادا نمی‌شود.

وی ادامه داد: مفسران باید تفسیر را به گونه‌ای در بین مردم بیاورند که حتی افرادی که تحصیلات حوزوی ندارند و تمامی اقشار جامعه از آن تفسیر استفاده بهره‌مند شوند. در گذشته بیشتر کتاب‌ها و تفاسیر برای گروه خاص و متخصص نگاشته می‌شد و عامه مردم مورد غفلت واقع می‌شدند.

نویسنده تفسیر «نسیم حیات» ضمن بیان خدمات قرآنی آیت‌الله مکارم شیرازی گفت: یکی از بزرگ‌ترین خدمات آیت‌الله مکارم شیرازی این بوده است که در زمانی اقدام به بیان ساده و روان تفسیر قرآن کرد که فضای غالب دقیقا عکس این هدف بوده است و علما برای علما کتاب می‌نوشتند.

وی درباره تفسیر نمونه یادآور شد: تفسیر نمونه را نباید در قالب‌های درجه یک یا درجه دو بررسی کرد؛ زیرا این کتاب اثری بی‌ظن و منحصر به فرد است، بلکه از نظر روان بودن متن و قابل فهم بودن آن باید با سایر کتب تفسیری مقایسه شود. البته بزرگواران دیگر هم؛ مانند حجت‌الاسلام قرائتی کتب تفسیری مانند «تفسیر نور» نوشته‌اند، ولی تفسیر نمونه اولین تفسیر در این راستا است و در زمانی این تفسیر نوشته شده است که این فرهنگ رایج نبود و اثر ایشان این جرأت را به سایر نویسندگان داد که این ویژگی را در آثار خود منعکس کنند.

این قرآن‌پژوه تصریح کرد: این تفسیر به صورت جمعی و با سرپرستی آیت‌الله مکارم شیرازی تدوین شده است، ولی شخص بنده اگر روزی امکان دست بوسی در محضر ایشان را داشته باشم این نکته را یادآور می‌شوم که گروهی نوشتن این اثر از علمیت آن به شدت کاسته است. یکی از عوامل موفقیت آثاری مانند تفسیر «المیزان» علاوه بر زحمات نویسنده، این است که گروهی کار نشده است.

وی خاطرنشان کرد: به عنوان مثال می‌توان به موردی اشاره کرد که تفسیر نمونه مطلبی را از تفسیر «المیزان» تقد می‌کند و در کمال ادب و احترام، به نقد آن می‌پردازد، ولی بعد از این که شخصا به المیزان مراجعه کردم، متوجه شدم که آن محقق که موظف به بررسی المیزان بود، مراد اصلی علامه طباطبایی را دقیق متوجه نشده است و از این موارد سوء



فرج الله فرج الاهی: ارائه درس خارج فقه به صورت دسته بندی، از نوآوری های استاد مکارم است

است که عامه مردم توان استفاده از این تفسیر را ندارند. به همین خاطر آیت الله مکارم شیرازی این ضرورت را احساس کرد که تفسیری را بنویسند که همه مشتاقان به تفسیر قرآن از آن بهره برند.

حجت الاسلام فرج الاهی اشاره کرد: اعتقاد بزرگانی همچون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی، بر این است که مطالب دشوار علمی را باید به زبان ساده و روان بیان کرد تا مخاطبان با پیچیدگی مطالب مواجه نشوند؛ زیرا اگر فرضاً مطلبی دارای پیچیدگی باشد، همزمان با تلاش زیاد برای درک مطالب جدید و صرف وقت زیاد، انسجام و به هم پیوستگی موضوعات فراموش می شود و این اصل اساسی در بیان مطالب است که همواره باید مد نظر نویسندگان قرار گیرد.

وی عنوان کرد: یکی از مهم ترین امتیازات تفسیر نمونه به سایر تفاسیر، زبان ساده و قابل فهم آن است. این امتیاز؛ یعنی بیان مطالب علمی به زبان ساده، از خصوصیات است که در تمامی آثار آیت الله مکارم شیرازی و حتی در دروس خارج فقه ایشان، که ۱۰ سال توفیق شرکت در آن را داشتیم نیز مشاهده می شود.

مدیرمسئول نشریه «مکتب اسلام» تصریح کرد: در بعضی از کلاس های درس، بیان استاد به گونه ای است که اگر آموزنده بدون پیش مطالعه در آن جلسه شرکت کند، مطلب به درستی فهم نمی شود، اما در دروسی که استاد مکارم شیرازی تدریس آن را به عهده دارد، آنقدر مطلب به روشنی و وضوح بیان می شود که بدون پیش مطالعه قبلی هم فهم آن ممکن است. این مرجع عالیقدر، طلاب را به نوشتن و ثبت مطالب گفته شده در کلاس درس، بسیار تشویق می کند و این امر، سنت پسندیده و هم سیره عقلا در ثبت طولانی مدت و عدم فراموشی آن ها است.

این نویسنده افزود: نظر استاد مکارم شیرازی این است که نوشتن را در سطوح مختلف باید تجربه کرد و همین جزوه نویسی ها و نوشتن مقاله، به تدریج باعث خلق آثار قوی در این زمینه می شود. ایشان

عمده نوآوری های آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دروس خارج فقه این است که ایشان دسته بندی هایی را در ضمن تدریس موضوعات مختلف انجام می دهد که بسیاری از بزرگان این تقسیم بندی ها را که موجب سهولت یادگیری است، انجام نمی دهند.

حجت الاسلام و المسلمین «فرج الله فرج الاهی»، نویسنده و مدیرمسئول نشریه «مکتب اسلام»، درباره شخصیت علمی آیت الله العظمی مکارم شیرازی و خدمات قرآنی ایشان عنوان کرد: تفسیر نمونه حدود سال ۱۳۵۲ چاپ شده است که البته سال ها قبل از این فعالیت گروهی محققان بر روی این مجموعه آغاز شده بود.

وی افزود: همزمان با تدوین تفسیر نمونه در قبل از انقلاب، آیت الله مکارم شیرازی مدتی به کردستان تبعید شدند و وقفه کوتاهی در امر نگارش ایجاد شد، ولی مجدداً از سرگرفته شد. تفسیر نمونه علی رغم این که بر اساس تفاسیر قدیمی مانند «مجمع البیان» بنا شده است، ولی برای همگان قابل فهم است و از این لحاظ شیوه ای بر خلاف تفاسیر گذشته دارد. تفسیر نمونه در مباحث تاریخی نیز از منابع محکم و قابل اطمینان بهره برده است و استقبال از این کتاب به حدی بوده است که تاکنون حدود ۵۰ بار تجدید چاپ شده است.

این نویسنده در تشریح علل استقبال فراوان از تفسیر نمونه تشریح کرد: چون این تفسیر برای عموم نوشته شده و به اصطلاح همه فهم است، بسیار مورد استقبال گسترده همه افراد جامعه قرار گرفته است و با توجه به این که مطالب سخت و دشوار هم در آن با قلم ساده و روان بیان شده است، کسانی که حداقل آشنایی به این موضوعات را داشته باشند، می توانند از این مطالب استفاده کنند.

وی درباره ضرورت نگارش این تفسیر یاد آور شد: خوشبختانه تفسیر «المیزان» از لحاظ علمی در سطح بالایی است و حتی در برخی از موارد متخصصان این رشته هم در فهم آن دچار سختی می شوند و بدیهی

مجله منتشر می‌کردند.

وی ادامه داد: این نشریه بارها قبل از انقلاب توقیف شد و عمدتاً هم بعد از انتشار مقالات روشنگرایانه آیت‌الله مکارم شیرازی این امر رخ می‌داد و در آخرین مرحله و چندماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نشریه به طور دائم توقیف شد و انتشار آن ممنوع شد. از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۶۹ صاحب امتیاز مجله مکتب اسلام هم آیت‌الله مکارم شیرازی بودند و ایشان علاوه بر سرمقاله‌های بسیار مناسب، نشریه را هم به بهترین نحو مدیریت می‌کردند.

این نویسنده اظهار کرد: یکی از مطالبی که درباره شخصیت این مرجع عالیقدر باید یاد آور شد این است که وی به معنای دقیق کلمه یک نویسنده و ژورنالیست حرفه‌ای است و این صفت حقیقتاً در بین سایر بزرگان دیده نمی‌شود. در زمانی که من این توفیق را داشتم که از آیت‌الله مکارم شیرازی مقالاتشان را بگیرم، به خاطر دارم که تسلط ایشان بر تدوین و نگارش مقالات بی نظیر بوده است.

حجت‌الاسلام فرج‌اللهی افزود: به یاد دارم که روزی به خدمت ایشان رسیدم و قرار بود که سرمقاله ایشان را برای چاپ در نشریه دریافت کنم، به من می‌فرمود که بنشین و صبر کن تا من سرمقاله را بنویسم. معظم‌له هم در حضور من و بعد از گذشت مدت کوتاهی، سرمقاله را با تسلط کامل و بدون کوچک‌ترین خط‌خوردگی نوشتند. ذهن آماده و انتقال مطالب به صورت بداهه، از خصوصیات است که در مجموع آثار و تألیفات و سخنرانی‌های ایشان مشهود است.

وی در پایان بیان کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی در نثر نوشتار و گفتار خود از کلمات به روز و همه فهم استفاده می‌کنند و وقتی که به آثار ایشان حتی بعد از گذشت چهل سال مراجعه می‌شود، متن واضح و روشن است و کلماتی استفاده شده است که گویا متن، همین امروز نوشته شده است و این فاصله زمانی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر ویژگی نیازسنجی مخاطب همواره توسط ایشان لحاظ شده است.

همچنین تأکید فراوانی دارند که در کلاس‌های درس، رئوس مطالب و موضوعات نوشته شود؛ زیرا یادآوری بقیه مسائل در گرو یادآوری همین رئوس موضوعات است. در این راستا می‌توان گفت تمامی شاگردان ایشان، دست به قلم هستند و مطالب درسی را یادداشت می‌کنند.

حجت‌الاسلام فرج‌اللهی در خصوص نوآوری‌های آیت‌الله مکارم شیرازی در نحوه تدریس دروس خارج فقه تشریح کرد: عمده نوآوری‌های آیت‌الله مکارم شیرازی در دروس خارج فقه این است که ایشان دسته‌بندی‌هایی را در ضمن تدریس موضوعات انجام می‌دهد که بسیاری از بزرگان این تقسیم‌بندی‌ها را که موجب سهولت یادگیری است، انجام نمی‌دهند.

وی درباره صفات و سجایای اخلاقی این مرجع قرآن‌پژوه اذعان کرد: از صفاتی که ایشان به آن متخلق و برای شخص من هم بسیار جالب است، انتقادپذیری است، حتی اگر از شاگردان کوچک ایشان مطلبی را به ایشان بگویند و ایشان درستی آن را دریابد، با رویی گشاده آن را قبول می‌کند. درباره نصایح و توصیه‌های ایشان به جوانان نیز باید یاد آور شد که عمدتاً جوانان را به قرآن و اهل بیت (ع) و ارتباط بیشتر با آنان توصیه می‌کند و در دیدارهای مختلف مردمی که مشتاقان از اقشار و نقاط مختلف به حضور ایشان می‌رسند، به موضوعاتی؛ مانند اجرای تعالیم و فرهنگ قرآن و اهل بیت (ع)، امانتداری و راستگویی و به فکر آینده خود و مملکت اسلامی ایران بودن، توصیه می‌کند و حتی قبل از تأسیس نشریه «مکتب اسلام»، آیت‌الله مکارم شیرازی، شب‌های چهارشنبه درس عقائد داشت و در این سلسله درس‌ها بیان کردند که من به فکر دهه‌های بعدی هستم که با تدریس این مباحث، بتوان برای نیازهای علمی مملکت در دهه‌های بعدی مجموعه‌ای مدون برای پاسخگویی تهیه کرد. ایشان به ما هم توصیه می‌کرد که برای نیازهای علمی آینده، خود را آماده کنیم.

وی عنوان کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی از ابتدای فعالیت نشریه «مکتب اسلام» با این دفتر همکاری داشته‌اند و مقالات خود را در این

محمد رضا معینی:

تفسیر نمونه به روح دعا در قرآن، اهتمام ویژه‌ای دارد

شده است و به نظر من مهم‌ترین ویژگی این اثر این است که تفسیری اجتماعی محسوب می‌شود و موضوعات مهم قرآنی را که مربوط به جامعه است، به سطح مردم و اجتماع باز می‌گرداند.

حجت الاسلام معینی ضمن تأکید بر مباحث تربیتی این تفسیر، خاطر نشان کرد: آیت الله مکارم شیرازی در این تفسیر به مباحث هدایتی و تربیتی توجه ویژه‌ای داشته و این کتاب غیر از این که تفسیر قرآن است، کتاب اخلاقی مناسبی نیز محسوب می‌شود و این قابلیت را دارد که خواننده خود را - با خواندن تفسیر چند سوره - دچار تحولات اخلاقی کند. این کارشناس قرآنی درباره علل تأثیر این تفسیر بر مخاطب، تشریح کرد: تأثیر ویژه‌ای که تفسیر نمونه بر مخاطبان می‌گذارد، تا حد بسیار زیادی مربوط به پاکی و تهذیب خود شخصیت وارسته نویسنده، آیت الله مکارم شیرازی است؛ به عبارت دیگر این تأثیر روحانی ریشه در پاکی نفس این مرجع عالیقدر دارد.

معینی درباره شخصیت علمی آیت الله العظمی مکارم شیرازی و ویژگی‌های «تفسیر نمونه» گفت: ویژگی آیت الله العظمی مکارم شیرازی در تفسیر این است که از اظهار نظر قطعی در تفسیر آیات خودداری کرده‌اند. وی ادامه داد: البته ایشان درباره آیات نظرات خود را ابراز داشته‌اند ولی روش خوبی که این مرجع عالیقدر

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه به روح دعا در قرآن، اهتمام ویژه‌ای دارند و پایان هر سوره با دعا ختم می‌شود.



حجت الاسلام و المسلمین «محمد رضا معینی»، معاون سازمان تبلیغات اسلامی شمال تهران، درباره شخصیت علمی آیت الله العظمی مکارم شیرازی و ویژگی‌های «تفسیر نمونه» گفت: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر نمونه این است که برای مخاطبان عام و به زبان فارسی نوشته شده است.

معینی با بیان این مطلب که بیشتر تفاسیر قرآن به زبان عربی نگاشته می‌شود، اظهار کرد: این امر سبب می‌شود که قشر عامه مردم نتوانند از تفاسیر بهره‌برند و فقط مختص به گروه خاصی می‌شود. این در حالی است که تعداد اندکی در ایران به زبان عربی مسلط هستند و با نگارش تفسیر به زبان فارسی، نیاز و اشتیاق بخش عمده‌ای از فارسی‌زبانان، برآورده می‌شود.

معاون سازمان تبلیغات اسلامی شمال تهران با تأکید بر این مسئله که تفسیر نمونه علاوه بر ویژگی یاد شده، مطالب را با زبانی ساده و روان بیان می‌کند، تصریح کرد: این امتیازات باعث می‌شود تا مخاطبان بیشتری بتوانند از این تفسیر در راه فهم آیات استفاده کنند. در این مجموعه به تفسیر تمامی آیات پرداخته

تالیفات متعددی در مورد موضوعات علمی دارند و حتی قبل از انقلاب، آثاری را نوشته‌اند که قابلیت ارائه به جوامع علمی را هم دارد. وی ضمن بیان استقبال جوانان و جوامع علمی از آثار این مرجع قرآن پژوه افزود: امروزه هم در دانشگاه‌ها و جوامع علمی داخل کشور نیز تالیفات این مرجع عالیقدر تدریس می‌شود. علی‌رغم این سطح از علمیت، ایشان اخلاق نیکویی دارند که معمولا افرادی که برای اولین بار به دیدار ایشان می‌روند، این صفت را در ایشان مشاهده می‌کنند.

وی راجع به سجایای اخلاقی آیت‌الله مکارم شیرازی گفت: اصولا یکی از ویژگی‌های مرجع تقلید این است که بتواند به راحتی با عامه مردم ارتباط پیدا کند و با آنان صحبت کند. اکثر افرادی که به حضور مراجع یا سایر بزرگان شرفیاب می‌شوند، در اثر عظمت این علما، نمی‌توانند براحتی با آنها ارتباط برقرار کنند ولی مراجعه‌کنندگان به محضر آیت‌الله مکارم شیرازی، این دشواری در صحبت را احساس نمی‌کنند.

حجت‌الاسلام معینی اشاره کرد: استاد مکارم شیرازی جذابیت برجسته‌ای در ارتباط با عامه مردم و به خصوص با جوانان دارند و این صفت ایشان، زبانه‌زد همگان است.

این خصلت ایشان باعث شده است که مراجعه‌کنندگان راحتتر مسائل و مشکلات خود را بیان کنند. با داشتن این سجایا، ایشان انسانی انتقادپذیر نیز هستند و اگر درستی مطلبی را بیابند، آن را قبول می‌کنند.

اتخاذ کردند این است که نظر خاصی را به صورت یقینی، که این است و جز این نیست، بیان نکرده‌اند. ایشان همچنین دارای روحیه‌ای انتقادپذیر هستند و اگر مطلبی را تشخیص دهند که صحیح است، می‌پذیرند.

وی ضمن اشاره به آرای تفسیری اهل سنت در این کتاب، افزود: در تفسیر نمونه به مهمترین آرای اهل سنت نیز پرداخته شده است و اینگونه نیست که چون نویسنده آن شیعه است، از آرای تفسیری اهل سنت خالی باشد. خواننده این تفسیر می‌تواند با مطالعه این کتاب، با مهمترین آرای تفسیری به همراه بیانی ساده و روان آشنا شود.

حجت‌الاسلام معینی خاطرنشان کرد: این تفسیر با مخاطب به راحتی می‌تواند ارتباط برقرار کند و وارد مطالب علمی پیچیده و دشوار فلسفی و کلامی نشده است. در تفسیر نمونه، پایان هر سوره با دعا ختم شده است و در حقیقت روح دعا در قرآن رازنده کرده است و بر لطافت این تفسیر افزوده است.

این مدرس دانشگاه یادآور شد: از دیگر ویژگی‌های تفسیر آیت‌الله مکارم شیرازی این است که شیوه تفسیری خود را بر مبنای تفسیر قرآن به قرآن استوار کرده‌اند و از معجزات قرآن این است که بعضی آیات مفسر آیات دیگر هستند.

در کنار این ویژگی‌های علمی، باید در مورد امتیازات شخصیتی ایشان نیز یادآور شد که استاد مکارم شیرازی از مراجع بزرگ جهان تشیع هستند و هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ تسلط بر علوم روز، بسیار شاخص و برجسته هستند. وی عنوان کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی



سیدرضا مؤدب:

«تفسیر نمونه» تنها به شأن نزول های یقینی پرداخته است

ادامه دارد.

معاون پژوهش دانشگاه قم با بیان این مطلب که این تفسیر به زبان فارسی نوشته شده است، تصریح کرد: در این تفسیر از روش قرآن به قرآن بهره برده شده است و از روش روایی نیز برخوردار است. ایشان این تفسیر را با همکاری جمعی از محققان و عالمان حوزه علمیه قم نوشته اند و با کمک آن ها مطالب را در آغاز جمع آوری کرده و بر مطالب نظارت کردند و با قلم معظم له نوشته شده است. وی افزود: شاید مهم ترین بحثی که در مورد این اثر می توان مطرح

تفاسیر مختلف غالباً تمامی شأن نزول ها را مطرح می کنند، ولی «تفسیر نمونه» برخلاف سایر تفاسیر، فقط به شأن نزول های یقینی پرداخته است.



حجت الاسلام و المسلمین «سیدرضا مؤدب»، عضو هیئت علمی دانشگاه قم، درباره شخصیت علمی و ویژگی های «تفسیر نمونه» آیت الله العظمی مکارم شیرازی گفت: این تفسیر گرانقدر، یک دوره کامل تفسیر ترتیبی قرآن است که از سوره حمد آغاز شده است و تا پایان

تفسیر نمونه برای به دست آوردن اصل و ریشه و معانی اصلی لغات بسیار قابل توجه است. در این مجموعه اگر در آیه‌ای لغت سخت و دشواری باشد که نیازمند مباحث لغوی است، این مباحث با استناد به کتاب ارزشمند راغب اصفهانی (مفردات راغب) تبیین شده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه قم تصریح کرد:

مسائل کلامی بسیار حساسی که بین شیعه و سایر مذاهب وجود دارد و به نوعی بیانگر اعتقادات شیعه

بوده است، در این تفسیر به خوبی مورد توجه قرار گرفته است و با زبانی گویا و روان بحث شده است به گونه‌ای که هر فردی که این تفسیر را مطالعه می‌کند، می‌تواند از دیدگاه آرای شیعی در مسائل اختلافی؛ مانند اختلافات فقهی زن و مرد، مسائل و احوالات قیامت و... به خوبی مطلع شود.

وی عنوان کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی به مباحث

علمی و تفسیری روز هم توجه خاصی داشته‌اند.

وی ادامه داد: در این تفسیر به مباحث علمی روز یا مطالعات

دانشمندان و متخصصینی که در رشته‌های علمی مانند علوم تجربی، علوم اجتماعی، روان‌شناسی می‌تواند در فهم بهتر آیات کمک کند نیز پرداخته شده است و اعتقاد ایشان و استاد بزرگوار وی، علامه طباطبایی بر این است که قرآن کتاب علمی خاص نیست بلکه در علوم مختلف اشاراتی دارد که بیان آن‌ها بر عهده مفسر است.

وی راجع به نسبت اشارات قرآن به مسائل علمی و هدف هدایتگری

تشریح کرد: اصلی‌ترین و مهمترین رسالت قرآن، هدایت انسان‌ها است و در راستای هدایت بشر، ممکن است که به آسمان، زمین، حیوانات یا سایر موضوعاتی که مورد بحث علوم روز است، اشاره شود و علی‌رغم اشاره به این موضوعات علمی، هدف اصلی قرآن را نباید فراموش کرد.

معاون پژوهشی دانشگاه قم اظهار کرد: این تفسیر به دقت به این ویژگی توجه دارد و قلم روان آیت‌الله مکارم شیرازی می‌تواند برای قشر تحصیل کرده و به خصوص دانشجویان مؤثر باشد. مهم‌تر از امتیازات و برجستگی‌های تفسیر نمونه، اخلاص آیت‌الله مکارم شیرازی و اطرافیان ایشان در امر نگارش تفسیر است و با اینکه زمان زیادی از عمر نگارش این کتاب نمی‌گذرد ولی بارها تجدید چاپ و تصحیح شده است.

حجت‌الاسلام مودب در پایان درباره ترجمه قرآن کریم توسط آیت‌الله مکارم شیرازی یاد آور شد: در ترجمه قرآن توسط استاد مکارم شیرازی، برخی از این عوامل مذکور مورد توجه بوده است و ترجمه‌های روان با ذکر توضیح و شأن نزول ارائه شده است اما آنچه که باعث استقبال از ترجمه ایشان شده است، جمعی بودن کار ترجمه است که چندین بار مورد مطالعه و بررسی شاگردان و فضلا قرار گرفته است و در بازبینی‌ها سعی شده هم مطالب گویا و هم روان باشد. ترجمه استاد مکارم شیرازی بر این اساس بوده است که ابتدا آیه به خوبی درک شود و سپس تفسیر آن بیان شود نه اینکه قبل از تفسیر به ترجمه بپردازند زیرا ترجمه آیات امری سخت‌تر از تفسیر است تا با بیانی مختصر و موجز به بیان ترجمه بپردازد.

کرد، مقایسه ویژگی‌های تفسیر نمونه با تفاسیر هم عصر خود است. یکی از مهم‌ترین اوصاف این تفسیر این است که علاوه بر موضوعاتی مانند مسائل عبادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی که در آیات مطرح بوده است، در جای جای این تفسیر هم بار دیگر این مضامین مورد توجه قرار گرفته است و در هر جا که لازم بوده است، علی‌رغم ترتیبی بودن تفسیر، به صورت موضوعی نیز آورده شده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه قم اذعان کرد: در

این تفسیر به فراخور آیات، موضوعاتی؛ مانند فلسفه دین، حقوق زن، حج، جهاد و... مطرح شده است و ضمن این‌که تفسیر نمونه را می‌توان تفسیر ترتیبی نامید، تفسیر موضوعی نیز محسوب می‌شود و برای جامعه امروز نیز قابل استفاده است. به همین جهت برای این مجموعه ۲۷ جلدی، یک جلد به راهنمای

موضوعی مباحث اختصاص دارد تا دسترسی به بیش از ۱۰۰۰ موضوعی که در این ۲۷ جلد بحث شده است، راحت‌تر شود.

وی خاطرنشان کرد: از دیگر ویژگی‌های این تفسیر این است که برای عموم مردم قابل فهم است و از طرح مسائل ادبی یا موضوعات تخصصی پرهیز شده است تا برای همگان مورد استفاده باشد. البته باید یادآور شد که تفسیر نمونه از طرف دانشگاهیان و افرادی که اطلاع بیشتری نسبت به مسائل تفسیری دارند نیز مورد استقبال قرار گرفته است. با وجود عمومی بودن مخاطبان این تفسیر، آیت‌الله مکارم شیرازی با استفاده از قلم روان خود، در مواردی حتی مطالب دشوار و پیچیده علمی را به صورت ساده و روان و ایجازگونه مطرح کردند.

مؤدب درباره شخصیت علمی و ویژگی‌های «تفسیر نمونه» آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی عنوان کرد: از امتیازات تفسیر نمونه، ترجمه گویایی است که ایشان از آیات انجام داده است.

معاون پژوهشی دانشگاه قم اظهار کرد: این ترجمه در ویرایش‌های مختلف، از طرف استاد مکارم و محققان مورد بازبینی قرار گرفته است و ترجمه‌ای دقیق‌تر و روان‌تر ارائه شده است تا علاقه‌مندان بتوانند در آغاز هر آیه به ترجمه سلیسی از آیات دسترسی داشته و برای دریافت جزئیات بیشتر در ادامه به آن پرداخته شده است.

این محقق قرآنی افزود: همانطور که خود آیت‌الله مکارم شیرازی هم در آغاز جلد اول تفسیر به آن اشاره دارند، شأن نزول‌هایی که مورد یقین نویسنده بوده است و از طرفی می‌تواند در فهم آیات مؤثر باشد، بیان شده است. در این باره باید دقت کرد که تمامی شأن نزول‌هایی که در تفاسیر آمده است، الزاماً دقیق و مطابق با واقع نیست. اما ایشان به لحاظ تحقیقاتی که در این باره داشتند مناسب‌ترین شأن نزول‌ها را بیان کرده‌اند.

حجت‌الاسلام مؤدب خاطرنشان کرد: تلاش محققان و نویسندگان

علی اکبر حسنی: تفسیر نمونه نسبت به المیزان مخاطبان بیشتری دارد

امر حاکی از تأثیر خدمات ایشان و ایجاد فرهنگ نگارش در بین طلاب بود و این امر وقتی قابل توجه است که دقت شود حوزه نجف اشرف علی‌رغم ظرفیت عظیم در امر پرورش فقیه و مجتهد، در امر کتابت و نگارش مقاله رونق چندانی نداشت.

حسنی عنوان کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی، محققان زیادی را در عرصه نویسندگی تربیت کرد، به گونه‌ای که تألیفات همین شاگردان، امروزه به تألیفات برجسته دینی تبدیل شده است.

وی راجع به امتیازات تفسیر نمونه بیان

کرد: تفسیر نمونه، تفسیری است که در عین حال که جنبه علمی بودن خود را حفظ کرده است، کاربردی، همه‌فهم و روان است و تفسیری که با این ویژگی‌ها باشد، قبل از تدوین این مجموعه، وجود نداشته است. مراحل تدوین تفسیر نمونه باعث شد که طلاب محقق زیادی در این زمینه به فعالیت‌های علمی روی بیاورند و در امر تفسیر موفق شوند.

این نویسنده اظهار کرد: تدوین و نگارش این تفسیر چندین سال به طول انجامید و

مدت کوتاهی بعد از چاپ فارسی، به زبان عربی نیز با عنوان «الامثل» ترجمه شد. آیت‌الله مکارم شیرازی، خدمت بزرگی به جامعه قرآنی کرد و این چنین تفسیر روان را بر اساس دیدگاه شیعه عرضه کرد؛ لذا این بهترین تفسیری است که در جوامع علمی ما وجود دارد.

وی در مقایسه تفسیر نمونه با سایر تفاسیر فارسی گفت: این نکته را باید متذکر شد که تفاسیر قرآن به زبان فارسی منحصر در تفسیر نمونه نیست، ولی تفسیر نمونه حقیقتاً بهترین تفسیر به زبان فارسی است. تفسیر نمونه با این ویژگی‌هایی که بیان شد، اولین تفسیری است که به زبان فارسی و برای عموم مردم نگاشته شده است.

حجت‌الاسلام حسنی بیان کرد: علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن کریم، که خود حقیقتاً اسوه و نماد اخلاق بود، تفسیر المیزان را برای مخاطب و مردم عام نوشت، بلکه در آن مسائل فنی و پیچیده زیاد مشاهده می‌شود و همین امر باعث شد که افراد زیادی از مردم عام از این تفسیر بی‌بهره بمانند، اما این نیاز با نوشتن تفسیر نمونه برای مخاطب عام و فارسی زبان، مرتفع شد.

تفسیر المیزان علامه طباطبایی به خاطر زبان عربی و بیان مسائل پیچیده علمی، نسبت به تفسیر نمونه استاد مکارم از مخاطبان کمتری برخوردار است.

حجت‌الاسلام و المسلمین «علی اکبر حسنی»، محقق، نویسنده و مدرس حوزه و دانشگاه، درباره شخصیت علمی و خدمات قرآنی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی عنوان کرد: من این افتخار را دارم که بعد از مراجعت آیت‌الله مکارم شیرازی از نجف اشرف به شهر قم، در محضر ایشان باشم.

وی ادامه داد: آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با برپایی کلاس‌های عقائد، یکی از پایه‌گذاران دروس عقائد و مذاهب محسوب می‌شود. در آن دوران به اقتضای رواج مباحث ماتریالیسم، آیت‌الله مکارم شیرازی کتابی در همین زمینه نوشته و عقائد مکتب‌های مادی‌گرا را نقد کردند. البته قبل از اثر ایشان، کتاب گرانقدر «اصول فلسفه و روش رئالیسم» به قلم علامه طباطبایی و شرح شهید مطهری نگاشته شده بود.

این نویسنده افزود: استاد مکارم شیرازی در شب‌های پنج‌شنبه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) دروسی را درباره مذاهب اسلامی آغاز کرد و افراد زیادی مجذوب این کلاس‌ها شدند و تعدادی از نویسندگان و محققان فعلی، آن دروس را مکتوب می‌کردند و به همین جهت اولین کتابی که از بنده با عنوان «دین و دانش» منتشر شد، درباره همین مسائل دین‌شناسی و پاسخ به شبهات راجع به آن موضوع است.

حجت‌الاسلام حسنی اشاره کرد: خدمات و تشویقات متعدد آیت‌الله مکارم شیرازی باعث شد که بسیاری از طلاب و محققان به نگارش مقالات و کتب دینی تشویق شوند و از مجموع مباحث مطرح شده در جلسات دینی، جزوات و کتب دینی سودمندی منتشر شد و خود این حرکت مشوق سایر پژوهشگران دینی شد. به عبارت دیگر بعد از مراجعت ایشان از نجف اشرف، موضوع نگارش و قلم به دست گرفتن طلاب، به همت ایشان احیا شد.

وی تصریح کرد: خدمات علمی و دستاوردهای ایشان به حدی مؤثر بود که مخالفان ایشان بیان می‌کردند: «صار ناصر، روزنامه‌نویسا!» و این



این نکته را باید متذکر شد که تفاسیر قرآن به زبان فارسی منحصر در تفسیر نمونه نیست، ولی تفسیر نمونه حقیقتاً بهترین تفسیر به زبان فارسی است. تفسیر نمونه با این ویژگی‌هایی که بیان شد، اولین تفسیری است که به زبان فارسی و برای عموم مردم نگاشته شده است



فقاہت آیت‌الله مکارم در اقبال مخاطب به «تفسیر نمونه» مؤثر بوده است

کسی که به مقام فقاہت رسیده باشد، در امر تفسیر قرآن هم از موفقیت بیشتری برخوردار است و فقاہت آیت‌الله مکارم شیرازی، در استقبال مخاطبان از «تفسیر نمونه» مؤثر بوده است.



حجت‌الاسلام و المسلمین علی نصیری، محقق و نویسنده، درباره شخصیت علمی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی و ویژگی تفسیر «نمونه»، عنوان کرد: در ویژگی‌ها و برجستگی‌های تفسیر نمونه، خود شخصیت آیت‌الله مکارم شیرازی، بسیار مؤثر است. مقوله اجتهاد در فهم متون دینی نقش مهمی دارد و فقاہت ایشان در اقبال به کتاب تفسیر نمونه سهم بسزایی دارد.

وی گفت: هر دو موضوع ترجمه قرآن و تفسیر، از مقولات فهم متون هستند و کسی که به مقام فقاہت رسیده باشد در امر ترجمه و تفسیر موفقیت بیشتری حاصل می‌کند. این تفسیر به صورت جمعی و با بهره‌گیری جمعی از شاگردان زبده و به سرپرستی معظم‌له نوشته شده است و ایشان اهتمام ویژه‌ای به تحقیقات و پژوهش‌های جمعی دارند و در آثاری مانند «شرح نهج البلاغه» و «دائرالمعارف فقه مکارم» این ویژگی مشاهده می‌شود.

این نویسنده تصریح کرد: استفاده از گروه تحقیقاتی، هم به دقت کار و هم به عمق و تتبع پژوهش می‌افزاید و این امور می‌تواند در ارزش‌گذاری کار به چشم آید. مهم‌ترین نکته در تفسیر نمونه این است که تفسیری ارائه شد که پاسخگوی نیازهای روز است. بخش عمده تفاسیر شیعی، به زبان عربی نگاشته شده است و مواردی که به زبان فارسی است، آنچنان مطالب علمی را در سطح بالا توضیح داده است که فهم آن برای همگان دشوار است و قابل استفاده برای عموم مردم نیست.

حجت‌الاسلام نصیری افزود: بعضی دیگر از تفاسیر فارسی مطالب را به صورت خلاصه و در سطح پائینی ارائه می‌دهند و چون سریع از کنار تفسیر آیات گذشته‌اند، نمی‌توان آن‌ها را به عنوان یک تفسیر برجسته مطرح کرد و به دلیل

همین

اختلاف

سطوح در بیان

تفسیر، گروه بسیاری از

مخاطبان از اقشار مختلف،

عموماً از دایره استفاده از این کتب تفسیری خارج می‌شوند، اما تفسیر نمونه این لایه میانی و تا حدودی گروه متخصصان جامعه را در نظر گرفته است.

وی اشاره کرد: به دلیل همین ویژگی، استقبال زیادی از این تفسیر شده است و چاپ‌های مکرر این مجموعه گواه این مطلب است که آیت‌الله العظمی مکارم به این نیاز به خوبی توجه کرده‌اند. در این تفسیر همچنین آرای تفسیری شیعه و سنی، از ابتدا تا پیدایش این مجموعه، بررسی شده است.

نصیری، بیان کرد: همانگونه که در مقدمه تفسیر نمونه هم آمده است، آیت‌الله مکارم شیرازی به تفاسیر و آرای اهل سنت نیز توجه کرده‌اند و در واقع به اهم آرای تفسیری می‌تواند احاطه پیدا کند.

وی ادامه داد: نکته دیگری که به تفسیر نمونه ارزش می‌دهد این است که در مواجهه با آیات، شیوه مناسبی اتخاذ شده است. آیت‌الله مکارم در جلسه‌ای عنوان کرده بودند که بعد از گذشت ۴۰ سال از تدوین این اثر، هنوز کسی نتوانسته است که اشکال عمده‌ای به شاکله و علمیت تفسیر نمونه وارد کند.



این عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت گفت: ویژگی احتیاط در برخورد با آیات و پرهیز از شتاب در داوری و اظهار نظر کردن قطعی، از امتیازات این تفسیر است. بسیاری از مفسران تحت تاثیر مکاتب تفسیری قرار می‌گیرند و همانگونه که در مقدمه تفسیر «المیزان» نیز بیان شده است بعضی از مفسران تحت تاثیر تفسیر عرفانی، روایی و علمی هستند ولی آیت الله مکارم شیرازی استقلال رای خود را حفظ کرده‌اند.

حجت‌السلام نصیری افزود: مطالب این تفسیر با بیان و قلمی روان ارائه شده است و با مخاطب راحت می‌تواند ارتباط برقرار کند و وارد مطالب علمی دشوار و پیچیده نشده است. پایان هر سوره در این تفسیر، با ذکر دعا ختم شده است و این بر لطافت تفسیر افزوده است و این حس ایجاد می‌شود که تفسیر فقط بیان علمی آیات نیست بلکه روح دعا و نیایش با خداوند است. وی تصریح کرد: وقتی مخاطبان تفسیری گروه و قشر خاصی نیستند و تقریباً تمام مخاطبان عمومی مد نظر هستند، به طور طبیعی از انعکاس مطالب تخصصی خود فاصله می‌گیرد، اما باید توجه شود که این امر جز نقص و کاستی کتابی محسوب نمی‌شود بلکه مقتضی عمومی بودن مخاطبان آن است و حتی کمال آن کتاب در ارتباط با عموم مخاطبان است.

نصیری گفت: وقتی مخاطب عموم افراد هستند باید جایگاه و علمیت مطالب را به فراخور سطح مخاطبان سنجید و با در نظر گرفتن این نکته، باید یاد آور شد که تفسیر نمونه علی‌رغم عام بودن مخاطبانش، از علمیت موضوعات نکاسته است.

وی ادامه داد: این تفسیر به مقتضای مخاطبان خود به درستی عمل کرده است و در این‌گونه تفاسیر نباید آنقدر مضامین علمی پیچیده را مطرح کرد که مخاطبان آن را نفهمند و از طرفی نباید به خاطر فراگیر بودن مخاطبان، سطح مطالب قرآنی را تنزل داد، بلکه به تناسب مخاطب، وزانت این تفسیر تا حد زیادی رعایت شده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت راجع به ترجمه قرآن کریم آیت الله مکارم شیرازی تصریح کرد: در ترجمه‌ای که استاد مکارم شیرازی از قرآن کریم داشته‌اند، این‌گونه نبوده است که به خاطر فهم مطلب توسط عامه مردم، تغییری در سطح مطالب ایجاد شود. آن چیزی که در این ترجمه موفقیت محسوب می‌شود، کار گروهی مترجمان به سرپرستی آیت الله مکارم شیرازی بوده است. حجت‌الاسلام نصیری افزود: عده‌ای گمان می‌کنند که ترجمه قرآن امری ساده محسوب می‌شود و از کنار هم قرار گرفتن لغات، ترجمه حاصل می‌شود، به هیچ‌رو این مسئله درست نیست. ترجمه قرآن کریم یک فرآیند است که مسیر فهم را طی می‌کند و از مرحله تفسیر می‌گذرد. یک مفسر برای



کامل خیرخواه:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی با نهضت علمی خود، قلم به دست طلاب داد

آیت الله العظمی مکارم شیرازی، نهضت علمی بروزی را ایجاد کرد که با تلاش ها و مجاهدات خود، قلم به دست طلاب داد و با مقالات اسلامی، به طلاب جوان برای نویسندگی و پژوهش نیز انگیزه داد.

حجت الاسلام والمسلمین کامل خیرخواه، نویسنده و پژوهشگر دینی و مشاور فرهنگی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، درباره شخصیت علمی آیت الله العظمی مکارم شیرازی عنوان کرد: آشنایی من با آیت الله العظمی مکارم شیرازی قبل از همکاری من با دفتر نشریه «مکتب اسلام» باز می‌گردد.

وی ادامه داد: من مشغول تحصیل در سطوح دروس حوزوی بودم که با نام و کتاب ایشان با عنوان «فیلسوف‌نماها» آشنا شدم. مقالات ایشان از بازتاب وسیعی برخوردار بود و به عنوان کتاب برتر سال هم در آن دوران معرفی شد. در حدود ۵۰ سال پیش مکاتب مارکسیسم و کمونیسم در ایران فعال بودند و در خاورمیانه نیز در حال گسترش بودند ولی گسترش این مکاتب بدون تردید جنبه سیاسی داشت.

وی افزود: جنبه سیاسی کمونیسم، این بود که دست‌نشانده‌های آمریکادر منطقه برای اینکه هم انسان‌ها و زیرمجموعه را با خود همراه کنند، فتنه کمونیستی را خیلی بیش از آنچه که بود، می‌نمایاندند. در هر صورت از آغاز پیدایش مکتب کمونیسم، این مکتب به صورت یک مکتب فکری صرف، نمایان نشده بود.

این نویسنده شرح داد: در چنین فضایی بود که آیت الله العظمی مکارم شیرازی کتاب «فیلسوف‌نماها» را در نقد علمی کتب کمونیسم به رشته تحریر درآوردند. البته مرحوم علامه طباطبایی با همکاری شهید مطهری کتابی را با عنوان «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نگاشته بودند که به مباحث مکتب مارکسیسم در کمال دقت علمی و فلسفی و به زبان روز، پاسخ گفتند. وی خاطرنشان کرد: مجموع اقدامات این بزرگان باعث شد که دریچه‌ای به سوی محققان حوزوی جوان آن روزگار باز شود. وقتی شخص من به کتاب آیت الله مکارم شیرازی نگاه کردم، متوجه شدم که گم‌شده خویش را برای استفاده از جنبه‌هی علمی، در قالب شخصیت علمی و معنوی ایشان یافته‌ام.

حجت الاسلام خیرخواه ضمن یادآوری فعالیت‌های استاد مکارم شیرازی در قبل از انقلاب گفت: آیت الله مکارم شیرازی جلساتی را برگزار می‌کردند که در آن عمدتاً مباحث اعتقادی، خداشناسی، توحید، معادشناسی، قیامت، امام‌شناسی، رهبری و ولایت، اعجاز قرآن و مباحث علمی روز مطرح می‌شد.

وی افزود: بلافاصله بعد از مطلع شدن از برگزاری این کلاس‌ها در شهر مقدس قم، تصمیم گرفتم که در این کلاس‌ها شرکت کنم ولی سطح علمی مشخص شده برای طلاب علاقه‌مند در این کلاس‌ها، بالاتر از سطح علمی من بود. با این وجود من به عنوان اولین جلسه در این کلاس‌ها شرکت کردم و دیدم که مطالب مطرح شده را کاملاً متوجه می‌شوم و مشکلی در فهم ندارم. روزهای بعد دیداری با آیت الله مکارم شیرازی داشتم و موضوع حضور خود را در آن جلسه و از طرفی اشتیاقم را به آموختن آن مباحث به ایشان گفتم. ایشان هم از من خواستند تا خلاصه مطالب مطرح شده را در چند صفحه بازگو کنم. ایشان بعد از مطالعه خلاصه اشکالات و جواب بیان شده در آن

ترجمه قرآن کریم باید ابتدا مبادی تفسیر قرآن را بگذرانند و پیام آیه را گرفته باشد و این مسئله موضوع ساده‌ای نیست. در مرحله بعد مترجم باید معانی را از زبان مبدأ که زبان عربی است، به زبان مقصد که زبان فارسی است، منتقل کند. در فرآیند ترجمه مشهور است که مترجم باید به زبان مبدأ، زبان مقصد و روش انتقال آگاه باشد. در حالی که در فرآیند ترجمه قرآن کریم، چون متن، متن ویژه‌ای محسوب می‌شود و ظرافت‌های فراوانی دارد، عامل چهارمی هم در ترجمه وجود دارد و آن عبور از فرآیند تفسیر است.

وی در پایان تصریح کرد: هر آیه، یک فرآیند تفسیری دارد که برای ترجمه باید مشخص شود؛ یعنی طبق تفسیر، قرار است کدام معنا ترجمه شود. این نکته در تفسیر نمونه نیز دیده می‌شود و با توجه به این‌که این ترجمه اثری گروهی است، ولی چندبار تاکنون مورد اصلاح و ویرایش قرار گرفته است و با توجه به اعتبار مؤلف، می‌تواند مورد استقبال بیش از این قرار گیرد. در جهان تشیع تفسیری به این گستردگی مسبوق به سابقه نبوده است و با این حال طبق نیازها و مقتضای امروز، جامعه نیازمند موارد دیگری مانند تفسیر نمونه است.

مضمون را در قالب مثال بیان می‌کند تا فهم آن برای همگان راحت شود. در هر صورت مباحث گفته شده در تفسیر المیزان در موضوعات فلسفی، فقهی، عرفانی و روایی طبیعتی را دارد که برای افرادی که با این موضوعات آشنا نیستند، قابل درک نیست.

مشاور فرهنگی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با بیان این مطلب

که تفسیر نمونه تفسیری ساده و روان

است که برای جوانان و دانشجویان و

حتی برای افراد غیرمطلع با تفسیر، بسیار مفید

و قابل استفاده است، تبیین کرد: چهار پنجم

مطالب هر جلد این تفسیر، به راحتی

برای خوانندگان در سطح متوسط، قابل

فهم است؛ بنابراین هیچ یک از این دو

تفسیر جای یکدیگر را به تنهایی پر

نمی‌کند و هر دو، مخاطبان خاص خود را

دارند و نشانه این امر این است که هر دو

تفسیر نمونه و المیزان، بارها تجدید چاپ

شدند.

خیرخواه درباره جمعی بودن تفسیر نمونه اذعان کرد:

جمعی نوشتن، امری پسندیده و مقبول است که باعث افزایش

علمیت کتاب می‌شود. ایشان در جلسات تحریریه مکتب اسلام

می‌گفت که فکر باید بجوشد. دوستان و همکاران ایشان به خاطر پرکاری

و فعالیت‌های شبانه‌روزی معظم‌له نگران بودند و از ایشان می‌خواستند

که استراحت کنند.

وی اضافه کرد: استاد مکارم شیرازی علی‌رغم این جوشش

فکری و فعالیت علمی زیاد، به کار گروهی بسیار معتقد است و از

این امکان بسیار بهینه استفاده می‌کند. وی در جلسات درسی که

قبل از انقلاب در قم داشت، تنظیم مطالب مطرح شده در آن

کلاس‌ها را به عهده محققان و طلابی قرار داد که در نویسندگی،

فعال بودند. این مرجع عالیقدر به این نکته قائل است که کنار هم

قرار گرفتن افکار باعث افزایش بازدهی علمی خواهد شد. وی

علاوه بر تدوین و پژوهش‌های جمعی محققان و پژوهشگران،

هیچ‌گاه این عرصه‌ها را منحصر و در اختیار خود نمی‌پندارد و

همواره از افراد شایسته بهره می‌برد.

وی ضمن یادآوری مدیریت برجسته نشریه «مکتب اسلام»

توسط استاد مکارم شیرازی خاطرنشان کرد: آیت‌الله مکارم

شیرازی سالیان زیادی نشریه مکتب اسلام را مدیریت کرد و هر

چند که می‌توانست به تنهایی این وظیفه را ادامه دهد، ولی باز

هم این پیشنهاد را داد که بنیة هیئت علمی نشریه را تقویت کند.

به خاطر تغییر در نسل اول نویسندگان مکتب اسلام، این بیم

بود که نشریه با تعطیلی و توقف مواجه شود، اما ایشان با نوآوری

در مدیریت نشریه و استفاده از نویسندگان جوان، سبب شد تا در

غنا و کیفیت علمی مقالات خللی وارد نشود.

جلسه و ارزیابی سطح علمی من، اجازه شرکت در این جلسات را صادر فرمودند.

این محقق قرآنی اشاره کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی طرح

جلسات پرسش و پاسخ و نقد علمی را در سال ۱۳۳۸ در مدرسه

علمیه حجتیه پایه‌گذاری کردند و حاصل این مباحث هفتگی،

کتاب‌های «آفریدگار جهان»، «پیامبری بزرگ و مسئولیت‌هایی

بزرگتر» و «بحثی درباره قرآن» نوشته شد و بسیاری از دانشجویان و

افرادی که فکر و ذهن علمی داشتند، به این

نوشته‌ها علاقه‌مند شدند و این کتب بارها

تجدید چاپ شدند.

مشاور فرهنگی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

ضمن بیان تاثیر آیت‌الله مکارم شیرازی بر طلاب،

یادآور شد: آیت‌الله مکارم شیرازی به نظر من یک

نهضت علمی به روزی را ایجاد کرد که با تلاش‌ها و

مجاهدات خود، قلم به دست طلاب دادند. ایشان

بانشریات و مقالات اسلامی، به طلاب جوان برای

نویسندگی و پژوهش، انگیزه دادند.

وی تصریح کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی با

هنر خود، این ابداع را برای اولین بار در حوزه علمیه قم انجام

دادند و جلوتر از سایر بزرگان، ایشان پرچم این نهضت را

برافراشتند. البته نهضت علمی احیای معارف شیعی و مبارزه با

مکاتب فکری انحرافی را مرحوم علامه طباطبایی پایه‌گذاری

کردند که حتی می‌توان گفت که درخشش بسیاری از آثار

روحانیون و پژوهشگران فعلی، به خاطر وجود همین زحمات

علامه طباطبایی است.

خیرخواه عنوان کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی تفسیر نمونه را در

زمانی تدوین کرد که تفسیر «المیزان» به زبان عربی نوشته شده بود.

وی در مقام برشمردن علل نگارش این تفسیر اظهار کرد: علل و

انگیزه آیت‌الله مکارم شیرازی را در نگارش این تفسیر، می‌توان از دو

رویکرد بررسی کرد؛ رویکرد اول این است که قرآن دریایی بی‌انتهای

بطن در بطن است و هر قدر در آن پژوهش شود، باز حاوی نکات جدید

است. از این منظر این ظرفیت همیشه وجود دارد که مفسران با

نگارش تفاسیر و مطالب جدید به نکات جدیدی برسند.

این پژوهشگر افزود: رویکرد دوم در نگارش تفسیر نمونه این است

که تفسیر المیزان برای عموم مردم نگارش نشده است، حتی

ترجمه آن هم در برخی از موارد گویا نیست. طبع و موضوع مطالب

ارائه شده این است که باید به زبان علمی بیان شود و ممکن نیست

که این مفاهیم دشوار فلسفی و عرفانی را آنچنان توضیح داد که

برای همگان قابل فهم باشد.

این نویسنده تصریح کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی بر این اعتقاد

است که حتی مفاهیم دشوار علمی را هم می‌توان به زبان ساده و

روان بیان کرد.

ایشان در مواردی که مطلب علمی دشواری مطرح می‌شود،



آیت‌الله‌العظمی مکرم شمسیر اذدی از دیدگاه علماء کارشناسان



نایب رئیس جامعه مدرسین: تفسیر آیت الله مکارم شیرازی از قرآن کریم با زندگی مردم عجین شده است

تفسیر آیت الله مکارم شیرازی از قرآن کریم، با زندگی مردم عجین شده است و به نحوی شایسته، نیاز امروز افراد بشر را در ابعاد مختلف پاسخگو است.



حجت الاسلام والمسلمین سیدهاشم حسینی بوشهری، نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با اشاره به نقش تاثیرگذار و تعالی بخش آیت الله مکارم شیرازی در تبیین و تفسیر آیات قرآن کریم، به تشریح ابعاد گسترده تلاش های وی در بسط فرهنگ اسلام حقیقی در سطح جهان اسلام پرداخت.

وی اظهار کرد: آیت الله مکارم شیرازی از چهره های شاخص حوزه علمیه قم هستند که علاوه بر جایگاه مرجعیت، شخصیتی است که سالیان متمادی علمای حوزه علمیه و نیز مردم مؤمن و متعهد کشور با تلاش های ارزنده ایشان آشنا هستند.

حجت الاسلام حسینی بوشهری با اشاره به ابتکارات ارزنده آیت الله مکارم شیرازی در تفهیم مفاهیم بلند نهج البلاغه اظهار کرد: ایشان نوآوری ویژه ای را در زمینه تفسیر قرآن کریم ارائه کردند و به نحوی که الان تفسیر ایشان نه تنها در میان محافل علمی شیعه بلکه در میان مجامع علمی و اعتقادی اهل سنت نیز مطرح و بارز است.

عضو شورایی عالی حوزه علمیه قم با اشاره به اینکه علمای اهل سنت تفاسیر خاص خود را از قرآن کریم دارند، تصریح کرد: در میان اهل سنت، به خوبی می توان تاثیرات عمیق تفسیر آیت الله مکارم شیرازی از قرآن کریم را مشاهده کرد.

وی گفت: ترجمه و تفسیر آیت الله مکارم شیرازی در کشورهای هندوستان و پاکستان که اهل سنت آنجا حضور بیشتری دارند نیز بسیار تاثیرگذار است و مورد استقبال قرار گرفته است.

حجت الاسلام حسینی بوشهری ادامه داد: تفسیر آیت الله مکارم شیرازی از قرآن کریم، با زندگی مردم عجین شده است و به نحوی شایسته، نیاز امروز افراد بشر را در ابعاد مختلف پاسخگو است.

نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به عمر پربار این مرجع عالیقدر، به تبیین ابعاد مختلف تلاش های علمی وی پرداخت و گفت: ایشان از لحظه لحظه عمر خود برای در جهت تهییج و تدوین تالیفات گرانبار در تبیین جایگاه رفیع شیعه و احیاء ارزش های الهی بهره جست و از خود تالیفات بسیاری را در ابواب مختلف علمی و فقهی و عقیدتی برجای گذاشت.

وی تصریح کرد: این مرجع بزرگوار همراه با شرایط انقلاب پیش رفتند و لحظه ای مردم انقلابی ایران را در مسیر پرتلاطم انقلاب، جنگ، تحریم و تهاجمات فرهنگی تنها نگذاشته و با قلم و قدم خود، راهگشای مسیری بودند که امام خمینی (ره) فراروی ما نهاد و مقام معظم رهبری امروز در این مسیر استوار گام برمی دارند.

نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به بخشی از سوابق انقلابی آیت الله مکارم شیرازی در ایام طاغوت، به معرفی اسناد موجود در ساواک در مورد وی پرداخت و گفت: ایشان به خاطر مخالفت با دستگاه طاغوت، تبعید شدند و از نزدیک با مردم محروم کشور در ارتباط بودند.

وی در پایان با اشاره به اینکه آیت الله مکارم شیرازی از نزدیک با واقعیت های جامعه در ارتباط است و به نحوی شایسته پاسخگوی سؤالات مستحدثه است، گفت: آثار و تالیفات این مرجع عالیقدر در راستای گرایش نسل جوان به ارزش های نهفته در بطن قرآن کریم است.



انتخاب شده بود.

این کارشناس مسائل فرهنگی اظهار کرد: ایشان با زیرکی خاصی به مسائل نگاه می‌کنند که در این ارتباط می‌توان به دیدگاه‌های این مرجع تقلید درباره حج اشاره کرد و باید گفت مطالبی که ایشان در این ارتباط بیان کرده‌اند، زمینه تحول را در برخی مسائل در حج فراهم می‌کند.

امام جمعه موقت شهرری در بخش دیگری از این گفت‌وگو به نقش

مؤثر آیت‌الله مکارم شیرازی در برهه‌های

مختلف انقلاب اسلامی چه سال‌های قبل از

پیروزی انقلاب و دوران مبارزه و چه سال‌های پس از آن

اشاره کرد و گفت: ایشان در همان سال‌های

آغازین فعالیت‌های مبارزاتی خود علیه رژیم

طاغوت، همواره یاور امام (ره) بودند و نظرات و

دیدگاه‌های ایشان را می‌پذیرفتند.

رئیس سابق کمیسیون فرهنگی مجلس

یادآور شد: ایشان شاید همانند برخی‌ها تندرو نبودند ولی همواره در

تلاش برای برجسته‌کردن دیدگاه‌ها و مبانی فکری بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی بودند.

حجت‌الاسلام اختری در پایان خاطرنشان کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی در سال‌های بعد از انقلاب نیز همواره حامی و پشتیبان نظام بوده و هستند و رابطه بسیار خوبی نیز با مقام معظم رهبری دارند.

حجت‌الاسلام اختری:

دیدگاه‌های آیت‌الله مکارم

درباره حج زمینه تحول

در این کنگره عظیم را

فراهم می‌کند

امام جمعه موقت شهرری با اشاره به دیدگاه‌های آیت‌الله مکارم شیرازی درباره حج، تصریح کرد: این دیدگاه‌ها زمینه تحول در این کنگره عظیم را فراهم می‌کند.



حجت‌الاسلام والمسلمین عباسعلی اختری، امام جمعه موقت شهرری و رئیس سابق کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، درباره نقش حضرت آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی در مهجوریت‌زدایی از قرآن در جامعه در طول سال‌های حیات خود، گفت: ایشان از ابتدای فعالیت‌های خود توجه خاصی به جایگاه قرآن در جامعه و نیز تفسیر قرآن داشتند.

وی با اشاره به اهتمام آیت‌الله مکارم در تدوین تفسیر «نمونه» با همکاری تنی چند از دوستان و شاگردان خود افزود: ایشان همچنین مجموعه‌ای ۵ جلدی که خلاصه‌ای از تفسیر نمونه بود را نیز تدوین کردند و در ادامه قرآنی را تحت عنوان «قرآن حکیم» چاپ کردند که در کنار آیات آن تفسیر مختصری نیز نوشته شده است که کار بسیار ارزشمند و بزرگی است.

ایشان مجموعه‌ای ۵ جلدی که خلاصه‌ای از تفسیر نمونه بود را نیز تدوین کردند و در ادامه قرآنی را تحت عنوان «قرآن حکیم» چاپ کردند که در کنار آیات آن تفسیر مختصری نیز نوشته شده است

نماینده سابق مردم تهران در مجلس شورای اسلامی خوش‌فکری را یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی این مرجع تقلید عنوان کرد و ادامه داد: ایشان با خوش‌فکری، جامع‌نگری و

ظرافت خاص خود به مسائل نگاه می‌کنند و همواره تمام ابعاد مسائل مطرح‌شده اعم از فردی و اجتماعی آن را مدنظر قرار می‌دهند.

اختری تأکید کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی از همان ابتدای تدریس خود در حوزه علمیه، مطالعات به‌روزی داشته و دارند و با مکاتب آن زمان آشنا بودند و با دیدگاه‌های خود این مکاتب غربی را نقد کرده و به چالش می‌کشیدند و کتابی هم تحت عنوان «فیلسوف‌نماها» در همین ارتباط دارند که در همان سال‌های پیروزی انقلاب به عنوان کتاب سال نیز



حجت الاسلام مهدی مکارم شیرازی :

نهضتی که تفسیر نمونه به راه انداخت باعث انتشار آثار تفسیری متعددی شد

قرآن و حکومت اسلامی به پایان می‌رسد و دوره دوم با عنوان اخلاق در قرآن در سه مجلد کامل شد.

این محقق حوزوی به سایر آثار تفسیری این مرجع تقلید پرداخت و افزود: بعدها تفاسیر موضوعی ایشان تحت عناوین دیگری از جمله امثال القرآن (مثال‌های زیبای قرآن) در دو جلد «آیات ولایت در قرآن» در یک جلد، و «عباد الرحمن» (والاترین بندگان در قرآن) در یک جلد به رشته تحریر درآمد.

حجت الاسلام مکارم به تفسیر نهج البلاغه ایشان اشاره و خاطر نشان کرد: تفسیر نهج البلاغه نیز با عنوان پیام امام امیرالمومنین (ع) فعلاً تا پایان خطبه‌ها در هشت مجلد چاپ و منتشر شده است و جلد نهم در شرف چاپ است و پیش‌بینی می‌شود حداکثر به ۱۴ مجلد برسد و کارهای علمی دیگری نیز در زمینه مهجوریت‌زدایی از چهره قرآن توسط حضرت آیت‌الله مکارم و گروه مولف تفسیر نمونه انجام گرفته است.

وی ایشان را الگوی همگان در جهت کمک به خلق دانست و افزود: ایشان در کمک به خلق خدا بسیار حساس هستند و حتی هرگاه هر کدام از شاگردان، مقلدان و مراجعین از ایشان تقاضای نصیحتی می‌کنند، مهمترین نصیحت ایشان به همه، کمک به خلق خداست و خودشان نیز در گره‌گشایی از کار مردم و همچنین رساندن صدای مردم به مسولان بسیار دقیق هستند.

وی به نقش معظم‌له در ایجاد، حفظ و تداوم انقلاب اشاره کرد و گفت: در خصوص نقش ایشان در دفاع از انقلاب و ولایت فقیه می‌توان به زندگی‌نامه ایشان و همچنین مباحث مربوط به ولایت فقیه در کتاب انوار الفقاهه معظم‌له مراجعه کرد، قطعاً نقش بی‌بدیل ایشان در پیش از انقلاب تنویر افکار عمومی ملت مسلمان ایران چه قبل و چه بعد از تبعید و همچنین پس از پیروزی انقلاب و نقش آفرینی در خبرگان قانون اساسی و ... بر کسی پوشیده نیست. تا به امروز نیز ملاقات‌های متعدد ایشان با مقام معظم رهبری ادامه دارد و مطالب مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وی خاطر نشان کرد: زندگی پربرکت حضرت آیت‌الله مثمر ثمرات فراوان بوده و تألیفات پر فایده ایشان که به حدود یکصد و پنجاه اثر می‌رسد در اقصی نقاط جهان منتشر و به زبان‌های متعدد ترجمه شده و موارد بسیاری از هدایت یافتگان، تأثیرات این قلم توانا را در کشورهای خود به اطلاع ما رسانده‌اند. بعضی از کتب استاد بیش از چهل بار تجدید چاپ شده و بعضاً به عنوان کتب درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فرزند ایشان در پایان بیان کرد: در کنار این قلم توانا، بیان شیوای استاد چه در زمینه‌های علمی، مذهبی و حتی تنویر افکار عمومی (که در دوران انقلاب به اوج خود رسید) نیز نیاز به شکر فراوان دارد و مجلس دو هزار نفری درس فقه ایشان در مسجد اعظم قم گواه این موضوع خواهد بود.

فرزند آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی به تاثیر تفسیر نمونه در تفسیرنویسی مفسران اشاره کرد و گفت: الحمدلله نهضتی که تفسیر نمونه براه انداخت باعث شد که آثار تفسیری متعددی بعد از آن به زبان فارسی و جهت استفاده عموم مردم منتشر شود.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی مکارم شیرازی فرزند آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران به تبیین ابعاد شخصیتی و علمی ایشان پرداخت.

وی تصریح کرد: کتاب مفصلی در مورد زندگانی و سلوک ایشان چاپ شده است ولی به طور اجمال باید عرض کنم که از ویژگی‌های مهم شخصیتی ایشان یکی تقوای فوق‌العاده‌شان و دیگری نظم کم‌نظیر ایشان در کارها است.

فرزند آیت‌الله مکارم به نظم این مرجع تقلید اشاره و عنوان کرد: در باب نظم ایشان که زبازد عام و خاص در حوزه و خارج از آن است اغراق نخواهد بود اگر ادعا کنم که حتی می‌توان ساعت خود را با برنامه‌های ایشان تنظیم و دقیق کرد رأس ساعت مقرر از خواب بیدار می‌شوند، نرمش صبحگاهی و صبحانه، استماع اخبار و سپس خروج از منزل به جهت جلسات صبحگاهی تفسیر همه زمانبندی دقیق خود را دارند. وی در ادامه بیان کرد: تدریس، ملاقات‌ها، مراجعت به منزل، زمان عبادت، نهار و حتی خواب بعد از ظهر رأس زمان مقرر خود بدون هیچ تأخیری انجام می‌پذیرد و من فکر می‌کنم یکی از رموز موفقیت حضرت آیت‌الله همین نظم فوق‌العاده ایشان بوده است.

حجت الاسلام مهدی مکارم شیرازی به ویژگی‌های تفسیر نمونه اشاره و تصریح کرد: این تفسیر در طول پانزده سال نگارش یافته و در ۲۸ مجلد و با متنی شیوا، روان، عامه‌فهم و هم‌خاصه‌پسند و بدون نیاز به پیش زمینه‌های علمی مهم، با تلاشی طاقت‌فرسا و توسط گروهی از اساتید مجرب و مشهور حوزه زیر نظر مستقیم حضرت آیت‌الله مکارم تدوین شده است.

فرزند این مرجع تقلید در ادامه افزود: تفسیر نمونه اولین اثر شیوای تفسیری به زبان فارسی است که جهت عموم مردم نگاشته شده و در عین حال دارای غنای علمی بالایی است که این امر مرهون یک کار گروهی منسجم و علمی، و رهبری عالمانه ایشان بوده است.

وی به تاثیر تفسیر نمونه در تفسیرنویسی مفسران اشاره کرد و گفت: الحمدلله نهضتی که تفسیر نمونه به راه انداخت باعث شد که آثار تفسیری متعددی بعد از آن به زبان فارسی و جهت استفاده عموم مردم منتشر شود و حتی منشأ اثرات متعددی برای گروه مولفین تفسیر نمونه نیز شود و آثار دیگری به دنبال آن به رشته تحریر درآمد که از جمله به تفسیر موضوعی قرآن با نام پیام قرآن می‌توان اشاره کرد که جلد اول آن با عنوان معرفت شناخت در قرآن شروع می‌شود و جلد دهم با عنوان

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی:

جهان شمولی تفسیر نمونه آیت الله مکارم
ناشی از فرامذهبی بودن آن است

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی جهان شمولی تفسیر نمونه آیت الله العظمی مکارم شیرازی را به دلیل فرامذهبی بودن آن دانست و تصریح کرد: این تفسیر کم تر جنبه فرقه‌گرایی دارد.



حجت الاسلام و المسلمین

«عبدالکریم بی‌آزار شیرازی» رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی، با بیان این‌که بارزترین ویژگی شخصیتی آیت الله العظمی مکارم شیرازی موضوع‌شناسی وی در

مسائل فقهی و اجتماعی است، گفت: به اصطلاح فقها، فقه‌الواقعیات ایشان در سطح بسیار بالایی است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با بیان این‌که ابتکار آیت الله مکارم شیرازی در تدوین تفسیر نمونه، قرآن را از مهجوریت خارج کرد، یادآور شد: در گذشته، امام مهم‌ترین نقدی که به برخی از حوزویان داشتند، کم‌اهمیتی به تفسیر قرآن در مقابل توجه به فقه و اصول از جانب آنان بود و امام می‌فرمودند که «وقتی شما به قرآن اهمیت نمی‌دهید، از مردم چه انتظاری دارید».

وی افزود: در آن زمان مردم به میزانی که به جلسات فقها اهمیت می‌دادند در جلسات مفسران قرآن شرکت نمی‌کردند و تنها فقیه‌هایی که در این راه قدم برداشت آیت الله مکارم بود که در ابتدا با قراردادن تفسیر المیزان علامه طباطبائی به عنوان سرمشقی، آن را ترجمه کرد و دیگر فقها هم به یاری وی شتافتند و به نوعی این اولین گام در مهجوریت‌زدایی از قرآن بوده است.

حجت الاسلام بی‌آزار شیرازی با بیان این‌که دومین حرکت آیت الله مکارم در مهجوریت‌زدایی از قرآن تفسیر نمونه ایشان است، افزود: وی با جمعی از شاگردان خود تفسیری تهیه کرد که در جهان اسلام به زبان‌های مختلف ترجمه شده و برای همه جوامع قابل استفاده است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی تأکید کرد: مهم‌ترین و بارزترین ویژگی تفسیر آیت الله مکارم این است که این تفسیر کم تر جنبه فرقه‌گرایی دارد و تفسیری فرامذهبی است.

وی با اشاره به شخصیت مبارزاتی آیت الله مکارم شیرازی در دوران انقلاب و بعد از آن افزود: در دوران انقلاب من به شخصه شاهد زندانی شدن‌ها و تبعیدهای وی بوده‌ام و این نشئت‌گرفته از شخصیت مبارزاتی او است.

حجت الاسلام فاکر میدی:

تفسیر نویسی آیت الله
مکارم شیرازی
بزرگترین خدمت به
قرآن است

پاسخ‌گویی به نیاز زمان، جامعیت بین عمق و روانی، جامع اخلاق، معارف و مباحث از ممتازترین ویژگی‌های تفسیر نمونه آیت الله مکارم است و تفسیر نویسی ایشان بزرگترین خدمت به قرآن است.

حجت الاسلام والمسلمین محمد فاکر میدی، مسئول

گروه تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، مهمترین ویژگی‌های آیت الله مکارم شیرازی را در فکر و بینش، علم و دانش، عمل و کوشش، جذب اخلاقی و کشش و دارا بودن شیوه و روش درست دانست.

وی این مرجع تقلید را از لحاظ فکری، انسانی جامع‌نگر خواند و افزود: جامع‌نگری و زمان‌شناسی، خصلت همیشگی ایشان هست و از ابتدا در هر زمان به تناسب نیاز، تصمیم علمی و عملی درست می‌گرفتند.

حجت الاسلام فاکر میدی به علم و دانش ایشان اشاره کرد و گفت: آیت الله مکارم جامع بین فقه، اصول حدیث، اخلاق، کلام، معارف، تفسیر و قرآن هستند و در مجموع از چند جهت جامعیت خاص دارند.

وی در ادامه تصریح کرد: ایشان موقع بیان و گفتار حق مطلب را ادا می‌کنند و در هنگام نوشتن نیز مطلب را به کمال به مخاطب می‌رسانند.

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی به آثار قلمی این مرجع تقلید اشاره کرد و افزود: در نوشته‌های ایشان جامعیت بین دقت و ژرف‌نگری دیده می‌شود و در عین عمیق بودن از روش ساده برخوردار است و می‌توان گفت، آیت الله مکارم نویسنده‌ای ساده‌نویس و عمیق است.

وی گفت: ایشان در حوزه کوشش و عمل تلاش‌های زیادی در نشر احکام اسلام داشته‌اند، بارزترین آن تصمیم به



احداث ۱۴ مدرسه دینی در کشور به نام ۱۴ معصوم بوده که تاکنون هفت مدرسه تاسیس شده است. همچنین بنیان‌گذاری مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن در حوزه علمیه که ۲۰۰ طلبه در سطوح مختلف تحصیلی در حال تحقیق هستند و تاسیس رشته شیعه‌شناسی کوشش ایشان را نشان می‌دهد.

عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی به بعد اخلاقی این مرجع تقلید اشاره کرد و افزود: در حوزه علمیه الگوی نظم و اسوه موفقیت هستند، در رفتار در اوج وقار و در تواضع الگویی برجسته هستند و در عمل قاطع‌اند در عین اینکه زینت کلام و رفتار دارند.

مسئول گروه تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم به آثار علمی آیت‌الله مکارم اشاره و خاطر نشان کرد: در اخلاق علمی، تفسیر موضوعی اخلاق و قرآن را نوشته‌اند و در تفسیر قرآن، تفسیر موضوعی پیام قرآن را تالیف کرده‌اند.

وی ادامه داد: تفسیر نمونه که برای اولین بار در حوزه شیعی با ۲۷ مجلد نگارش یافت یک کار کارشناسی جمعی بود که یک خرد جمعی در تالیف آن دخالت داشته است.

حجت‌الاسلام فاکر میبیدی در خصوص نوشتن تفسیر نمونه اظهار کرد: قبل از انقلاب عده‌ای از

نقش آیت‌الله مکارم در آشنا کردن مردم، قشر فرهنگی و حوزویان با قرآن بی‌بدیل است در زمانی که قشر فرهنگی ما آشنایی کمی با قرآن داشتند و طلاب نیز استدلالشان از قرآن غنی نبود. ایشان با تالیف این تفسیر جامعه و حوزه را به تلاش بیشتر در تعلیم و تحقیق قرآنی واداشتند.

فرهنگیان و دانشجویان در دیدار با ایشان خواستار تالیف تفسیری شدند که به فارسی نوشته شده باشد و به شبهات روز پاسخ دهد که تفسیر نمونه دارای این مزایا است.

وی به ویژگی‌های تفسیر نمونه پرداخت و گفت: پاسخ‌گویی به نیاز زمان، جامعیت عمق و روانی، جامع اخلاق، معارف و مباحث از ممتازترین ویژگی‌های این تفسیر است و تفسیر نویسی ایشان بزرگترین خدمت به قرآن است.

حجت‌الاسلام فاکر میبیدی، تفسیر نویسی آیت‌الله مکارم را بزرگترین خدمت به قرآن دانست و افزود: در میان بزرگان حوزه علمیه ایشان از پیشگامان ترویج مباحث قرآنی هستند و حوزه علمیه باید از این اسوه فقاہت استفاده درست را برد.

برخلاف بسیاری از مفسرین که اختلاف

نظر در تفسیر آیات قرآن دارند، آیت‌الله مکارم شیرازی سعی کرده تا جایی که بعد علمی اجازه می‌دهد، بین دیدگاه‌های

مختلف تفسیری یک جمع‌نگری انجام دهد تا خواننده تفسیر نمونه را بهتر درک کند

این قرآن‌پزوه به یکی دیگر از مزایای تفسیر نمونه اشاره کرد و افزود: برخلاف بسیاری از مفسرین که اختلاف نظر در تفسیر آیات قرآن دارند، آیت‌الله مکارم شیرازی سعی کرده تا جایی که بعد علمی اجازه می‌دهد، بین دیدگاه‌های مختلف تفسیری یک جمع‌نگری انجام دهد تا خواننده تفسیر نمونه را بهتر درک کند.

وی خاطر نشان کرد: هنگامی که پیشنهاد رشته تفسیر در حوزه مطرح شد ایشان این مسئولیت را پذیرفت و در این کار موفق بوده است.

این محقق قرآنی در ادامه گفت: در میان بزرگان حوزه ایشان از پیشگامان ترویج مباحث قرآن در حوزه هستند و نقش مهمی را ایفا کرده‌اند.

وی در پایان گفت: تبعید ایشان در دوران شاه در شهرهای مختلف، به همراه آیت‌الله پسندیده مبارزات ایشان را در جهت استقرار نظام اسلامی نشان می‌دهد.

حجت‌الاسلام والمسلمین بی‌آزار شیرازی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی، در پایان این گفت‌وگو، اصلی‌ترین مبارزه آیت‌الله مکارم را در توسعه فرهنگی جامعه دانست و گفت: حوزه علمیه قم تحت هدایت و رهبری وی نقش مؤثری در تربیت علمای ولایتی داشته است.

حجت‌الاسلام فاکر میبیدی در ادامه افزود: سایر ویژگی‌های تفسیر نمونه مانند ترجمه به ۱۰ زبان و جایگاه آن در خانه‌های مومنین بعد از قرآن و نهج‌البلاغه این تفسیر را ماندگار کرده است. وی در ادامه افزود: شرح نهج‌البلاغه ایشان در ۱۰ جلد نگاشته شده است که در نوع خود کم‌نظیر است و در حوزه مباحث معارف اسلامی ۵۰ جلد کتاب تالیف کرده‌اند.

مسئول گروه تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم به منزلت شاگردان ایشان پرداخت و افزود: ایشان در تربیت علمی شاگردان خود اهتمام خاصی دارند و شاگردان ایشان در سراسر کشور از بهترین مدرسان و محققان



عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی: تفسیر نمونه آیت الله مکارم علاوه بر دانشمندان، برای عموم مردم نیز قابل استفاده است

انقلاب پیوسته حضور فعال داشته و دارند، ابراز کرد: پس از بازگشایی دانشگاه‌ها اینجانب از حضور ایشان تقاضا کردم کتابی برای درس معارف اسلامی بنویسند و ایشان با همان پشتکار و صلاحیت در کار، مسئولیت تدوین آن را پذیرفتند و با چند تن دیگر از اعظام حوزه، بخش اعظم کتاب معارف را تدوین کردند و اکنون بی آنکه حتی توقع آوردن نامی از آن اعظام در میان باشد، کتاب در تیراژی بسیار گسترده مورد استفاده دانشجویان است.

این نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به فعالیت‌های گسترده آیت الله مکارم شیرازی در مهجوریت‌زدایی از قرآن در جامعه و حوزه‌های علمیه، تأکید کرد: تفسیر نمونه‌ای که زیر نظر ایشان در ۲۶ جلد تدوین شده، واقعا خدمت کم‌نظیری در زبان فارسی به قرآن کریم است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان اینکه تفسیر نمونه هم برای دانشمندان و هم مردم عادی قابل استفاده است، ابراز کرد: این مجموعه نفیس نه تنها در داخل کشور بلکه در کشورهای مانند افغانستان که فارسی‌زبانان در سطح بسیار گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند و اهل سنت این کشور نیز تفسیر نمونه را با آغوش باز پذیرفته‌اند و حتی یکجا پانصد دوره آن را تقاضا کرده‌اند که ارسال شده است. البته این تفسیر به زبان عربی هم ترجمه شده و به فارسی هم ترجمه‌ای بر پایه این تفسیر منتشر شده که بسیار روان و رسا است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان اینکه تفسیر نمونه هم برای دانشمندان و هم مردم عادی قابل استفاده است، ابراز کرد: این مجموعه نفیس نه تنها در داخل کشور بلکه در کشورهای مانند افغانستان که فارسی‌زبانان در سطح بسیار گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.



حجت‌الاسلام والمسلمین احمد احمدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، با بیان اینکه دلسوزی و دغدغه‌دینداری مهم‌ترین ویژگی شخصیتی آیت الله العظمی مکارم شیرازی است، گفت: ایشان در طول عمر پربرکت خویش هرگاه برای خدمت به اسلام احساس نیاز شده، بی پروا به خدمت پرداخته‌اند.

وی افزود: این مرجع تقلید با قلم و بیان هیچ‌گاه از خدمت به اسلام کم‌نگذاشت و در همان حالی که درس خارج و سطح می‌گفتند، مجله «مکتب اسلام» و مجله «نجات نسل جوان» را اداره می‌کردند و در آنها مقالات سودمند و سازنده‌ای می‌نوشتند.

رئیس سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) یادآور شد: هم‌اکنون هم می‌بینیم که این فقیه عالی مقام با داشتن انبوهی شاگرد درس خارج و مقلد، در شب‌های ماه رمضان در برنامه‌ای کوتاه، مردم را واقعا هدایت می‌کنند.

احمدی با بیان اینکه آیت الله مکارم شیرازی در صحنه‌های مختلف



رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن: تفسیر نمونه آیت الله مکارم بعد هدایتی و جاودانگی قرآن را به اثبات رسانده است

تفسیر نمونه آیت الله العظمی مکارم شیرازی بعد هدایتی و جاودانگی قرآن و این که قرآن، کتاب هدایت و شفا برای همه اعصار و امصار و نسل‌ها است را اثبات می‌کند.



حجت الاسلام والمسلمین «محمد صادق یوسفی مقدم» رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن، آیت الله مکارم شیرازی را فقیه و مفسری برجسته در جهان اسلام دانست.

وی به تبیین نقش تألیفات قرآنی و تفسیری به ویژه تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی در بالا بردن سطح تمسک به قرآن در جامعه اسلامی پرداخت و گفت: این مرجع تقلید از معدود افراد در تاریخ علمای شیعه است که توانسته قلم و بیان، تدریس، تبلیغ، تحقیق و تألیف در علوم اسلامی را جمع کند.

این پژوهشگر قرآنی در ادامه افزود: همه این‌ها پشتکار، استعداد سرشار و از همه مهم‌تر توفیق الهی را می‌طلبد که معظم‌له از همه این خصوصیات بهره‌مند هستند.

وی گسترش آثار آیت الله مکارم را در جامعه نشانه عمق کار وی دانست و تصریح کرد: آثار قرآنی استاد به ویژه تفسیر نمونه که حاصل تلاش مستمر پانزده سال و با همکاری جمعی از فضلاء حوزه علمیه بوده با استقبال بی‌نظیری از سوی تمام اقشار مواجه شده تا آنجا که بعضی از مجلدات آن تاکنون چهل بار تجدید چاپ شده و به زبان‌های عربی، اردو، انگلیسی و ترکی ترجمه شده است.

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن درباره نفوذ تفسیر نمونه در محافل علمی و غیرعلمی و نقش آن در تمسک به قرآن، به سخنی از آیت الله مکارم اشاره کرد و افزود: معظم‌له خود در این زمینه می‌گوید:

«یکی از برادران برایم نقل می‌کرد که پروفیسوری که استاد دانشگاه کانادا بود و معارف اسلامی را در آنجا تدریس می‌کرد، می‌گفت: منبع اصلی من در تدریس معارف اسلامی در دانشگاه همین تفسیر نمونه بود.» و در خاطره‌ای دیگر می‌فرماید: «یکی از علمای اهل سنت پاکستان می‌گفت: من کتاب‌های علمای شیعه را مطالعه نکرده بودم، جلد اول تفسیر نمونه به زبان اردو به دستم افتاد و مطالعه کردم و بر من ثابت شد که علوم اسلام نزد شیعه‌هاست.»

وی به نقش این تفسیر در گسترش معارف اسلامی پرداخت و یادآور شد: می‌توان گفت که تفسیر نمونه همانند تفسیر المیزان گام مهمی را در نشر معارف اسلام برداشته و در عین حال که گلچینی از میراث عظیم تفاسیر پیشینیان است، نکات و نوآوری‌های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی زیادی را عرضه و انصافاً بسیاری از خلأها را در عصر حاضر پر کرده است.

این محقق قرآنی در ادامه افزود: تفسیر نمونه بعد هدایتی و جاودانگی قرآن و این که قرآن، کتاب هدایت و شفا برای همه اعصار و امصار و نسل‌ها است، را به اثبات رسانده است.

وی به نقش مهم این تفسیر در بیرون آوردن قرآن از مهجوریت اشاره و تصریح کرد: در یک جمله می‌توان گفت که تفسیر نمونه با توجه به چاپ‌ها و ترجمه‌های گوناگونی که تا به حال از این اثر شده و جایگاهی



آثار قرآنی استاد به ویژه تفسیر نمونه که حاصل تلاش مستمر پانزده سال و با همکاری جمعی از فضلاء حوزه علمیه بوده با استقبال بی‌نظیری از سوی تمام اقشار مواجه شده تا آنجا که بعضی از مجلدات آن تاکنون چهل بار تجدید چاپ شده و به زبان‌های عربی، اردو، انگلیسی و ترکی ترجمه شده است





معانی قرآن مؤثر هستند شده است. وی به دیگر آثار قرآنی آیت الله مکارم شیرازی اشاره کرد و افزود: ایشان به حق یکی از شخصیت‌های علمی جهان تشیع، بلکه جهان اسلام است که آثار علمی زیادی را به جهان علم و تحقیق ارائه داده‌اند. از ایشان تاکنون ۱۳۲ جلد کتاب در هفتاد عنوان به چاپ رسیده است که بعضی به بیش از ۱۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است.

این محقق قرآنی در ادامه یادآور شد: پیام قرآن نیز از دیگر تألیف‌های این مرجع تقلید است که در ۱۰ جلد تدوین شده و سبک تازه‌ای در زمینه تفسیر موضوعی و یک دوره کامل معارف و عقاید اسلامی است که به صورت کتاب درسی و یا کمک درسی در بعضی از دانشگاه‌ها در آمده و به زبان عربی در نفعات القرآن، چاپ شده است.

وی در پایان به سایر کتاب‌های قرآنی این مرجع تقلید اشاره کرد و گفت: اخلاق در قرآن در سه جلد، یک دوره کامل اخلاق اسلامی اعم از مبانی و فروع آن به زبان ساده و روان است و مثال‌های زیبای قرآن، تفسیر به رأی، قرآن و حدیث، قرآن و آخرین پیامبر، آیات ولات و ترجمه دو جلد از تفسیر المیزان از دیگر آثار ایشان است.

وی در پایان با اشاره به سابقه مبارزاتی آیت الله مکارم شیرازی در سال‌های قبل از انقلاب تأکید کرد: ایشان در مقاطع مختلف انقلاب با قدرت تمام از کیان انقلاب و نظام دفاع کرده‌اند و با جایگاه رفیعی که در حوزه‌های علمیه و اجتماع دارند، پیدا است که این دفاع و این حضور در متن انقلاب تأثیر فراوانی داشته و دارد.

که در محافل دانشگاهی اعم از داخل و خارج و به‌ویژه جوانان و عامه مردم پیدا کرده، بیشترین نقش را در مهجوریت‌زدایی از قرآن کریم داشته است.

حجت الاسلام یوسفی مقدم، به ویژگی‌های تفسیر نمونه پرداخت و گفت: یکی از ویژگی‌های مهم تفسیر نمونه، ارائه تفسیری به زبان فارسی روان و به دور از پیچیدگی است؛ از اصطلاحات پیچیده علمی که نتیجه آن اختصاص کتاب به صنف خاصی است در متن کتاب پرهیز شده و به هنگام ضرورت در پاورقی آمده تا برای صاحب‌نظران نیز مفید باشد.

وی در ادامه افزود: از آن جا که قرآن، کتاب زندگی و حیات است در تفسیر توجه خاصی به مسائل سازنده زندگی مادی و معنوی و به‌ویژه مسائل اجتماعی شده است.

این پژوهشگر قرآنی به دیگر ویژگی‌های این تفسیر اشاره و بیان کرد: به تناسب عناوینی که در آیات مطرح می‌شود در ذیل هر آیه، بحث فشرده و مستقلی درباره موضوعاتی چون ربا، حقوق زن، فلسفه حج، اسرار تحریم شراب و قمار، ارکان جهاد اسلامی و مانند آن آمده تا خوانندگان در یک مطالعه اجمالی از مراجعه به کتاب‌های دیگر بی‌نیاز شوند.

حجت الاسلام یوسفی مقدم ادامه داد: شبهات و سؤالات مختلفی که گاهی درباره اصول و فروع اسلام مطرح شده به تناسب هر آیه طرح و پاسخ فشرده آن ذکر شده و ترجمه‌ای روان و سلیس از آیات ارائه شده و به جای پرداختن به بحث‌های کم‌حاصل، توجه مخصوصی به ریشه لغات و شأن نزول آیات که هر دو در فهم دقیق



حجت الاسلام اسکندری: تبیین عمیق و قابل فهم مباحث دینی، اصل ثابت آثار آیت الله مکارم شیرازی است

روان، ساده و قابل فهم تبیین کند و در طول این سال‌ها در دروس حوزوی خود سعی می‌کند این رویه را دنبال کند و این سبک را از قبل از پیروزی انقلاب در مباحث تبلیغی، فرهنگی و اجتماعی و تألیفات خود رعایت کرده است.

مدیر گروه قرآن و حدیث پژوهشکده انتظار نور ادامه داد: از دیگر ویژگی‌های آیت الله مکارم شیرازی این است که وی مواردی را که برخی از بزرگان به عنوان حریم در زندگی اجتماعی خود رعایت می‌کنند، به عنوان یک مسئله اصلی مورد توجه قرار نمی‌دهد که نمونه آن حضور در برنامه‌های صدا و سیما و تشکیل جلسات پرسش و پاسخ برای جوانان است.

وی در توضیح این مطلب گفت: برخی از بزرگان با وجود این‌که از جهت دقت‌های علمی در سطح بسیار بالایی هستند، ولی این ارتباطات فراگیر اجتماعی را لحاظ نمی‌کنند

ولی آیت الله مکارم در این نوع ارتباطات بسیار خوب و فراگیر عمل می‌کند و به همین دلیل شاهد تأثیرات زیادی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هستیم.

حجت الاسلام اسکندری در بخش دیگری از این گفت‌وگو به بیان توضیحاتی درباره نقش مؤثر این مرجع تقلید در مهجوریت‌زدایی از قرآن در جامعه پرداخت و توضیح داد: کار ارزنده‌ای که وی در تدوین تفسیر «نمونه» بر اساس همان اصل ساده و روان نویسی انجام داد، تأثیر بسیار زیادی بر فراگیر کردن قرآن و آموزه‌های قرآنی و تکفر و تدبیر در این کتاب مبین در بین نخبگان، فرهنگیان، جوانان، دانشجویان و طلبه‌های جوان داشته است.

مدیر گروه قرآن و حدیث پژوهشکده انتظار نور در پایان با اشاره به فعالیت‌های آیت الله مکارم شیرازی در حوزه تفسیر موضوعی قرآن، یادآور شد: این کار نیز تأثیر بسیار فراگیری در فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه به جا گذاشته است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی همواره سعی کرده‌اند مباحث دینی را چه در مسائل فرهنگی و اجتماعی و چه در مسائل علمی و دروس حوزوی خود با نگاهی عمیق ولی بیانی روان، ساده و قابل فهم تبیین کنند.



حجت الاسلام والمسلمین «رضا اسکندری» مدیر گروه قرآن و حدیث پژوهشکده «انتظار نور»، به تشریح سابقه مبارزاتی آیت الله العظمی مکارم شیرازی پرداخت و گفت: این مرجع تقلید با روحیه اجتماعی و تبلیغی و ارتباطات فراگیری که داشت، در سال‌های قبل از انقلاب در بسیاری از شهرهای با زیرکی و دقتی خاصی به تبیین آرمان‌های امام (ره) می‌پرداخت و نقش بسیار محوری و کلیدی در زمینه‌سازی انقلاب ایفا کردند.

وی افزود: وی در ابتدای پیروزی انقلاب نیز همراهی خود را با حضرت امام (ره) نشان داد و برهه‌های مختلف نقش بسیار خوبی در هماهنگی نیروهای انقلاب و پشتیبانی از انقلاب و ارزش‌های آن ایفا کردند.

اسکندری یادآور شد: آیت الله مکارم در طول سال‌هایی که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بر این مسئولیت الهی قرار گرفته‌اند، تلاش کرده است که به گونه‌های مختلف انقلاب را پشتیبانی کند و همواره به عنوان یک مرجع هوشیار و هوشمند در مسائل سیاسی و اجتماعی و مواردی که مورد نیاز نظام است، نقش خود را به خوبی ایفا کند.

این کارشناس علوم دینی درباره بارزترین ویژگی‌های شخصیتی آیت الله العظمی مکارم شیرازی تصریح کرد: وی همواره سعی کرده است مباحث دینی را چه در مسائل فرهنگی و اجتماعی و چه در مسائل علمی و دروس حوزوی خود با نگاهی عمیق ولی بیانی

که در آن زمان درباره آیت الله مکارم شیرازی قابل توجه بود، انس و ارتباطشان با حضرت امام (ره) بود و برای ما که از سال ۱۳۴۰ با امام خمینی (ره) آشنا شده و مقلد ایشان بودیم، هرکس در راه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی بود، از یک ارزش بالایی برخوردار بود.

سالک توجه دادن به مبانی معنوی و دینی در حوزه، خوش برخوردی و مردمی بودن را از جمله ویژگی های بارز این مرجع تقلید بیان کرد و گفت: آیت الله مکارم با مردم به ویژه نسل جوان انس و ارتباط خاصی داشتند که حتی امروز هم شاهد این مسئله درباره ایشان هستیم.

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت در بخش دیگری از این گفت و گو به فعالیت های آیت الله مکارم شیرازی در سال های پس از پیروزی انقلاب اشاره کرد و افزود: ایشان از جمله شخصیت هایی هستند که در تمام صحنه های انقلاب اسلامی چه در داخل و چه خارج حضور خود را در دفاع از اسلام نشان داده و حفظ کرده اند و این ویژگی ممتاز ایشان است. وی یاد آور شد: این مرجع تقلید در صحنه مسائل سیاسی و جریان های داخلی، در دفاع از افکار امام (ره) و مقام معظم رهبری، دفاع از مردم فلسطین، حزب الله لبنان و مظلومان دنیا با سخنرانی های خود با قدرت حضور داشته و دارند.

عضو جامعه روحانیت مبارز تأکید کرد: آیت الله مکارم مرجع تقلیدی هستند که نه تنها در حاشیه حوزه نبوده اند بلکه در متن حرکت اسلام در سطح جهانی قرار دارند و سائتی که ایشان در ارتباط با تشیع راه اندازی کرده اند ناشی از توجه خاص این مرجع تقلید به فرهنگ اسلام ناب محمدی و ارتباطات بین المللی است.

سالک تصریح کرد: امروزه صدای اسلامی از طریق رسانه های مختلف به اقصی نقاط جهان می رسد و آیت الله مکارم در این صحنه حضور دارند و نقش مؤثری را ایفا می کنند و سایت شان در این راستا قابل توجه است.

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت با اشاره به روحیه استکبارستیزی و ظلمستیزی آیت الله مکارم شیرازی و دشمن شناسی ایشان که در طول این سال ها بارها بروز داده شده ابراز کرد: مجموعه مطالب فوق نشان می دهد که این مرجع عالیقدر از چهره ها و شخصیت های بزرگوار حوزه علمیه و از افتخارات اسلام هستند.

وی توجه به قرآن و تفسیر را از بارزترین فعالیت های عملی آیت الله مکارم شیرازی در حوزه علمیه دانست و تفسیر روان، ساده و رسای «نمونه» را که برای عموم قابل استفاده است، شاهدهی بر این سخن خود عنوان کرد.

عضو جامعه روحانیت مبارز یاد آور شد: در جهت گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه علاوه بر مسائل تفسیری، مباحث موضوعی آیت الله مکارم شیرازی و برداشت های قرآنی ایشان بسیار زیاد است و اگر به کتب و مطالب درسی ایشان مراجعه کنیم، می بینیم که در موضوعات مختلف مطلب دارند و به مسائلی همچون علوم غریبه و مباحثی مانند «هیپنوتیزم» و «جن» پرداخته و نگاه قرآنی را مطرح کرده اند.

سالک افزود: این توجه خاص ایشان به مسائل قرآنی همچنان نیز ادامه داد و به طور نمونه در برنامه های صدا و سیما و در برنامه ای تحت عنوان «فاسئلوا اهل الذکر» به سؤالاتی که ناشی از شبهات نسبت به اسلام است با تکیه بر قرآن و مبانی کلامی پاسخ می دهند.



معاون مجمع جهانی اهل بیت: آیت الله مکارم شیرازی در متن حرکت جهانی اسلام قرار دارند

آیت الله العظمی مکارم شیرازی مرجع تقلیدی هستند که نه تنها در حاشیه حوزه نبوده اند بلکه در متن حرکت اسلام در سطح جهانی قرار دارند.



حجت الاسلام والمسلمین احمد سالک، معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، به سابقه و نحوه آشنایی خود با آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی اشاره کرد و گفت: بنده قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال های پایانی دهه ۱۳۴۰ از حوزه علمیه اصفهان به حوزه علمیه قم رفتم و در این دوره با شخصیت های بزرگوار از جمله این مرجع تقلید آشنا شدم.

وی فضل علمی آیت الله مکارم شیرازی، آشنایی ایشان با فقه آل محمد (ص) و روشن بینی این مرجع تقلید را از دلایل آشنایی خود با این شخصیت بزرگوار بیان کرد. عضو جامعه روحانیت مبارز ادامه داد: آنچه

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز:

آیت الله مکارم تلاش می‌کند جامعه اسلامی ما جزو مهجورکنندگان قرآن نباشد



ابزار کرد: ایشان از همان ابتدا یک برجستگی خاصی داشتند و از نظر عملی سرآمد همکلاسی‌ها خود بودند.

شجونی با اشاره به مؤسسات عام‌المنفعه این مرجع تقلید افزود: این مؤسسات برای طلاب و سایر افراد جامعه بسیار مفید است و می‌توانند بهره‌های زیادی از آن ببرند.

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز از آیت الله مکارم شیرازی تحت عنوان «آیت الله به روز» یاد کرد و گفت: پاسخ بیشتر مسائل روز را می‌توان از ایشان دریافت کرد و خوشبختانه جلسات درس و سخنرانی‌های ایشان بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان قابل دسترسی است و از طرفی دیگر باید به شاگردان بسیاری که تربیت کرده‌اند نیز اشاره کرد.

نقش آیت الله مکارم در سال‌های مبارزه با نظام طاغوت و همراهی با نهضت امام (ره) و همچنین نقش این مرجع تقلید در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب محور سؤال دیگری بود که حجت الاسلام شجونی پاسخ داد: ایشان در همراهی با امام (ره) شاخص بودند و نقش ایشان در مجلس خبرگان رهبری را نمی‌توان نادیده گرفت.

وی در پایان با اشاره به میزان بالای علاقه‌مندی آیت الله مکارم شیرازی به مقام معظم رهبری خاطر نشان کرد: ایشان همواره هم‌دوش، هم‌گام و یار مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بوده و به طور کامل شخصیتی ولایی هستند.

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز با اشاره به آیه «وقال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا» تصریح کرد: آیت الله مکارم شیرازی همپای سایر مراجع تلاش می‌کنند تا جامعه ما مصداق این قوم نباشد و در روز قیامت قرآن کریم از آنها شکایت نکند.



حجت الاسلام والمسلمین جعفر جوادی شجونی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران، مهجوریت‌زدایی از قرآن در جامعه را از مهم‌ترین دغدغه‌های مراجع و علمای دین از جمله آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی عنوان کرد.

وی با اشاره به آیه ۳۰ سوره «فرقان»: «وقال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا» تصریح کرد: پیامبر در روز قیامت قرآن را به دست می‌گیرند و می‌فرمایند، خدایا امت من قرآن را کنار گذاشتند و آیت الله مکارم شیرازی نیز همپای سایر مراجع تلاش می‌کنند تا جامعه ما مصداق این قوم نباشد و در روز قیامت قرآن کریم از آنها شکایت نکند.

عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در تکمیل مطلب فوق خود یاد آور شد: در روایت آمده که در روز قیامت قرآن، مسجد و علما هرکدام بنابر دلایلی از مردم شکایت می‌کنند.

این مبارز انقلابی در ادامه به با اشاره به سابقه آشنایی خود با حضرت آیت الله مکارم شیرازی که به سال ۱۳۲۷ در قم باز می‌گردد،

حجت الاسلام کاظمی: جمعی نوشتن تفسیر نمونه، انقلابی در شیوه تفسیر نویسی به حساب می آید

اینکه عده‌ای محقق، که هر کدام نظر متفاوت تفسیری دارند، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی تفسیر نمونه را بنویسند هم بر اهمیت تفسیر نمونه می‌افزاید و هم در نوع خود کار بی‌نظیری است و انقلابی در تفسیر نوشتن به حساب می‌آید.



حجت الاسلام والمسلمین عباس کاظمی پور استاد حوزه و از شاگردان آیت الله مکارم شیرازی، با اشاره به ویژگی‌های بارز شخصیت آیت الله مکارم شیرازی در برهه‌های مختلف نظام و کوشش ایشان در دفاع از اسلام و انقلاب، به تبیین ابعاد مختلف شخصیت ایشان پرداخت.

وی به تالیفات این مرجع تقلید اشاره کرد و افزود: محتوای درست، استدلال روشن، تلاش در شفاف‌سازی شبهات نسل جوان جایگاه ویژه‌ای به کتاب‌های ایشان داده است. این کتاب‌ها با یک نگرش دقیق نیازهای جامعه اسلامی را رصد کرده و به آن پاسخ داده است.

این قرآن پژوه همه فهم بودن قلم آیت الله مکارم شیرازی را موجب گرایش کتابخوانان به کتب ایشان دانست و بیان کرد: در همه کتاب‌ها این اصل رعایت شده است و در خصوص تفسیر نمونه با توجه به اینکه قرآن عربی است، ایشان تفسیر نمونه را به گونه‌ای نوشته‌اند که با مسائل جامعه منطبق بوده و درک آن برای عامه مردم آسان است.

وی به نحوه برخورد ایشان با شاگردانش پرداخت و افزود: آیت الله مکارم شیرازی در جلسات درسی خود از نظرات شاگردان استفاده می‌کند و کلاس‌های ایشان به گونه‌ای است که خرد جمعی را تداعی می‌کند.

حجت الاسلام کاظمی در خصوص شخصیت اخلاقی ایشان تصریح کرد: هیچ‌گاه رفاه و آسایش و کمال را در مادیات و نفسانیات ندانسته‌اند و بالطبع شاگردان ایشان نیز با الگو گرفتن از استاد خود همیشه در تقویت ابعاد معنوی می‌کوشند.

وی نقش این مرجع تقلید را در آگاهی جامعه از قرآن برجسته



دانست و افزود: علوم اسلامی در جامعه ما از لحاظ کمی و کیفی رشد قابل قبولی داشته است اما به علت نبود ارتباط بین جامعه و حوزه این علوم در رفتار قرآنی جامعه نقش کمی دارد. تلاش‌ها، تالیفات و تفسیر ایشان نقش مهمی در مهجوریت زدایی از قرآن داشته است.

این استاد حوزه یکی از ویژگی‌های تفسیر ایشان را جمعی نوشتن آن دانست و گفت: اینک عده‌ای محقق، که هر کدام نظر متفاوت تفسیری دارند، زیر نظر این فقیه تفسیر نمونه را بنویسند هم بر اهمیت تفسیر نمونه می‌افزاید و هم در نوع خود کار بی‌نظیری است و انقلابی در تفسیر نوشتن به حساب می‌آید.

وی در خصوص فعالیت‌های سیاسی

آیت الله مکارم شیرازی خاطرنشان کرد: ایشان با عملکرد درست و دفاع خود از انقلاب در دوره‌های مختلف نشان دادند که یک عالم دینی و مرجع تقلید می‌تواند هدایت‌کننده جامعه در امور سیاسی باشد. حجت الاسلام کاظمی در پایان به نقش ایشان در تحولات جامعه و جهان اشاره کرد و افزود: این مرجع تقلید به دلیل برخورداری از بینش عالی و شناخت دقیق جریان‌های سیاسی، مسائل جهان اسلام با تیزبینی، شجاعت، صراحت و استحکام خاص مواضع خود را اعلام می‌کند.



ببرخلاف بسیاری از مفسرین که اختلاف نظر در تفسیر آیات قرآن دارند، آیت الله مکارم شیرازی سعی کرده تا جایی که بعد علمی اجازه می‌دهد، بین دیدگاه‌های مختلف تفسیری یک جمع‌نگری انجام دهد تا خواننده تفسیر نمونه را بهتر درک کند



استاد حوزه: تفسیر نمونه آیت الله مکارم الگوی مناسبی برای زندگی نسل جوان امروز است

دانست و تصریح کرد: این مرجع تقلید در تحقیقات فقهی خویش هم از نظر سایر علما اسفاده می‌کنند و این یکی از ویژگی‌های روشنفکرانه ایشان است.

این استاد حوزه در تشریح منش روشنفکری آیت الله مکارم شیرازی گفت: روشنفکری آیت الله مکارم شیرازی نه از نوع برخی حرکت‌های کور است؛ بلکه این ویژگی ایشان، ناشی از رهایی تفکر ایشان از تعصبات و سنت‌های غلط است.

حجت الاسلام اکبرنژاد ادامه داد: نقش آیت الله مکارم شیرازی در مهجوریت زدایی از قرآن کریم را در دو محور اساسی دانست و گفت: اولین بعد تلاش‌های این مرجع تقلید، راه‌اندازی مرکز تخصصی تفسیر، ۱۵ سال قبل در قم است.

وی با بیان اینکه راه‌اندازی این مرکز تخصصی در زمانی بود که اقبال جدی امروز به قرآن کریم نبود، تصریح کرد:

بخش دیگر تلاش آیت الله مکارم شیرازی در مهجوریت زدایی از قرآن کریم، گرایش به طرح مباحث موضوعی از قرآن کریم و استفاده از علمای خبره در تفسیر موضوعی قرآن کریم است.

این استاد حوزه با اشاره به دیدار آیت الله مکارم شیرازی و عده‌ای از علمای قم با مقام معظم رهبری در ۱۱ سال قبل گفت: این دیدار، گویای حمایت جدی این مرجع تقلید از مقام معظم رهبری بود که مطلع تحقق اهداف مدنظر مقام معظم رهبری در عملکرد آیت الله مکارم شیرازی شد.

حجت الاسلام اکبرنژاد در پایان گفت: آیت الله مکارم شیرازی به انقلاب اسلامی ایران باور داشت و این باور، فرای از هر تعصب، موجب شد تا ایشان نقش تاثیرگذاری را در برهه‌های مختلف نظام داشته باشند.



تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی را الگوی مناسبی برای زندگی نسل جوان امروز دانست و تصریح کرد: این مرجع تقلید در تحقیقات فقهی خویش هم از نظر سایر علما اسفاده می‌کنند و این یکی از ویژگی‌های روشنفکرانه ایشان است.



حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی اکبرنژاد، استاد حوزه، با اشاره به ویژگی‌های بارز شخصیت آیت الله مکارم شیرازی در صیانت از ساحت قرآن، به تبیین ابعاد مختلف قرآن پژوهی این مرجع تقلید پرداخت.

این استاد حوزه تاکید کرد: آیت الله مکارم شیرازی ویژگی‌های خوب و کم‌نظیری دارند که در میان سایر علمای حوزه کم‌نظیر است و آن، روحیه کار جمعی ایشان است.

حجت الاسلام اکبرنژاد ادامه داد: معمولاً حوزه‌های علمیه به خاطر بافت کاری قدیمی خود، گرایش چندانی به کار جمعی ندارند؛ ولی این مفسر بزرگ قرآن کریم، با حضور جمعی از علمای خبره، به تحریر تفسیر نمونه پرداخت. وی تفسیر نمونه را الگوی مناسبی برای زندگی نسل جوان امروز



برخلاف بسیاری از مفسرین که اختلاف نظر در تفسیر آیات قرآن دارند، آیت الله مکارم شیرازی سعی کرده تا جایی که بعد علمی اجازه می‌دهد، بین دیدگاه‌های مختلف تفسیری یک جمع‌نگری انجام دهد تا خواننده تفسیر نمونه را بهتر درک کند



عضو هیئت

آیت الله مکارم



در ابعاد مختلف علمی وجود دارند، این آگاه بودن در مورد ایشان صادق است.

مدیر دانش نامه قرآن شناسی به تالیفات متعدد ایشان پرداخت و تصریح کرد: حداقل ۱۰۰ اثر علمی از ایشان چاپ شده است در مباحث فقهی، علم اصول، اخلاق، شیعه شناسی، قرآن و سایر حوزه ها تالیفات پرمحتوایی به جامعه عرضه کرده اند.

حجت الاسلام علوی مهر از تفسیر نمونه به عنوان پرتیراژترین تفسیر کشور نام برد و افزود: تفسیر نمونه از بهترین کارهای تفسیری است که با جامعه ما سنخیت دارد و پرسش هایی که در محیط امروز مطرح می شود، پاسخ آنها در این تفسیر آمده است. در کل شبهات مردم در این تفسیر سلیس و روان پاسخ داده شده و مباحث مختلفی از این تفسیر استخراج شده است. به طوری که در مجامع علمی از آن استفاده می شود.

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه یکی از ویژگی های ممتاز آیت الله مکارم شیرازی را احساس وظیفه کردن ایشان در مقابل شبهات وارده به اسلام و قرآن دانست. حجت الاسلام والمسلمین حسین علوی مهر، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، با اشاره به شخصیت فقهی آیت الله العظمی مکارم شیرازی گفت: ایشان از شاگردان برجسته امام (ره) هستند و قبل از انقلاب در مبارزات امام (ره) نقش مهمی داشته اند و به عنوان حامی امام (ره) مطرح بوده و هستند.



وی در ادامه افزود: بعد از انقلاب در دفاع از اندیشه های امام و تبیین جایگاه ولایت فقیه، جنگ تحمیلی تلاش فراوانی داشته اند و در دفاع از کارایی حکومت اسلامی گام های موثری برداشته اند.

وی آیت الله مکارم شیرازی را دانشمندی عالم به زمان دانست و گفت: بر طبق روایتی که دانشمندی عالم به زمان و

سنت علمی جامعه المصطفی العالمیه:

شیرازی در برابر شبهات وارده به قرآن حضور آگاهانه دارند

می‌دهد و برنامه‌ریزی و نظم در جلسات تدریس و کارهای دیگر در طول سال نظم ساعت را به ذهن می‌آورد. وی آیت‌الله مکارم شیرازی را در بسیاری از حرکت‌ها پیش‌تاز و مبدع عنوان و خاطر نشان کرد: در زمینه تفسیر با تشکیل گروه تخصصی تفسیر در حوزه، تحول بزرگی ایجاد کردند که تا امروز حدود ۱۵ دوره فارغ‌التحصیلی داشته است. که این افراد با حضور در سراسر کشور در امر آگاهی قرآنی مردم نقش به‌سزایی دارند.

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه یکی از کارهای بی‌نظیر ایشان را تاسیس مدارس دینی و قرآنی دانست و گفت: این مرجع تقلید با نام ۱۴ معصوم و در جهت خدمت به اهل بیت و افزایش آگاهی دینی مردم این مراکز را در شهرهای مختلف تاسیس می‌کنند.

وی در پایان جایگاه آیت‌الله مکارم شیرازی را در بین مسلمانان رفیع خواند و اظهار کرد: در جهان تشیع استفتائات ایشان استفاده می‌شود و خصوصاً در شبهه‌قاره هند، مردم آشنایی زیادی با این مرجع تقلید دارند، بیانیه‌های ایشان در حوادث مختلف جهان اسلام در آشنایی شیعیان و آگاهی آن‌ها از توطئه‌های استکبار نقش زیادی داشته است.

وی جایگاه این مرجع تقلید را در زمینه نظرات اقتصادی بزرگ برشمرد و عنوان کرد: در مباحث اقتصاد اسلامی از صاحب‌نظران شاخص هستند و در کنار تالیف و مقالات فراوان در حال نگارش پایانی دایره‌المعارف فقه اسلامی به دوزبان عربی و فارسی هستند که سال گذشته کتاب سال شناخته شد.

مدیر دانش‌نامه قرآن‌شناسی به سایر تالیفات آیت‌الله مکارم شیرازی اشاره کرد و گفت: در مباحث حدیثی با تالیف کتاب قواعد فقهیه و کتاب پیام امام علی (ع) که شرحی بر نهج‌البلاغه است و در مباحث اخلاقی کتاب اخلاق در قرآن را نگاشته‌اند.

وی یکی از ویژگی‌های ممتاز این مرجع تقلید را احساس وظیفه کردن ایشان در مقابل شبهات وارده به اسلام و قرآن دانست و گفت: در حالی که ممکن است برخی در مقابل شبهات احساس مسئولیت نکنند، ایشان در این میدان همیشه حضور دارند که یکی از این موارد در برابر پاپ که اسلام را دین زور معرفی کرده بود، در کتابی به نظریات رهبر کاتولیک‌های جهان پاسخ دادند.

حجت‌الاسلام علوی مهر به ویژگی‌های دیگر این مرجع تقلید اشاره کرد و افزود: تلاش مستمر علمی و تولید فکر و اندیشه، ساعات طولانی از وقت ایشان را به خود اختصاص



یک پژوهشگر و نویسنده:

آیت الله مکارم یکی از استوانه‌های علمی، دینی و سیاسی در عصر حاضر است

زمینه اعتلای قرآن کوشیده‌اند و اعجاز قرآن، مسئولیت قرآن از تحریر و مباحث علوم قرآنی، اعتقادی و کلامی را مورد تحقیق قرار داده‌اند و در آثار خود بسیار تلاش داشتند تا جامعه را از مباحث اعتقادی سیراب کنند.

این کارشناس ارشد الهیات و معارف، در توضیح بیشتر حیات علمی آیت الله مکارم شیرازی گوشه‌ای از زندگی ایشان را بیان داشت و تصریح کرد: ایشان در ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را آغاز کردند و در مدت اندکی نیازهای خود را از علوم صرف، نحو، منطق، بیان و بدیع تأمین کردند و پس از آن توجه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساختند و به خاطر استعداد بالا مجموع دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را در قریب به چهار سال به پایان رساندند.

حجت الاسلام شمس، گفت: انتقادهای و نظرات معظم له در قم تدریس و یا اضافه نسبت به متون علمی حوزه‌ها، آینده درخشان علمی ایشان را قطعی می‌ساخت و در محافل علمی و روحانی آن دیار، استعداد، نبوغ، دقت و عمق تفکر معظم له درج می‌شد و

حجت الاسلام شمس، آیت الله مکارم شیرازی را یکی از مراجع و استوانه‌های علمی، دینی و سیاسی در عصر حاضر دانست.



حجت الاسلام والمسلمین «سعید شمس» پژوهشگر و نویسنده و کارشناس ارشد الهیات و معارف، با نگاهی به سوابق علمی آیت الله مکارم شیرازی ادامه داد: ایشان سال‌ها قبل از انقلاب کتاب‌هایی را در راستای شبهه‌زدایی از دین و پاسخ به پرسش‌های مذهبی جوانان و شبهه‌زدایی از قرآن به نگارش درآورده و منتشر کرده‌اند، این عمل نشان می‌دهد که ایشان در سال‌های پیش از انقلاب که به عنوان یک نویسنده در جامعه مطرح بوده، تمام تلاششان بر این بود که از لحاظ اعتقادی برای مردم و خصوصاً جوانان مؤثر بوده و حمایت دینی از آنان داشته باشند.

وی در ادامه به آثار آیت الله مکارم شیرازی اشاره‌ای داشت و تصریح کرد: آثار زیادی از ایشان در زمینه‌های مختلف قرآنی، اخلاقی، فقهی و علمی به چاپ رسیده که همه ارزشمند هستند، ایشان در آثار خود در

میان مراجع هستند که حضور کاملاً فعالی در جامعه و در مراسم اجتماعی دارند، ایشان در سال‌هایی که ماه‌های رجب و شعبان آن مقارن با فصل تابستان است در مشهد و در صحن جامع رضوی حاضر می‌شوند و نماز را به صورت جماعت در این محل اقامه کرده و برای مردم به توضیح و تفسیر قرآن می‌پردازند. همچنین همه ساله در مسجد خودشان در قم برای مردم مجالس قرآنی برپا می‌کنند و معمولاً علما در این مجالس حاضر شده و از این نکات و مباحث بهره‌مند می‌شوند.

این کارشناس ارشد الهیات و معارف گفت: حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی گاهی در مدارس مختلف حاضر شده و در جمع دانش‌آموزان به سخنرانی می‌پردازند و در تشکل‌های اخلاقی هم حضور یافته و آنان را در پیمودن راه کمال و سعادت پند و اندرز می‌دهند.

وی با بیان این مطلب که حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع پرانرژی و پرنشاطی هستند که این نشاط در گرو ورزش‌هایی است که در جهت سلامت جسمیشان همه روزه انجام می‌دهند، گفت: ایشان شاید به دلیل این نشاط و سلامت جسمی است که می‌توانند به بهترین نحو به جلسات نشاط ببخشند.

حجت‌الاسلام شمس بیان کرد: ایشان یکی از پرکارترین مراجع در زمینه علمی هستند و از گذشته تاکنون نیز با بروز هرگونه شبهه در اجتماع سریعاً اقدام به چاپ کتاب و نشر مقاله کرده و می‌کنند؛ آیت‌الله مکارم شیرازی در زمینه حکومت اسلامی نیز یکی از اصلی‌ترین حامیان حکومت اسلامی بودند و رهبری انقلاب را پیش و پس از انقلاب در صحنه‌های مختلف و در جریان انقلابی و دیگر صحنه‌ها حمایت کرده و یاری داده‌اند و به عبارتی می‌توان گفت، این مرجع عالیقدر در این زمینه‌ها نقش کلیدی ایفا کرده و می‌کنند.

این کارشناس ارشد الهیات و معارف، اضافه کرد: حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضائل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود و تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید؛ هوش و حافظه قوی و استعداد سرشار وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود و چه بسا در یک سال، دو کلاس را طی می‌کرد.

این کارشناس دینی گفت: شرایط آن روز ایجاب می‌کرد که این نوجوان با چنین نبوغ و استعداد فوق‌العاده، راه دانشگاه را پیش گیرد و اندوخته‌های علمی خود را در طریق کسب درجات ظاهری به کار اندازد، ولی دست تقدیر و عنایات پروردگار جهان و تمایلات باطنی ایشان به شناسایی عمیق معارف و حقایق اسلام، توجه این نابغه نوری را به سوی علوم اسلامی معطوف ساخت، به خصوص که پس از شهریور سال ۱۳۲۰ شرایط دگرگون گردید و مدارس و معارف اسلامی از نورونق گرفت.

کسی نمی‌توانست این فضیلت خدادادی را انکار کند. این ستاره فروزان، ایشان در ۱۸ سالگی با فکر نافذ و قلمی روان، حاشیه‌ای بر «کفایة الأصول» نوشت که نقاط مبهمی از این کتاب را روشن می‌ساخت.

این کارشناس دینی اضافه کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی در ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر بهره بردند.

وی برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال ۱۳۶۹ ه.ق وارد حوزه علمیه نجف اشرف شد و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام چون آقای حکیم و آقای خوئی و آقای عبدالهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر شرکت جستند.

وی در ادامه افزود: معظم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ اجازه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند و حضرت آیت‌الله العظمی حکیم، تقریظ کوتاه و پرمحتوایی بر تقریرات ایشان از درس فقه (ابواب طهارت) نوشتند که بسیار ممتاز است. اقتباس و استفاده از فیوض علمی دروس اساتید نجف همچنان ادامه داشت تا این که بر اثر نبود وسایل و امکانات، در ماه شعبان ۱۳۷۰ ه.ق به ایران بازگشتند و در شهر مقدس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوی گزیدند و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم به وجود آوردند وارد شدند.

حجت‌الاسلام شمس در ادامه فعالیت‌های ایشان پس از بازگشت به ایران را مورد بررسی قرار داد و گفت: آیت‌الله مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج اصول و فقه پرداختند و قریب ۲۸ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و بسیاری از کتب مهم فقهی را پس از تدریس به رشته تحریر در آورده‌اند.

این کارشناس ارشد الهیات و معارف ابراز داشت: در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس حوزه علمیه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلاء عالیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و عارف اسلامی و مسئله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

حجت‌الاسلام شمس در ادامه زندگی سیاسی این حضرت را مورد بررسی قرار داد و اظهار کرد: ایشان در انقلاب اسلامی نیز حضور فعالی داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتاده و به سه شهر چابهار، مهاباد و انارک تبعید شدند و در تدوین قانون اساسی در خبرگان اول، نقش مؤثری داشتند.

ایشان در فعالیت‌های اجتماعی هم یکی از مهم‌ترین افراد در

استاد حوزه و دانشگاه:

تلاش آیت الله مکارم برای تأمین عقبه فرهنگی انقلاب ستودنی است

که بیش از ۸۰ سال از عمر شریف ایشان می‌گذرد، کارها را خیلی دقیق و با نظم انجام می‌دهند که همین امر باعث شده بتوانند به کارهای متعددی بپردازند.

این استاد حوزه پشتکار زیاد را دیگر ویژگی بارز شخصیت آیت الله مکارم شیرازی بیان کرد و افزود: به عنوان مثال جلسات علمی ایشان در طول سال به ندرت تعطیل می‌شود و فقط زمانی که ایشان به مدت یکماه در طول تابستان به مشهد سفر می‌کنند، جلسات در قم تعطیل می‌شود و در مشهد ادامه می‌یابد و همچنین در روز عاشورا و ۲۸ صفر جلسات تعطیل می‌شود و بقیه روزها روز کاری است.

وی ادامه داد: در حدود ۱۴ سال است که جلسات نهج البلاغه در حضور ایشان برگزار می‌شود که در آن شرحی بر نهج البلاغه نوشته می‌شود و تاکنون ۸ جلد آن چاپ شده و جلد نهم هم زیر چاپ است و اعضای جلسه مشغول نوشتن جلد دهم هستند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در ادامه درباره نقش مؤثر آیت الله مکارم شیرازی در مهجوریت زدایی از قرآن در جامعه تصریح کرد: یکی از بزرگ‌ترین کارهایی که ایشان توفیق انجام آن را داشته‌اند، نوشتن یک تفسیر ترتیبی بر قرآن به نام تفسیر «نمونه» است که مورد شناخت همگان است و حتی به زبان‌های عربی، اردو و انگلیسی هم ترجمه شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ارسطا نوشته‌شدن تفسیر نمونه به زبان روز و پاسخ‌دادن به نیازهای قشر فرهیخته را مهم‌ترین ویژگی تفسیر نمونه بیان کرد و گفت: این تفسیر ابداعات و نوآوری‌هایی دارد، سؤال‌هایی که به ویژه برای نسل جوان مطرح است، با قلم زیبا و با دقت در عین سادگی پاسخ داده و مطالب نوینی را سعی کرده از آیات قرآن استخراج کند و توانسته در جهت مهجوریت زدایی از این کتاب مبین بسیار مؤثر واقع شود.

این پژوهشگر علوم قرآنی با اشاره به تفسیر موضوعی آیت الله مکارم که با نام «پیام قرآن» در ده جلد منتشر شده، اظهار کرد: این تفسیر بسیار قابل استفاده است و از طرفی دیگر ایشان تفسیر دیگری که آن هم موضوعی بوده و ادامه پیام قرآن است، تحت عنوان «اخلاق در قرآن» دارند که در سه جلد چاپ شده است و در کنار آن موارد دیگری از جمله «مثال‌های زیبای قرآن» دارند که در واقع به شرح مثال‌های زیبا و تشبیهات قرآن می‌پردازد که ایشان چند سال قبل در ماه مبارک رمضان مواردی را در این ارتباط مطرح کردند که همان سخنان به صورت کتاب منتشر شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین ارسطا، تلاش برای تأمین عقبه فرهنگی انقلاب و همچنین پاسخگویی به نیازهای علمی جامعه را از مهم‌ترین فعالیت‌های آیت الله مکارم شیرازی در سال‌های قبل و بعد از انقلاب عنوان کرد.



حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد ارسطا، استاد حوزه و دانشگاه و پژوهشگر قرآنی، به بیان و تبیین برخی ویژگی‌های بارز شخصیتی آیت الله مکارم شیرازی و نقش این مرجع تقلید در مهجوریت زدایی از قرآن پرداخت.

وی تواضع در تعامل با طلبه‌ها را یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی آیت الله مکارم بیان کرد و گفت: من در موارد متعدد شاهد بودم که در هنگام درس، طلبه‌ها اشکالات زیادی را مطرح می‌کردند و برخی روی اشکالات خودشان پافشاری می‌کردند ولی در هیچ یک از این موارد ندیدم که آیت الله مکارم عصبانی شوند و یا با صدای بلند صحبت کنند، در حالی که برخی سؤال‌ها آنقدر زیاد مطرح می‌شد و برخی طلبه‌ها شاید بدون هیچ دلیل منطقی بر اشکالات خود پافشاری می‌کردند که هرکس دیگری بود، عصبانی می‌شد و پاسخ تندی می‌داد ولی ایشان همیشه با تواضع برخورد می‌کنند.

عضو هیئت علمی گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ادامه داد: از دیگر خصوصیات رفتاری این مرجع تقلید، خوش‌برخوردی و نداشتن مجالس سنگین است. در مواردی که ایشان برخی شاگردان خود را برای استراحت و تفریح دعوت می‌کنند و به مناطق خوش آب و هوای اطراف قم می‌روند، خیلی مناسب و دوستانه رفتار می‌کنند و انسان احساس راحتی می‌کند.

ارسطا ابراز کرد: حتی در زمان استراحت و تفریح نیز ایشان از مسائل علمی غافل نمی‌شوند و در این زمان‌ها نیز جلسات استفتاء و عملی برپا می‌کنند و در کنار آن حتی اقدام به طبخ غذا نیز کرده و از دوستان و شاگردان خود پذیرایی می‌کنند.

این پژوهشگر علوم قرآنی یادآور شد: آیت الله مکارم شیرازی مجالس دلنشین و صمیمانه‌ای دارند و در عین حالی که احترام افراد محفوظ است و مجلس هیچ‌وقت به سمت سبکی گرایش پیدا نمی‌کند، مجلس سنگینی ندارند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با اشاره نظم قابل توجه‌ای که در کارهای آیت الله مکارم وجود دارد، توضیح داد: در حالی



شیرازی که یک ترجمه و شرح مختصری بر نهج البلاغه زیر نظر آیت‌الله مکارم نوشته‌اند، اشاره کرد.

حجت‌الاسلام ارسطا در توضیح مبارزه مستقیم آیت‌الله مکارم با رژیم شاهنشاهی ابراز کرد: مبارزات متعدد باعث تبعید ایشان به شهرستان‌های مختلف از جمله چابهار شد ولی در زمان تبعید نیز کارهای علمی را پیگیری می‌کردند و جلسات تفسیر نمونه در زمان تبعید با حضور همکاران ایشان تشکیل می‌شد که نشان‌دهند پشتکار و نظم ایشان است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران درباره فعالیت‌های آیت‌الله مکارم در سال‌های پس از انقلاب یادآور شد: ایشان یکی از اعضای مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی بودند و می‌دانیم که قانون اساسی ایران یک قانونی است که به دلیل اینکه در آن مجلس بسیاری از بزرگان از جمله آیات عظام صافی گلپایگانی، سبحانی، صافی گلپایگانی و جوادی آملی حضور داشتند، بسیار خود تنظیم شده و اگر به مذكرات آن مجلس مراجعه شود، می‌توان به نقش مؤثر آیت‌الله مکارم پی برد.

این پژوهشگر علوم قرآنی ادامه داد: آیت‌الله مکارم در سال‌های بعد عمدتاً به تربیت طلبه در حوزه علمیه قم و سایر مراکز و انجام کارهای فرهنگی پرداخته‌اند و از آنجا که یک انقلاب اگر نتواند نیازهای علمی را پاسخ دهد، نمی‌تواند در زمینه فرهنگی موفق باشد و در نتیجه استمرار نمی‌یابد، آیت‌الله مکارم به عنوان یک فقیه سعی کرده‌اند که پاسخگویی این نیازها باشند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تأکید کرد: به هریک از تألیف این مرجع تقلید که نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم که هرکدام در نوع خود توانسته‌اند سؤالاتی را که در ارتباط با مسائل قرآنی مطرح است، پاسخ دهند و قسمتی از خلأهای موجود در این زمینه را پر کنند.

نقش آیت‌الله مکارم شیرازی در برهه‌های مختلف انقلاب و همراهی ایشان با نهضت امام (ره) محور بخش پایانی این گفت‌وگو بود که حجت‌الاسلام ارسطا در این ارتباط نیز خاطر نشان کرد: ایشان در سال‌های قبل از انقلاب از دو جهت فرهنگی و مقابله مستقیم با رژیم، مسائل انقلاب را پیگیری می‌کردند.

وی توضیح داد: هیچ انقلابی بدون داشتن عقبه فرهنگی به پیروزی نمی‌رسد و یکی از مهم‌ترین کارهایی که دست‌اندرکاران یک انقلاب باید به آن بیندیشند و در مورد آن برنامه‌ریزی کنند، تأمین عقبه فرهنگی است که آیت‌الله مکارم از این حیث با تألیف کتاب، برگزاری جلسات متعدد در شهرستان‌های مختلف و نوشتن مقالات سعی کرده‌اند این عقبه فرهنگی را تا جایی که مقدور بوده، تأمین کنند.

این استاد دانشگاه یادآور شد: بسیاری از شاگردانی که آیت‌الله مکارم شیرازی تربیت کرده‌اند، بعد از انقلاب جزو افراد بسیار تأثیرگذار در مدیریت کشور شده‌اند که به طور نمونه می‌توان به آیت‌الله عمید زنجانی، رئیس سابق دانشگاه تهران و مرحوم امامی

به فضل الهی و مدد حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین و با هدایت بقیة الله الاعظم (عج) بیش از هزار سال است که روحانیت اصیل و پاکدامن شیعه و در رأس آن مراجع عالیقدر تقلید، امنای مسلمانان متدین سراسر تاریخ اسلام حنیف و تشییع عزیز بوده و هستند. روحانیت گران سنگ شیعه بیش از هزار سال است که در ترویج اسلام، تبلیغ شیعه، توصیف ائمه چهارده گانه سلام الله علیهم اجمعین، و تشریح احکام عبادی، سیاسی، تجاری، اجتماعی، نظامی و... دین مبین، لحظه ای درنگ نکرده است و به فراخور وسع علمی و امکانات دنیوی روزگار خویش طی قرون متمادی نسل اندر نسل، وسیله عملی تحقق آیه شریفه «انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون» بوده و هستند و در مقاطع مختلف تاریخ اسلام در کشورهای؛ ایران اسلامی، بزرگ و کهن، عراق، لبنان، جنوب عربستان، افغانستان، پاکستان، شبه قاره هند، بحرین، لندن، پاریس، بن، واشنگتن و... و همه بلاد اسلامی که شیعه اثنی عشری را در خود جای داده اند، هدایت گر شیعیان، حافظ دین، مبلغ رسالت، مأمن مسلمین، مانع انحراف متدینین، موجب قوام عقاید متعهدین، باعث پیشرفت موحدین و بانی احداث اماکن دینی و معلم ده ها و بلکه صدها هزار متعلم علوم اسلامی حوزات مقدسه علمیه بوده و هستند.

آدمی با کمی تأمل در راز استقامت روحانیت معظم شیعه و لحظه ای تفکر نسبت به رمز بقا و پایداری مراجع عالی مقام شیعه، در می یابد که تقوای الهی و به هنگام بودن و همدل و همراه شیعیان شدن ایشان بوده است که موجب پایداری و مایه جاودانگی اینان حفظهم الله، شده است. روحانیت و مرجعیتی را قدر می نهیم که نه فقط مذهب شیعه و شیعیان را از انواع خطرات مادی و معنوی حفاظت کرده و صیانت نموده اند بلکه بعد از حدود ۱۴۰۰ سال که از هجرت پیامبر خاتم (ص) شهادت علی (ع) و ده فرزند برومند و معصوم دیگرش صلوات الله علیهم اجمعین گذشته بود، توانست مسیر تاریخ را تغییر داده و قدرت غیرقابل محاسبه و کنترل پروردگار را در مقابل کفار قدر و به اصطلاح قدرتمندان قداره بند، به نمایش بگذارد و چشم، گوش، هوش، حواس، قلم و بیان صدها میلیون و بلکه میلیاردها انسان روزگار معاصر را متوجه اسلام و اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین، بگرداند و همانند امام خمینی سترگ و عظیم القدر سلام... علیه، را به ارمغان آورد و مثل آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) را که نگارنده خود را به تقلید از او مفتخر می داند، تحویل جوامع اسلامی بدهد.

آری هر ذی عقل و صاحب شعوری درک می کند و می فهمد که راز استقامت روحانیت و رمز بقای مراجع عظیم الشان تقلید، تقوی بوده است. زهد و عدم وابستگی آنان به دنیا و اقتدا کردنشان به مولا و سرور اتقیا علی مرتضی علیه السلام، بوده است که روحانیت مستقل، مؤثر و سرنوشت ساز شیعه را از سر سفره «واسطه ارض و سماء مهدی صاحب الزمان (عج)»، بلند نکرده است و جیره خوار سلطنت های جور و حکام جائر نگردانیده است، و چون «مفتی های عامه» جزو حقوق بگیران دولت ها نشدند و آن گفتند که خدا فرموده است و چیزی



حجت الاسلام زادسر:

مقابله با مهجوریت قرآن کریم شاخص ترین ویژگی آیت الله مکارم شیرازی است

مقابله با مهجوریت قرآن کریم بزرگترین شاخصه آیت الله مکارم شیرازی است و بهترین سند بر صحت این مدعا تفسیر شریف، گرانقدر و گرانسنگی است که بعد از کتاب خدا، مفاتیح الجنان، نهج البلاغه، رساله های عملیه، حافظ و سعدی، تقریباً در اکثر منازل مسلمین و مؤمنین جای دارد و مورد استفاده اقشار مختلف مردم قرار می گیرد.



حجت الاسلام والمسلمین علی زادسر جیرفتی، پیرامون شخصیت، جایگاه، نقش، خدمات و ویژگی های مرجع جلیل القدر و عظیم الشان تقلید شیعه آیت الله مکارم شیرازی، مطالبی را ارائه داده است که به شرح زیر است:



می‌دهند. و آنگاه که بعضاً مکان‌های تبعید معظم‌له را بر شمرده‌اند، متأسفانه نام مبارک جیرفت ما را از قلم انداخته‌اند.

شخصیتی شخیص را مطمع نظر است که:

۱- وقتی شهرت مبارکش را بدون پسوند به یکی از قوی‌ترین جستجوگرهای فضای مجازی سایبر می‌سپاری، بیش از یک میلیون و یکصد هزار عنوان خبر و مطلب می‌یابی و هنگامی که با پسوند، روی کلمه «پیدا کن» فشار بدهی، حاصل جستجو، بیش از یکصد و شصت هزار مورد، تیترو متن پیرامون موضوعات گوناگون دینی، سیاسی، اجتماعی و... خواهد شد که در نوع خود قابل ملاحظه و مهم است.

۲- مرجع محترم و زمان‌شناسی را که جزو خبرسازترین مراجع دینی است مقصود است که وقتی که در هر یک از جستجوگرهای خبرگزاری‌های داخلی کنکاش می‌کنی صدها مورد و بلکه بیشتر خبر و عنوان از فضائل و ارشاداتش را به دست خواهی آورد.

۳- نام پربرکت حضرت ایشان، آشنای گوش و چشم و ذهن و زبان میلیون‌ها شیعه اثنی عشری سراسر عالم تشیع است و جوامع اسلامی سایر کشورهای جهان نیز هم.

۴- کلمه‌ای را مورد دقت قرار داده‌ایم که ده‌ها و بلکه صدها رسانه مختلف دیداری و شنیداری صهیونیسم بین‌الملل از آن گریزان هستند و

نوشتند که مؤید آن «ام‌الکتاب» است و مواردی را فاعل شدند که مورد تقریر «اوصیای ۱۲ گانه علیهم صلوات‌الله» قرار گرفته‌اند و در هر عصر و هر نسلی با اجتهاد الهی خویش که زمان و مکان را مورد مذاقه قرار داده‌اند، شیعه را چراغ راه و شیعیان را راهبری آشنا و مورد اعتماد گردیدند.

غرض از این مقدمه اجمالی آن است که برابر پرسش‌های خبرگزاری قرآنی ایران پیرامون شخصیت، جایگاه، نقش، خدمات و ویژگی‌های یکی از مراجع جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن تقلید شیعه به تناسب حال و هوای خود و بضاعت مزجاتمان مطالبی را تقدیم کنم:

«رجلی» از «رجال لا تلهیهم تجارة ولبایع عن ذکر الله و اقام الصلاة و ایتاء الزکاة یخافون یوما تتقلب فیہ القلوب و الابصار» منظور است که نمونه حضرتش در ابعاد گوناگون در دوران معاصر بسیار نیست اگر چه باید گفت اندک است.

«همو» را می‌گوییم که اولین بار با نام شریفش در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار با عنوان «خاطرات در تبعید» آشنا شده و دانستم که یکی از فضایی برجسته روحانیت معظم شیعه که ضد رژیم ستمشاهی است، جناب ایشان است. بلی مبارزه با طاغوت و رژیم سفاک شاهنشاهی این حضرت بزرگوار و مجاهد فی سبیل‌الله را تمام مردم و مکان‌های مذهبی مناطق جیرفت، چابهار، انارک و مهاباد، شهادت

شریف، گرانقدر و گرانسنگی است که بعد از کتاب خدا، مفاتیح الجنان، نهج البلاغه، رساله‌های عملیه، حافظ و سعدی، تقریباً در اکثر منازل مسلمین و مؤمنین جای دارد و مورد استفاده اقشار مختلف مردم قرار می‌گیرد.

۱۲- دفاع همه‌جانبه و تمام عیار این بنده صالح خدا، از کیان دین اسلام و اصول شیعه در برابر هجوم کافران و منافقان، دلیلی مستحکم و مستند دارد که نام آشنای خواص است و تاکنون ده‌ها بار به چاپ رسیده است و فریادرس به هنگام دانشجویان مسلمان دانشگاه‌های سراسر کشور در زمان رژیم ستم‌شاهی شده بوده است، کتابی که نه فقط جوانان متدین و حزب‌اللهی ابرانی را مسلح به پاسخ مستند و مستدل قرآنی، فلسفی و عقلی در برابر القاء شبهات مارکسیست‌ها می‌کرد بلکه فریادرس جوانان تحصیل‌کرده مسلمان کشورهای دیگر از قبیل عراق و افغانستان و کشورهای عربی بود و حقیقتاً در آن برهه از زمان تألیف چنان کتابی که هنوز هم طراوت و کارایی خود را از دست نداده است خود به خود بیانگر کیاست و تیزهوشی و نبوغ این مرجع بزرگوار و جلیل‌القدری که ما تاکنون شما را منتظر اسم شریفش گذاشته‌ایم، است.

۱۳- آری، این استاد برجسته و کم‌نظیر حوزه علمیه و مبارکه قم، تحقق بخش فرمایش حضرت امام خمینی است که فرمود: (نقل به مضمون)، «مجتهد می‌بایست با توجه به زمان و مکان بتواند، حکم خدا را استنباط کرده و فتوا صادر کند» توجه به این نکته کلیدی در استخراج حکم خدا از منابع چهارگانه مشهور، به هنگام بودن این مرجع عالیقدر را که موقعیت‌شناسی و مکان‌یابیش در صدور فتوی، نبوغ این عالم بزرگوار و پویا را مشخص می‌کند.

۱۴- تبلیغ تشیع و ترویج فرهنگ علوی

آن هم در سخت‌ترین شرایط و حساس‌ترین مقاطع تاریخی توسط این بنده خوب خدا که علوی تبار و حسینی مسلک است با ماهنامه «مکتب اسلام» که امید دل هر مسلمان مبارز و قوت قلب هر به‌تنگ‌آمده از خفقان بود. توجه خاص به مهدویت و اظهار نظر صریح و مستند راجع به حجت‌بن‌الحسن العسکری (عج) و رسوا ساختن مدعیان دروغین

«رؤیت» امام زمان و خصوصاً ترویج و تبیین فرهنگ مهدویت از برجستگی‌های خاص دیگر ایشان است. مطمئناً، این عالم ربانی، مفسر صمدانی، فقیه عالی مقام و

بغض شدید خودشان را در ارتباط با کتابت و یا قرائت این کلمه مخفی نمی‌سازند.

۵- بلندمرتبه‌ای را مورد اشاره قرار می‌دهیم که راه و رسم و قلم و بیان او، خمیرمایه هزاران تحقیق عالمانه صدها محقق محترم در رشته‌های گوناگون علوم دینی و موضوعات سیاسی و اجتماعی بوده و هست.

۶- مقام منیعی را مدنظر قرار داده‌ایم که فقط یکصدوسی (۱۳۰) کتاب پرمحتوای فقهی، کلامی، فلسفی، احکامی، سیاسی و عقیدتی را تاکنون از خود به یادگار گذاشته است که دعا می‌کنیم که تا از این قبیل «باقیات‌الصالحات» سماحتش افزون باد.

۷- عزیزی را که از او سخن می‌گوییم همان کسی است که مشوق ده‌ها نویسنده پرآوازه و گمنام، و استاد راهنمای صدها فیلسوف، مفسر، صرفی و نحوی بوده و هست.

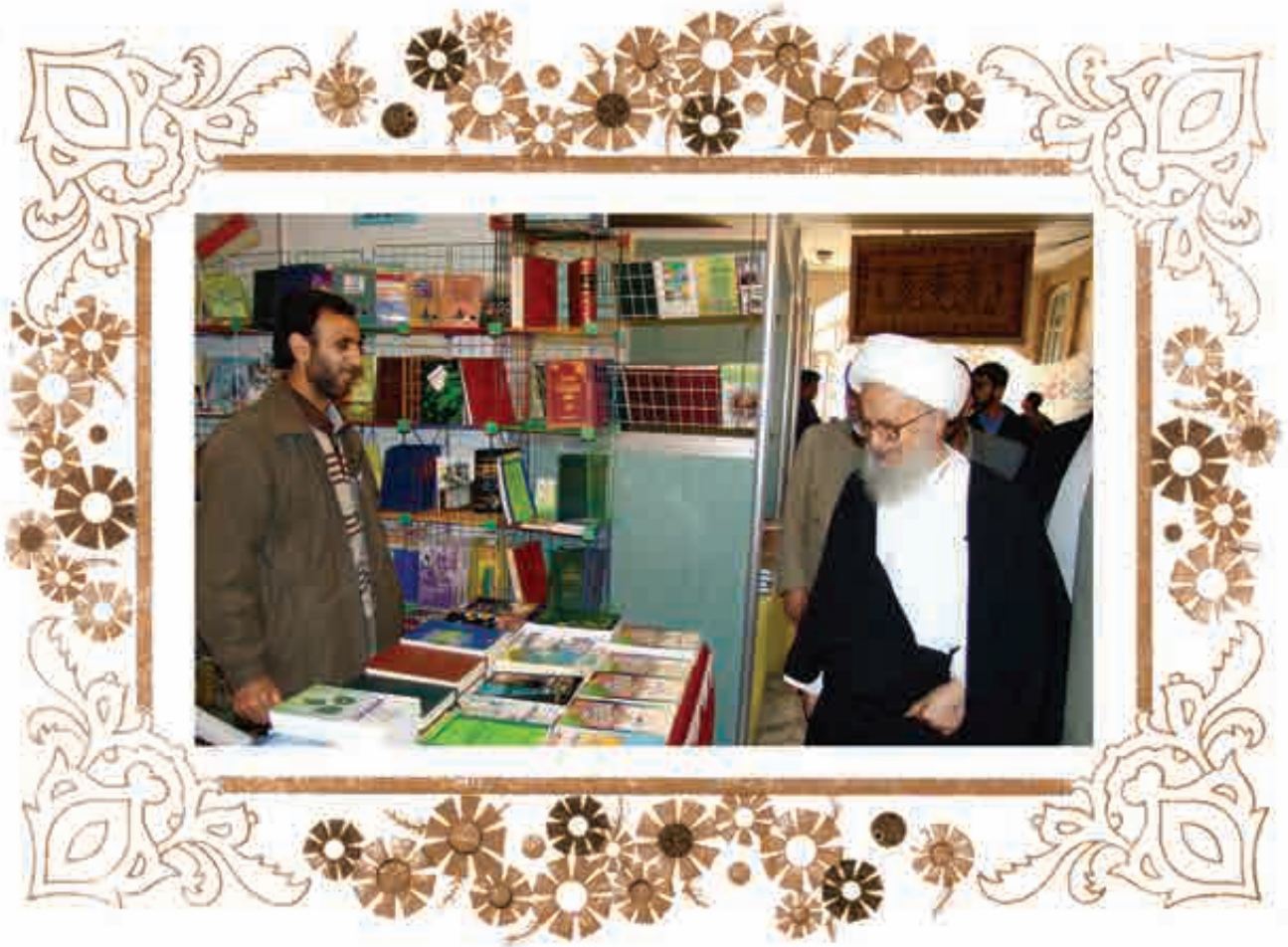
۸- از آن فرزانه و اندیشمندی می‌گوییم و می‌نویسیم که اعتقاد داریم یکی از نوابغ دوران معاصر است، زیرا در دوران دبستان بعضاً در هر سالی دو کلاس را آموخته است و در چهارده سالگی طلبه‌ای باهوش و پرتلاش در حوزه علمیه زادگاه خویش بوده است و در ۱۸ سالگی یکی از علمای جوان و برجسته حوزه مقدسه علمیه قم به شمار آمده است و در ۲۴ سالگی مطابق تقریظ و تأیید دو نفر از مراجع عظیم‌الشان نجف اشرف، به عنوان پر افتخار مجتهدی مسلم و مطلق مفتخر گردیده است.

۹- روحانی بلندمرتبه مورد توجه ما، دانشمندی است که به هر کدام از شهرهای محروم کشور که تبعید شد آن منطقه را متحول ساخت، منکران این مدعی را عرضه می‌داریم که به شهرستان‌های جیرفت، چابهار، مهاباد و انارک سفر کنند تا بدانند که چگونه عدو (شاه) سبب خیر شد و با تبعیدکردن امثال حضرتش، گور خود را کند تا الحمدلله به جهنم رهسپار شد.

۱۰- علامه‌ای که بیش از ۲۸ سال است که به تعلیم و تعلم علمای دین مشغول است و درس خارج سماحتش بیش از دوهزار (۲۰۰۰) نفر دانش‌پژوی علوم دینی و در آستانه‌ی اجتهاد را در خود جای داده است.

۱۱- مقابله با مهجوریت قرآن کریم بزرگترین شاخصه معظم‌له است و بهترین سند بر صحت این مدعا تفسیر





بین الملل را از سر جهان اسلام کم و کوتاه بگرداند. و همچنین خواهش ایشان از دیگر مراجع عالی مقام جهان اسلام جهت چاره اندیشی برای حوادث تلخ و جانسوز سامرا و امامین عسکریین از

دیگر خلاقیت های ذهنی ایشان است، نشان روشن و محکمی بر عملکرد درست مرجعیت معظم شیعه و جهانی فکرکردن معظم له، است.

دوم؛ تسلیح جوامع اسلامی داخل ایران و خارج از آن به علوم صرف، نحو، حدیث، فقه، فلسفه، تفسیر، اصول و احکام اسلامی یکی دیگر از شاخص های ممتاز بودن سماحت مبارکش است که دلایل و براهین آشکار و غیرقابل انکار آن، احداث مدارس علمیه و تعلیم قریب به ۲۰۰۰ طلبه در آستانه اجتهاد از

مرجع عالیقدر همان عظیم الشان و جلیل القدری است که شما در ذهن مبارک خود به دست آورده اید یعنی حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی فقیه، برجسته فقه آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم، است.

علاوه بر این چهارده بندی که به صورت اختصار به استحضار رسید، ده مورد دیگر از صفات حمیده این فیلسوف و فقیه مطرح و فعال را از ده ها و بلکه صدها قول و فعل و کارهای قلمی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)، را تقدیم می کند که به ظاهر بیست و چهار مطلب و مورد است ولی بعضی از آنها (پاراگراف ها) حاوی موارد متعدد دیگری نیز هستند و مابقی آن ها را به وقت دیگری می سپارد:

اول؛ فریاد وی بر سر مقامات سازمان کنفرانس اسلامی که برای حمایت از سرزمین مقدسی که قبله اول مسلمین است، که باید به پا خیزد و شر دشمن غدار صهیونیسم



منتقد به معنی واقعی کلمه که همان «نصح» مورد سفارش پیامبر خاتم (ص) است، از دیگر صفات ممتاز حضرت

آیت الله مکارم شیرازی است



سراسر جهان اسلام.

سوم؛ منتقد به معنی واقعی کلمه که همان «نصح» مورد سفارش پیامبر خاتم (ص) است، از دیگر صفات ممتاز حضرت آیت الله مکارم شیرازی است، زیرا حضرت ایشان از دولت‌های نه‌گانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همیشه «نقد» داشته‌اند اما زیبا، دلسوزانه، پدرانه، حکیمانه یعنی دقیقاً همانند آینه عمل کرده‌اند. هم خوبی‌ها را به تصویر کشیده‌اند و قدردانی خویش را ابلاغ کرده‌اند و هم کجی‌ها و کاستی‌ها را متذکر شده‌اند و هشدار داده‌اند. از جمله تقدیر معظم له از اقدامات دولت خدمتگزار در امر جمع‌آوری ذکات و گله‌مندی شدید وی از گرانی‌های بی حساب و کتاب فعلی در کل کشور.

چهارم؛ به‌هنگام بودن ایشان در حوادث مستحدثه در ایران اسلامی و جهان اسلام و عالم تشیع نیز تا حدود زیادی وی را از هم‌تایان خود متمایز می‌کند، مثلاً چگونگی مشی و منش ایشان در انتخابات‌های مختلف کشور و

هشدارهای حکیمانه‌اش راجع به کیفیت برگزاری آن‌ها. موضع‌گیری صریح، قوی و جدی در رابطه با حوادث جانگداز سامرا، نجف و سراسر عراق، پاسخ‌گویی مستقیم خودش بدون هرگونه واسطه‌ای به سؤالات شرعی مقلدین، تشریح چگونگی اسلام آمریکایی و غرب‌پسند. و چه بسیار است از اینگونه، که حضور جدی و به‌موقع وی را در سرنوشت مسلمانان سراسر عالم اعلام می‌کند و به عنوان یک ملجأ و ستون برای جهان اسلام و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، نقش‌آفرینی کرده است بعد از این نیز.

پنجم؛ ورود به فضای مجازی سایبر و استفاده‌ی درست از این ابزار پیشرفته و رواج و نشر دین و دیانت در سراسر جهان بشر از طریق این امکان مهم و قوی جهانی، به‌روز بودن ایشان را و اطلاع درست حضرتش را از جهان «انفجار اطلاعات» و چگونگی «تکنولوژی برتر» به تصویر می‌کشاند.

ششم؛ شناخت سماحتش از وضعیت عملکرد فرهنگی دشمن پیرامون نسل جوان کشور که اکثریت قابل توجهی هستند و فهم درستشان از چگونگی رواج فسق، فجور، فحشا و منکرات در نسل جوان توسط انواع رسانه‌های دیداری، شنیداری، اینترنت، سی‌دی، ماهواره، ویدئو و.و. و هشدارهای لازم و ضروری به والدین جهت آمادگی آنان برای مقابله با ناهنجاری‌ها و بزه‌های فردی و جمعی مورد اشاره.

هفتم؛ توجه خاص به بیداری جهان اسلام در مقابله با انواع توطئه‌های استکبار جهانی و لیبرالیسم غربی خصوصاً آمریکای جهان‌خوار، ویژگی بارز دیگر جناب ایشان است که سخت مفید و مؤثر بوده است.

هشتم؛ عنایت خاص به وضعیت معیشت و موقعیت مقلدین جنابش در سراسر عالم در وقت استنباط احکام الهی و صدور فتوا و بالآخر راجع به طواف حجج محترمی که مقلد او هستند، انصافاً فتوای معظم له در مجاز دانستن

طواف در کل صحن خانه خدا و کعبه معظمه، گره‌گشا بود و سال‌هاست که

بسیاری از حجج به راحتی می‌توانند

مناسک طواف را با زحمت کمتری

انجام بدهند و آرزومندیم که روزی

برسد که مراجع جهان اسلام و ایشان

راه حلی اسلامی و خداپسند راجع به

وقت افطار که اختلاف چنددقیقه‌ای

بین مفتیان عامه و مراجع شیعه

وجود دارد و در ماه مبارک رمضان

بیننا و بین الله حجج ایرانی (عمره‌گذاران) را با

مشکل جدی روبرو می‌گرداند، پیدا کنند و فتوا صادر

فرمایند.

نهم؛ از دیگر خصال پسندیده‌ای که از این مرجع تقلید سراغ داریم، «خلاقیت» ذهنی و اعتماد به نفس جدی که معظم له دارند، مثلاً پیشنهاد ایشان به دست‌اندرکاران فرهنگی کشور خصوصاً صدا و سیما در خصوص تولید فیلم‌هایی که با متون قرآنی و محتوای آسمانی زیر نظر متخصصان برجسته و کارشناسان کارآزموده و مورد اعتماد باشند، و یا دهم؛ موارد فراوان دیگری وجود دارد که در این مجال نمی‌گنجد، و لیکن از باب «خاتمه مسک» به ویژگی بسیار خاص ایشان در رابطه با انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه اشاره می‌شود که حقیقتاً همانند معما برای امثال صاحب این سطور باقی مانده است و آن همراهی جدی، قوی، شدید و اعتقادی و الهی حضرت ایشان با امام خمینی (قدس سره) و رهبر انقلاب حضرت آیت الله معظم خامنه‌ای (مدظله)، از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا «زماننا هذا». حالا چرا سماحتش دنبال مناصب حکومتی و امتیازات دولتی نرفت، الله اعلم. عمرشان دراز و وجودشان به سلامت و سایه‌اش بر سر مسلمین مستدام باد.



تبلیغ تشیع و ترویج فرهنگ علوی آن هم در سخت‌ترین شرایط و حساس‌ترین مقاطع تاریخی توسط این بنده خوب خدا که علوی تبار و حسینی مسلک است با ماهنامه «مکتب اسلام» که امید دل هر مسلمان مبارز و قوت قلب هر به‌تنگ‌آمده از خفقان بود





عضو هیئت علمی بنیاد فقه اهل البیت:

ویژگی بارز آثار آیت الله مکارم شیرازی نوآوری است

تدوین دایره‌المعارف «فقه مقارن» در حال انجام است، اشاره کرد و ادامه داد: این کار بسیار گسترده و زمان‌بری است ولی آیت‌الله مکارم شیرازی افق را می‌بیند و تأکید می‌کند ما باید راه را باز کرده و مسیر را نشان دهیم و هر اندازه که توانستیم اقدام به تدوین این دایره‌المعارف کنیم تا خط مشی روشن شود.

عضو هیئت علمی بنیاد فقه اهل البیت تأکید کرد: آیت‌الله مکارم شیرازی چه در زمان تحصیل خود و چه در زمان تدریس، تدوین کتب، ساخت مؤسسات خیریه و فرهنگی و مساجد پشتکار ستودنی و قابل تقدیری داشته و دارد.

داوودی نوآوری را یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله مکارم شیرازی عنوان کرد و توضیح داد: کتاب‌هایی وی که در ارتباط با عقاید و معارف نوشته، سرشار از نظم و نوآوری است و حتی برای پاسخ به کمونیست‌ها کتاب «فیلسوف‌نماها» را به صورت یک داستان تدوین کرده که در همان سال‌ها به عنوان کتاب سال نیز برگزیده شد.

وی ابراز کرد: نوآوری در همه آثار آیت‌الله مکارم قابل مشاهده است؛ در تفسیر نمونه می‌بینیم که این کار به شکل خاص و نویی انجام شده است. در نهج‌البلاغه «پیام امام امیرالمؤمنین» که هشت جلد آن چاپ شده و جلد نهم آن زیر چاپ است، نوآوری کاملاً منعکس است و در تدوین دایره‌المعارف «فقه مقارن» که سال گذشته نیز به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد، نوآوری ایشان چشمگیر است.

نوآوری از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله مکارم بوده و در همه آثار وی قابل مشاهده است؛ در تفسیر نمونه می‌بینیم که این کار به شکلی خاص و نو انجام شده و در «پیام امام امیرالمؤمنین» نوآوری کاملاً منعکس است.



حجت‌الاسلام والمسلمین سعید داوودی، عضو هیئت علمی بنیاد فقه اهل البیت و از شاگردان آیت‌الله مکارم شیرازی، به بیان برخی از ویژگی‌های بارز شخصیتی این مرجع تقلید و خدمات ارزنده وی به قرآن پرداخت.

وی داشتن پشتکار زیاد را از ویژگی‌های آیت‌الله مکارم شیرازی بیان کرد و گفت: پشتکار آیت‌الله مکارم در شروع هر کاری و به فرجام رساندن آن ستودنی است. در این سال‌هایی که در خدمت ایشان بودیم، گاهی پیشنهاد کارهای بزرگی از طرف آیت‌الله مطرح می‌شد که ما نسبت به فرجام آن شک و تردید داشتیم ولی ایشان با درایت، پشتکار و تجربه خود آن را پیش می‌برد.

این مدرس حوزه با اشاره به تدوین کلیات «مفاتیح نوین» یادآور شد: پیشنهاد این کار از سوی آیت‌الله مکارم شیرازی مطرح شد و خود افق کار را مشخص کرد و در مقابل نظر ما مبنی بر وقت‌گیر بودن آن، تأکید می‌کرد این کار لازم و ضروری است و در طول نزدیک به شش سال که تدوین این کلیات طول کشید، آیت‌الله مکارم نظارت می‌کرد و در مواقعی که ما سستی می‌کردیم، ما را تشویق می‌کرد.

این شاگرد آیت‌الله مکارم شیرازی در ادامه به تلاش‌هایی که برای

مطالب و اشکالات را بیان می‌کند ولی به طور کلی معتقد است نظام جمهوری اسلامی نباید تضعیف شود و همراهی خود را با نظام به انحای مختلف از جمله در راهپیمایی‌ها، انتخابات و غیره نشان داده است.

عضو هیئت علمی بنیاد قصه اهل البیت درباره خدمات آیت الله مکارم به قرآن و اسلام و تأثیر این خدمات بر رفع مهجوریت از قرآن در جامعه ابراز کرد: زمانی که ایشان تفسیر نمونه را آغاز کرد برخی‌ها معتقد بودند با وجود «مجمع البیان» و کتب تفسیری دیگر نیاز به این کتاب نیست ولی ایشان براساس نیازهای زمان و جامعه اقدام به این کار کرد.

وی تدوین و تألیف کتب براساس نیازهای جامعه را از ویژگی آیت الله مکارم بیان کرد و گفت: گاهی کسی سواد و علم دارد ولی مطالبی را می‌نویسد که نیاز جامعه نیست ولی آیت الله مکارم براساس نیازهای جامعه مطالب، کتب و سخنرانی‌های خود را ارائه می‌کند.

این مدرس حوزه یادآور شد: تفسیر نمونه از سال‌های پیش از انقلاب به تمام کتابخانه‌های کشور و نزد همه محققان نفوذ کرد و حتی در کشورهای عربی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد که به طور نمونه امام جمعه یکی از کشورهای آفریقایی به آیت الله مکارم گفته بود که در خطبه نماز جمعه خود از تفسیر نمونه استفاده می‌کند.

داودی تأکید کرد: تفسیر نمونه آیت الله مکارم و ترجمه روانی که بر قرآن ارائه داده، قرآن را به خانه‌های مردم وارد کرده است و کسی که بخواهد از قرآن استفاده کرده و نکته‌هایی را از آن برداشت کند، بی‌نیاز از این آثار نیست.

عضو هیئت علمی بنیاد اهل البیت با اشاره به تجدید چاپ تفسیر نمونه در سی نوبت، آن را نشانه اهمیت و توجه همگان به این اثر ارزشمند دانست و افزود: بسیاری از نویسندگان پایان‌نامه‌های قرآنی، از تفسیر نمونه استفاده می‌کنند و در بیش از ۹۰ درصد کتاب‌هایی که برای معارف قرآنی نوشته می‌شود از تفسیر نمونه و تفسیر المیزان استفاده شده است.

وی در پایان با اشاره به ایجاد رشته تخصصی تفسیر علوم قرآنی در حوزه به سرپرستی آیت الله مکارم شیرازی، اظهار کرد: تحت شورای مدیریت این بخش شاگردان بسیاری تربیت شده‌اند که امروزه خود از محققان برجسته هستند.

این شاگرد آیت الله مکارم شیرازی ابراز کرد: نوآوری این مرجع تقلید در بقیه ابعاد زندگی و کارهای تحقیقی و تدریس قابل لمس است؛ مطرح کردن حرف‌های تازه و بیان سخنان گذشتگان با نظم، شکل و ساختار تازه، هنر وی است.

عضو هیئت علمی بنیاد فقه اهل البیت در ادامه خاطر نشان کرد: ویژگی دیگر آیت الله مکارم نظم وی است و کسانی که با این مرجع تقلید در ارتباط هستند، تسلیم نظم ایشان می‌شوند که به طور مثال می‌توان به برگزاری منظم جلسات درس ایشان در طول سال اشاره کرد و اگر عذر و مشکلی هم پیش آید به همه اطلاع داده می‌شود.

این مدرس حوزه متذکر شد: آیت الله مکارم نظم موجود در کارهای خود را به دیگران منتقل کرده است. وی در شروع کردن و پایان دادن به کلاس‌های درس خود منظم بوده و معتقد است «در این جهان منظم، انسان نامنظم نمی‌تواند موفق باشد».

وی ساده‌نویسی و بیان روان و ساده را دیگر ویژگی آیت الله مکارم بیان کرد و افزود: مطالب عمیق را ساده بیان کردن، هنر است. همان مطالبی که دیگران با پیچیدگی بیان و تدوین می‌کنند، آیت الله مکارم با بیان ساده و روان مطرح می‌کند و از چاشنی تمثیل در نوشتار و گفتار خود بسیار درست استفاده می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین سعید داوودی درباره نقش این مرجع تقلید در برهه‌های مختلف انقلاب گفت: همراه و همگام بودن با نظام از ویژگی‌های شخصیتی آیت الله مکارم شیرازی است.

وی افزود: ایشان به یک معنا از مدیران فکری نظام بوده و هستند و بسیاری از شخصیت‌هایی که امروزه در جایگاه‌های مهم نظام هستند از سال‌های قبل با تألیف و کتب آیت الله مکارم آشنا بود و آنها را مطالعه کرده‌اند.

این مدرس حوزه علمیه یادآور شد: این مرجع تقلید سال‌ها برای تغذیه فکری مؤمنین و روشنفکران مسلمان تلاش کرده و براساس آن در تدوین قانون اساسی هم مشارکت فعال داشت و خود را در این نظام و انقلاب سهیم می‌داند و برای تداوم و بقای آن تلاش می‌کند.

وی با بیان اینکه همراهی آیت الله مکارم با نظام توأم با دید نقادانه است تصریح کرد: زمانی که نیاز شود ایشان

آیت الله حسین مومن شیرازی:

تلاش در جهت تبیین اصل ولایت فقیه از خصوصیات برجسته آیت الله مکارم شیرازی است

آیت الله مومن اعتقاد و تلاش آیت الله مکارم شیرازی در جهت اصل مترقی ولایت فقیه را از خصوصیات برجسته ایشان خواند و افزود: در مواضع ایشان از اول انقلاب تا به امروز تقویت ولایت فقیه عنصر اساسی بوده است.



آیت الله حسین مومن شیرازی مدرس حوزه، آیت الله مکارم شیرازی را مجموعه‌ای از خصائل و برجستگی‌های دینی، علمی و سیاسی در عصر حاضر دانست.

وی با بیان اینکه تفسیر قرآن باید محتوای قرآن را به جامعه منتقل کند، گفت: تفسیر قرآن باید به روشی باشد که همه مردم بتوانند از آن استفاده کنند و تفاسیر پر محتوایی در زمینه قرآن نوشته شده است و تلاش بر این بوده که حقیقت قرآن برای مردم تبیین شود.

این مدرس حوزه، خاطرنشان کرد: تفاسیر تخصصی به دلیل ویژگی‌های خاص خود که برای قشر خاصی نوشته می‌شود کاربرد همگانی ندارد و اصطلاحات و الفاظی دارد که مردم عادی با آن مانوس نیستند و همیشه نیاز به تفسیری همه‌فهم، سلیس و تحقیقی احساس می‌شود.

آیت الله مومن تصریح کرد: معظم‌له در نگارش این تفسیر گنجاندن حقایق تفسیری را اولویت می‌دادند و در جای جای آن به شبهاتی که دیگر مفسران و برخی افراد وارد کرده‌اند با استناد پاسخ داده شده است.

وی با بیان اینکه تفسیر نمونه روان و سلیس نوشته شده است، خاطرنشان کرد: قلم روان ایشان و سایر نویسندگان در نگارش این تفسیر موجب شده است که هر که آن را مطالعه می‌کند آیات الهی در عمق جاننش می‌نشیند.

این مدرس حوزه با بیان اینکه ایشان در نگارش تفسیر نمونه از جمعی از برجستگان و محققین قرآنی استفاده کرد، افزود: ایشان از نظرات مختلف در نگارش تفسیر بهره‌جستند و تفسیری جامع، علمی و پاسخ‌دهنده به شبهات روز به جامعه اسلامی تحویل دادند.

وی به شخصیت مبارزاتی آیت الله مکارم شیرازی در دوران قبل از انقلاب و بعد از آن اشاره کرد و افزود: در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایشان در تبعید در کنار مبارزات خود به تکمیل تفسیر نمونه پرداخت.

آیت الله مومن در مورد شخصیت این مرجع تقلید عنوان کرد: در

طول ۴۰ سالی که از نزدیک ایشان را می‌شناسم از لحاظ بعد فکری و نگاه به اصول و مبانی اسلام جامع‌نگر بوده‌اند.

وی به نقش آیت الله مکارم شیرازی در آشنایی مردم با قرآن و رفع مہجوریت از این کتاب الهی اشاره کرد و افزود: نگارش تفسیر نمونه با چاپ‌های متعدد، تالیفات قرآنی در مسائل روز جامعه و منش قرآنی ایشان در فعالیت‌ها و سخنرانی‌ها بسیاری از افراد جامعه را مشتاق قرآن کرده است و قرآن در صحنه اجتماع کاربردی شده است.

آیت الله مومن در مورد تربیت شاگردان آیت الله مکارم شیرازی گفت: ایشان با تلاش‌های فراوان در طی سال‌های متمادی به تربیت طلاب جوان همت‌گماشت و در این میان، شاگردان ممتازی را به جامعه علمی و سیاسی کشور تقدیم کرد.

وی نقش آیت الله مکارم در صحنه‌های انقلاب را مهم دانست و اظهار کرد: انتقادات ایشان از عملکرد رژیم شاه موجب تبعیدشان شد و بعد از انقلاب در کنار قضاوت و کارهای علمی و دینی در برهه‌هایی از نظام حضور فعال داشتند. این محقق قرآنی اعتقاد و تلاش این مرجع تقلید را در جهت تبیین اصل مترقی ولایت فقیه را از خصوصیات برجسته ایشان خواند و افزود: در مواضع ایشان از اول انقلاب تا به امروز تقویت ولایت فقیه عنصر اساسی بوده است و در شبهاتی که برخی در این زمینه وارد می‌کنند، ایشان با نظر علمی جایگاه ولایت فقیه و لزوم آن در عصر غیبت را مستدلاً توضیح می‌دهند.





مدرس حوزه علمیه قم:

توجه به مسائل اجتماعی و تربیتی در تفسیر نمونه برجستگی دارد

عابدی این مرجع تقلید را در مباحث تفسیری تحت تاثیر علامه طباطبایی دانست و افزود: علامه تفسیر المیزان را با هدف برخورد با خطر افکار وهابی‌ها در تبریز نوشت و در قم نیز درس تفسیر را پایه‌گذاری کرد.

وی باین مطلب که از اولین کارهای آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی ترجمه یک جلد از المیزان به زبان فارسی بود، افزود: ایشان خلاء کمبود نگارش‌های قرآنی به زبان فارسی را احساس کرد و ترجمه المیزان را نوشت، هرچند المیزان بهترین تفسیر عربی در دنیای اسلام است، اما با وجود ترجمه‌های متنوع به زبان فارسی به لحاظ برخی دلایل برای خواننده فارسی درک آن مشکل است، از این رو آیت‌الله مکارم شروع به نوشتن تفسیر نمونه کرد.

عابدی یکی از ویژگی‌های تفسیر نمونه را نظارت یک مجتهد عالم بر آن دانست و عنوان کرد: ایشان به خاطر اشراف به علوم مختلف اسلامی می‌توانند در تفسیر آیات قرآن اظهار نظر کنند و این نقطه قوتی برای تفسیر نمونه است و باید گفت این تفسیر به دلیل ویژگی‌های برجسته و استقبال مخاطب بهترین تفسیر فارسی است.

این محقق حوزوی با بیان اینکه مجتهد نبودن و عدم آشنایی با معارف قرآن موجب عدم فهم آیات قرآن می‌شود، افزود: برخی از افراد در تفسیر آیات قرآن دچار اشتباه می‌شوند، اما آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با درک درست مفهوم آیات قرآن به نوشتن تفسیر نمونه دست زد.

عابدی رویکرد اجتماعی تفسیر نمونه به قرآن را ویژگی خاص این تفسیر دانست و افزود: تفاسیر فراوانی نوشته شده است که بر جنبه‌های خاصی مانند تصوف، عرفان و ... تاکید دارند، اما در این تفسیر توجه به مسائل اجتماعی و تربیتی برجستگی دارد.

این محقق حوزوی با اشاره به نقش برجسته آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در مبارزات ملت ایران علیه رژیم شاه تصریح کرد: ایشان در سال ۵۶ در مدرسه امیرالمؤمنان در قم طلبه‌ها را به شرکت در راهپیمایی‌ها و آگاه کردن مردم تشویق می‌کرد، نکته مهم این است که معظم‌له تلاش داشت، بهانه به دست دشمن ندهد و جنبه‌های شرعی را در مبارزه رعایت کند.

عابدی خاطر نشان کرد: مبارزه با فساد و ظلم لب کلام ایشان بود و در درس‌های خارج فقه و اصول و درس اعتقادات ایشان که قبل از انقلاب اسلامی برگزار می‌شد، همانند شهید مطهری با طرح موضوعات فکری و سیاسی نسل جوان را آگاه می‌کرد.

وی در پایان این گفت‌وگو عنوان کرد: پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در اولین مقطع توطئه دشمن علیه انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی وارد میدان شد و با سخنرانی‌ها و حمایت‌های فراوان دین خود را در این زمینه ادا کرد و در این ۳۰ سال نیز مواضع ایشان حکایتگر همراهی با استوانه‌های انقلاب بوده است.

حجت‌الاسلام عابدی رویکرد اجتماعی تفسیر نمونه به قرآن را ویژگی خاص این تفسیر دانست و افزود: تفاسیر فراوانی نوشته شده است که بر جنبه‌های خاصی مانند تصوف، عرفان و ... تاکید دارند، اما در این تفسیر توجه به مسائل اجتماعی و تربیتی برجستگی دارد.



حجت‌الاسلام والمسلمین احمد عابدی، مدرس حوزه علمیه قم، با اشاره به جامعیت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در علوم مختلف اسلامی گفت: ایشان به عنوان یک فقیه، اصولی بزرگ و مرجع تقلید در علم کلام، فلسفه و منطق صاحب‌نظر هستند و از قدیم جزو اساتید مبرز و شناخته‌شده درس فلسفه و شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری بوده‌اند.

وی با بیان اینکه این مرجع تقلید از فلسفه جدید نیز آگاهی دارند، افزود: در موضوعات فلسفه جدید آثاری چون فیلسوف‌نماها که ایشان نوشته است از کتاب‌های برگزیده و مورد استقبال نسل حوزوی و دانشگاهی است.

این محقق حوزوی توجه به نیازهای نسل جوان را از دغدغه‌های گذشته و حال آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی دانست و ابراز کرد: ایشان قبل از انقلاب اسلامی انتشارات نسل جوان را تاسیس کردند و تاکنون نوع کتاب‌هایشان متناسب با نیازهای جامعه و جوانان بوده است.

حجت‌الاسلام عابدی با اشاره به اولین کتاب آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی گفت: کتاب «جلوه حق» با موضوع بررسی دیدگاه‌های صوفیه و دراپیش و تفاوت بین عرفان و تصوف نشان از آن دارد که ایشان از همان ابتدای عمر مباحثه‌کردن در موضوعات مختلف را هدف خود قرار داده است.

این پژوهشگر فلسفه، آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی را متواضع و وارسته به مسائل اخلاقی خواند و افزود: خضوع و تواضع ایشان نسبت به عالمان، دانشمندان و توده مردم زبانه همگان است و بسیاری از مردم به واسطه این ویژگی‌ها شیفته معظم‌له می‌شوند.

عابدی در ادامه این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: ورود ایشان به عنوان یک نویسنده در عرصه‌هایی که کار کمتری صورت گرفته، نتایج خوبی به همراه داشته است، مثلاً در موضوع قواعد فقهی با تالیف کتاب «قواعد الفقهیه» خلاء موجود در این زمینه را پر کرده است.

وی ساده‌نویسی را از ویژگی تالیفات آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی دانست و ابراز کرد: برخلاف عده‌ای که ساده‌نویسی را با سست‌نویسی اشتباه می‌گیرند، ایشان در همه کتاب‌ها و مباحث تفسیری در عین اینکه دقیق، عمیق و عالمانه با قلمی ساده می‌نویسند، این سادگی را با سست‌نویسی خلط نمی‌کنند و آثارشان در عین قوت علمی برای گروه‌های مختلف جامعه قابل خواندن است.



مدیر مرکز تخصصی مهدویت: اهتمام به قرآن از جلوه‌های بارز شخصیتی آیت الله مکارم شیرازی است

آیت الله مکارم شیرازی از همان آغاز طلبگی و شروع به کار توجه خاصی به قرآن داشتند و این عنایت به قرآن از معظم له شخصیتی ساخت که ناظر به مسائل جامعه و نیازهای هدایتی جامعه بود و اهتمام به قرآن از جلوه‌های بارز شخصیتی ایشان است.



حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی مدیر مرکز تخصصی مهدویت، گفت: علمای بزرگ و کسانی که بصیر به زمان بوده‌اند با دانستن شرایط زمانی نقش موثری در تاریخ ایفا کردند. وی به برخی از علمایی که در تاریخ اسلام منشأ اثراتی بودند، اشاره و تصریح کرد: در تاریخ عالمی مانند وحید بهبهانی طومار اخباری‌گری را در هم پیچاند و تفکر اصولی را در حوزه وارد کرد. این محقق قرآنی خاطرنشان کرد: در زمان‌های دیگر علما در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تحول اساسی در نگرش‌ها به وجود

آوردند که سرآمد آنها در عصر حاضر امام (ره) بود. وی آیت الله مکارم شیرازی را یکی از علمای بصیر دانست و افزود: ایشان از همان آغاز طلبگی و شروع به کار توجه خاصی به قرآن داشتند و این عنایت به قرآن از معظم له شخصیتی ساخت که ناظر به مسائل جامعه و نیازهای هدایتی جامعه بود و اهتمام به قرآن از جلوه‌های بارز شخصیتی ایشان است.

دبیر ستاد تفسیر قرآن کریم به نحوه نگارش تفسیر نمونه پرداخت و عنوان کرد: در هنگام نوشتن این تفسیر ایشان با گردآوری افرادی که انگیزه قرآنی داشتند و با ساماندهی و پشتیبانی از آنها کاری جمعی را شروع کرد و اصولاً جمعی کار کردن بسیار مشکل ولی آثاری که به بار می‌آورد گران بها است.

وی به ویژگی‌های تفسیر نمونه اشاره و تصریح کرد: این تفسیر به زبان فارسی نثری روان و با توجه به نیاز جامعه نوشته شده و نقش مهمی در آشنایی مردم و فرهیختگان با قرآن ایفا کرده است و امروز کمتر محقق و علاقه‌مند به قرآن است که تفسیر نمونه جزء منابع تحقیقی او نباشد.

مدیر مرکز تخصصی مهدویت با بیان اینکه آیت الله طباطبایی و تفسیر المیزان نقش مهمی در نوشتن تفسیر نمونه داشتند، افزود: آیت الله طباطبایی با نوشتن تفسیر جامعه‌ی چون المیزان نقش مهمی در بستر سازی برای نگارش تفسیر نمونه داشت.

وی به سایر ویژگی‌های آیت الله مکارم شیرازی اشاره و تصریح کرد: ایشان از نظر بنیه فکری انسانی قرآنی و از شاگردان امام (ره) و مراجع بزرگ بودند و از ابتدا تفکر انقلابی در معظم له وجود داشت.

مدیر مرکز تخصصی مهدویت در ادامه بیان کرد: البته نقش علمی و تبیین اصول اساسی اسلام در ایشان برجسته‌تر از نقش سیاسی است اگرچه در صف مبارزان بودند و سال‌ها در تبعید به سر بردند زیرا اندیشه معظم له در تضاد با حکومت طاغوت و دستگاه پهلوی بود.

وی یکی از ویژگی‌های بارز آیت الله مکارم شیرازی در قبل از انقلاب را نقش تئوریک و نظری دانست و اظهار کرد: در گذشته از راه مجله مکتب اسلام و سایر کتب در تبیین مبانی اسلام با نثر روان و سازنده در شکل دهی و هویت بخشی به جوانان نقش مهمی ایفا کردند که به تبعید ایشان منجر شد.

دبیر ستاد تفسیر قرآن کریم با بیان اینکه آیت الله مکارم در اتحاد مسلمانان نقش مهمی داشته است خاطرنشان کرد: ایشان به دلیل اینکه یک شخصیت فقهی هستند و برجستگی قرآنی و آگاهی نسبت به تاریخ اسلام و سیاست‌های استعماری دارند نگاهشان به مسائل جهان اسلام عمیق و ناشی از درکی آگاهانه است.

وی در پایان تصریح کرد: ایشان مراقب جریان‌اتی که با برافروختن آتش تعصبات و دعوا بین مذاهب جو نامناسبی در دنیای اسلام برپا می‌کنند، هستند و با بصیرت وضعیت کنونی مسلمانان و توطئه‌های استکبار را رصد می‌کنند و در بیان‌تشان تلاش دارند که ترفندهای استعمار و استکبار را برای مسلمانان روشن سازند.



آیت‌الله‌العظمی‌مکرم شیرازی در نگاه‌فان‌تقرانی



عباس سلیمی: حضور پر نشاط در عرصه اجتماعی از ویژگی‌های بارز آیت الله العظمی مکارم شیرازی است



حضور اقشار مختلف مردم به ویژه جوانان و اهالی قرآن برگزار می‌شد که طی آن استاد مکارم شیرازی بحث‌های کاربردی ارزشمندی را در مدت زمانی کوتاه ارائه می‌دادند که بعدها در یک کتاب تحت عنوان «۱۵۰ درس زندگی» منتشر شد.

این کارشناس قرآنی تأکید کرد: در حقیقت هدف استاد از ارائه این درس‌ها در قالب موصوف این بود که اسلام را برخوردار از یک برنامه زندگی معرفی کند و اسلام را به عنوان یک نظام جامع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای ادامه جامعه توانمند توصیف کند.

وی تأکید کرد: در همان ایام انتشار ماهنامه ارزشمند «مکتب اسلام» که تحت نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی و با همکاری جمعی از علما، استادان و دانشمندان انتشار می‌یافت، نقش بسزای در احیای دین، آشنایی مردم با آموزه‌های دینی و در حقیقت یک مقابله حساب شده و مؤثر با رژیم ستم‌شاهی بود.

سلیمی اظهار کرد: با مطالعه و شناخت مختصری از ویژگی‌های استاد به این نتیجه می‌رسیم که او از دوران کودکی از یک نبوغ علمی سرشار برخوردار بود و با اتکاء به این توانمندی کلاس‌های درسی دوران تحصیل را با سرعتی شگرف طی کرد و در سن ۱۸ یا ۱۹ سالگی موفق شد در درس مرجع بزرگ آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) حضور

عباس سلیمی با تأکید بر نبوغ علمی سرشار آیت الله العظمی مکارم شیرازی اظهار کرد: تلاش و پرکاری در صحنه فعالیت‌های دینی و قرآنی و حضور پر نشاط در عرصه اجتماعی از ویژگی‌های بارز این استاد شایسته است.



«عباس سلیمی»، استاد و پیشکسوت قرآنی، با بیان این مطلب گفت: در مورد اصلی‌ترین ویژگی‌های آیت الله العظمی مکارم شیرازی به حضور جدی و پر نشاط این استاد وارسته در صحنه‌های اجتماعی می‌توان اشاره کرد.

این استاد پیشکسوت قرآنی با اشاره به برخی از فعالیت‌های آیت الله العظمی مکارم شیرازی در راستای اشاعه و ترویج فرهنگ غنی قرآنی اذعان کرد: تلاش و پرکاری در صحنه فعالیت‌های دینی و قرآنی از ویژگی‌های بارز این استاد وارسته است.

وی درباره نحوه آشنایی خود با آیت الله العظمی مکارم شیرازی تصریح کرد: شناخت و استفاده از محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی «ناصر مکارم شیرازی» در مورد بنده به دهه ۵۰ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران باز می‌گردد، زمانی که در تهران محفلی با عنوان «مجمع دین و دانش» در مسجد حضرت امام حسین (ع) واقع در میدان امام حسین (ع) برگزار می‌شد. سلیمی ادامه داد: مجمع دین و دانش در بامداد هر آدینه با

یابد.

این پیشکسوت قرآنی عنوان کرد: به تعبیر بنده استعداد فوق درخشان و حافظه قوی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی و انس ویژه او با قرآن کریم سبب شد این روحانی برجسته در سن ۲۴ سالگی به درجه اجتهاد برسد.

وی درباره اصلی‌ترین ویژگی‌های استاد مکارم شیرازی با اشاره به هفت خصیصه بارز ایشان تصریح کرد: حضور جدی و پرنشاط در صحنه اجتماعی، موضع‌گیری‌های صریح، روشن و به موقع در قبال مسائل جامعه، برخورداری از یک بیان سلیس، روشن و تأثیرگذار که موجب جذب مستمعان می‌شود، سه ویژگی بارز استاد آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی است.

سلیمی ادامه داد: چهارمین ویژگی این استاد پیشکسوت و مجتهد والامقام، تلاش و پرکاری در صحنه فعالیت‌های دینی و قرآنی است و پنجمین مطلبی که درباره خصایص بارز ایشان می‌توان نام برد مدافع حریم تشیع بودن، است.

این پیشکسوت قرآنی اظهار کرد: تأکید بر استدلال و استناد قرآنی در تمامی مباحث و نقد عالمانه مودبانه

بر آراء و نظریات ناصحیح از دیگر ویژگی‌های بارز آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی است، هر کدام از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان مستلزم توضیح فراوان است اما افرادی که با شخصیت وی آشنایی دارند به طور قطع علاوه بر این خصایص، شاخصه‌های مثبت دیگری از ایشان در ذهن دارند.

وی در ادامه افزود: مجموع ویژگی‌های آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی موجب موفقیت و محبوبیت این استاد علمی در داخل و خارج از کشور شده است و اگر بخواهم بارزترین ویژگی ایشان را بازگو کنم در

یک کلام باید بگویم او همواره با قرآن کریم مانوس است.

سلیمی عنوان کرد: آثار و تألیفات ارزشمند حضرت استاد که بسیار فراوان است باز هم نشان از این دارد که ایشان همواره با طرح مسائل کاربردی روز در صدد هدایت جامعه بودند و وقت خود را معطوف به بررسی و پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی جامعه می‌کردند.

این داور بین‌المللی قرآن کریم اذعان کرد: انتشار موفق و مستمر نشریه «مکتب اسلام»، تدوین تفسیر ارزشمند «نمونه» که سال‌ها است به عنوان مرجع قابل اعتماد و مورد بهره‌برداری قرآنیان است و سایر آثار و کتب استاد مکارم شیرازی نشان از اهمیت ایشان بر پاسخ‌گویی به نیازهای موجود در اجتماع دارد.

وی با برشمردن آثاری از استاد مکارم شیرازی همچون: «عقیده یک مسلمان، اسلام در یک نگاه، در جستجوی خدا، اخلاق در قرآن، مشکلات جنسی جوانان، مدیریت و فرماندهی در اسلام و مهدی انقلابی بزرگ» تأکید کرد: ما وقتی به عناوین آثار استاد مکارم شیرازی می‌نگریم، نشان می‌دهد که به

حمدالله این مرجع بزرگوار همواره به روز در خدمت دین و مکتب اهل بیت (ع) بوده و عمر خود را صرف هدایت بندگان خدا کرده است.

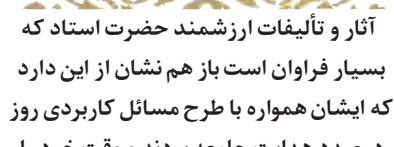
سلیمی در پایان یادآور شد: از جمله عبارات و دیدگاه‌های ارزشمند استاد مکارم شیرازی که در قالب یک نصیحت مطرح شده است می‌توان به این جمله اشاره کرد که ایشان می‌فرماید: «حجاب اعظمی که مانع لقاءالله می‌شود، خودخواهی و خودپسندی است و تحقق لقاء الهی و کسب رضایت خدا مستلزم شکستن بت خود است.»



تأکید بر استدلال و استناد قرآنی در تمامی مباحث و نقد عالمانه مودبانه بر آراء و نظریات ناصحیح از دیگر ویژگی‌های بارز آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی است، هر کدام از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان مستلزم توضیح فراوان است اما افرادی که با شخصیت وی آشنایی دارند به طور قطع علاوه بر این خصایص، شاخصه‌های مثبت دیگری از ایشان در ذهن دارند



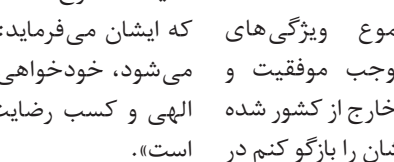
آثار و تألیفات ارزشمند حضرت استاد که بسیار فراوان است باز هم نشان از این دارد که ایشان همواره با طرح مسائل کاربردی روز در صدد هدایت جامعه بودند و وقت خود را معطوف به بررسی و پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی جامعه می‌کردند



تأکید بر استدلال و استناد قرآنی در تمامی مباحث و نقد عالمانه مودبانه بر آراء و نظریات ناصحیح از دیگر ویژگی‌های بارز آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی است، هر کدام از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان مستلزم توضیح فراوان است اما افرادی که با شخصیت وی آشنایی دارند به طور قطع علاوه بر این خصایص، شاخصه‌های مثبت دیگری از ایشان در ذهن دارند



تأکید بر استدلال و استناد قرآنی در تمامی مباحث و نقد عالمانه مودبانه بر آراء و نظریات ناصحیح از دیگر ویژگی‌های بارز آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی است، هر کدام از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان مستلزم توضیح فراوان است اما افرادی که با شخصیت وی آشنایی دارند به طور قطع علاوه بر این خصایص، شاخصه‌های مثبت دیگری از ایشان در ذهن دارند



مشاور عالی شهردار تهران: آیت الله العظمی مکارم از همه دستاوردهای تفسیری پیش از تفسیر نمونه بهره برده است



همه زمان ها نازل شده، آورده است.

مشاور شهردار تهران در ادامه این گفت‌وگو عنوان کرد: آیت الله العظمی مکارم شیرازی به همه دستاوردهای تفسیری پیش از نوشتن تفسیر نمونه آگاه بوده و توجه خاصی به سابقه تفسیری مطلب داشته است، مطالب به روز و کاربردی نیز برای علاقه‌مندان در این تفسیر نوشته است.

وی با بیان اینکه کتاب‌های این مرجع تقلید نیز خصوصیت ساده‌فهمی را دارا هستند، گفت: این کتاب‌ها هم در داخل و هم خارج ایران مورد استقبال دوستداران قرآن و دین قرار گرفته است.

وی با اشاره به اینکه استقلال حوزه و مرجعیت از نظر اقتصادی همیشه مورد توجه معظم له بوده است، افزود: با توجه به اینکه در حوزه‌ها فعالیت پژوهشی با محوریت دین صورت می‌گیرد، توجه به معیشت طلبه‌ها در پیشرفت این مهم لازم است و ایشان کارهای بزرگی در سامان دادن به وضعیت اقتصادی طلبه‌ها و گسترش علم انجام داده‌اند.

مؤذن این مرجع تقلید را الگوی اخلاق دانست و تصریح کرد: در برخوردهایی که با مردم دارند، ادب، محبت و روحیه شادی‌آور ایشان الگویی برای همه مردم و مسئولان است، در واقع معظم له آنچه را که اسلام از یک مسلمان انتظار دارد در خود به حد کمال پرورش داده است.

مشاور عالی شهردار تهران در ادامه این گفت‌وگو آیت الله العظمی مکارم شیرازی را به عنوان راهبری دانست که پژوهش‌های تحقیقاتی و علمی برجسته‌ای با صبغه قرآنی دارند.

وی در پایان با بیان اینکه آیت الله العظمی مکارم شیرازی شخصیت جامع‌الاطراف هستند، گفت: اصولاً مراجع به دلیل خصوصیت علمی و عملی در سطح نواخ هستند و تیزهوشی، احاطه به مطالب علمی، دقت فراوان، روحیه نقادی، مطالعه فراوان و پی‌گیری مطالب جدید و علمی از جمله شاخصه‌های علمی آیت الله العظمی مکارم شیرازی است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی به همه دستاوردهای تفسیری پیش از نوشتن تفسیر نمونه آگاه بوده و توجه خاصی به سابقه تفسیری مطلب داشته و مطالب به روز و کاربردی نیز برای علاقه‌مندان در این تفسیر نوشته است.



محمد هادی مؤذن، مشاور عالی شهردار تهران، با اشاره به خدمات ارزنده آیت الله العظمی مکارم شیرازی در حوزه دین و قرآن گفت: این مرجع بزرگ تقلید عمری را در راه گسترش فرهنگ زندگی بخش قرآن سپری کردند و تفسیر نمونه به عنوان اثری ماندگار در زمانی که کار گروهی در کشور جایگاهی نداشت، توسط جمعی از قرآن‌پژوهان با مدیریت ایشان در طی چندین سال به جامعه ارائه شد.

مشاور عالی شهردار تهران نوشتن تفسیر نمونه را نشان از روحیه جمع‌محوری آیت الله العظمی مکارم شیرازی خواند و تصریح کرد: وجود چنین روحیه‌ای سبب شد، نوشتن تفسیر نمونه با محتوای غنی و علمی به خوبی پیش برود.

وی با اشاره به ویژگی‌های خاص این تفسیر گفت: جمع کردن مطالب تفسیری قدما و افزودن مطالبی نو و کارآمد در کنار زبانی همه‌فهم موجب شده علاقه‌مندان زیادی با طیف‌های متنوع فکری و تحصیلاتی به آن رجوع کنند.

مؤذن توجه تفسیر نمونه به مسائل اجتماعی و علمی زمان خود را ویژگی دیگر این تفسیر برشمرد و افزود: این تفسیر آسان‌فهم نکات و مطالب علمی زیادی در حوزه‌های مختلف را در اثبات اینکه قرآن برای



علم تفسیر و پژوهشی برجسته‌ای به این تفسیر داده است.

ستوده‌نیا خاطر نشان کرد: در تفسیر نمونه گاهی مفسر مبادرت به حل مشکل تفسیری در یک آیه یا چند آیه می‌کند و به آثار تفسیری پیش از خود با تسلط کامل نگریسته است و پس از مطالعه آن آثار، نظر تفسیری خود را بیان می‌کند و در بسیاری از موارد مفسر با روشن بینی خاصی به نقد نگرش‌های تفسیری پیشینیان پرداخته است و در این زمینه شهامت قابل وصفی دارد.

این مدرس دانشگاه با بیان این‌که ترتیب منطقی و علمی در بیان مطالب، ارائه مستندات و ارائه مطالب نو از ویژگی‌های دیگر تفسیر نمونه است، تصریح کرد: آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با دارا بودن ویژگی فقهی، احاطه کاملی به دین و مباحث فقهی دارد و خواننده به آرای تفسیری ایشان اطمینان پیدا می‌کند.

ستوده‌نیا در پایان با اشاره به اختلاف برخی آرای تفسیر نمونه با نظرات مفسران پیشین بیان کرد: این هم یک مسئله علمی است که در علم تفسیر و بررسی روش‌های تفسیری قابل نقد و بررسی است.

محمد رضا ستوده‌نیا: تفسیر نمونه در عین سادگی به منابع اصیل علم تفسیر استناد می‌کند

ستوده‌نیا با بیان این‌که تفسیر نمونه در عین سادگی زیرساخت علمی دارد، عنوان کرد: استناد تفسیر نمونه به منابع اصیل علم تفسیر، ویژگی برجسته‌ای به این تفسیر داده است.



محمد رضا ستوده‌نیا، داور بین‌المللی قرآن کریم و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، با بیان این‌که آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در زمینه خدمت به ساحت قرآن گوی سبقت را از دیگران ربوده است، گفت: ایشان امکان دسترسی عموم مردم را به مفاهیم و تفسیر قرآن فراهم کرده‌اند.

وی مدیریت این مرجع تقلید بر تدوین تفسیر نمونه را اقدام مهمی خواند و افزود: ارائه ترجمه فارسی و روان از قرآن به فارسی‌زبانان در سراسر دنیا این امکان را فراهم کرده است که انس بیشتری با قرآن داشته باشند.

ستوده‌نیا با بیان این‌که آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی دیگران را به فعالیت قرآنی تشویق می‌کند، افزود: زحمات این مرجع تقلید موجب شد تا سایر قرآن‌پژوهان به فعالیت در راستای ترویج معارف قرآن در زمینه‌های تألیف، تفسیر، ترجمه و پژوهش‌های قرآنی بپردازند.

این مدرس دانشگاه خاطر نشان کرد: ترجمه‌های دیگر تفسیر نمونه به زبان انگلیسی و نشر آن در اینترنت سبب شده است تا قرآن‌دوستان بتوانند با فرهنگ قرآن کریم بنابر اعتقادات شیعه آشنا شوند و این کار ارزشمندی در خدمت به قرآن است.

این داور مسابقات قرآن با بیان این‌که تفسیر نمونه در عین سادگی زیرساخت علمی دارد، عنوان کرد: استناد تفسیر نمونه به منابع اصیل



موسوی بلده، داور بین المللی: تفسیر نمونه، تفسیری ساده و به روز است



علاقه مند هستند، توصیه می‌کنم از این تفسیر استفاده کنند. این پیشکسوت قرآنی کشور گفت: استاد آیت الله مکارم شیرازی به صورت صحیح و منطقی ابتدا تفسیر نمونه را نوشت که هنوز هم برای عموم قابل استفاده است و سپس از روی این تفسیر، ترجمه قرآن کریم را نوشت و این کار بسیار درستی است، زیرا ترجمه کردن قرآن کریم به صورتی نیست که فردی که با ادبیات عرب آشنا است، برود و ترجمه قرآن کریم را بنویسد، بلکه ترجمه قرآن کریم، یک ترجمه ویژه است و خود این کار تخصص خاص می‌خواهد و باید مترجم از فهم قرآن برخوردار باشد. موسوی بلده افزود: خداوند متعال به آیت الله مکارم شیرازی این توفیق را داد که ترجمه‌ای از قرآن کریم بنویسد که از تفسیر الهام گرفته شده است و به این ترتیب این ترجمه بسیار قوی است.

این دوار بین المللی قرآن کریم تصریح کرد: به عموم مردم به ویژه جوانان توصیه می‌کنم تفسیری را مطالعه کنند که به روز باشد و در عین حال ساده نوشته شده باشد و تفسیر نمونه می‌تواند جوابگوی نسل جوان جامعه باشد.

این پیشکسوت قرآن عنوان کرد: آیت الله مکارم شیرازی از محققان عالم تشیع است و وی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نشریه مکتب اسلام را منتشر می‌کرد و بنده در دوران دبستان با مجلات مکتب اسلام آشنا شدم که برای آن زمان بسیار مفید و روشنگر بود.

وی در ادامه گفت: آیت الله مکارم شیرازی سعی کرده است عالمی باشد که نیازهای زمانه را درک کند و پاسخگوی آن باشد و جامعه ما نیازمند این‌گونه شخصیت‌های علمی و دینی است.

موسوی بلده در ادامه افزود: وی مرجعیتی است که همواره با روحیه پژوهشگری در حال تلاش و کوشش است و سعی می‌کند مطالب را برای نسل جوان به روز نگارش کند تا جوانان بتوانند آن را درک و فهم کنند و وی از شخصیت‌هایی است که مورد احترام تمام آحاد جامعه است، زیرا هیچ‌گاه از تحقیق و پژوهش دست برنداشته است.

یکی از پیشکسوتان و داوران بین المللی قرآن کشورمان، درباره ویژه‌گی‌های تفسیر نمونه اظهار کرد: این تفسیر ساده و به روز است به گونه‌ای که توده مردم به راحتی می‌توانند آن را بخوانند از آن استفاده کنند.



«سید محسن موسوی بلده» کارشناس و داور بین المللی قرآن کریم، با بیان این مطلب گفت: تفسیر قرآن کریم هر دوره‌ای از زمان باید به روز شود و با نیازهای روز نوشته شود، زیرا قرآن کریم کتابی است که هرگز کهنه نمی‌شود و این کتاب برای همیشه راهنمای انسان‌ها است و باید تفسیر آن هم با زمان نو شود، البته معنی این سخن این نیست که قرآن کریم را با زمان حال تطبیق دهیم، بلکه باید نیازهای روز را با توجه به آیات قرآن کریم حل کنیم.

وی در ادامه افزود: بعد از تفسیر ارزشمند «المیزان» که توسط استاد علامه طباطبایی نوشته شد که تفسیری بسیار قوی و مبسوط است، اما در عین حال به یک تفسیر به روزتر که بتواند نیاز نسل جوان را تأمین کند، احساس نیاز می‌شد و این چیزی بود که استاد آیت الله مکارم شیرازی حس کرد و آن را انجام داد.

این کارشناس قرآن کریم اظهار کرد: آیت الله مکارم شیرازی این کار مهم را قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شروع کرد و البته در این راه ۱۰ نفر از شخصیت‌های علمی حوزه علمیه قم، زیر نظر وی در این راه تلاش کردند.

موسوی بلده تصریح کرد: تفسیر نمونه، تفسیری ساده و به روز است به گونه‌ای که توده مردم به راحتی می‌توانند آن را بخوانند از آن استفاده کنند، همچنین این تفسیر بسیار جوابگو و جوان‌گراست که بسیاری از سوالات را برای مردم پاسخ داده است.

وی در ادامه افزود: بنده نیز در برنامه‌ها، کلاس‌ها و جلسات قرآنی از تفسیر نمونه استفاده می‌کنم و به همه کسانی که به علوم قرآنی



حنیفی، پیشکسوت قرآنی: تفسیر نمونه با وجود سادگی، مباحث قرآنی را جامع مطرح کرده است

یکی از پیشکسوتان قرآنی با اشاره به ویژگی «تفسیر نمونه» در مقایسه با سایر تفاسیر قرآنی، گفت: «تفسیر نمونه» با وجود سادگی، مباحث اصلی قرآنی را به طور جامع و کامل مطرح کرده است.

«علی اکبر حنیفی» داور بین المللی قرآن کریم، درباره شخصیت علمی و ویژگی‌های «تفسیر نمونه» آیت الله العظمی مکارم شیرازی عنوان کرد: بیشتر کتب تفسیری قرآن کریم به حدی دشوار و غامض هستند که بیشتر واژگان و اصطلاحات آن برای عموم قابل فهم و درک نیست و نوع گفتمان این کتب به قرن‌های گذشته مرتبط است. این مدرس قرآن کریم گفت: نمونه‌ای از این کتب مانند تفسیر «ابوالفتوح رازی» است و با وجود این‌که جزء تفاسیر بسیار قوی به شمار می‌رود، اما بعضاً مطالب مطرح شده در آن به دلیل تجزیه و تحلیل بسیار تخصصی، برای بسیاری از افراد قابل درک نیست.

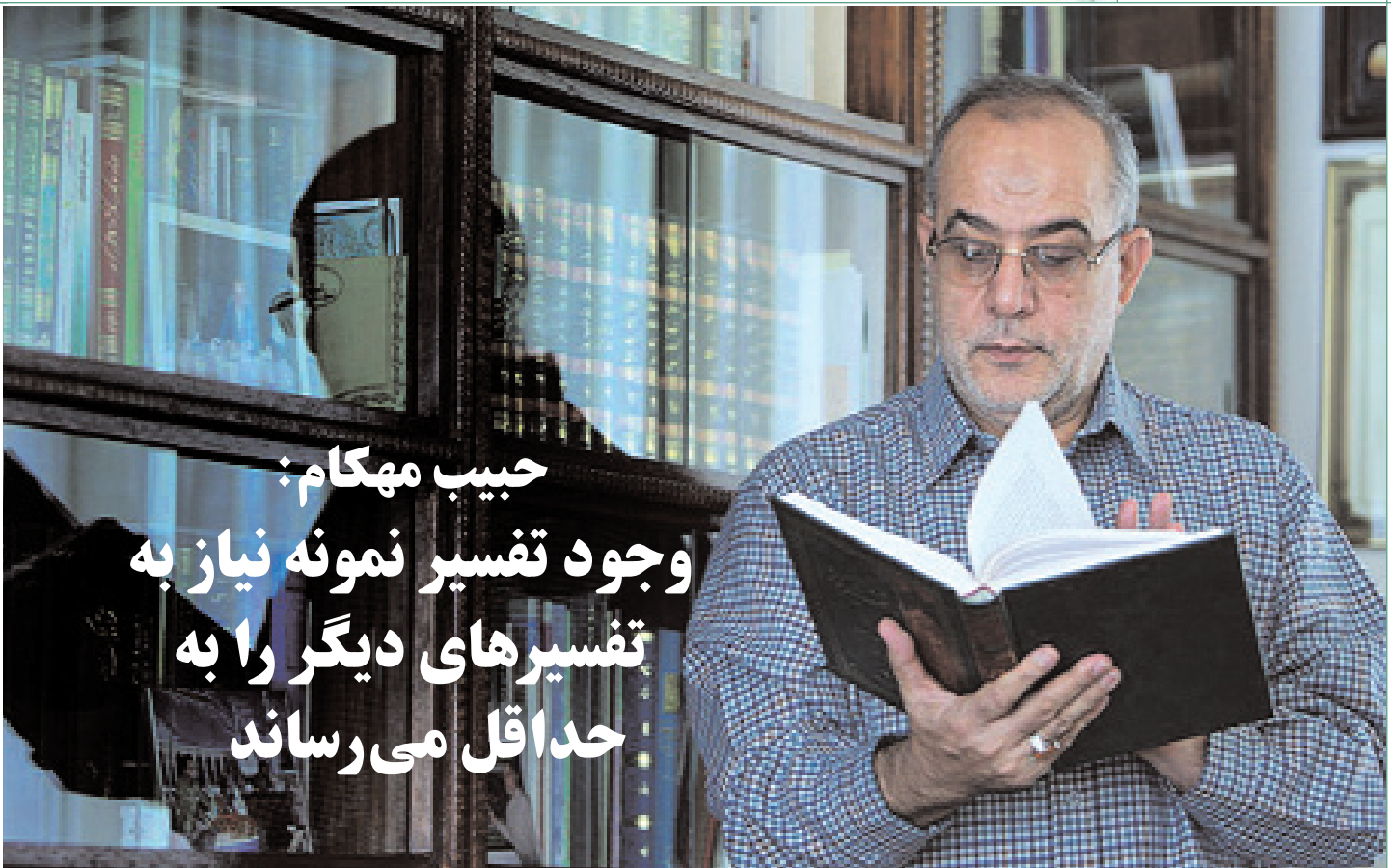
وی با اشاره به این‌که ویژگی تفسیر نمونه نگارش و بیان بسیار ساده و روان آن است، تصریح کرد: این سادگی منجر به آن نشده است که به مطالب مهم قرآنی به طور ناقص و سطحی اشاره شود، بلکه تمامی مباحث اصلی به طور کامل و جامع و با بهترین نگارش مطرح شده است. این قاری بین المللی افزود: در این کتاب تفسیری آیات قرآن بر اساس آیات دیگر، روایات ائمه اطهار (ع) و مسائل عقلی، همچنین مباحث علمی و اجتماعی به خوبی مرتبط شده است، به نحوی که جوانان در هر پایه تحصیلی و حتی روشنفکران و افراد صاحب نظر به سهولت از جوهر و کلام و محتوای قرآن و از این بحر عمیق با استفاده از کتاب تفسیر نمونه بهره‌مند می‌شوند.

حنیفی با اشاره به پایه‌گذاری انتشار مجله «مکتب اسلام» پیش از پیروزی انقلاب اسلامی توسط آیت الله العظمی مکارم شیرازی، گفت: منابعی که بتواند به صورت کاملاً به‌روز مسائل دینی را به ویژه برای جوانان تشریح و بازگو کند، بسیار اندک بود و جوانان تشنه مباحث دینی که به دنبال مطالبی تازه بودند به سمت این مجله وزین گرایش پیدا

کرده بودند.

وی ادامه داد: در آن زمان نبود منبعی که بتواند سؤالات روز جامعه به ویژه نسل تحصیلکرده و جوان را به صورت مقایسه‌با آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) ارائه کند، احساس می‌شد که مجله مکتب اسلام با دارا بودن مباحث متعدد و متنوع اسلامی این خلأ را تا حد زیادی برطرف ساخته بود. این پیشکسوت قرآنی اظهار کرد: در عنفوان جوانی با وجود مسافت طولانی بین منزل تا محل برپایی سخنرانی «آیت الله العظمی مکارم شیرازی» که در حسینیه بنی فاطمه (س) تهران در ایام ماه مبارک رمضان برگزار می‌شد، با شوق زیاد و به دلیل علاقه‌ای که به این شخصیت پیدا کرده بودم، شرکت می‌کردم.

وی در پایان با اشاره به این‌که این مرجع عالی مقام در سخنرانی‌های خود از کلمات تأثیرگذار و همه فهم که در عین عامیانه بودن بسیار عالمانه است، استفاده می‌کنند، گفت: سخنان ایشان بر روی جوانان و نوجوانان آن زمان تأثیرگذار بود و هر زمانی که در جلسات ایشان حضور پیدا می‌کردم و با سیل جمعیتی مشتاق و افرادی که دنبال معرفت و آگاهی بودند، مواجه می‌شدم، انگیزه‌ام برای حضور در این جلسات بیشتر می‌شد.



حبیب مهکام: وجود تفسیر نمونه نیاز به تفسیرهای دیگر را به حداقل می‌رساند

طباطبایی کافی نیست، بلکه تفسیرهای مختلف نیز باید در کنار آن باشد تا بتوان به مطلب بیان شده از سوی قرآن کریم پی برد. مهکام تصریح کرد: در دوران دفاع مقدس در تفسیر آیات ۱۹۰ به بعد سوره بقره جمع بندی کاملی برایم حاصل نشد تا این که به تفاسیر دیگری مراجعه کردم و آن مطلبی را که به دنبالش بودم یافتم.

این پیشکسوت قرآنی گفت: به عنوان شاگرد مکتب قرآن و اهل بیت (ع) به تمام قاریان و همه مردم شریف ایران سفارش می‌کنم تنها به قرائت قرآن کریم نپردازند، بلکه در کنار آن به تفاسیر قرآن نیز توجه کنند، زیرا حیف است از آیات قرآن کریم تنها به ظاهر آن توجه شود و استفاده کامل از آن نشود.

مهکام افزود: در سوره قمر آیات ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰ به این اشاره شده است که انسان می‌تواند از قرآن کریم پند بگیرد و از مفاهیم آن استفاده کند و این مطلب با مراجعه به تفاسیر قرآن کریم امکان پذیر است. وی اظهار کرد: در آیه ۲۴ سوره انفال در مورد حیات طیبه اشاراتی آمده است و حیات طیبه داشتن، نیاز به بهره‌گیری از قرآن کریم و مفاهیم حیات بخش آن دارد.

این پیشکسوت قرآنی در پایان تصریح کرد: قرآن شفا بخش است، در آیه ۸۲ سوره اسرا و در کنار آن آیه ۵۷ سوره یونس (ع) به این موضوع اشاره شده است.

گر تو می‌خواهی مسلمان زیستن
نیست ممکن جز به قرآن زیستن

یک پیشکسوت قرآنی با اشاره به ویژگی‌های تفسیر نمونه، گفت: فردی که تفسیر نمونه را در اختیار داشته باشد نیاز به تفسیرهای دیگر را در حداقل می‌بیند، زیرا تفسیر نمونه جامعیت دارد.



«حبیب مهکام» پیشکسوت قرآنی کشورمان، با بیان این مطلب گفت: فردی که تفسیر نمونه را در اختیار داشته باشد خیلی نیازی به تفسیرهای دیگر را احساس نمی‌کند، زیرا تفسیر نمونه جامعیت دارد، البته کافی نیست.

وی در ادامه افزود: بنده این افتخار را دارم که از سال ۱۳۴۶ به صورت مرتب با تفسیرهای قرآن کریم انس و الفت و رابطه تنگاتنگی پیدا کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که تمام دوره‌های تفاسیر قرآن کریم دارای ویژگی‌های خاص خود و هر کدام دارای امتیازاتی هستند. این پیشکسوت قرآنی اظهار کرد: اگر اهل تفسیر و تحقیق یک دوره کامل تفسیر نمونه را در اختیار داشته باشد از تفسیرهای دیگر بی‌نیاز است، زیرا حدود ۸۰ درصد علوم قرآنی در این تفسیر وجود دارد.

مهکام گفت: به تمام اهل تفسیر و تحقیق سفارش می‌کنم که خواندن تفسیر نمونه را در اولویت قرار دهند، زیرا این تفسیر بسیار مهم است.

وی افزود: برای اهل تفسیر و تعبیر در قرآن کریم یک دوره یاد و دوره تفسیر قرآن کریم کافی نیست، برای مثال تنها تفسیر المیزان علامه



نجفی قدسی:

سیر مقالات آیت الله مکارم در عرصه مطبوعات دائرة المعارفی اسلامی است

مبانی اسلامی آشنا کنند، معارف دینی را برای آنان تبیین کنند و آنان را از انحرافات و خطراتی که به لحاظ اجتماعی و مفسد اخلاقی که آنان را تهدید می‌کرد، بازدارند.

مسئول صفحات قرآنی مطبوعات با بیان این‌که توجه ایشان به نسل جوان در اشکال مختلفی بروز و ظهور داشت، تصریح کرد: یک قسم آن در قالب کتب مطالعاتی برای نسل جوان بود و قسم دیگر ارائه مجلاتی برای نسل جوان؛ همانند مجله «مکتب اسلام» و مجله «نسل نو» که در آن زمان منتشر می‌شد و وظیفه هدایت‌گری آموزش‌های دینی و اعتقادی جوانان را بر عهده داشت.

وی خاطر نشان کرد: در آن زمان همه‌ای به اعتقادات مردم صورت می‌گرفت و می‌خواستند تا بدین وسیله به مردم القا کنند که کل دین و باورهای مذهبی خرافاتی بیش نیست. آنان شگردهای مختلفی هم برای رسوخ در افکار مردم و تخریب اعتقادات آن‌ها به کار گرفتند که یک نمونه آن، طرح سؤالات مختلف در جامعه بود که اذهان مردم را مشغول می‌کرد. ناگهان سؤالات مختلفی در جامعه پراکنده می‌شد که بعضا ریشه‌های فلسفی داشت، اما غالبا مغلطه و یا سفسطه بود و چینی‌شی در طرح سؤالات انجام می‌دادند تا بتوانند مخاطبان را اغوا کنند. این فعال قرآنی کشور اظهار کرد: آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی،

حجم مقالاتی که از آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی به مناسبت‌های مختلف در مطبوعات در موضوعاتی از جمله تفسیر آیات قرآن و تبیین سیره اهل بیت (ع) منتشر شده، زیاد است و اگر این آثار جمع‌آوری شود، دائرة المعارف بزرگ اسلامی را شکل می‌دهد.



مرتضی نجفی قدسی، از خادمان قرآن کریم، درباره آشنایی خود به آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی اظهار کرد: این آشنایی به قبل از انقلاب و به زمانی باز می‌گردد، که من یک کودک سیزده‌ساله و علاقه‌مند به شرکت در مجالس دینی و مذهبی بودم. آیت‌الله مکارم به اصفهان تشریف آورده بودند و شب‌ها سخنرانی داشتند. جمعیت عظیمی در مسجد «سید»، که یکی از مساجد بزرگ اصفهان است، جمع می‌شدند و از بیانات ایشان استفاده می‌کردند. تقریباً اولین آشنایی ما از این‌گونه مجالس آغاز شد و این ارتباطات عمیق‌تر و نزدیک‌تر شد.

وی افزود: یکی از ویژگی‌های اساسی که آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در بحث تبلیغ داشتند، این بود که مخاطب عمده سخنان خودشان را نسل جوان قرار دادند؛ لذا انتشاراتی که تأسیس کرده بودند و کتاب‌های ایشان را منتشر می‌کرد، «نسل جوان» نام نهاده بودند. ایشان توجه خیلی ویژه‌ای داشتند برای این‌که بتوانند نسل جوان را با



این‌ها یکی از کارهایشان دریافت سؤالات در سطح جامعه بود. افرادی سؤالی داشتند، پاسخ می‌دادند. من خودم در همان زمان، مکاتبه‌ای با آیت‌الله مکارم داشتم و چهار سؤالی که در ذهنم بود را از محضر ایشان کتبا پرسیدم.

مشاور مطبوعاتی خبرگزاری ایکننا بیان کرد: من هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم که سؤالاتم را خود آیت‌الله مکارم با دست خط مبارک و امضای شخصی‌شان پاسخ دهند. چندی نگذشت که دیدم پستیچی نامه‌ای آورد که آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در آن نامه خطاب به بنده که نوجوان سیزده ساله‌ای بودم با احترامات و خطابات شایسته، سؤالات مرا پاسخ داده بودند.

نجفی قدسی در ادامه خاطرنشان کرد: اجمالا این شیوه‌ای بود که

در آن زمان کار مهمی که انجام دادند، تدوین یک سری کتاب‌هایی با نام پرسش‌ها و پاسخ‌های نسل جوان بود که از سوی انتشارات نسل جوان منتشر شد و مجموعه‌ای چهار جلد بود که تیراژ گسترده‌ای هم داشت و فکر می‌کنم آن زمان صدها هزار نسخه از آن منتشر شد و در بسیاری از خانه‌ها این کتاب وارد شده بود. ایشان به این وسیله به شبهات مطرح شده و سؤالاتی که اذهان را به خود مشغول کرده بود، پاسخ می‌دادند. در واقع جوانان کل کشور را با منشورات خودشان هدایت دینی می‌کردند.

وی با بیان این‌که در این کتب تمام سؤالاتی که مبتلا به جامعه بود، پاسخ داده می‌شد، گفت: مؤسساتی که ایشان به عنوان مختلف از جمله مؤسسه تحقیقاتی «امیرالمؤمنین» یا «نسل جوان» داشتند، که

شیرازی انجام دادند که مردم را با مبانی دینی و قرآن و عترت (ع) آشنا کردند. اگر جامعه و نسل جوان ما از ابتدا اصلاً با دین آشنا نبود، چگونه می توانست انقلاب مذهبی کند؟ بنابراین هرچقدر که جامعه با مبانی دینی و قرآن کریم آشنایی بیشتر داشته باشد، مشخص است که زمینه انقلاب در آن ها بیشتر پدیدار خواهد بود.

مشاور مطبوعاتی خبرگزاری قرآنی ایران اظهار کرد: خوشبختانه زحمات ارزشمند آیت الله العظمی مکارم شیرازی و دیگر علما و بزرگان در آن دوران مؤثر واقع شد و یک آگاهی عمومی در زمینه مسائل دینی پدید آمد و حساسیت هایی که باید در این زمینه در جامعه باشد، ایجاد شد که در جای خود نقش بسیار مهمی داشت.

وی اظهار کرد: ایشان از ابتدا اهتمام جدی به تفسیر قرآن داشتند و از جمله اولین کسانی بودند که یک روز از درس خارج خود را به تفسیر قرآن اختصاص دادند و کارگروهی از علمای بزرگ تشکیل دادند که تفسیر نمونه که اکنون جزو تفاسیر مطرح و قابل استفاده برای عموم افراد جامعه است را به نگارش در آوردند.

وی بیان کرد: در تألیف این تفسیر ده نفر از علمای برجسته حوزه با محوریت ایشان این تفسیر را به نتیجه رساندند و خوشبختانه یک دوره برگزیده و خلاصه از آن نیز منتشر شده است. تفسیر موضوعی نیز گام دیگری بود که ایشان برداشت و از آن نیز مجلدات بسیاری منتشر شده است.

وی اظهار کرد: این رویکرد به تفسیر قرآن از مشخصه های مهم ایشان است که می توان گفت مهجوریت قرآن را که حتی در حوزه هم قدری مشهود بود، از بین برد. برخی دیگر از علما نیز همین روش را اتخاذ کردند و آنان نیز مباحث تفسیر و علوم قرآن را در مباحثات و جلسات درسی حوزه بیشتر مورد بحث قرار می دهند. این فعال قرآنی کشور افزود: هم اکنون نیز مرکز تخصصی تفسیر قرآن حوزه علمیه قم عمدتاً در مدارس وابسته به آیت الله العظمی مکارم شیرازی مستقر است و در اصل اشراف عالیه ایشان بر این گروه تخصصی است، همانطور که گره تخصصی کلام در مدرسه آیت الله سبحانی مستقر است، گروه تفسیر نیز سال ها تحت نظر ایشان بوده است.

وی تصریح کرد: حضور آیت الله العظمی مکارم شیرازی در بسیاری از عرصه های اجتماعی و موقعیت هایی که برای مردم پدید می آمده بسیار حائز اهمیت است. در سالی که خشکسالی شدید شد و ماه ها در قم باران نیامد و این مسئله همه را نگران کرده بود و من از اتفاق، آن ایام در قم بودم که دیدم اطلاعیه ای از طرف دفتر ایشان منتشر شده که مردم را دعوت به خواندن نماز استسقاء کرده بودند.

این خادم قرآن کریم بیان کرد: این نماز از سنت های مستحبی است که در سیره علمای گذشته آخرین نفری که نماز استسقاء خواند، آیت الله خوانساری بود. این روایت بسیار مشهور است که در زمان جنگ جهانی که قوای روس و انگلیس ایران را اشغال کرده بودند، آیت الله

ایشان در رابطه با آحاد جامعه مخصوصاً نسل جوان داشتند که همین روش کافی بود که یک جوان را جذب به خود کند؛ چرا که یک عالم برجسته بزرگ و شخصیت کم نظیری همانند ایشان که شهره جهان اسلام بودند، این چنین به سؤالات یک نوجوان اهتمام داشتند و شخصاً پاسخ این سؤالات را می دادند.

وی با بیان این که علاوه بر این منشورات و مجلات یا پاسخ گویی ها، خود این منبرهایی که ایشان می رفتند، نقش زیادی در روشنگری افکار عمومی داشت، گفت: با توجه به این که آیت الله العظمی مکارم شیرازی از مدرسان و علمای عالی رتبه حوزه علمیه قم بودند و معمولاً مدرسان حوزه کمتر به منبر می پردازند، اما ایشان از همان ابتدا در کنار درس و بحث حوزه، بحث منبر را هم اهمیت می دادند.

این خادم قرآنی افزود: چون اساساً ایشان به بحث تبلیغ اهمیت می دادند و خود منبر هم از وسائل مهم تبلیغ و اطلاع رسانی بود. در آن زمان هیچ رسانه ای در اختیار علما نبود، منبر اصلی ترین رسانه روحانیت محسوب می شد و ایشان از این ابزار به نحو احسن استفاده می کردند. در جلساتی که ایشان دعوت می شدند، هزاران نفر،

در پای منبرهای ایشان می نشستند و تجمع می کردند و تشکیل این اجتماعات عظیم مذهبی با توجه به آن که در آن زمان یک رژیم طاغوتی در رأس کار بود، فی نفسه بسیار مهم بود.

مسئول صفحات قرآنی مطبوعات با بیان این که طبیعی بود که این اجتماعات بزرگ مذهبی حساسیت های رژیم را برانگیزد، تصریح کرد: به هر حال ایشان بر روی یک خط و میزانی کار می کردند که بتوانند برنامه های تبلیغی خود را همچنان داشته باشند و اساس را بر هدایت دینی مردم گذاشته بودند.

وی بیان کرد: باید بگوییم که اساساً زمینه سازی این انقلاب در جامعه دینی و مذهبی را شخصیت هایی همانند، آیت الله العظمی مکارم



به بحث مطبوعات و رسانه‌ها است. ایشان زمانی به من فرمود که من انقلاب به حضرت امام خمینی (ره) عرض کردم: «شما اگر می‌خواهید این مملکت اسلامی شود، راهش این است که این مردم بآشنایی پیدا کنند و این هم هیچ راهی ندارد جز این که همین علما مردم را بآشنا کنند. بنابراین ما یک ایستگاه رادیو تلویزیونی خاص حوزه علمیه



آن روز عده زیادی از طلاب و مردم قم همراه ایشان شدند و به بیابان‌های اطراف جمکران رفتند و همراه ایشان دعا کردند و نماز که تمام شد و به سمت قم بازمی‌گشتند باران شروع به باریدن کرد و در حدود یک ساعتی بارید و فضا را دگرگون کرد

قم نیاز داریم».

وی تصریح کرد: در آن وقت آیت الله العظمی مکارم شیرازی تشخیص داده بود که تأسیس یک ایستگاه رادیویی و تلویزیونی برای حوزه علمیه قم صورت بگیرد. حضرت امام (ره) نیز برای اجرایی شدن، موضوع را به محمد هاشمی، رئیس وقت صدا و سیما محول کردند و در آن وقت این موضوع محقق نشد، اما شاید باب و انگیزه‌ای شد که تلویزیون نسبت به استفاده از دروس علما و ارشادات آن‌ها توجه بیشتری کند. اکنون شبکه معارف و قرآن داریم. بسیاری از درس‌های علما از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود. اما این مسئله توجه ایشان را نسبت به استفاده از ابزارهای جدید نشان می‌داد. مسئول صفحات قرآنی مطبوعات در پایان اظهار کرد: آیت الله العظمی مکارم شیرازی در زمینه مطبوعات اکتفا به این نمی‌کرد که کتاب‌ها و منبرها و درس ایشان موجود است.

حجم مقالاتی که از ایشان به مناسبت‌های مختلف در مطبوعات در این سی سال چاپ شده، حجم بسیار زیادی است که مجموعه آن دائرةالمعارف اسلامی می‌شود؛ زیرا در موضوعات مختلف از جمله اعتقادات، احکام، اخلاق، تفسیر آیات قرآن و تبیین سیره اهل بیت (ع) در مقالات که به



حجم مقالاتی که از ایشان به

مناسبت‌های مختلف در مطبوعات در این

سی سال چاپ شده، حجم بسیار زیادی

است که مجموعه آن دائرةالمعارف

اسلامی می‌شود

مناسبت‌های مذهبی مختلف بود، منتشر می‌شد. اگر سیر مقالات آیت الله العظمی مکارم شیرازی در عرصه مطبوعات جمع‌آوری شود، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی می‌شود.



خوانساری در بیرون شهر قم و در مقابل چشمان همه نماز خواندند و باران شدیدی آمد. وی خاطرنشان کرد: بعد از آن واقعه دیگر کسی اهتمام به این کار نکرده بود تا این که آیت الله العظمی مکارم شیرازی تصمیم به این کار گرفتند. در آن زمان همه گفتند چگونه ایشان این کار را می‌خواهد انجام دهد؟ این کار ریسک بزرگی است و

ممکن است باران نیاید و برای ایشان وجهه خوبی نخواهد داشت و بالاخره تبعات فراوانی را به همراه داشته باشد. مسئول صفحات قرآنی مطبوعات افزود: آن روز عده زیادی از طلاب و مردم قم همراه ایشان شدند و به بیابان‌های اطراف جمکران رفتند و همراه ایشان دعا کردند و نماز که تمام شد و به سمت قم بازمی‌گشتند باران شروع به باریدن کرد و در حدود یک ساعتی بارید و فضا را دگرگون کرد.

من در فردای آن روز که دیداری با ایشان داشتم، عرض کردم که شما چگونه جرأت انجام چنین کاری داشتید؟! اگر باران نمی‌آمد که آبروی شما در خطر قرار می‌گرفت. این بیان من ناشی از دلسوزی بود که چرا شما چرا آبرو و موقعیت تان را در معرض این چنین ریسک و خطری قرار دادید. وی بیان کرد: آیت الله العظمی مکارم شیرازی در پاسخ من گفتند: «ما موظف به انجام عبادات هستیم و مسئول نتیجه آن

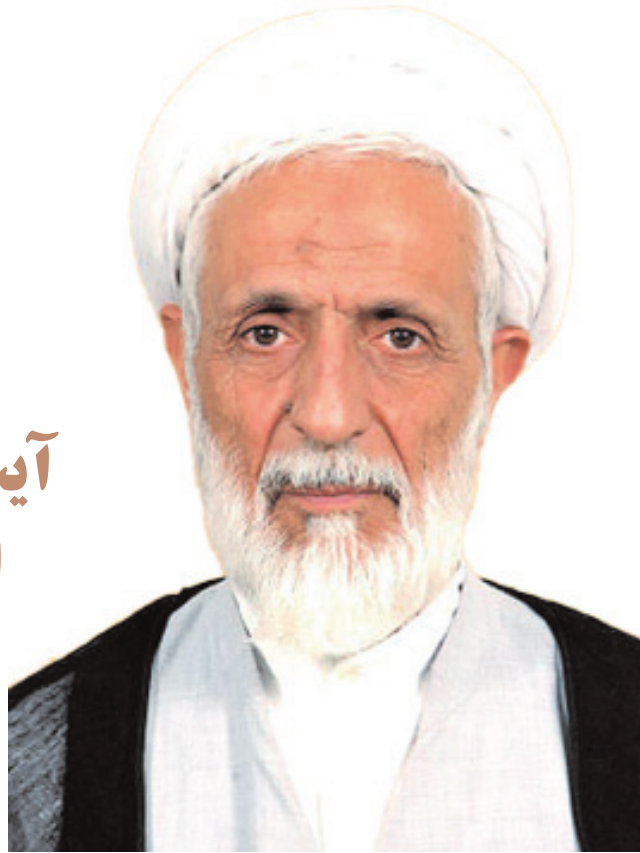
نیستیم. خداوند امر کرده که اگر خشکسالی شد نماز استسقاء بخوانید.

من اگر باران نمی‌آمد، از این جهت که به آبروی من لطمه بخورد باکی نداشتم؛ چون من وظیفه شرعی و دینی خودم را انجام دادم.» به هر حال این مرد بزرگ بانیت بسیار خالصانه چنین کار عظیمی را انجام داد که واقعا درسی بزرگ بود. به نظر

من این موضوع کم اهمیتی نیست و از مطالب پر اهمیتی است که نباید خاطره آن فراموش شود. نجفی قدسی افزود: از آنجایی که آیت الله مکارم به بحث تبلیغ اهمیت می‌دهد توجه خاص ایشان مخصوصا بعد از انقلاب



آیت‌الله‌عظمی‌مکرم‌الشیخ‌ارزومانی‌از دیدگاه‌نمایندگان‌مجلس



حجت الاسلام رهبر: آیت الله مکارم شیرازی از پیشگامان نهضت فکری در مسائل تاکتیکی روز است

بررسی مکتب‌ها گروهی از فضلا و طلاب را جمع می‌کردند و این توسعه فرهنگ و نویسندگی بود.

عضو کمیسیون حقوقی - قضایی مجلس با تاکید بر این‌که آیت الله مکارم یکی از پیشگامان نهضت فکری در مسائل تاکتیکی روز است، افزود: ایشان در مسائل فقهی دیدگاهی نو دارند که با شرایط زمان همسویی دارد و پویایی فقهی که حضرت امام فرمودند در فقہشان وجود دارد.



امام فرمودند در فقہشان وجود دارد. وی افزود: فتوای آیت الله مکارم در قربانی کردن گوسفندان در منای عربستان که تعداد زیادی از آن‌ها بر اثر چال شدن ضایع و از بین می‌رفت، برای عده زیادی موثر بود. نماینده مردم اصفهان آیت الله مکارم را یک فقیه و روحانی جامع در فقه، اصول و تربیت فضلا و طلاب دانست و اظهار کرد: روشنگری و روشن بینی ایشان در حوزه شخصیتی، اخلاقی و در سخنرانی‌های موثرشان در ماه‌های محرم و رمضان در نشر فرهنگ انقلاب و تداوم سیره اهل بیت بسیار نقش آفرین بوده است.

حجت الاسلام رهبر افزود: ما در حوزه چند گروه داشتیم که در تفسیر نمونه همکاری می‌کردند ولی هدایت‌گر گروه آیت الله مکارم بود و زمانی که فضایی حوزه تلاش می‌کردند ایشان هم در همین راستا عمل و حمایت می‌کردند و روش معتدلی داشتند.

عضو کمیسیون قضایی مجلس با تاکید بر این‌که آیت الله مکارم یکی از پیشگامان نهضت فکری در مسائل تاکتیکی روز است، تصریح کرد: ایشان در مسائل فقهی دیدگاهی نو دارند که با شرایط زمان همسویی دارد و پویایی فقهی که حضرت امام فرمودند در فقہشان وجود دارد.

حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی رهبر، عضو کمیسیون حقوقی - قضایی مجلس، با اشاره به شخصیت فقهی آیت الله العظمی مکارم شیرازی ایشان را یک روحانی و مرجع زبان شناس دانست و گفت: ایشان متوجه به مسائل روز و حساس به روند جهانی اصول اسلامی است.

وی افزود: از حدود ۴۰ سال پیش بصیرت ایشان نمایان بوده است، کتاب «فیلسوف‌نماها» نوشته این مرجع تقلید خود بیانگر میزان روشنفکری و دانایی و جلوتر از زمان بودن ایشان است در زمانی که کسی در این بحث‌ها وارد نمی‌شد ایشان فلسفه غرب را نقد می‌کرد و برنده کتاب جایزه سال هم شدند.

نماینده مردم اصفهان با بیان این‌که آیت الله مکارم فرهنگ نویسندگی را میان طلاب گسترش دادند، اظهار کرد: ایشان در قم کلاس عقاید و مذاهب را دایر کردند آن دوره تعداد نویسندگان در قم معدود بود و ایشان اولین بار در کلاس



رهنمودهایی که ارائه می‌کنند، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد و قرآن پژوهی و استفاده از این کتاب مبین در حوزه علمیه را بارها مورد تأکید و تشویق قرار داده‌اند.

مصباحی مقدم خاطرنشان کرد: پیش از این قرآن در حوزه‌های علمیه مهجورتر بود ولی اکنون در اثر کوشش‌های آیت‌الله مکارم شیرازی و شخصیت‌هایی نظیر ایشان، اقبال به قرآن در حوزه‌های علمیه افزایش یافته است.

وی در ادامه درباره نقش این مرجع تقلید در برهه‌های حساس انقلاب؛ چه سال‌های قبل از پیروزی انقلاب و چه سال‌های بعد از آن، توضیح داد: این مرجع تقلید خود از شاگردان حضرت امام (ره) بوده و در حرکت‌های انقلابی نیز همراه مردم و انقلاب و حامی امام (ره) بودند و در امر تعطیلی درس‌های حوزه در دوران مبارزات انقلاب پیشتاز بودند.

حجت‌الاسلام مصباحی مقدم ادامه داد: ایشان در همفکری با اساتید و بزرگان حوزه جزو سردمداران بودند و از شخصیت‌های اول جامعه مدرسین؛ که یک جامعه رهبری‌کننده انقلاب در مجموعه گروه‌های مرجع در کشور و در مسائل سیاسی بود، هستند و امضای ایشان پای بسیاری از بیانیه‌ها و نامه‌های علما در حمایت از امام و انقلاب وجود دارد.

سخنگوی سابق جامعه روحانیت مبارز ضمن اشاره به نقش مؤثر آیت‌الله مکارم شیرازی در مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی در آغاز انقلاب، اضافه کرد: آیت‌الله مکارم دایما و همواره حامی مقام معظم رهبری بوده و مناسبات این مرجع بزرگوار با ایشان بسیار دوستانه و حمایت‌گرانه است.

مصباحی مقدم:

کوشش‌های آیت‌الله مکارم اقبال بیشتر و جدی‌تر به قرآن را در حوزه‌ها افزایش داده است

حجت‌الاسلام مصباحی مقدم با اشاره به خدمات قرآنی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی تصریح کرد: پیش از این قرآن در حوزه‌های علمیه مهجورتر بود ولی اکنون در اثر کوشش‌های آیت‌الله مکارم شیرازی و شخصیت‌هایی نظیر ایشان، اقبال به قرآن در حوزه‌های علمیه افزایش یافته است.



حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم، نماینده مردم تهران و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، به بیان برخی از ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی پرداخت و گفت: ایشان از مراجع بسیار قوی در فقهات هستند که در سن بیست و پنج سالگی به درجه اجتهاد رسیدند.

وی با بیان اینکه آیت‌الله مکارم شیرازی از مفاخر حوزه علمیه هستند، افزود: ایشان علاوه بر اینکه یک مجتهد روشنفکر و با اطلاعات روزآمد نسبت به مسائل داخلی و بین‌المللی هستند، اطلاعات علمی خود را محدود به مباحث فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی نکرده و استاد تفسیر هستند.

سخنگوی سابق جامعه روحانیت مبارز با اشاره به تنظیم و تدوین تفسیر «نمونه» با هدایت و رهبری آیت‌الله مکارم، تأکید کرد: این تفسیر از تفاسیر بسیار ارزشمند عصر کنونی است و جامعیت همه خصوصیات تفاسیر دیگر را داراست و علاوه بر آن دارای نوآوری‌هایی هم هست.

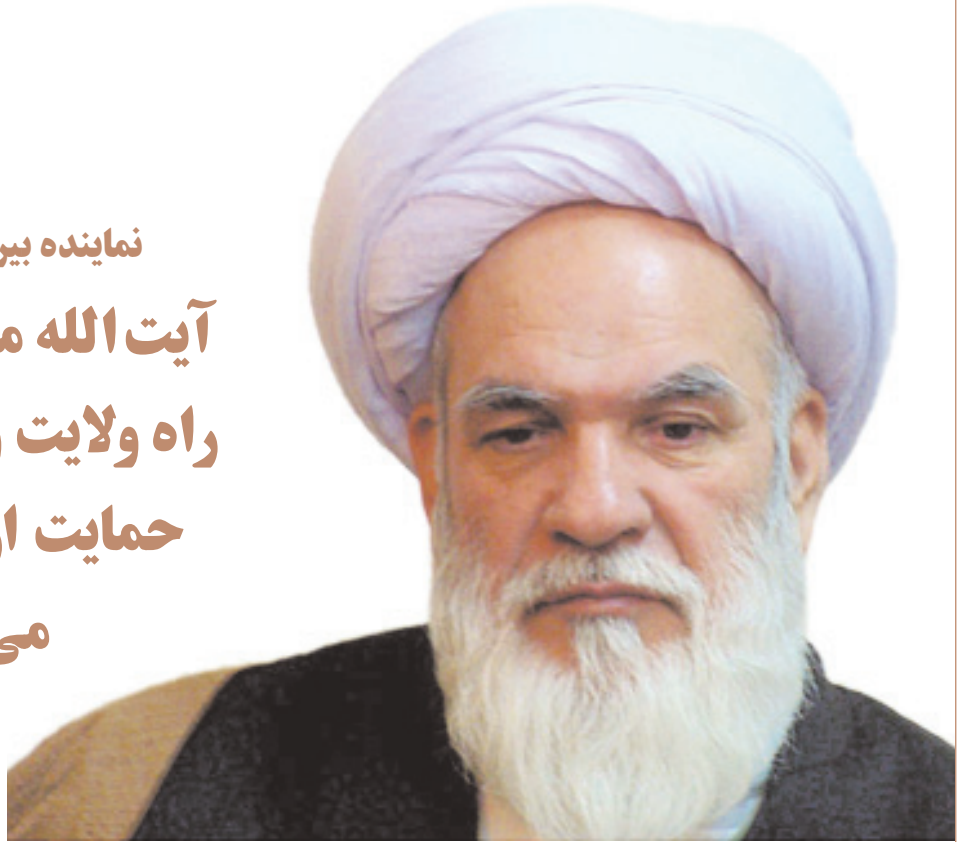
این نماینده مجلس هشتم اظهار کرد: معتقدم شخصیت ایشان یک شخصیت ممتاز است که هم نظام و هم مردم باید بیشتر از این شخصیت و آثار ارزشمندش بهره‌مند شوند.

نماینده مردم تهران که ریاست کمیسیون اقتصادی مجلس را نیز بر عهده دارد در بخش دیگری از این گفت‌وگو به خدمات گسترده آیت‌الله مکارم شیرازی به قرآن و اسلام و نقش مؤثر ایشان در مهجوریت‌زدایی از قرآن در جامعه اشاره کرد و گفت: ایشان با هدایت نویسندگان تفسیر نمونه، نقش بسیار بزرگی را در تهیه این تفسیر ارزشمند ایفا کردند و از طرفی دیگر ترجمه‌های خوب دیگری نیز از قرآن و نهج البلاغه دارند که مورد مراجعه مردم است.

وی یادآور شد: مباحث قرآنی در سخنرانی‌های این مرجع تقلید و

نماینده مردم بیرجند در مجلس:

آیت الله مکارم استمرار راه ولایت و امامت را در حمایت از ولایت فقیه می داند



جذب شاگردان و ساخت انسان های شاخص است، تصریح کرد: در کلاس های درسی ایشان شاگردان و انسان های نمونه هستند که همه در راستای قلم زنی و صاحب اثر بودن تربیت شده اند.

نماینده مردم بیرجند در مجلس شورای اسلامی آیت الله مکارم را یکی از فقه های باوفا به نظام، انقلاب و مقام معظم رهبری دانست و افزود: ایشان در حمایت از انقلاب، نظام و رهبری پیشکسوتی هستند که یاد و فرهنگ امام را هیچ گاه از یاد نمی برند.

حجت الاسلام ابراهیمی با بیان اینکه تفسیر نمونه که زیر نظر و اشراف آیت الله مکارم تدوین شده، تفسیری به روز برای جامعه فعلی و قابل بهره برداری در همه مسائل است، گفت: تفسیر ایشان نقشی بی بدیل در مهجوریت زدایی از قرآن را ایفا کرده است، که نشان از توفیقی که خداوند به ایشان اعطاء کرده است دارد.

رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، آیت الله مکارم را یکی از فقیهان حامی انقلاب و رهبریت دانست و گفت: آیت الله مکارم اخیرا هم عنایت ویژه خود را به رهبری اعلام کردند و طبق فرموده خودشان «کسی که ولایت فقیه را قبول ندارد با اسلام آشنا نیست» و این نشان از آشنایی ایشان به زمانه است.

نماینده مردم بیرجند آیت الله مکارم را یک اسلام شناس دانست و تصریح کرد: مثل ایشان می داند که استمرار راه ولایت و ادامه راه امامت بستگی به حمایت از ولایت فقیه دارد و این راهی است که مراجع ما همه باید به آن توجه داشته و ادامه دهنده آن باشند.

نماینده مردم بیرجند آیت الله مکارم را یک اسلام شناس دانست و تصریح کرد: مثل ایشان می داند که استمرار راه ولایت و امامت بستگی به حمایت از ولایت فقیه دارد.



حجت السلام والمسلمین حسین ابراهیمی، نماینده بیرجند در مجلس و رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، با بیان این که آیت الله مکارم شیرازی از مفسران نمونه کشور است، اظهار کرد: آیت الله مکارم شیرازی نویسنده، فقیهی وارسته و از علمای عالم و آگاه به زمان خود است، که مسائل را با واقعیات جامعه و زمان هماهنگی می دهند.

وی با اشاره به کتب ارزنده و آثار خوبی که از ایشان منتشر شده است، گفت: آیت الله مکارم شیرازی با ساخت مدارس و مساجد اثرگذاری جامعی در ابعاد مختلف فقهی و دینی داشته اند.

رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور بارزترین ویژگی آیت الله مکارم شیرازی را قلم و نویسندگی ایشان دانست و بیان کرد: آثار ایشان محدود به بعد از انقلاب نیست ما از قبل از انقلاب با آثار ایشان آشنایی داریم، کتاب «فیلسوف نما» ایشان به عنوان کتاب سال در قبل از انقلاب شد و مجله مکتب اسلام قبل از انقلاب مقالاتش بر محوریت سخنان آیت الله مکارم بوده است.

وی افزود: تفسیر نمونه، قواعد فقه و نهج البلاغه از جمله دیگر آثار ارزشمندی است که نشان از شناخت ایشان از جامعه است.

حجت الاسلام ابراهیمی با بیان این که ایشان یک استاد نمونه در



حجت الاسلام سبحانی نیا: آیت الله مکارم برای جلوگیری از تأثیر القانات بر نسل جوان تلاش درخور توجهی داشته اند

آیت الله مکارم شیرازی برای جلوگیری از تأثیر القانات دشمنان بر نسل جوان چه در سال‌های قبل از انقلاب و چه بعد از آن اقدامات مناسب و وسیعی داشته‌اند.



حجت الاسلام والمسلمین حسین سبحانی نیا، نایب‌رئیس دوم کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، به سابقه آشنایی خود با آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی اشاره کرد و گفت: ایشان از قبل از پیروزی انقلاب از علمایی بودند که همواره به مسائل سیاسی روز آشنا بوده و متناسب با همان شرایط موضع‌گیری می‌کردند.

وی افزود: این مرجع تقلید با ارتباط خوب و پیوسته‌ای که با مجامع علمی، دینی و جوانان دارند، نسبت به پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات جوانان تلاش می‌کنند و برای ممانعت از تأثیر القانات دشمنان بر نسل جوان چه در سال‌های قبل از انقلاب و چه بعد از آن اقدامات مناسب و وسیعی داشته‌و دارند.

سبحانی نیا تصریح کرد: آیت الله مکارم با سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود به رفع این شبهات می‌پردازند و تأثیرگذاری زیادی به عنوان یک مرجع تقلید آگاه و به‌روز داشته‌اند.

نماینده مردم نیشابور در مجلس، شناخت مخاطب را از بارزترین ویژگی شخصیتی آیت الله مکارم بیان کرد و گفت: ایشان به تناسب مخاطبان خود با قلمی روان سعی کرده‌اند، آثاری را تألیف کنند که تفسیر «نمونه» یکی از این آثار است که برای استفاده عموم، در شکل‌های مختلف عرضه شده است.

وی در ادامه با اشاره به سابقه مبارزاتی این مرجع تقلید با نظام

طاغوت اظهار کرد: ایشان در سال‌های قبل از انقلاب در مسئله ضرورت انقلاب و تداوم آن موضع‌گیری‌های بسیار مناسب و به‌روزی داشتند و در شرایطی که دشمنان تلاش می‌کردند بین علما و مراجع اختلاف ایجاد کرده و مواضع متفاوتی از آنها در این ارتباط بیان کنند، مواضع آیت الله مکارم در راستای تقویت و تحکیم مبانی فکری انقلاب، امام (ره) و مقام معظم رهبری بوده است.

این نماینده مجلس هشتم در جمع‌بندی این بخش از صحبت‌های خود گفت: به طور خلاصه آیت الله مکارم شیرازی مرجعی به‌روز، با دغدغه‌های بسیار در قبال مسائل جهان اسلام و جوانان و سایر مسائل دینی هستند.

سبحانی نیا در پایان با مثبت و مهم ارزیابی کردن نقش آیت الله مکارم شیرازی در مهجوریت‌زدایی از قرآن در جامعه و حوزه‌های علمیه خاطرنشان کرد: این مرجع تقلید در جامعه مدرسین، اداره حوزه علمیه و تأسیس حوزه‌های دینی نقش بسیار مؤثری دارند و با آثار قلمی و فکری خود نقش مهمی در رفع مهجوریت از قرآن کریم ایفا کرده‌اند.



رئیس کمیسیون قضایی مجلس:

تفسیر نمونه تلاش آیت الله مکارم برای آشنایی مردم با روح قرآن است

نماینده مردم در کوهشدت در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اهتمام ویژه آیت الله مکارم شیرازی به گسترش قرآن در جامعه و حوزه علمیه و مهاجرت زدایی از این کتاب مبین، تصریح کرد: تفسیر نمونه‌ای که ایشان با همکاری جمعی از علما به زبان روان تدوین کرده‌اند، خود کمک بزرگی در این زمینه است و تلاش ایشان برای آشنایی مردم با روح قرآن و تفسیر آن بسیار قابل توجه است.

شاهرخی در ادامه با اشاره به سابقه مبارزاتی آیت الله مکارم شیرازی یاد آور شد: ایشان از همان ابتدا همراه و پشتیبان نهضت امام (ره) و نظام بوده‌اند و سخنرانی ایشان بعد از قیام ۱۹ دی مردم قم زبازد خاص و عام است.

رئیس کمیسیون حقوقی - قضایی مجلس در پایان خاطر نشان کرد: آنچنان که بنده شنیده‌ام ایشان در همان سخنرانی با درایت خاص خود مانع از به ثمر نشستن تلاش گروهی شدند که قصد ایجاد اختلال در سخنرانی را داشتند.

رئیس کمیسیون قضایی مجلس با اشاره به اهتمام ویژه آیت الله مکارم به گسترش قرآن در جامعه تصریح کرد: تفسیر نمونه‌ای که ایشان با همکاری جمعی از علما به زبان روان تدوین کرده‌اند، خود کمک بزرگی در این زمینه است و تلاش ایشان برای آشنایی مردم با روح قرآن و تفسیر آن بسیار قابل توجه است.



حجت الاسلام والمسلمین علی شاهرخی، رئیس کمیسیون حقوقی - قضایی مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه افتخار حضور در کلاس‌های درس آیت الله العظمی مکارم شیرازی را نداشته‌ام، گفت: ایشان را به عنوان یکی از مفاخر روحانیت و اسلام می‌شناسیم.

وی افزود: جامعیت آیت الله مکارم شیرازی از خصوصیات بارز ایشان است و به همین دلیل ما کمتر مرجعی را در حد این مرجع تقلید می‌دانیم.



رئیس فراکسیون قرآن و عترت مجلس: روش نوین در «تفسیر نمونه» آیت الله مکارم، استفاده از فکر جمعی است

تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی محصول فکر جمعی علمای شیعه و اهل سنت است و این روش نوینی است که در تفسیر قرآن کریم به کار رفته است.



لاله افتخاری رئیس فراکسیون قرآن و عترت مجلس شورای اسلامی و نماینده مردم تهران در مجلس، با اشاره به تلاش های علمی آیت الله مکارم شیرازی، به تبیین شاخه های مختلف قرآن پژوهی این مرجع تقلید پرداخت. وی اظهار کرد: صحبت کردن و توصیف شخصیت های بزرگ الهی که در راه خدا با قلم و قدم خود جهاد کرده اند، مشکل است و کسی می تواند معرف آنها باشد که در جایگاه بالاتری از آنها قرار داشته باشد. نماینده مردم تهران در مجلس تصریح کرد: تا آنجا که اینجانب از ایشان درک کرده ام، ایشان همواره یاور مجاهدان و مدافعان از ولایت بوده اند و همه جاسعی کرده اند از ساحت اسلام و قرآن کریم و اهل بیت دفاع کنند و سربازی امام زمان (عج) را به انجام برسانند. رئیس فراکسیون قرآن و عترت مجلس شورای اسلامی گفت: جایگاه فقاقت و مرجعیت ایشان بر هیچکس پوشیده نیست و ایشان همواره با تلاش بسیار چونان سایر مراجع تقلید در صحنه بوده و انقلاب اسلامی را با دل و جان پاس داشته است. نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به حمایت آیت الله مکارم شیرازی از مقام عظمای ولایت تصریح کرد: حمایت های این مرجع تقلید از رهبری، کمک می کند تا کشتی انقلاب اسلامی صحیح و سالم به ساحل ظهور آقا امام زمان (عج) برسد. وی گفت: کتاب ها و تألیفات این مرجع تقلید را بی شمار دانست و تأکید کرد: تألیفات بی نظیر ایشان بسیار مورد توجه جامعه قرآنی است و تفسیر نمونه، بارزترین این تلاش هاست که نه بسیار موجز و نه بسیار طولانی است و با سبکی روان به رشته تحریر در آمده است. وی تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی را برخاسته از نگاه امروزی و پاسخگویی به سؤالات مخاطب امروز دانست و تصریح کرد: این تفسیر، محصول فکر جمعی علمای شیعه و اهل سنت است و این روش نوینی است که در تفسیر قرآن کریم به کار رفته است.

حجت الاسلام علیخانی: موضع گیری های شفاف از مهم ترین ویژگی های آیت الله مکارم شیرازی است

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی موضع گیری های شفاف را از مهم ترین ویژگی های آیت الله العظمی مکارم شیرازی بیان کرد.



حجت الاسلام والمسلمین قدرت الله علیخانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، دیدگاه های خود را درباره مهم ترین ویژگی های آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی بیان کرد.

نماینده مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی موضع گیری های شفاف را از مهم ترین ویژگی های شخصیتی آیت الله مکارم شیرازی بیان کرد.

وی در این ارتباط گفت: ایشان در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی در طول این سال ها به شکل شفاف و صریح مواضع خود را بیان کرده اند. نماینده مردم قزوین در مجلس با بیان اینکه این مرجع تقلید در بین مردم به جایگاه بالایی دست یافته اند، ابراز کرد: ایشان با توجه به فعالیت های وسیع و ارزشمند خود توانسته اند نظر اقشار مختلف مردم را جلب کنند.

علیخانی با اشاره به جایگاه علمی بالای آیت الله مکارم شیرازی گفت: وزنه علمی ایشان به ارتقای دو ویژگی فوق این مرجع تقلید کمک شایانی کرده است.

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در پایان خاطرنشان کرد: در مجموع باید گفت که نقش آیت الله العظمی مکارم شیرازی در همه زمینه ها از جمله مهجوریت زدایی از قرآن در جامعه و حوزه های علمی قابل تحسین است.

نماینده تربت حیدریه:

تأثیر آیت الله مکارم بر تقویت بنیه حوزه های علمیه به وضوح قابل مشاهده است

نماینده مردم تربت حیدریه با اشاره به فعالیت های آیت الله العظمی مکارم شیرازی جهت تقویت بنیه حوزه های علمیه کشور به ویژه حوزه علمیه قم، تصریح کرد: آثار و نتایج این اقدامات به وضوح قابل مشاهده است.



حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی رضایی، نماینده مردم تربت حیدریه در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه آیت الله العظمی مکارم شیرازی از چهره های بسیار ارزشمند حوزه علمیه هستند، به سابقه آشنایی خود با ایشان اشاره کرد و گفت: این مرجع تقلید از همان سال های قبل از انقلاب، کارهای تحقیقاتی خود را با جدیت زیادی دنبال می کردند و امروز هم این رویه ادامه دارد.

نماینده مردم تربت حیدریه در مجلس شورای اسلامی با استثنایی خواندن فعالیت های آیت الله مکارم در زمینه قرآن، ترجمه قرآن اثر ایشان را شاهدهی بر این مسئله بیان کرد و افزود: این ترجمه به زیبایی خاصی انجام شده است.

وی یادآور شد: این مرجع تقلید از همان سال های قبل از انقلاب، سؤال های مطرح بین نسل جوان را که بی پاسخ مانده بود، استخراج می کردند و برای راهنمایی جوانان، پاسخ این سؤال ها را تهیه می کردند که این یک ابتکار جالب از سوی ایشان بود.

رضایی نظم در کارها و زندگی را از دیگر ویژگی های آیت الله مکارم شیرازی بیان کرد و گفت: این مرجع تقلید جهت تقویت بنیه حوزه های علمیه کشور به ویژه حوزه علمیه قم کارهای بسیار خوبی انجام داده اند که آثار آن به وضوح قابل مشاهده است.

نماینده ولی فقیه در بنیاد مسکن با ذکر برخی از فعالیت های قرآنی آیت الله مکارم شیرازی از جمله ترجمه قرآن و تفسیر نمونه تأکید کرد: این قبیل فعالیت ها، نقش بسیار مؤثری در مطرح شدن مسائل قرآنی در جامعه داشته و حال که ایشان به عنوان یک مرجع تقلید نیز مطرح هستند، این ویژگی بیشتر نمود پیدا می کند.





عضو کمیسیون فرهنگی: توجه ویژه به مقلدان از ویژگی‌های شخصیتی آیت الله مکارم شیرازی است

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه توجه ویژه به مقلدان از ویژگی‌های بارز شخصیتی آیت الله مکارم شیرازی است، مصداق‌هایی را در این ارتباط ذکر کرد.



حجت‌الاسلام و المسلمین سیدعلی طاهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به موضع‌گیری‌های آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی در مسائل سیاسی گفت: ایشان متناسب به شرایط روز در مسائلی که مورد نیاز نظام اسلامی است، موضع‌گیری‌های خود را نشان می‌دهند.

وی همراهی با مقام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) را از دیگر ویژگی‌های آیت‌الله مکارم شیرازی بیان کرد و افزود: نزدیکی مرجعیت و رهبری از موارد ضروری برای نظام اسلامی است و این مرجع تقلید نیز محبت خاصی به رهبر معظم انقلاب دارند که البته این رابطه متقابل است و بنده اطلاع دارم که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز نسبت به ایشان محبت داشته و دیدارهایی نیز با این مرجع عالیقدر دارند.

نماینده مردم گرگان در مجلس با بیان اینکه توجه ویژه به مقلدان از ویژگی‌های بارز شخصیتی آیت‌الله مکارم شیرازی است، ابراز کرد: برخی مواقع که خود بنده دقت کرده‌ام، ایشان سؤال‌های شرعی را که در برنامه‌های رادیو معارف و قرآن مطرح می‌شود، برخلاف دیگر مراجع، شخصا پاسخ می‌دهند و حتی شنیده‌ام که در مواقعی تلفن‌های دفتر را نیز خود پاسخ می‌گویند.

طاهری در ادامه با تأکید بر این نکته که فعالیت‌های قرآنی این مرجع تقلید بر هیچ‌کس پوشیده نیست، مجموعه ارزشمند تفسیر «نمونه» را از مصداق این فعالیت‌ها بیان کرد و افزود: ایشان در زمانی که جامعه نیازمند تفسیری قابل دسترس برای عموم افراد بود، این مجموعه را با همکاری تعدادی از دوستان و شاگردان خود تدوین کردند و تفسیر نمونه نیز جای خود را به خوبی بین مردم باز کرده است.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی درباره نقش آیت‌الله مکارم در برهه‌های مختلف نظام و همراهی ایشان با نهضت امام (ره) تصریح کرد: ایشان قبل از انقلاب به واسطه الگوگیری که از حضرت امام (ره) داشتند و خود نیز شاگرد ایشان بودند، فعالیت‌های عقیدتی زیادی برای آگاه‌سازی نسل جوان داشتند.

وی با ذکر برخی از فعالیت‌های آیت‌الله مکارم شیرازی در راستای اطلاع‌رسانی درباره نهضت امام (ره) افزود: بعد از پیروزی انقلاب نیز اقدامات و کارهای مؤثر ایشان به انحای مختلف ادامه یافت و به طور کلی حضور جدی این مرجع تقلید در صحنه مبارزه و همراهی ایشان با ارکان نظام در سال‌های بعد از انقلاب کاملاً مشهود و برجسته است.

حجت‌الاسلام طاهری در پایان این گفت‌وگو با آرزوی طول عمر و توفیق روزافزون برای آیت‌الله مکارم شیرازی خاطر نشان کرد: امیدواریم خداوند وجود چنین شخصیت‌های تأثیرگذاری را برای کشور و نظام اسلامی حفظ کند.



حجت الاسلام یحیی زاده:

آثار آیت الله مکارم در حوزه تفسیر و ترجمه قرآن بین مراجع منحصر به فرد است

عرصه داشتند و تفسیر روان و عالی «نمونه» را تدوین کردند. وی ادامه داد: ایشان در مسائل کلام و عقاید نیز همواره خود را در معرض سؤال و پرسش نخبگان و جوانان قرار می دهند و به این جهت جلسات مختلفی نیز داشتند و برای این جلسات از قبل جزوه‌هایی تهیه می کردند و به شاگردان خود می دادند که معمولاً این جزوه‌ها به صورت کتاب تألیف شده‌اند. این نماینده مجلس هشتم در ادامه درباره نقش آیت الله مکارم شیرازی در مهجوریت زدایی از قرآن در حوزه‌های علمیه و جامعه توضیح داد: همانطور که پیش از این نیز گفته شد در اجتهاد و استنباط و جایگاه مرجعیت آشنایی با تفسیر به حد اعلای آن نیاز نیست و به همین دلیل بسیاری از مراجع تقلید در حدی که یک عالم باید نسبت به تفسیر و قوف داشته باشد، با آن آشنا هستند ولی اینکه به فکر تسلط دقیق بر آن بوده و به تألیف کتاب تفسیر بپردازند، تقریباً وجود نداشته ولی آیت الله مکارم شیرازی هم در تفسیر و هم به صورت منحصر به فردی در مسیر ترجمه فارسی قرآن قدم برداشته‌اند.

حجت الاسلام یحیی زاده یاد آور شد: هر چند در سی سال اخیر ما شاهد چند ترجمه ساده و دقیق قرآنی در زبان فارسی هستیم ولی واقعیت این است که در قبل از آن ترجمه‌هایی که از قرآن وجود داشت، به شکلی نبود که مردم عادی بتوانند از آن استفاده کنند ولی آیت الله مکارم یکی از بهترین ترجمه‌های قرآن را دارند که این امر نشان از ارتباط بسیار عمیق و کامل ایشان با تفسیر و ترجمه قرآن دارد و این مسئله در بین مراجع تقریباً منحصر به فرد است.

نماینده مردم تفت و میبد در مجلس در بخش پایانی این گفت‌وگو به نقش مؤثر آیت الله مکارم شیرازی در برهه‌های مختلف انقلاب اشاره کرد و گفت: یکی از سخنرانی‌هایی که بعد از قیام ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ مردم قم جاودانه ماند، سخنان این مرجع عالیقدر است و این جمله معروف ایشان که فرمودند، «اگر می میریم همه با هم بمیریم و اگر زنده می مانیم همه با هم زنده بمانیم»، مشت محکمی بود بر دهان طاغوت و کسانی که به دنبال حذف روحانیت بودند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: حداقل از همان زمان تا حال حاضر آیت الله مکارم همواره در عرصه‌های مختلف، کاملاً هماهنگ با اهداف نظام، آرمان‌های امام (ره) و مقام معظم رهبری بوده‌اند و برای من جالب بوده که ایشان درباره جامعیت علمی مقام معظم رهبری نیز سخن می گفتند در حالی که یک مرجع تقلید کمتر به این مسائل در این حد می پردازند که اینها نشان هماهنگی و همراهی ایشان با مقام معظم رهبری است.

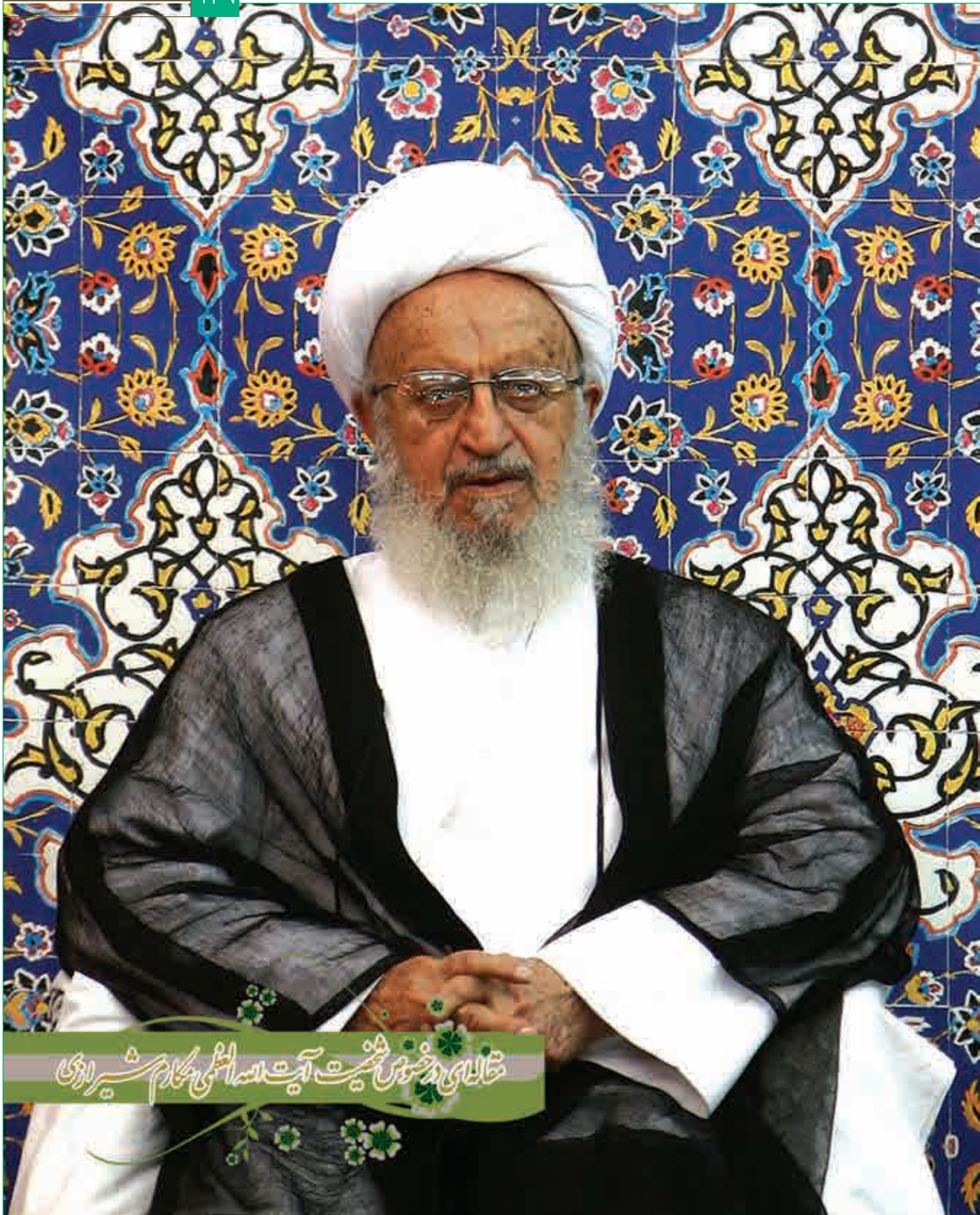
بسیاری از مراجع تقلید در حدی که یک عالم باید نسبت به تفسیر و قوف داشته باشد، با آن آشنا هستند ولی اینکه به فکر تسلط دقیق بر آن بوده و به تألیف کتاب تفسیر بپردازند، تقریباً وجود نداشته ولی آیت الله مکارم شیرازی هم در تفسیر و هم به صورت منحصر به فردی در مسیر ترجمه فارسی قرآن نیز قدم برداشته‌اند.

حجت الاسلام والمسلمین سید جلال یحیی زاده، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به شرکت خود در کلاس‌های خارج اصول و فقه آیت الله مکارم شیرازی، استفاده از جمیع فرصت‌ها را یکی از بارزترین ویژگی‌های اخلاقی این مرجع تقلید بیان کرد. وی افزود: ایشان همواره به شاگردان خود تأکید می کردند که در روزهایی که درس حوزوی به حسب ظاهر تعطیل است، تکلیف ما تعطیل نمی شود و باید برای این روزها نیز برنامه داشته باشیم و از این ایام به نحو اتم و کامل استفاده کنیم و گاهی نیز می فرمودند اگر من چیزی آموختم، بسیاری از آن به خاطر استفاده از ایام تعطیل حوزه بوده است و باید گفت که یکی از رموز موفقیت ایشان نیز همین مسئله است.

نماینده مردم تفت و میبد در مجلس در ادامه با بیان اینکه آیت الله مکارم به شکلی عجیب بر موضوعات مختلف احاطه دارند، تصریح کرد: اصولاً فقه تا حد زیادی بسته به موضوع شناسی است و خیلی از مراجع عظام نسبت به حکم تسلط خوبی دارند ولی در این میان آیت الله مکارم در ارتباط با شناخت دقیق موضوع به نحو خوب و کاملی تسلط دارند و شاید همین مسئله علت تفاوت فتوا و نظر فقهی ایشان با سایر مراجع است.

یحیی زاده جامعیت آیت الله مکارم شیرازی بر علوم مختلف را از دیگر ویژگی‌های ایشان بیان کرد و گفت: همه می دانند که کسی اگر بخواهد به رتبه اجتهاد و مرجعیت تقلید برسد، نیازمند فراگیری دروس بسیار متنوعی و متعددی است ولی این مرجع تقلید علاوه بر اینکه بر بسیاری از این علوم احاطه کافی داشتند، در ارتباط با علوم دیگر که برخی از مراجع به دلیل اینکه به نحوی پایه اجتهاد و استنباط بر آن متوقف نیست، به صورت کامل و جامع در آنها وارد نمی شوند، هم کاملاً به صورت دقیق، عمیق شده‌اند و بر بسیاری از آنها احاطه دارند.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در تکمیل مطلب فوق خود ابراز کرد: به طور مثال در فقه و اجتهاد امروزی آشنایی با تفسیر در حد اعلای آن مورد نیاز نیست و متأسفانه این واقعیتی است که وجود دارد ولی آیت الله مکارم شیرازی با همکاری جمعی از علما یک نوآوری در این



مقالای پژوهش‌محیط آیت‌الله العظمی حکام شیرازی



فلسفه شهادت از نگاه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

می آورد، بلکه اهمیت آن بیشتر از این جهت است که هیچ گونه «محرکی» جز عواطف پاک دینی و انسانی و مردمی ندارد و این تظاهرات پرشکوه که به خاطر بزرگداشت این حادثه تاریخی انجام می گیرد، نیازمند هیچ مقدمه چینی و فعالیت های تبلیغاتی نیست و از این جهت در نوع خود بی نظیر است.

اغلب ما این حقیقت را می دانیم، ولی نکته ای که برای بسیاری (به خصوص متفکران غیر اسلامی) هنوز به درستی روشن نشده و همچنان به صورت معمایی در نظر آنها باقی مانده این است چرا این قدر به این حادثه تاریخی که از نظر «کمیت و کیفیت» مشابه فراوان دارد، اهمیت داده می شود؟ چرا مراسم بزرگداشت این خاطره هر سال پرشکوه تر و پرهیجان تر از سال پیش، برگزار می گردد؟

چرا امروز که از «حزب اموی» و دار و دسته آنها اثری نیست و قهرمانان این حادثه می بایست فراموش شده باشند، حادثه کربلا رنگ

و تاریخ امام حسین (علیه السلام) هرگز فراموش نمی شود؛ او متعلق به یک عصر و یک قرن و یک زمان نبوده، بلکه او و هدفش جاودانی است.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی، اقدام به انتشار مقاله ای از این مرجع تقلید تحت عنوان «فلسفه شهادت» کرده است که متن کامل آن به شرح ذیل است:



چرا حسین (ع) فراموش نمی شود؟

اهمیت تاریخ زندگی امام حسین (علیه السلام) که به صورت یکی از شورانگیزترین حماسه های تاریخ بشریت در آمده، نه تنها از این نظر است که همه ساله نیرومندترین امواج احساسات میلیون ها انسان را در اطراف خود بر می انگیزد و مراسمی پرشورتر از هر مراسم دیگر به وجود

دست بعضی از خلفا زنده شد و نژاد «عرب» برتری خاصی بر «موالی» (غیر عرب) یافتند.

۲- تبعیض‌های گوناگون که با روح اسلام به هیچ وجه سازگار نبود، آشکار گشت و «بیت‌المال» که در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌به‌طور مساوی در میان مسلمانان تقسیم می‌شد، به صورت دیگری در آمد و امتیازات بی‌موردی به عده‌ای داده شد و امتیازات طبقاتی بار دیگر احیا گردید.

۳- پست‌ها و مقامات که در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌بر اساس لیاقت و ارزش علمی، اخلاقی و معنوی به افراد داده می‌شد، به صورت قوم و خویش بازی در آمد، و در میان اقوام و بستگان بعضی از خلفا تقسیم شد.

مقارن همین اوضاع و احوال، فرزندان ابوسفیان، «معاویه» به دستگاه حکومت اسلامی راه یافت و به زمامداری یکی از حساس‌ترین مناطق اسلام (شام) رسید و از این جا با دستیاری باقیمانده احزاب جاهلیت، زمینه را برای قبضه کردن حکومت اسلام و احیای همه سنت‌های جاهلیت هموار ساخت.

این موج به قدری شدید بود که پاک‌مردی مانند علی (علیه‌السلام) را در تمام دوران خلافت نیز به خود مشغول ساخت.

قیافه این جنبش ضد اسلامی به قدری آشکار بود که رهبری‌کنندگان آن نیز نمی‌توانستند آن را مکتوم دارند.

اگر ابوسفیان در آن جمله عجیب تاریخی خود هنگام انتقال خلافت به بنی امیه و بنی مروان با وقاحت تمام می‌گوید:

«هان ای بنی امیه! بکوشید و گوی زمامداری را از میدان برابید (و به یکدیگر پاس دهید)؛ سوگند به آنچه من به آن سوگند یاد می‌کنم بهشت و دوزخی در کار نیست! (وقیام محمد یک جنبش سیاسی بوده است)».

و یا اگر «معاویه» هنگام تسلط بر عراق در خطبه خود در کوفه می‌گوید:

«من برای این نیامده‌ام که شما نماز بخوانید و روزه بگیرید، من آمده‌ام بر شما حکومت کنم؛ هر کس با من مخالفت ورزد او را نابود خواهم کرد!».

و اگر یزید هنگام مشاهده سرهای آزاد مردانی که در کربلا شربت شهادت نوشیدند، می‌گوید:

«ای کاش نیاکان من که در میدان بدر کشته شدند، در این جا بودند و منظره انتقام گرفتن مرا از بنی‌هاشم مشاهده می‌کردند...!».

همه اینها شواهد گویایی بر ماهیت این جنبش «ارتجاعی و ضد اسلامی» بود و هر قدر پیش‌تر می‌رفت، بی‌پرده‌تر و حادث‌تر می‌شد.

آیا امام حسین (علیه‌السلام) در برابر این خطر بزرگ که اسلام عزیز را تهدید می‌کرد و در زمان «یزید» به اوج خود رسیده بود، می‌توانست سکوت کند و خاموش بنشیند؟ آیا خدا و پیامبر و دامن‌های پاکی که او را پرورش داده بودند، می‌پسندیدند؟

ابدیت به خود گرفته است؟!؟

پاسخ این سؤال را باید در لایه لای انگیزه‌های اصلی این انقلاب جست‌وجو کرد، ما تصور می‌کنیم تجزیه و تحلیل این مسئله برای کسانی که از تاریخ اسلام آگاهی دارند چندان پی‌چیده و مشکل نیست.

به عبارت روشن‌تر حادثه خونین کربلا نموداری از جنگ دو رقیب سیاسی بر سر بدست آوردن کرسی زمامداری یا املاک و سرزمین‌ها صورت نگرفته.

همچنین این حادثه از انفجار کینه‌های دو طایفه متخاصم که بر سر امتیازات قبیله‌ای در می‌گیرد، سرچشمه نگرفته است.

این حادثه در واقع صحنه روشنی از مبارزه دو مکتب فردی و عقیده‌ای است که آتش فروزان آن، در طول تاریخ پرماجرای بشریت، از دورترین زمان‌ها تا امروز، هرگز خاموش نشده است، این مبارزه ادامه مبارزه تمام پیامبران و مردان اصلاح‌طلب جهان، و به تعبیر دیگر ادامه جنگ‌های «بدر و احزاب» بود.

همه می‌دانیم هنگامی که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عنوان رهبر یک انقلاب فکری و اجتماعی، برای نجات بشریت از انواع بت‌پرستی و خرافات، و آزادی انسان‌ها از چنگال جهل و بیدادگری قیام کرد و قشرهای ستم‌دیده و حق‌طلبی را که مهم‌ترین عناصر تحول بودند، به گرد خود جمع نمود، در این موقع مخالفان این نهضت اصلاحی که در رأس آنها ثروتمندان بت‌پرست و رباخوار مکه بودند، صفوف خود را فشرده ساخته، برای خاموش کردن این ندا، تمام نیروهای خود را به کار گرفتند و ابتکار این تلاش‌های ضد اسلامی در دست «حزب اموی» و سرپرست آنها ابوسفیان بود.

ولی در پایان کار، در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کننده اسلام به زانو در آمده، سازمان‌شان به کلی از هم پاشید.

بدیهی است این از هم پاشیدن به معنای ریشه‌کن شدن و نابودی آنها نبود، بلکه نقطه عطفی در زندگی آنها محسوب می‌شد، یعنی فعالیت‌های ضد اسلامی صریح و آشکار خود را به فعالیت‌های پشت پرده و تدریجی - که برنامه هر دشمن لجوج، ضعیف و شکست خورده‌ای است - تبدیل نموده و در انتظار فرصت بودند.

بنی امیه پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای ایجاد یک جنبش ارتجاعی و سوق مردم به دوران قبل از اسلام، کوشیدند که در دستگاه رهبری اسلامی نفوذ پیدا کنند، و هر قدر مسلمانان از زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دورتر می‌افتادند، زمینه را مساعدتر می‌دیدند.

به خصوص پاره‌ای از «سنت‌های جاهلیت» که به دست غیر بنی امیه بر اثر علل گوناگونی احیا گردید، زمینه را برای یک «قیام جاهلی» آماده ساخت.

از جمله این که:

۱- مسئله نژادپرستی که اسلام خط قرمز روی آن کشیده بود دوباره به

آیا او نباید با یک فداکاری فوق العاده و از خودگذشتگی مطلق، سکوت مرگباری را که بر جامعه اسلامی سایه افکنده بود، درهم شکسته و قیافه شوم این نهضت جاهلی را از پشت پرده‌های تبلیغاتی «بنی امیه» آشکار ساخته و با خون پاک خود، سطور درخشانی بر پیشانی تاریخ اسلام بنویسد که برای آینده، حماسه‌ای جاوید و پرشور باشد؟

آری حسین (علیه السلام) این کار را کرد و رسالت بزرگ و تاریخی خود را در برابر اسلام انجام داد، و مسیر تاریخ اسلام را عوض نمود. او توطئه‌های ضد اسلامی حزب اموی را در هم کوبید و آخرین تلاش‌های ظالمانه آنها را خنثی کرد.

این است چهره حقیقی قیام حسین (علیه السلام) و از این جا روشن می‌شود که چرا نام و تاریخ امام حسین (علیه السلام) هرگز فراموش نمی‌شود. او متعلق به یک عصر و یک قرن و یک زمان نبوده، بلکه او و هدفش جاودانی است.

او در راه حق و عدالت و آزادی، در راه خدا و اسلام، در راه نجات انسان‌ها و احیای ارزش‌های مردمی، شربت شهادت نوشید؛ آیا این مفاهیم هیچ‌گاه کهنه و فراموش می‌گردند؟ نه... هرگز...!

راستی چه کسی پیروز شد؟

آیا در این مبارزه عظیم پیروزی با بنی امیه و سربازان خونخوار و دنیاپرستان بود؟ یا از آن امام حسین (علیه السلام) و یاران جانباز او که در راه عشق به حق و فضیلت و برای خدا همه چیز خود را فدا کردند؟!

توجه به مفهوم واقعی «پیروزی» و «شکست» به این سؤال پاسخ می‌گوید: پیروزی آن نیست که انسان، از میدان نبرد سالم به در آید، یا دشمن خود را به خاک هلاکت افکند، بلکه پیروزی آن است که انسان «هدف» خود را پیش ببرد و دشمن را از رسیدن به مقصود خود باز دارد.

با توجه به این معنا، نتیجه نهایی این نبرد خونین به طور کامل روشن می‌شود. درست است که حسین (علیه السلام) و یاران وفادارش پس از یک نبرد قهرمانانه، شربت شهادت نوشیدند، اما آنها هدف مقدس خود را، به تمام معنا، از آن شهادت افتخارآمیز گرفتند.

هدف این بود که ماهیت نهضت ارتجاعی و ضد اسلامی «اموی» آشکار گردیده و افکار عمومی مسلمانان بیدار شود تا از توطئه‌های این بازماندگان دوران جاهلیت و رسوبات دوران کفر و بت پرستی آگاه گردند که این هدف به



خوبی انجام شد.

آنها سرانجام ریشه‌های درخت ظلم و بیدادگری «بنی‌امیه» را قطع کردند و با فراهم ساختن مقدمات انقراض آن حکومت غاصب که افتخارش زنده کردن رسوم جاهلی و فساد و تبعیض و ستمگری بود، سایه شوم و ننگین آن را از سر مسلمانان کوتاه ساختند.

حکومت «یزید» با کشتن مردان با فضیلت خاندان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به خصوص امام حسین (علیه السلام) پیشوای بزرگ اسلام و جگرگوشه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، قیافه واقعی خود را به همه نشان داد، و کوس رسوایی این مدعیان جان‌شینی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در همه جازدند.

و عجیب نیست که در تمام انقلاب‌ها و تحول‌هایی که بعد از حادثه کربلا روی داد، شعار «خونخواهی این شهیدان» و یا «الرضا ل محمد» را می‌بینیم که تا زمان بنی‌عباس که خود با بهره‌برداری از این مسئله به حکومت رسیدند و سپس راه ستمگری را پیش گرفتند، ادامه یافت.

چه پیروزی از این بالاتر که آنها نه فقط به هدف مقدس خود نائل گشتند، بلکه سرمشقی برای همه مردم آزاده جهان گردیدند.

چرا سوگواری می‌کنیم؟

می‌گویند اگر امام حسین (علیه السلام) پیروز شد، پس چرا جشن نمی‌گیریم؟ چرا گریه می‌کنیم؟ آیا این همه گریه در برابر آن پیروزی بزرگ شایسته است؟ آنها که این ایراد را مطرح می‌کنند، «فلسفه عزاداری» را نمی‌دانند و آن را با گریه‌های ذلیلانه اشتباه می‌کنند.

«گریه» و جریان قطره‌های اشک از «چشم» که دریچه قلب آدمی است، چهارگونه است:

۱- گریه‌های شوق

گریه مادری که از دیدن فرزند دل‌بند گمشده خویش، پس از چندین سال، سر داده می‌شود، و یا گریه شادی آفرین و رضایت‌بار عاشق پاکبازی که پس از یک عمر محرومیت معشوق خود را می‌یابد، گریه شوق است.

قسمت زیادی از حماسه‌های کربلا شوق‌آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادت‌ها، فداکاری‌ها، شجاعت‌ها، آزادمردی‌ها، و سخنرانی‌های آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر، از دیدگان

شنونده سرازیر می‌گردد؛ آیا این گریه دلیل بر شکست است؟

۲- گریه‌های عاطفی

آنچه در درون سینه انسان جای دارد «قلب» است نه «سنگ»! و این قلب که ترسیم‌کننده امواج عواطف انسانی است، به هنگام مشاهده منظره کودک یتیمی که در آغوش مادر در یک شب سرد زمستانی، از فراق پدر، جان می‌دهد به لرزه در می‌آید و با سرازیر کردن سیلاب اشک، خطوط این امواج را در صفحه صورت ترسیم کرده و نشان می‌دهد که قلبی زنده و سرشار از عواطف مردمی است.

آیا اگر با شنیدن حادثه جان سپردن یک طفل شیرخوار در آغوش پدر، و دست و پا زدن در میان سیلاب خون، در حادثه کربلا، قلبی بطپد، و شراره‌های آتشین خود را به صورت قطره‌های اشک به خارج پرتاب کند، نشانه ضعف و ناتوانی است یا دلیل بر بیداری آن قلب پر احساس؟!

۳- گریه پیوند هدف

گاهی قطره‌های اشک پیام‌آور هدف‌هاست؛ آن‌ها که می‌خواهند بگویند با مرام امام حسین (علیه السلام) همراه و با هدف او هماهنگ و پیرو مکتب او هستند؛ ممکن است این کار را با دادن شعارهای آتشین و یا با سرودن اشعار و حماسه‌ها ابراز دارند؛ اما گاهی ممکن است آنها ساختگی باشد؛ ولی کسی که با شنیدن این حادثه جانسوز قطره اشکی از درون دل، بیرون می‌فرستد، صادقانه‌تر این حقیقت را بیان می‌کند. این قطره اشک، اعلان وفاداری به اهداف مقدس یاران امام حسین (علیه السلام) و پیوند دل و جان با آنها و اعلان جنگ با بت‌پرستی، ظلم و ستم و اعلان بی‌زاری از آلودگی‌هاست. آیا این نوع گریه - بدون آشنایی به اهداف پاک او- ممکن است؟

۴- گریه ذلت و شکست

گریه افراد ضعیف و ناتوانی است که از رسیدن به اهداف خود وامانده‌اند و روح و شهامت برای پیشرفت در خود نمی‌بینند؛ می‌نشینند و عاجزانه گریه سر می‌دهند.

هرگز برای امام حسین (علیه السلام) چنین گریه‌ای مکن که او از این گریه بیزار و متنفر است؛ اگر گریه می‌کنی، گریه شوق، عاطفه، و پیوند هدف باشد.

ولی مهم‌تر از سوگواری، آشنایی به مکتب امام حسین (علیه السلام) و یاران او، و پیوستگی عملی به اهداف آن بزرگوار و پاک بودن و پاک زیستن و درست اندیشیدن و عمل کردن است.

مقاله حجت الاسلام والمسلمین علی بنایی، نماینده مردم قم در مجلس درباره شخصیت آیت الله مکارم شیرازی استفاده از روش گروهی - حوزوی راز موفقیت آیت الله مکارم در نگارش تفسیر کامل قرآن است



طنین افکن شد؛ دعوتی که بر اثر استقامت و خودباوری عالمان دین پژوه و خواهان عزت و اقتدار اجتماعی و جهانی مسلمانان به صورت یک نهضت پایدار و فراگیر در آمد. پیش از آن تا گذشته‌های دور - که می‌توان به دوران عرضه تفسیر عظیم مجمع البیان «شیخ طبرسی» (رضوان الله تعالی علیه) اشاره کرد - رویکرد جامعه و حوزه‌ها به قرآن کریم و علوم مرتبط با آن چشم نمی‌خورد.

در این مجال نمی‌توان به علل مهجور بودن قرآن در جامعه بزرگ مسلمانان و نیز مجامع علمی و حوزوی روزگاران پس از مجمع البیان پرداخت اما به هر حال گفتنی است که نوعی غفلت از قرآن گریبان‌گیر عوام و خواص مسلمان گشته بود که فرصت طرح دیدگاه‌های حیثی و تدبیر و تعقل در آیات قرآنی را ستانده بود گویی دانستن و فهمیدن و شناختن قرآن کریم و آموزه‌های زندگی سازنده اش فضل است نه علم. یعنی اگر کسی یا عالمی از عالمان اسلام، اوقات خود را صرف تعلیم و تدریس و تحقیق و تفسیر قرآنی و علوم قرآنی کرد، یک کار فردی و مورد علاقه شخصی را انجام داده است. چنین تصور و تلقی نسبت به حقایق و علوم قرآن، بی‌گمان این کتاب بزرگ و هدایت‌گر الهی را آرام آرام از دسترس مسلمانان و حتی حوزویان دور می‌کند و آن را مهجور نگاه می‌دارد.

در حقیقت تفسیر بزرگ و ماندگار «المیزان» را باید نقطه شروع حرکت احیاگرانه قرآن کریم و معارف و علوم و حقایق آن در جهان تشیع و حوزه‌های علمیه آن به شمار آورد. حضرت علامه سید محمد حسین طباطبایی به تعبیر تنی از بزرگان حوزه علمیه نجف اشرف خود را در راه قرآن کریم و تفسیر آن قربانی کرد. او که می‌توانست در شمار فقیهان عالیقدر و مراجع معظم شیعه درآید، همه توان و علاقه و همت و عمر پر

آیت الله مکارم شیرازی در پیوند مرجعیت و قرآن و تفسیر آن کوشیده و در نگارش تفسیر کامل قرآن کریم از روش همکاری گروهی - حوزوی سود جسته است و طی سالیان دراز تفسیر نمونه را فراهم کرد و بی‌گمان راز موفقیت ایشان در روند تفسیر و تحقیق قرآنی - که کارهای تمام را می‌نمایاند - جز این نیست.



آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید و خادم برگزید قرآن، در طول حیات خود منشأ خدمات ارزنده‌ای به قرآن اسلام بوده و در طول سال‌های قبل و بعد انقلاب همواره همراه نظام بوده است. تألیف این مرجع عالیقدر سرشار از مبان غنی قرآنی بوده که به شکلی روان و ساده نگاشته شده‌اند تا همگان بتوانند بهره‌ای از آن ببرند.

حجت الاسلام والمسلمین علی بنایی، نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی در یک مقاله تفصیلی که برای ایکنارسال داشته، به بیان برخی ویژگی‌های شخصیتی آیت الله مکارم شیرازی و نقش این مرجع تقلید در برهه‌های مختلف انقلاب پرداخته که متن آن در ادامه آورده می‌شود.
در سده اخیر در جهان اسلام دعوت بازگشت به قرآن کریم

مسئولیت‌هایی که یک مرجع دارد، توانسته‌اند تفسیر کامل قرآن کریم را پدید آورند البته گفتنی است که ایشان از روش همکاری گروهی - حوزوی سود جسته و طی سالیان دراز تفسیر نمونه را فراهم کرده که درباره آن سخن خواهیم گفت.

افزون بر این مجموعه چند جلدی که مورد توجه و اقبال مردم قرار گرفته و بارها تجدید چاپ شده است، می‌باید از تفسیر موضوعی معظم له یاد کرد که با عنوان «پیام قرآن» در ده جلد نشر یافته است و همچنین کتاب‌های اخلاق در قرآن که دوره دوم پیام قرآن است و مثال‌های زیبای قرآن و ترجمه قرآن کریم از جمله کوشش‌های ایشان به شمار می‌آید که در کارنامه تفسیری‌شان گنجانده شده است. شیوه همکاری فضلا که پیش‌تر از آن یاد شده در همه این آثار موجود استفاده قرار گرفته است، بی‌گمان راز موفقیت ایشان در روند تفسیر و تحقیق قرآنی - که کارهای تمام‌را می‌نمایاند - جز این نیست.

انگیزه تألیف تفسیر نمونه

حضرت آیت‌الله مکارم در ارتباط با تفسیر نمونه و انگیزه تألیف آن چنین گفته‌اند: «بد نیست انگیزه تألیف تفسیر نمونه را عرض کنم. بسیاری از جوانان دانشگاهی و فرهنگی می‌آمدند و از ما سؤال می‌کردند که ما یک تفسیری به زبان فارسی که مسائل روزمره در آن منعکس باشد و خالی از پیچیدگی باشد لازم داریم، به ما معرفی کنید که کدام تفسیر را مطالعه کنیم من فکر کردم و بعضی از تفسیرهای فارسی را معرفی می‌کردم ولی معتقد بودم مشکل آنها حل نمی‌شود.

طبیعی است که وقتی انسان تقاضایی ببیند و ملاحظه کند که مشکلی به وسیله آنچه موجود است حل نمی‌شود، مسئولیت سنگین بر دوش او می‌افتاد که باید دامن همت به کمر ببندد و اقدامی کند این جا بود که به فکر نوشتن تفسیری به زبان فارسی افتادم، تفسیری که تمام دقیق تفسیری در آن باشد، در عین حال روان و ساده هم باشد و مسائل و مشکلات روز نیز در آن مطرح باشد و آرزوی ما این بود که اثری به وجود آید، هم برای علما و فضلا مفید باشد و هم برای توده مردم و مخصوصاً جوانان تحصیل‌کرده و قشر دانشگاهی تصدیق می‌کنید که جمع کردن بین این‌ها کار آسانی نیست، بلکه یک توفیق الهی و ویژه‌ای لازم دارد و بحمدالله این کار انجام شد لذا غالباً افرادی که با ما برخورد می‌کنند، می‌گویند این منظور در تفسیر نمونه تأمین شده است.»

احساس مسئولیت دینی و علمی

شکی نیست که یک عالم روحانی، به ویژه کسی که مرجع تقلید بوده و خود را در برابر مردم و احتیاج‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی‌شان و تأمین آن بر پایه احکام و معارف قرآن کریم مسئول می‌شناسد، نمی‌تواند به آن چه در ذهن مسلمانان و عینیت حیات‌شان می‌گذرد، بی‌اعتنایی داشته باشد. آسان بودن دسترسی جوانان به یک تفسیر مطلوب و دقیق و پاسخگویی پرسش‌های مذهبی، تکلیفی است که

برکت خویش را به تلاش پیرامون آیات قرآن و فهم و تبیین آن اختصاص داد و در حقیقت راه تفسیر را در حوزه علمیه قم گشود. عزم بلند معظم‌له که همراه با صفای باطن و خلوص نیت و ژرف‌اندیشی در کلام پروردگار و احادیث پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت همراه بود، پایه‌گذار نهضت مستمری در قرآن‌پژوهی حوزویان شد که می‌توان آثار آن را به روشنی سراغ گرفت.

امروز افزون بر تفسیر تربیتی و معمول در جهان اسلام - که پیشینه‌ای دراز در تاریخ تفسیر قرآن کریم دارد - می‌توان از تفسیرهای موضوعی گوناگون یاد کرد که اهل فضل و علم درباره محورهای تعلیمی و تربیتی قرآن مجید پدید آورده‌اند و هر کدام ویژگی‌های در خور نظر و تعظیم دارد.

امید است که این نهضت علمی و معنوی قرآن‌پژوهان همچنان در حوزه‌های علمیه تشیع استمرار داشته و در برهه‌های گوناگون زمان به فراخور نیازهای فکری و عقیدتی و اجتماعی مسلمانان، کاوش‌های جدید درباره آیات و دیدگاه‌های قرآنی مرتبط با مسائل روز انجام پذیرد زیرا ما بر این باوریم که قرآن کریم، کتاب هدایتی جاودانه برای تمام عصرها و نسل‌هاست و از طرفی می‌دانیم که جامعه بشر در هر زمانی به تفسیر جدیدی نیاز دارد که با نگرش به روز و درک و شناخت مردم از دین و آموزه‌های فردی و اجتماعی آن فراهم آید.

بسنده کردن به تفاسیر پیشین و عدم تحریک فکری و حاملان قرآن کریم در ارتباط با آنچه در ظرف زمان و ذهن و روابط انسان‌ها با یکدیگر است، سبب مهجور شدن قرآن کریم می‌شود از این رو مرحوم علامه طباطبایی اظهار می‌داشتند که در هر صد سال باید یک تفسیر جدید به جهان اسلام ارائه داد. این دیدگاه تفسیری مطلوب و زاینده، درست همان حقیقتی است که در ظاهر و باطن ژرف و زیبای قرآن تجلی کرده و به مخاطبان و مفسران خود در هر عصری مجال داده است که بیانی دیگری از آیت آن به مردم عرضه کرده و شگفتی‌های کلام خداوند را آشکار کنند.

مرجعیت و تفسیر

چنان که در حوزه‌های علمیه جهان تشیع مشاهده شده است، مراجع عظام شیعه به دلیل دشواری‌هایی که مرجعیت در ارتباط با احکام و فتاوا و مدیریت زندگی و تحصیل طالبان علم و همچنین رسیدگی به قشرهای مستضعف و محروم و نیز دفاع از اسلام در برابر توطئه‌های آشکار و پنهان صهیونیسم و استکبار جهانی دارد، کمتر مجال پرداختن به کار تفسیر داشته‌اند. تفاسیر ناتمام پاره‌ای از مراجع بزرگوار شیعه در سده اخیر، گواه این واقعیت است و نیز گواه اشتیاق آنان به تفسیر قرآن کریم.

مرجع عالیقدر، حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی - مدظله العالی - نیز در پیوند مرجعیت و قرآن و تفسیر آن کوشیده‌اند و به رغم گرفتاری‌های تدریس و تحقیق فقهی و اصولی خود و همچنین سایر

سادگی در بیان تفسیر

بی تردید تفسیرهای آمیخته به دشواری در الفاظ و مباحث - که ممکن است به کار و پسند خواص بیاید - کمتر در میان مردم جاذبه خواهد داشت. از این روست که غالباً کتب تفسیری به رغم کوشش‌ها و ممارست‌ها و روشنگری‌های تفسیری، از دسترس مردم به دور مانده و فقط فضلا و یا مبلغان می‌توانند از آن سود جسته و سپس به مردم انتقال دهند. بنابر این اگر تفسیری به زبان ساده و کوتاه نگاشته شود، برای اقشار گوناگون جامعه، بیش و کم قابل فهم و استفاده خواهد بود و هر کسی از آن به قدر خویش بهره‌های وحیانی خواهد داشت.

تفسیر نمونه بر این پایه فراهم آمده است که توانسته به صورت یک کتاب تفسیری در شهرها و روستاها مطرح شده و جذب کند. در این تفسیر کوشیده شده که معانی نهفته در آیات رخ نمایی کند بی‌آنکه خواننده را با بحث‌های پیچیده معمول تفسیری درگیر و سرگردان کند. گفتنی است که تفسیر نور حجت الاسلام قرائتی - که از اعضای پدید آورنده تفسیر نمونه بوده است - در ساده‌سازی تفسیر قرآن برای مردم و جوانان به موفقیت‌های بیشتری دست یافته است. دو محور پیام‌ها و نکته‌ها که در این تفسیر طرح شده به آسانی خواننده را با مفاهیم یک آیه یا سوره آشنا می‌کند و به ذهن او می‌سپارد تا درباره آن بیندیشد و آنگاه به کار بندد. بدین سان می‌توان امیدوار بود که تفسیر قرآن به صورت یک علم شریف، آرام آرام در اختیار همگان قرار گرفته و آنان بتوانند به سهولت و سرعت، به فهم کلام پروردگار نزدیک شوند.

از ذکر این نکته نباید گذشت که سادگی در بیان حقایق دین به‌ویژه در ارتباط با تفسیر قرآن کریم با سطحی‌نگری در آیات و آموزه‌های دینی تفاوت آشکار دارد. ساده گفتن نباید به معنای سطحی‌نگریست. مراد از سادگی در انتقال مفاهیم علمی و اسلامی این است که پس از ژرف‌اندیشی یک مفسر در آیات و روابط و معانی و اقوال و احادیث، بیان تفسیری او ساده و هموار باشد تا هر خواننده آن را دریابد.

خوانندگان یک کتاب تفسیر اطلاعات کم و زیاد دارند. آنان در حد خود باید فرصت استفاده از علم تفسیر را داشته باشند. به عبارت دیگر، کتاب تفسیری که برای همگان فراهم می‌آید، می‌باید به طور خودآموز عمل کند یعنی خواننده و جوینده مفاهیم قرآنی برای فهمیدن کلام یک مفسر ناگزیر از رجوع به کتابخانه و مطالعه کتب دیگر نباشد.

بگذریم از طالبان علم در حوزه‌های علمیه که چنین فراغت و تکلیفی دارند ولی مردم نه وقت مراجعه دارند و نه تکلیف آن را. تفسیر نمونه سادگی گفتار را در عین غنای علمی حفظ کرده است

همواره بر دوش حوزه‌های علمیه و عالمان آن قرار دارد. اساساً ویژگی دعوت الهی و توحیدی انبیا جز آسانی در انتقال پیام‌های دینی نیست که می‌باید زمینه رسالت و تبلیغ و تحقیق روحانیت قرار گیرد. بنابر این جای تشکر و تقدیر از معظم له است که همت کرده و گروهی توانمند از فضایی حوزوی را به منظور قرآن پژوهی گرد هم آورده و شالوده تفسیر نمونه را پی افکنند که اکنون مرجع علمی و تفسیری روحانیون و جوانان و دیگر گروه‌های اجتماعی مسلمان کشور است.

پیگیری تکلیف الهی

بسیارند کسانی که به سادگی و با چند کلمه‌ای از خود رفع تکلیف کرده و اعتنایی به مشکل و راه حل واقعی آن در جامعه و به‌ویژه در میان نسل نو ندارند. چنین شیوه‌ای خواه ناخواه به زیان روحانیت و مرجعیت خواهد بود زیرا سهل‌انگاری و گریز از میدان تکلیف آرام آرام به مردم سرایت کرده و آنان افزون بر این که در نادانی فرو می‌مانند، از پی‌گرفتن مسئولیت و رغبت دینی و قرآنی شان کاسته می‌شود و حتی برخی از آنان از عرصه فهم آیات الهی فاصله گرفته و جذب جریان‌های گمراه‌کننده‌ای می‌شوند که در کمین جوانان است. از این روست که معظم له تعبیر مسئولیت سنگین در ارتباط با نسل نورا به کار برده و نمی‌توانند به سادگی از کنار مشکلات و نیز دل بستگی‌های ایمانی جوانان بگذرند و آنان را از دستیابی به سرچشمه معارف و حیانی محروم کنند.

تفسیر مطلوب روحانیت شیعه

همان‌گونه که علم تفسیر در روند و پیشینه و در احادیث مرتبط با آیات نشان داده است، نمی‌توان تفسیری بر آیه‌ای یا سوره‌ای داشت، بی‌آن که نکات تفسیری آن ارائه شده باشد. لغت و دانستن معانی گوناگون آن باتوجه به جایگاه‌ها و نسبت‌ها و نیز آگاهی از آیات مشابه در جاهای دیگر قرآن - که ابعاد دیگری از موضوع مورد نظر را روشن می‌کند - و همچنین شأن نزول آیه یا آیات بسا از ابهام‌های موجود در ذهن مفسر می‌کاهد و بی‌گمان دیگر نکات در علم تفسیر می‌باید لحاظ شود. اقوال یا دیدگاه‌های مفسران حال و گذشته را می‌توان یکی از علایم راهنما و مددکار در تفسیر به حساب آورد. شناخت حدیث و رجال حدیث، ضرورت دیگری است که بدون آن مفسر ممکن است گرفتار اسرائیلات شود که در برخی تفسیرها به چشم می‌خورد.

آنچه از همه مهم‌تر است، همانا دست‌یافتن به جهت‌گیری‌های بنیادی و توحیدی قرآن کریم است که با تمرین فکری و تدبیر مستمر و انس پیوسته با قرآن به دست می‌آید و در واقع راهنمای مطمئن مفسران در برداشت‌های قرآنی است.



که دیگران از آن به عنوان کتاب درسی استفاده کرده و یا برادران اهل سنت از آن به عنوان یک منبع شیعه‌شناسی یاد می‌کنند. حضرت آیت‌الله مکارم - مدظله‌العالی - در این باره چنین اظهار کرده‌اند: «فقط در یک جمله کوتاه عرض می‌کنم: یکی از برادران نقل کرده است که پروفیسوری که استاد دانشگاه کانادا بود و معارف اسلامی را در آنجا تدریس می‌کرد، می‌گفت منبع اصلی من در تدریس معارف اسلامی در آن دانشگاه همین تفسیر نمونه است و مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید صفدر حسینی نجفی پاکستانی که مرد بسیار پ‌کار و مخلص بود و تمام مجلدات تفسیر نمونه را به زبان اردو ترجمه کرده است، برای من نقل می‌کرد که یکی از علمای اهل سنت اردو زبان به ایشان گفته بود: من کتاب‌های علمای شیعه را مطالعه نکرده بودم. جلد اول تفسیر نمونه به زبان اردو به دستم افتاد، مطالعه کردم و به من ثابت شد که علوم اسلام نزد شیعه‌هاست.»

اصرار بر ساده‌نویسی که حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی - چه در کتاب‌های اسلام‌شناسانه خویش و چه در تفاسیر ترتیبی و موضوعی قرآن کریم دارند - به دست می‌دهد که معظم‌له آگاهانه بدین شیوه دست یازیده‌اند چرا که هدف، تفهیم حقایق و مسائل اسلامی به همگان بوده است. ایشان در برابر ایرادگیری برخی که توجهی به این امتیاز ندارند، چنین نگاشته‌اند: «بعضی‌ها معتقدند این سلسله کتاب‌ها { ی بنده } یک عیب بزرگ دارند که می‌تواند از ارزش آن بکاهد و اگر تعجب نکنید عیب بزرگش در نظر آنها پرهیز از اصطلاحات مغلق و عبارات قلمبه و سلمبه و دوری از جمله‌بندی‌های گنگ و مبهم و رعایت حداکثر روانی عبارات و نزدیک ساختن مطالب مشکل به اذهان عموم است که آن را به گمان کوتاه‌نظران از بحث سطح بالا به پایین می‌آورد.

من به این عیب یا گناه معترفم و می‌دانم اگر جلوقلم را رها می‌ساختم، از اصطلاحات پیچیده و عبارات گنگ کمک بگیرد، بحث‌ها در نظر بعضی علمی‌تر جلوه می‌کرد اما آگاهانه این کار را نکردم و فکر می‌کنم رسالت یک نویسنده همین است. به جرأت می‌توان گفت هر یک از بحث‌های این سلسله را می‌توان چنان پیچیده نوشت که اکثر خوانندگان عادی نفهمند و فقط بگویند بحث‌ها خیلی علمی است و در سطح بالا که ما نمی‌فهمیم.»

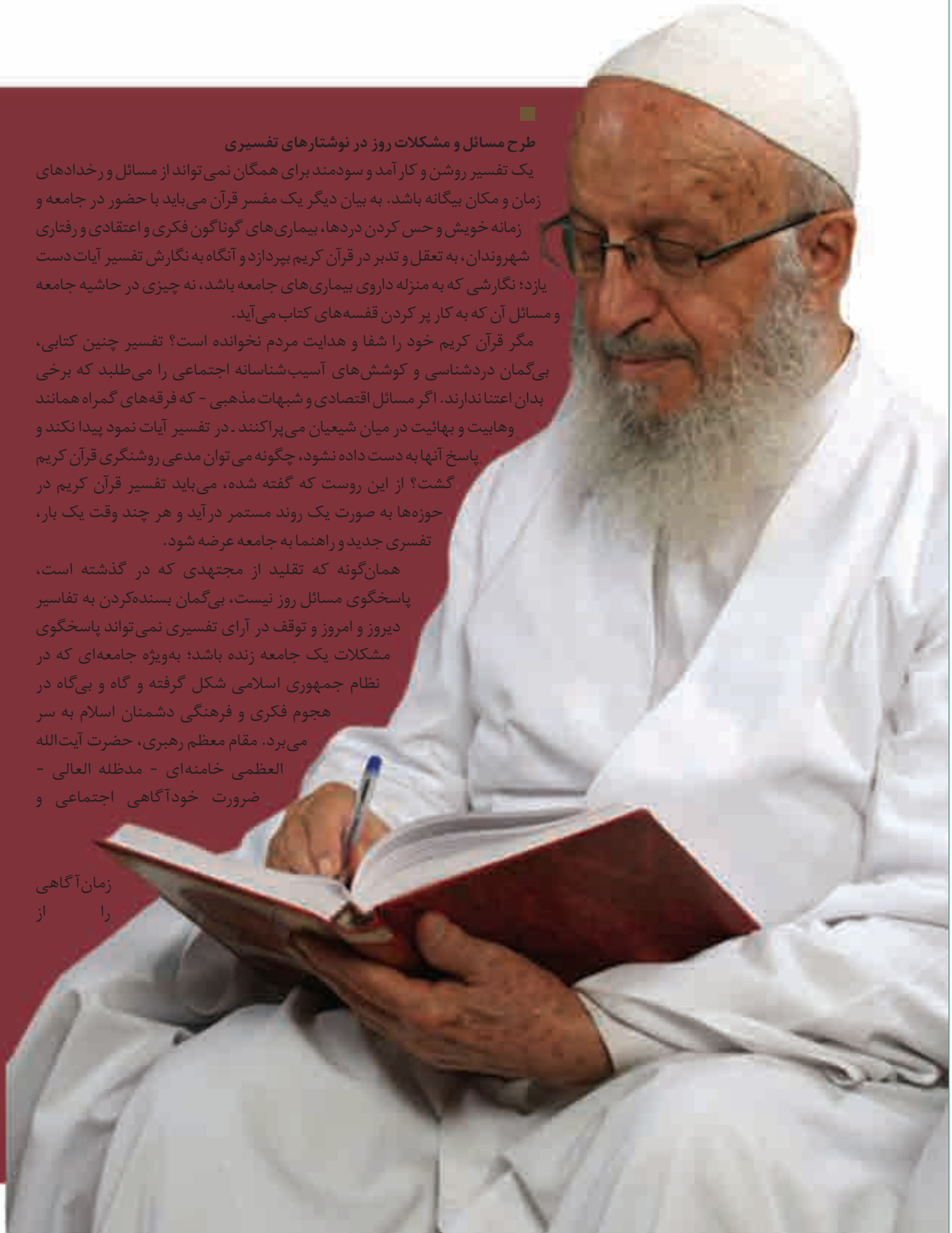
طرح مسائل و مشکلات روز در نوشتارهای تفسیری

یک تفسیر روشن و کارآمد و سودمند برای همگان نمی‌تواند از مسائل و رخدادهای زمان و مکان بیگانه باشد. به بیان دیگر یک مفسر قرآن می‌باید با حضور در جامعه و زمانه خویش و حس کردن دردها، بیماری‌های گوناگون فکری و اعتقادی و رفتاری شهروندان، به تعقل و تدبر در قرآن کریم بپردازد و آنگاه به نگارش تفسیر آیات دست یازد؛ نگارشی که به منزله داروی بیماری‌های جامعه باشد، نه چیزی در حاشیه جامعه و مسائل آن که به کار پر کردن قفسه‌های کتاب می‌آید.

مگر قرآن کریم خود را شفا و هدایت مردم نخوانده است؟ تفسیر چنین کتابی، بی‌گمان دردشناسی و کوشش‌های آسیب‌شناسانه اجتماعی را می‌طلبد که برخی بدان اعتنا ندارند. اگر مسائل اقتصادی و شبهات مذهبی - که فرقه‌های گمراه همانند وهابیت و بهائیت در میان شیعیان می‌پراکنند - در تفسیر آیات نمود پیدا نکند و پاسخ آنها به دست داده نشود، چگونه می‌توان مدعی روشنگری قرآن کریم گشت؟ از این روست که گفته شده، می‌باید تفسیر قرآن کریم در حوزه‌ها به صورت یک روند مستمر درآید و هر چند وقت یک بار، تفسیری جدید و راهنما به جامعه عرضه شود.

همان‌گونه که تقلید از مجتهدی که در گذشته است، پاسخگوی مسائل روز نیست، بی‌گمان بسنده کردن به تفاسیر دیروز و امروز و توقف در آرای تفسیری نمی‌تواند پاسخگوی مشکلات یک جامعه زنده باشد؛ به‌ویژه جامعه‌ای که در نظام جمهوری اسلامی شکل گرفته و گاه و بی‌گاه در هجوم فکری و فرهنگی دشمنان اسلام به سر می‌برد. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای - مدظله العالی - ضرورت خودآگاهی اجتماعی و

زمان آگاهی
را از





ویژگی‌های روحانیت و حوزه‌های علمیه زنده و زاینده بر می‌شمارند و انتظار دارند که عالمان و طبعاً مفسران، نگاهی به قرآن کریم و متون دینی خود دوخته و نگاهی به جامعه و جهان امروز داشته باشند و گرنه دفاع مناسب شکل نمی‌گیرد و ذهنیت مردم به‌ویژه جوانان گرفتار آموزه‌های ضدقرآنی خواهد گشت.

یک مفسر قرآن باید بداند که امروز چه دیدگاه‌هایی به لحاظ جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مطرح بوده و دیدگاه‌های قرآنی مرتبط با آن چگونه باید به دست داده شود. تفسیر زنده و ناظر به حیات و سرنوشت جامعه چنین ویژگی را دارد که در گذشته‌ها کمتر بدان پرداخته می‌شد، امید می‌رود که این ویژگی در ایران اسلامی روندی برکت‌بخش پیدا کند تا بتوان قرآن کریم را در آوردگاه افکار و مکاتب مطرح کرد و از غربت و مهجوریت در آورد.

«حوزه باید در متن حوادث علمی عالم باشد. امروز باید شما بدانید و در جریان باشید که مثلاً در مقوله جامعه‌شناسی در دنیا چه نظرات و چه ایده‌هایی هست، آن را جذب کنید. عناصر نامطلوبی هم هست، قبل از آنکه بیاید، دفاع مناسبش را آماده بکنید و ذهنیت جامعه را واکنش‌نمایید. این طور نباشد که وقتی آمد و یک عده رفتند و خواندند و طرفدار شدند، ما بگوییم که بله، فلان کسی در فلان قضیه این طوری گفته و این مطلب به این دلیل و این دلیل درست نیست.»

سودمندی تفسیر برای حوزویان و غیرحوزویان

تفسیر تأثیرگذار و ماندگار ناگزیر باید در دو جهت فعالیت و سودمندی خود را نشان دهد. از منظر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی - مدظله‌العالی - تفسیر قرآنی که امروز فراهم می‌آید، از یک سو باید بر دانش حوزویان بیفزاید و از دیگر سو باید دانش دینی و قرآنی مردم و به‌ویژه جوانان را بالا ببرد. یعنی چنین تفسیری به لحاظ علمی و اجتماعی در سطحی باشد که هر عالم و فاضل حوزوی بتواند در آن به تلقی‌های جدید از آیات دست یابد و همچنین نسل نو و گروه‌های اجتماعی دیگر پاسخ‌های ایدئولوژیکی‌شان را در لابه‌بلائی برداشت‌های تفسیری به دست آورند. چنین تفسیری کار عظیمی می‌طلبد و رنج بسیاری به همراه دارد اما می‌توان بارها نظاره‌گر چاپ آن در جامعه بود و اقبال حوزه و مردم را بدان نگریست.

نگاهی به تفسیر موضوعی «پیام قرآن»

پس از انقلاب اسلامی ایران، تفسیر موضوعی قرآن کریم در کنار

معظم له در این باره گفته‌اند: «هنگامی که سخن از تفسیر قرآن به میان می‌آید، فوراً نظرها به همان تفسیر معمولی (تفسیر ترتیبی) جلب می‌شود که آیات قرآن را به ترتیب مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و محتوا و حقیقت آنها را روشن می‌کند. همان کاری که از صدر اسلام تا کنون در تفسیر قرآن معمول بوده است و دانشمندان و علمای بزرگ اسلام صدها یا هزاران کتاب به نام تفسیر قرآن مجید در زمینه آن تألیف کرده‌اند.

البته نوع دیگری از تفسیر نیز کم و بیش رایج بوده که ناظر به تفسیر مفردات قرآن است، یعنی واژه‌های قرآنی را جداگانه به صورت معجم و به ترتیب الفبا مورد بحث قرار می‌دهد که نمونه روشن آن کتاب مفردات راغب و... است در حالی که برای قرآن انواع دیگری از تفسیر نیز وجود دارد که از جمله تفسیر موضوعی است که آیات قرآن را براساس موضوعات مختلف مربوط به اصول و فروع اسلام و مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

نوعی دیگر از تفسیر که ما نامش را تفسیر ارتباطی یا زنجیره‌ای نهاده‌ایم، آن است که موضوعات مختلف قرآن را در ارتباط با یکدیگر ببینیم. مثلاً بعد از آن که موضوع ایمان و موضوع تقوا و موضوع عمل صالح را به طور جداگانه در تفسیر موضوعی مورد بررسی قرار گرفت، این سه مطلب را در ارتباط با یکدیگر، توجه به آیات قرآن و اشاراتی که در آن است تفسیر می‌کنند و ارتباط این سه را با یکدیگر روشن می‌کند و مسلماً در این صورت حقایق تازه‌ای از چگونگی رابطه این

اینک محورهای موضوعی در تفسیر موضوعی پیام قرآن - که معظم له بدان پرداخته اند - یاد می شود:

۱. معرفت و شناخت در قرآن مجید
۲. خداجویی و خداشناسی در قرآن مجید
۳. طرق معرفت الله در قرآن مجید
۴. صفات جمال و جلال در قرآن مجید
۵. معاد در قرآن مجید (دو جلد)
۶. نبوت خاصه در قرآن مجید (دو جلد)
۷. امامت و ولایت در قرآن مجید
۸. حکومت اسلامی در قرآن مجید

تعریف و گستره تفسیر موضوعی

پیش از این که ویژگی های تفسیر پیام قرآن را یادآور شویم، می باید به تعریف تفسیر موضوعی از منظر حضرت آیت الله مکارم شیرازی - مدظله العالی - پرداخت.

«چرا قرآن به سبک موضوعی جمع آوری نشده و شبیه کتاب های معمولی نیست بلکه با تمام آنها تفاوت دارد؟ پاسخ این است که برای تهیه کتاب های معمولی مؤلف یا مؤلفان موضوعات مختلفی را که در یک قدر جامع شریکند، در نظر می گیرند، مثلاً بیماری های مختلف که همه آنها به مسئله سلامت انسان ارتباط دارد، در علم طب در نظر گرفته می شود.

سپس مسائل مربوط به این موضوعات را به فصول و ابواب مختلف تقسیم می کنند: بیماری های قلبی، بیماری های عصبی، بیماری های گوارشی، بیماری های تنفسی، بیماری های پوستی و بیماری های دیگر. بعد از آن هر فصل و هر باب را با توجه به مقدمات و نتایج آن مورد بررسی قرار می دهند و به این ترتیب کتابی به نام کتاب طب تدوین می شود ولی قرآن هرگز چنین نیست؛ کتابی است که در طول ۲۳ سال با توجه به نیازها و شرایط مختلف اجتماعی و حوادث گوناگون و مراحل مختلف تربیتی نازل شده است و همگام با حیات جامعه اسلامی پیش رفته و در عین حال بسته به زمان و مکان خاصی نیست... منظور از تفسیر موضوعی روشن می شود و آن این است که آیات مختلفی که درباره یک

موضوعات با یکدیگر برای ما کشف می شود که بسیار ارزنده و راهگشا است... نوع دیگر از تفسیر، تفسیر کلی یا جهان بینی قرآن است. در اینجا مفسر تمام محتوای قرآن را در رابطه با عالم هستی در نظر می گیرد و به تعبیر زنده تر، کتاب تکوین و تدوین را به یکدیگر پیوند می دهد و هر دورا در کنار هم می بیند و هر دورا در ارتباط با هم تفسیر می کند.»

معظم له در عرصه تفسیر قرآن کریم گونه های پنج گانه ای را نام بره اند که هر کدام نقش تعیین کننده ای در هدایت گری دینی مسلمان داشته و آنان را از منظرهای گوناگون به سرچشمه وحی نزدیک می کند. درست است که از هر راه، از این راه های پنج گانه وارد عرصه فهم و شناخت آیات قرآن شویم، بهره مناسب و ممکن خود را به دست خواهیم آورد اما باید دانست که هر راه، گونه ای از شناخت کتاب پروردگار را فراهم می آورد و به عبارتی دیگر می توان گفت که هر کدام از این گونه ها، ویژگی هدایت خود را به همراه دارد.

تردید نباید داشت که نگاه جامع نسبت به قرآن و دیدگاه های آن، در هر یک از گونه های پنج گانه یاد شده از سوی مفسران، می باید به صورت یک امر محسوس درآید؛ یعنی وجه مشترک راه های تفسیری قرآن کریم در هر زمان و مکانی جامعیت آن است که می باید در تفسیر آشکار شود. این ویژگی حتمی و بارز جامعیت است که تفسیر قرآن را از تفسیر به رأی، آمیختن غیر قرآن با قرآن، سطحی نگری و گسستگی مفاهیم و اصول و تنگ نظری و جمود و تحجراندیشی جدا و متمایز می کند.

تفسیر موضوعی به دلیل محوری شدن موضوعات قرآنی در ارتباط با زندگی و جامعه انسانی، کاربرد روشن و خاص خواهد داشت. در این گونه تفسیر، خواننده نه با پاره ای از آیات درباره یک موضوع بلکه با تمام آیات مرتبط با آن از نزدیک آشنا می شود و بدین سان می تواند دیدگاه شفاف و گویا و کارآمد نسبت به یک محور اعتقادی یا اخلاقی به دست آورد و بر مبنای آن وارد میدان عمل شود.

موضوعی می‌باید مرتبط با حیات جامعه باشد و ناظر به ضرورت‌های گوناگون آن در هر زمان و مکانی. امروز که نظام ولایی جمهوری اسلامی بر کشور ما سایه میمون خویش را افکنده است، بی‌گمان تفسیر موضوعی قرآن می‌باید از سوی مفسرانی انجام پذیرد که حس مسئولیت و شناخت واقعیت‌های جامعه ایران اسلامی را داشته و در اندیشه سامان بخشی آن هستند.

در حقیقت تفسیر موضوعی امروز قرآن کریم همانندی با دوران نزول آیات مدنی پیدا می‌کند که پیام در بستر حرکت و تعهد دینی مردم است. بنابراین دو مسئله تبیین تکلیف و انجام تکلیف بایسته در نظام سیاسی اسلام می‌باید طرح شود؛ یعنی آیات قرآنی در موضوع جامعه اسلامی یا حکومت اسلامی می‌باید به گونه‌ای بیان و تفسیر شوند که بتوان هم تکلیف مسئولان و مدیران و عالمان و شهروندان مسلمان را به روشنی به دست آورد و هم چگونگی انجام آن تکلیف‌ها را. با توجه به آیات و نیز سیره نبوی که مرتبط با این محور است، می‌توان حتی تصویر شفافی از اقدام‌ها در هر برهه و عرصه عملی و مدیریتی به دست داد.

حضرت آیت‌الله مکارم - مدظله العالی - در تفسیر موضوعی قرآن کریم، همان شیوه درست علامه طباطبایی را دارند که تفسیرپذیری آیات به کمک هم است. بدین گونه آیات طبقه‌بندی شده در یک موضوع، در عین حال که روشن‌گر میدانی از ایمان و عمل صالح شناخته می‌شوند، روشن‌گر آیات مرتبط دیگر نیز بوه و مفسر را از راهی استوار و مطمئن به سرچشمه رهنمون خواهد گشت. گفتنی است که رعایت اصل «القرآن یفسر بعضه بعضا» در تفسیر موضوعی قرآن آسان‌تر و ممکن‌تر است؛ چرا که مفسر همه آیات مربوط به یک محور را گرد آورده و پیش نظر دارد. مثلاً اگر آیه‌ای متشابه است، آیه‌ای دیگر محکم است و یا اگر آیه‌ای ناسخ است، آیه‌ای منسوخ است به هر حال مفسر موضوعی با فراخی عرصه نظر و تدبر در آیات رو به روست و کمتر دچار خطا و بی‌نصبی از جامعیت منظر و حیانی خواهد شد.

«مثلاً آیات مربوط به دلایل خداشناسی از قبیل

موضوع در سراسر قرآن مجید، در حوادث و فرصت‌های مختلف آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی شود و از مجموع آن نظر قرآن درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن شود.

چنان‌که دوران نزول قرآن کریم نشان می‌دهد، آیات وحی در بستر حرکت توحیدی و فراگیری پیامبر اکرم (ص) فرود آمده است که پاره‌ای از آن را می‌توان دوره فردسازی قرآن خواند (نزول در مکه یا آیات مکی) و پاره‌ای دیگر را می‌توان دوره جامعه‌سازی قرآن به حساب آورد (نزول در مدینه‌النبی یا آیات مدنی).

در حقیقت قرآن کریم در عمل و برخورد با رخدادها یا به عبارتی در ارتباط با ضرورت‌های حیات طیبه الهی در مکه و مدینه نازل شده و از این رو شکل تدریجی داشته و در نهایت به صورت کتاب تدوین شده است. چنین کتابی نمی‌تواند همانندی با کتاب‌های علمی داشته و محور یا محورهای از پیش تنظیم شده به همراه داشته باشد. اما قرآن این ویژگی را دارد که مفسر در هر زمانی می‌تواند آیات آن را درباره موضوعی یا محوری - چه اعتقادی و اخلاقی و چه حقوقی و اجتماعی - گرد هم آورده و به شکلی راهنما سامان دهد و چارچوب تکلیف فرد و جامعه مسلمان عصر خویش را روشن کند.

این ویژگی بی‌گمان هدایت‌گری قرآن کریم و هدایت‌پذیری امت اسلام و بلکه انسان‌ها را ممکن می‌سازد و قرآن را کتاب جاودانه زندگی انسا می‌نماید.

معظم‌له از نزول قرآن همگام با حیات جامعه اسلامی یاد کردند که نمودار نگرش جامع قرآن کریم بوده و خط تفسیر موضوعی یا هرگونه دیگری تفسیری را در بستر عمل و حرکت جمعی مسلمانان هویدا می‌کند، نه در کنج و گوشه صوفیانه و گسسته از جامعه و مدیریت و سیاست و اقتصاد آن. از این روست که ایشان جلد دهم تفسیر موضوعی خود را به محور حکومت اسلامی اختصاص داده و خطوط قرآنی را ترسیم کرده‌اند.

بدین سان پیام قرآن به دست می‌دهد که تفسیر

برگرفته، از حقیقت شفاعت گرفته تا شرایط و خصوصیات دیگر ولی هنگامی که آیات شفاعت را از قرآن برداریم و در کنار هم بچینیم و آنها را در پرتو هم تفسیر کنیم، این ابهام برطرف شده و مشکل به خوبی حل می‌شود.

همچنین آیات مربوط به ابعاد جهاد یا فلسفه احکام اسلام یا آیات مربوط به برزخ یا مسئله علم خدا و همچنین موضوع علم غیب و این که آیا برای غیر خدا آگاهی بر غیب ممکن است یا نه؟ اگر آیات هر یک، یک جا مورد توجه قرار گیرد ممکن است حق مطلب ادا شود و ابهامات موجود همه از تفسیر موضوعی حل شود. اصولاً آیات مربوط به محکم و متشابه که دستور می‌دهد آیات متشابه قرآن را در پرتو محکومات تفسیر کنید، خود نوعی تفسیر موضوعی است.

به هر حال با تفسیر آیات مربوط به یک موضوع در پرتو هم، جرقه‌های تازه‌ای از میان آنها جستن می‌کنند، جرقه‌هایی که در میان آنها معارف قرآنی است و راهگشای بسیاری از مشکلات عقیدتی و احکام اسلام است. آیات قرآن را می‌توان به کلمات جداگانه‌ای تشبیه کرد که هر کدام برای خود مفهومی دارد اما وقتی آنها را در کنار هم بچینید مفاهیم تازه‌ای می‌بخشد، یا آنها را به موارد حیات بخشی مانند اکسیژن و نیدروژن تشبیه کرد که وقتی با هم ترکیب شوند، آب که ماده حیات بخش دیگری است به دست می‌آید.»

پیشینه تفسیر موضوعی

معظم‌له ضمن اشاره به کوشش‌های مفسران قرآن در زمینه تفسیر موضوعی و قدرشناسی از آنان، آثاری را نام می‌برد که هرکدام گواه پیشینه تفسیر موضوعی قرآن کریم در حوزه‌های علمیه هستند. ایشان «علامه مجلسی» را یکی از این کوشندگان می‌دانند که در کتاب عظیم «بحار الانوار» طی تنظیم فصولی، اقوالی از مفسران را می‌آورد و به‌گونه‌ای کار موضوعی در تفسیر انجام می‌دهد.

موضوعاتی مانند قلب و سمع و بصر از دیدگاه قرآن و حدیث یا خواب یا ماجراهای اهل کتاب و مشرکان پس از هجرت پیامبر (ص) از مواردی است که علامه جلیل‌القدر در بحار الانوار گنجانده و پیرامون آن به بحث پرداخته است. آیات الاحکام عنوان کتاب‌هایی است که فقه را در قرآن کریم سراغ می‌گیرد. این گونه آثار نیز نمودار تفسیر موضوعی و پیشینه آن در حوزه‌هاست.

«شیخ آقا بزرگ تهرانی» در کتاب گران سنگ خویش؛ «الذریعه» از بیش از سی اثر در زمینه آیات الاحکام یاد می‌کند که آیات الاحکام محقق اردبیلی به نام «زبد البیان» از آن شمار است. افزون بر این همه می‌توان از آثاری مانند «اعجاز قرآن از نظر علوم امروز»، «جامعه و تاریخ حقوق در قرآن مجید» و آثار مربوط به داستان‌های قرآنی با نام «قصص القرآن» و نیز «مفاهیم القرآن» یاد کرد که حاصل فعالیت قرآن پژوهی در عرصه تفسیر موضوعی قرآن کریم است.

با این وجود آیت الله مکارم شیرازی بر این باور است که هنوز تفسیر

فطرت، برهان، نظم، برهان و وجوب و امکان و سایر براهین، در کنار هم چیده شود و از آنجا که «القرآن یفسر بعضه بعضا» (آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند) ابعاد این موضوع روشن می‌شود.

همچنین آیات مربوط به بهشت یا دوزخ، صراط، نامه اعمال و آیات مربوط به مسائل اخلاقی، تقوا، حسن خلق و شجاعت و... آیات مربوط به احکام: نماز، روزه، زکات، خمس و زکات، آیات مربوط به عدالت اجتماعی و جهاد با دشمن و جهاد بانفس و... مسلمانان هرگاه این آیات که در قرآن مجید به مناسبت‌های گوناگون نازل شده است، هر گروه، جداگانه جمع‌آوری و در کنار هم چیده شود و تفسیر گردد، حقایق تازه‌ای از آن کشف خواهد شد و از این جا ضرورت تفسیر موضوعی روشن می‌شود.»

امتیازهای تفسیر موضوعی قرآن کریم

معظم‌له تفسیر موضوعی را به دلیل پاره‌ای امتیازهایی که به همراه دارد، نسبت به تفسیرهای دیگر، به ویژه تفسیر مفردات یا تفسیر ترتیبی قرآن کریم در موقعیتی ممتاز می‌نماید. امتیاز نخستین را می‌توان امکان تفسیرپذیری سهل و آسان آیات در کنار هم دانست که از آسیب‌های احتمالی تفسیر پیشگیری می‌کند.

امتیاز دیگر تفسیر موضوعی را می‌توان کشف حقایق جدید و حیاتی در بستر ارتباط آیات مرتبط با یک محور به حساب آورد.

امتیاز سوم آن، ابهام‌زدایی از مقولاتی که به نظر ظاهر بیان، متضاد و متناقض در قرآن کریم آمده، حال آنکه در نگاه کلی و فراگیر قرآن چنین چیزی واقعیت ندارد. مسئله شفاعت را می‌توان از این دسته به شمار آورد که برخی را به رد و انکار شفاعت کشانده است، در حالی که شفاعت از اصول اعتقادی و تربیتی قرآن کریم است و خرد سالم بر لزوم آن گواهی می‌دهد. آنان آیاتی را دستاویز خود می‌سازند که نفی‌کننده اصل شفاعت است و هیچ تأملی ندارند که مقصود وحی و خداوند از این آیات چیست. آنان در واقع با رویگردانی از دیگر آیات شفاعت که از امکان و شروط آن سخن می‌گویند، در تفسیر خود به گمراهی افتاده و از نور هدایت فراگیر قرآنی بی‌نصیب می‌مانند.

امتیاز چهارم، تفسیر موضوعی را باید در راهگشایی نظری و عملی مسلمانان دانست. نگاه یک مفسر به مجموع آیات جهاد و دفاع یا هر مسئله دیگر اجتماعی و سیاسی جامعه مسلمانان، راهکارها و راهبردهای لازم را به همراه دارد و آنان را در جهت عزت و اقتداری که ویژه مؤمنان است، نگاه داشته و سرآمد ملل دیگر می‌کند.

امتیاز پنجم، تولید مفاهیم جدید از بطن آیات پراکنده‌ای است که در تفسیر موضوعی قرآن کریم به هم پیوسته گشته‌اند و حامل زاینده‌گی معرفتی متناسب با حیات طیبه را یافته‌اند.

«در بسیاری از آیات قرآن تنها یک بعد از ابعاد یک موضوع آمده است، مثلاً در مورد مسئله شفاعت در بعضی از آیات اصل امکان شفاعت آمده است در این جا می‌بینیم هاله‌ای از ابهام مسائل مربوط به شفاعت را در

در این عرصه درگیر خود کرده و تلاش‌های فزون‌تری را می‌طلبد که در عرصه تفسیر ترتیبی شاید به این اندازه نیاز نباشد زیرا مفسر موضوعی نمی‌تواند یک محور قرآنی را برگزیند و به سهولت با گردآوری آیاتی به دیدگاه قرآنی مورد نظر دست یابد. معظم‌له پاره‌ای از دشواری‌های یاد شده را که از نزدیک با آنها رو به رو بوده‌اند، یادآور می‌شوند که راهنمای تفسیری دیگران خواهد بود. اینک نمایه‌ای از آن همه به دست داده می‌شد که در خور بررسی و تأمل بوده و منزلت مفسران موضوعی را می‌نمایاند.

دشواری‌های تفسیر موضوعی

۱. بسنده نبودن گردآوری آیات یک موضوع

برخی که هنوز تجربه تفسیر موضوعی ندارند، می‌پندارند که با گشودن «المعجم» و نشانیدن آیات مسئله تقوا در کنار هم می‌توان به تفسیر موضوع تقوا پرداخت، حال که برخی آیات مرتبط با تقوا بوده و در عین حال واژه تقوا و دیگر واژگان مربوط بدان در آن آیات ذکر نشده است.

۲. آسان نبودن گردآوری آیات و نتیجه‌گیری از آنها

بدون تجربه‌ها و مطالعه‌های فراوان قرآنی و تفسیری نمی‌توان آیات مرتبط با موضوعی را کنار هم آورد و نتیجه‌های لازم را کسب کرد. بسا ابعادی از یک موضوع، از چشم یک مفسر پنهان مانده و تفسیر موضوعی‌اش را به نارسایی کشاند.

۳. فزونی موضوعات قرآنی

آیا می‌توان موضوعات تفسیر موضوعی را به آسانی نام برده و محدوده‌ای برای آن به دست آورد؟ دست‌اندرکاران تفسیر و تدبر در قرآن کریم می‌دانند که هر موضوع قرآنی زیر مجموعه‌هایی دارد که بدون آن نمی‌توان به نگرش همه‌جانبه و راهنما دست یازید.

این همه به این دلیل گفته شد که نباید تفسیر موضوعی را آسان‌تر یا آسان‌یاب‌تر از تفسیر ترتیبی دانست. گرچه هرگونه تفسیر قرآن کریم دشواری‌های خود را بر سر راه مفسر می‌گذارد و او را به عزم مؤمنانه و مخلصانه فرا می‌خواند، با این همه باید گفت که تفسیر موضوعی به دلیل تفکیک آیات و شناخت حد و مرز مفاهیم قرآنی از یکدیگر و به هم آمیختگی عناصر اعتقادی و اخلاقی و عملی قرآن، همت بلند و فراخی دیده و تقوا و توفیق الهی را می‌طلبد. باری بسیاری باید کوشید، تا بتوان یک کار راست و درست و تأثیرگذار بر ایمان و فرهنگ و سیاست و اقتصاد مسلمانان ارائه داد و آنان را در برابر امواج دین‌ستیزانه الحاد و استکبار جهانی مصونیت بخشید.

«تفسیر موضوعی حداقل سه مشکل عمده دارد که بر سر راه مفسر خودنمایی می‌کند.

۱. تفسیر موضوعی این نیست که انسان کتاب‌های معجم قرآن مجید را در برابر خود بگذارد و مثلاً برای تفسیر موضوع جهاد یا تقوا آیاتی که تحت همین عنوان (جهاد و تقوا) در معجم آمده است جمع‌آوری کند

موضوعی در حوزه‌های علمیه به حد و مرز بایسته‌ای که انتظارش می‌رود، دست نیافته است؛ یعنی شایسته است که بزرگان روحانیت افزون بر تلاش‌های فقه‌های خود به کار قرآنی روی آورند و روند تفسیر قرآن، به‌ویژه تفسیر موضوعی آن را به سمت تکامل رانده و دیدگاه‌های شفاف‌تر و کارآمدتری از وحی را در دسترس جامعه و جهان اسلام قرار دهند.

بی‌گمان از این رهگذر نیکوتر و سریع‌تر می‌توان به نشر سالم معارف اهل بیت (ع) دست یازید و سیمای زلال ولایت و تشیع را به مسلمانان نمایاند و پیشرفت شبهات مرتبط با مسائل عقیدتی شیعه و فتنه‌انگیزی‌های وهابیت و دیگر فرقه‌های گمراه و وابسته به استکبار جهانی را ناممکن کرد.

تجربه‌های تفسیری شیعه تاکنون به دست داده است که نشر دیدگاه‌های قرآنی شیعه به میزان زیادی از تلاش بداندیشان و تفرقه‌انگیزان کاسته، برادران انصاف‌گرای اهل سنت را از نزدیک با عقاید شیعیان آشنا ساخته و ذهنیت سالم و اخوت‌گرایانه را جایگزین ذهنیت اختلاف‌گرایانه کرده است.

حضرت آیت‌الله مکارم - مدظله العالی - با تأکید بر استمرار تفسیر موضوعی قرآن کریم و بهره‌گیری مفسران کنونی از تجارب تفسیری عالمان پیشین در عرصه تفسیر لغات و آیات احکام و نیز تفسیری ترتیبی، ضرورت عدم گرایش به کارهای تکراری در تفسیر موضوعی را یادآور می‌شوند که نمودار ضرورت نوآوری‌های مکتبی و قرآنی است.

«ولی با تمام این تلاش‌ها و کوشش‌های شایان تقدیر باید اعتراف کرد که هنوز مسئله تفسیر قرآن به شکل موضوعی دوران طفولیت خود را می‌گذراند و سال‌ها طول خواهد کشید تا همچون تفسیر ترتیبی خود را پیدا کند و این ممکن نیست مگر با تلاش‌های پیگیر دانشمندان و مفسران که با استفاده از تجارب گذشتگان این موضوع را پیش برند و به کمال مطلوب برسانند. آنچه را در کتاب حاضر {پیام قرآن} نیز ملاحظه می‌کنید حلقه‌ای از این زنجیر است که امید است با ضمیمه‌شدن به حلقه‌های دیگر، سلسله قابل ملاحظه‌ای را تشکیل دهد. مهم این است که صاحب‌نظران از کارهای تکراری در این زمینه بپرهیزد و هر کدام به ابداع و ابتکار تازه‌ای دست زنند تا در پرتو این ابداعات و این ابتکارات این راه طولانی طی شود.»

روند تفسیر موضوعی

ایشان در پاسخ این پرسش که چرا تفسیر موضوعی رشد کافی نداشته است؟ اظهار می‌دارند که: «مشکلات فراوانی که بر سر راه تفسیر موضوعی بوده همواره مانع از نمو آن گشته است، به خصوص این که تفسیر موضوعی نیاز به معجم‌های دقیق و جامعی دارد که بتوان هر آیه را به آسانی از آن استخراج کرد. در زمان‌های گذشته وجود نداشته و امروز بحمدالله در دسترس ما است.»

دشواری‌های کار تفسیر موضوعی، نیز از مسائلی است که مفسران را

و حیانی نمی‌شمارن؛ چرا که مفسر در آن میدان از آیات قرآن به عنوان شاهد و شواهد کلام خویش بهره می‌جوید اما در روش دوم رجوع مستقیم مفسر موضوعی به قرآن کریم وجود دارد.

خطر گرایش به پیش‌داوری‌های ذهنی در روش نخست به چشم می‌خورد و ممکن است که مفسران موضوعی به درستی نتوانند دیدگاه زلال و خالص و حیانی در ارتباط با موضوعی را فراهم آورند. بدین‌سان مفسران موضوعی در شیوه نخست، خواه ناخواه از کنار یک لغزش‌گاه در حال عبور هستند که بسا ناخواسته دچار خطا در فهم و شناخت آیات قرآنی شوند.

«در تفسیر موضوعی دوروش وجود دارد: روش اول که بعضی از مفسران برای کار خود انتخاب کرده‌اند، که موضوعات مختلف را اعم از موضوعات اعتقادی (توحیدی و معاد...) یا موضوعات اخلاقی (تقوا، حسن خلق و...) را در کلام خود مطرح می‌کنند و بعد از تحلیل‌های فلسفی و کلامی یا تحلیل‌های اخلاقی بعضی از آیات قرآن را که در این زمینه وارد شده است، به عنوان شاهد ذکر می‌کنند.

روش دوم این است که ما قبل از هر چیز به گردآوری تمام آیاتی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن وارد شده است، بپردازیم و بدون پیش‌داوری‌های قبلی این آیات را در کنار هم چیده یک به یک تفسیر کنیم و بعد در یک جمع‌بندی رابطه آنها را با یکدیگر در نظر گرفته و از مجموع آنها به یک ترسیم کلی دست یابیم.

در این جا مفسر مطلقاً از خود چیزی ندارد و همچون سایه به دنبال آیات قرآن می‌رود، همه چیز را از قرآن می‌فهمد و تمام همت او کشف محتوای آیات است و اگر از کلمات دیگران حتی از احادیث کمک می‌گیرد، در مرحله بعد و جداگانه است. در پیام قرآن این روش را انتخاب کرده‌ایم. در این کتاب همه جا آیات قرآن که درباره یک موضوع وارد شده است، در پیشانی بحث قرار گرفته و تمام مطلب در سایه آن آیات پیش می‌رود و فکر می‌کنیم این راه بهتر ما را به حقایق قرآنی می‌رساند، تاراه

زیرا بسیار می‌شود که آیاتی از قرآن پیرامون این دو موضوع سخن می‌گوید، بی‌آنکه کلمه تقوا یا جهاد در آن به کار رفته باشد و این فراوان است.

۲- مشکل دیگر تفسیر موضوعی همان مشکل جمع‌بندی آیات و نتیجه‌گیری از آنها است که نیاز به دقت و ظرافت و ذوق و آگاهی بسیار و احاطه فراوان به آیات قرآن و تفاسیر دارد و در آنجا که آیات مرتبط به یک موضوع متعدد و هر کدام بعد خاصی دارد، این جمع‌بندی پیچیده‌تر می‌شود.

۳- مشکل بزرگ دیگر این است که موضوعاتی که در قرآن مجید، این کتاب بزرگ آسمانی مطرح شده، حد و حساب ندارد. از مسائل اعتقادی گرفته تا مسائل عملی، از مسائل اخلاقی گرفته تا سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و آداب معاشرت و جنگ و صلح و تاریخ انبیا و اسراسر آفرینش و... در هر یک از زمینه‌ها موضوعات فراوانی است که قرآن از آنها بحث کرده و بررسی همه این‌ها وقت و حوصله زیادی لازم دارد.»

تفسیر موضوعی و روش‌ها

روش‌هایی که در تفسیر موضوعی می‌توان به کار گرفت یا در کارهای انجام شده از سوی مفسران موضوعی به چشم می‌خورد، قابل تأمل و تحقیق است. می‌توان در تفسیر موضوعی، نخست به طرح تحلیل‌های مرتبط با یک موضوع قرآنی پرداخت که در آثار فیلسوفان و متکلمان و عالمان اخلاق و غیر آنان آمده است و از آن پس آیات قرآنی را در ارتباط با آن موضوع گرد آورده و به تفسیر آن پرداخت و دیدگاه قرآنی را عرضه کرد و از طرفی می‌توان از همان گام نخست به سراغ قرآن کریم رفت و آیات مرتبط با موضوع مورد نظر را استخراج کرده و به تفکیک و تقسیم زیر مجموعه‌اش دست یازید و در پایان دیدگاه قرآنی را مطرح کرد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی - مدظله العالی - روش دوم را در تفسیر موضوعی پیام قرآن برگزیده‌اند و روش نخست را روشی مطمئن در دستیابی به هدف

اول.

اتفاقاً این دو روش در تفسیر معمولی (همان تفسیرهای ترتیبی که به ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها نوشته شده است) نیز وجود دارد. گروهی آیات قرآن را بر نظرات خود تطبیق می‌کنند، گروه دیگری نظرات خود را تابع آیات قرآن قرار می‌دهد و مسلماً راه صحیح تفسیری راه دوم است.»

ویژگی‌های تفسیر موضوعی «پیام قرآن»:

کوتاه بودن مباحث و مطالب تفسیری

در تفسیر پیام قرآن سعی شده است که هر گفتاری که به مناسبتی پیرامون آیه یا آیاتی آمده است، کوتاه باشد. عنوان‌های زیر که در این تفسیر به چشم می‌خورد، همه کوتاهی و گذرابودن بحث‌ها را می‌نمایاند: اشاره، متن آیات، ترجمه آیات، شرح مفردات (واژگان موضوع موردنظر) تفسیر و جمع‌بندی و توضیحات. در اینجا به عنوان نمونه از گفتار مربوط به موضوعی «وحی» سخن خواهیم راند. این مبحث تحت عنوان «پنجمین منبع معرفت؛ وحی آسمان» چنین آمده است:

الف) اشاره

ب) آیات

ج) ترجمه

د) شرح مفردات: وحی، انزال و تنزیل، تبیین و تکلم. هـ) تفسیر و جمع‌بندی: «آفتاب عالم تاب وحی». در این بخش پنجم برداشت‌های کوتاه و جداگانه از دوازده آیه که مرتبط با موضوع وحی است با عنوان توضیحات، ارائه می‌شود:

۱. اقسام وحی در قرآن مجید

۲. حقیقت وحی چیست؟

۳. وحی در میان فلاسفه غرب و شرق

۴. فرضیه‌گریزی بودن وحی

۵. پیامبر چگونه یقین می‌کند که وحی از سوی خداست؟

۶. قرآن غنی‌ترین منبع معرفت در احادیث اسلامی

۷. وحی غیر پیامبران (وحی الهامی)

۸. چگونگی نزول وحی بر پیامبر

۹. الهامات غریزی.

برکسی که با تفاسیر گوناگون ترتیبی و موضوعی و مانند آن سر و کار دارد، پوشیده نیست که روش موضوعی پیام قرآن، جاذبه ویژه‌ای داشته و به ویژه در عصر حاضر که فراغت برای مطالعه و دین‌پژوهی و قرآن‌پژوهی مسلمان به کمترین زمان خود کاهش یافته است، اقبال نیکویی خواهد داشت. اکنون برای هر یک از بندهای یاد شده، شاهدی می‌آورم تا خواننده از نزدیک با متن و تلاش تفسیری پیام قرآن آشنایی یافته و به مطالعه آن رغبت پیدا کند.

نمونه برای «اشاره»: «در حقیقت اگر عقل ما به منزله نورافکن نیرومندی باشد و فطرت و وجدان و تجربه به منزله نورافکن‌های دیگری، وحی همچون خورشید عالم تاب است و قلمرو آن بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر.

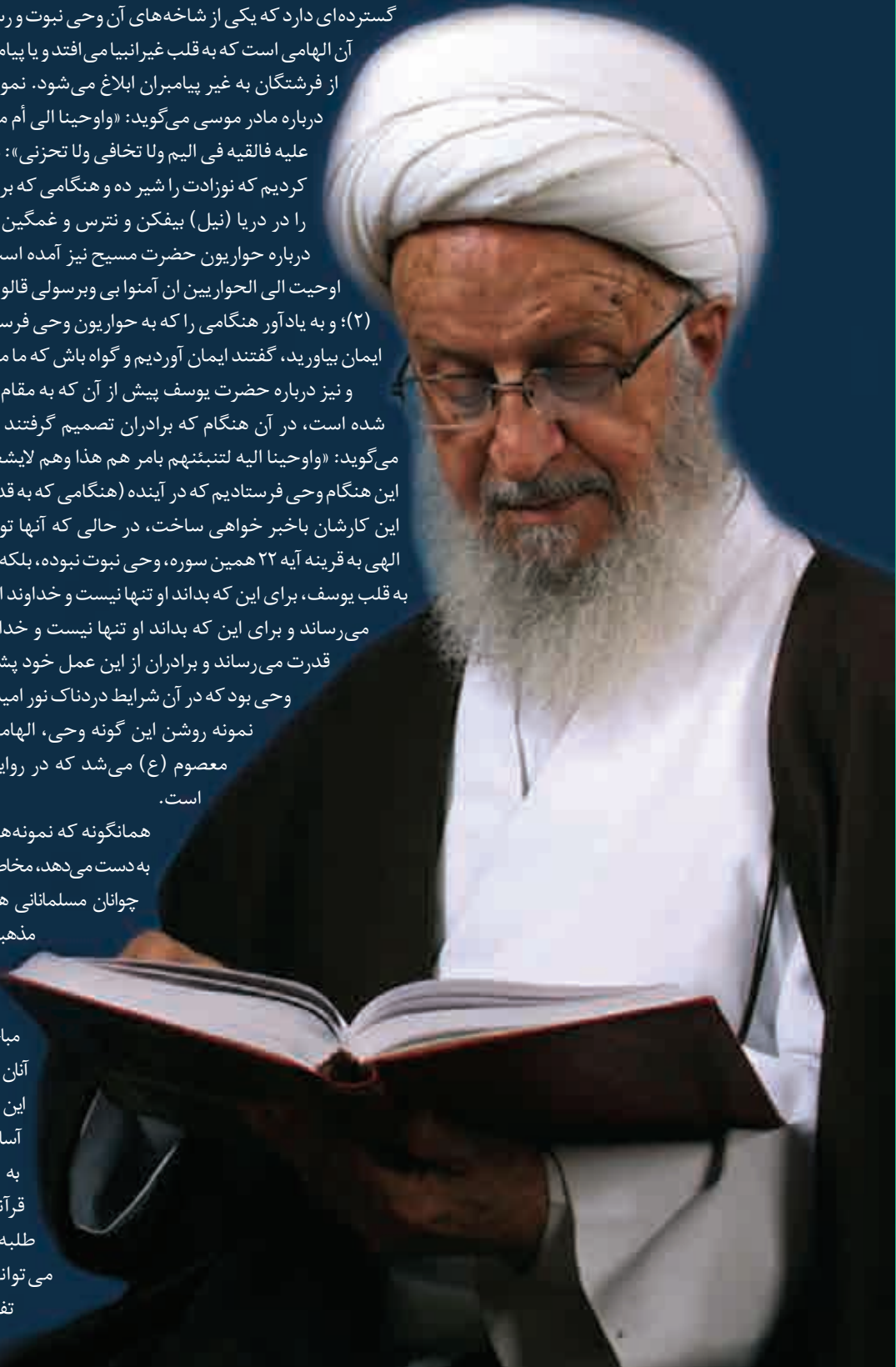
نمونه برای «شرح مفردات»: «وحی در قرآن مجید و روایات اسلامی و ادبیات عرب، در معانی زیادی به کار رفته است، ولی اصل وحی چنان که راغب در مفردات می‌گوید به معنی اشاره سریع است و به همین جهت به کارهای سریع وحی گفته می‌شود و به سخنان رمزی و آمیخته با کنایه که با سرعت رد و بدل می‌شود، نیز این واژه اطلاق می‌شود که گاه با اشاره و گاه با کتابت حاصل می‌شود، سپس به معارف الهیه که به انبیا و اولیا اطلاق می‌شود، واژه وحی اطلاق شده است.»

نمونه برای «تفسیر و جمع‌بندی»: «پنجمین آیه در پاسخ گروهی از یهود است که وقتی از پیامبر اکرم شنیدید او پیک وحی که بر او نازل می‌شود جبرئیل است، گفتند او دشمن ما است! می‌فرماید بگو کسی که دشمن جبرئیل است (در واقع دشمن خدا است) چرا که او به فرمان الهی این آیات قرآن و تعلیمات اسلام و دستورات آن را بر قلب تو نازل کرده است.» این تعبیر نشان می‌دهد که جبرئیل گاه آیات قرآن را مستقیماً بر قلب پیغمبر اکرم نازل می‌کرد در حالی که از روایاتی استفاده می‌شود که گاه به صورت

انسانی مجسم شده و در برابر پیامبر ظاهر می شد و پیام الهی را به او ابلاغ می کرده است. «وحی غیر پیامبران (وحی الهامی): چنان که در آغاز این بحث گفتیم وحی معنی گسترده‌ای دارد که یکی از شاخه‌های آن وحی نبوت و رسالت است ولی شاخه دیگر آن الهامی است که به قلب غیر انبیاء می افتد و یا پیامی است که به وسیله بعضی از فرشتگان به غیر پیامبران ابلاغ می شود. نمونه اول همان است که قرآن درباره مادر موسی می گوید: «واوحینا الی أم موسی ان ارضیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی ولا تحزنی»: ما به قلب مادر موسی الهام کردیم که نوزادت را شیر ده و هنگامی که بر او (از دشمنان) ترسیدی او را در دریا (نیل) بیفکن و نترس و غمگین مباش. و نظیر همین معنا درباره حواریون حضرت مسیح نیز آمده است، آنجا که می فرماید: «واذ اوحیت الی الحواریین ان آمنوا بی و بر سولی قالوا آمنا و اشهد باننا مسلمون» (۲)؛ و به یاد آور هنگامی را که به حواریون وحی فرستادم که به من و فرستاده‌ام ایمان بیاورید، گفتند ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانیم.

و نیز درباره حضرت یوسف پیش از آن که به مقام نبوت برسد، تعبیر به وحی شده است، در آن هنگام که برادران تصمیم گرفتند او را در چاه بیفکنند، قرآن می گوید: «واوحینا الیه لتنبئنهم بامر هم هذا وهم لایشعرون» (۳)؛ ما به یوسف در این هنگام وحی فرستادیم که در آینده (هنگامی که به قدرت خواهی رسید) آنها را از این کارشان باخبر خواهی ساخت، در حالی که آنها تو را نمی شناسند. این وحی الهی به قرینه آیه ۲۲ همین سوره، وحی نبوت نبوده، بلکه الهامی بود از سوی خداوند به قلب یوسف، برای این که بداند او تنها نیست و خداوند او را حفظ می کند و به قدرت می رساند و برای این که بداند او تنها نیست و خداوند او را حفظ می کند و به قدرت می رساند و برادران از این عمل خود پشیمان خواهند شد و همین وحی بود که در آن شرایط دردناک نور امید بر قلب یوسف پاشید... نمونه روشن این گونه وحی، الهامی است که به قلب امامان معصوم (ع) می شد که در روایات کرارا به آن اشاره شده است.

همانگونه که نمونه‌های تفسیر موضوعی پیام قرآن به دست می دهد، مخاطبان اصلی این اثر قرآن پژوهانه، جوانان مسلمانانی هستند که به رغم گرایش‌های مذهبی در سطحی از مطالعات دینی و فلسفی و اجتماعی نیستند که خواننده آثار دشوار و مباحث سنگین باشند. از این رو آنان به سهولت می توانند از رهگذر این تفسیر موضوعی که ساده و آسان نگاشته شده است، کم و بیش به شناخت‌هایی از موضوعات قرآنی دست یابند. البته طلبه‌های جوان نیز از این طریق می توانند آگاهی‌های تفسیری‌شان را ارتقا بخشیده



و ذهن خود را برای تدبر و تعقل در آیات کریم آماده سازند.

نقد و تحلیل اقوال مفسران و دیگران

ویژگی دیگر تفسیر موضوعی پیام قرآن عبارت است از نقل و نقد آرای کسانی که برداشت‌های ناصواب از آیات قرآنی داشته‌اند. خوانندگان این تفسیر ضمن آشنایی با نام و گفتار آنان پی می‌برند که نادرست‌های تفسیری کدامند. در اینجا نمونه‌هایی از این ویژگی به دست داده می‌شود:

«فخر رازی ذیل آیه ۳۸ سوره «طه» که درباره وحی مادر موسی سخن می‌گوید، شش احتمال ذکر است که غالب آنها خلاف ظاهر است. زیرا ظاهر آن {آیه یاد شده} همان القا به قلب یا شنیدن صوت فرشته است که با معنی لغوی آن نیز سازگار است. (برای توضیح بیشتر به جلد ۲۲، تفسیر کبیر فخر رازی، ص ۵۲ مراجعه شود.)

مورد دیگر علامه «اقبال لاهوری» است که از غریزی بودن وحی سخن رانده است. او در کتاب «احیای فکر دینی در اسلام» برگردان استاد «احمد آرام» به طرح برداشت خود درباره وحی و حقیقت آن پرداخته است. در تفسیر موضوعی پیام قرآن در ارتباط با فرضیه اقبال لاهوری پیرامون وحی چنین آمده است:

«عصاره این فرضیه این است که وحی نوعی معرفت ناخودآگاه شبیه گرایز و مادون معرفت خود آگاه است که از طریق حس و تجربه و عقل به دست می‌آید و با تکامل تفکر و عقل دستگاه وحی ضعیف می‌شود و عقل جای آن را می‌گیرد و خاتمه یافتن نبوت به وسیله پیامبر اسلام نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد.

این فرضیه با این که از سوی یک نویسنده اسلامی اظهار شده است. از جهاتی از فرضیاتی است که دانشمندان و نویسندگان غربی در زمینه وحی دارند، ضعیف‌تر و پایین‌تر است، هر چند از نظر فقدان دلیل تفاوتی با آنها ندارد و می‌توان گفت بدترین نظریه‌ای است که تاکنون درباره وحی داده شده است زیرا اولاً دانشمندان غربی وحی را مافوق درک حسی و عقلی انسان می‌دانستند، در حالی که طبق این فرضیه دستگاه وحی مادون حس و عقل است و این راستی پندار عجیبی است ثانیاً متفکرات غربی هرگز وحی را از جنس غریزه موجود در حیوانات نمی‌شمرده‌اند در حالی که طبق این فرضیه از همان جنس است. ثالثاً برای یک مسلمان که آشنا به قرآن است این مطلب کاملاً واضح است که وحی از نظر قرآن نوعی ارتباط با علم خداوند است و دریافت معارف فوق‌العاده عظیمی که انسان هرگز نمی‌تواند با پای عقل به آن برسد از این دریای بیکران است...

حقیقت این است جمعی از کسانی که به عنوان متفکر اسلامی معروف شده‌اند، بیش از آن که متفکر اسلامی هستند، متفکر غربی می‌باشند و نظرات آنها رنگ تند و زنده‌ای از افکار آنها دارد. به همین دلیل همیشه تلاش و کوشش آنها این است که برای حقایق مافوق طبیعی توجهات طبیعی درست کنند.»

نقد و رد احادیث ناسازگار با معارف اسلامی نیز در این تفسیر موضوعی به چشم می‌خورد. حدیث معروفی درباره نخستین جلوه وحی بر پیامبر اکرم (ص) در غار حرا وجود دارد که افزون بر «سید قطب» در تفسیر «فی ظلال القرآن» و محدثان و مفسران اهل سنت آن را روایت کرده و در متون روایی آنان همچون «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» آمده است تفسیر موضوعی پیام قرآن این حدیث را رد می‌کند و در شمار مجعولات می‌آورد.

«بعضی از روایات می‌گویند وقتی نخستین وحی بر پیامبر اکرم نازل شد و از کوه حرا به خانه خدیجه آمد و آنچه را دیده بود برای او تعریف کرد، اضافه فرمود: من بر خود می‌ترسم. (یعنی از این می‌ترسم که این وحی الهی نباشد.) خدیجه او را دل‌داری دارد و نزد «ورقه بن نوفل» که پسر عمویش بود برد. ورقه کسی بود که در زمان جاهلیت آیین مسیحیت را انتخاب کرده بود، با سواد بود و به زبان عربی و عبری آشنا بود. او از پیامبر اکرم خواست که آنچه را دیده شرح دهد. وقتی پیامبر آنچه را دیده بود شرح داد، ورقه گفت این همان ناموس (پیک وحی) است که بر موسی نازل می‌شد و سپس گفت کاش من زنده بودم تا هنگامی که قومت می‌خواهند تو را از این شهر بیرون کنند یاریت کنم.

این گونه احادیث بدون شک جز مجعولات است. پیامبری که به وضوح با عالم غیب ارتباط می‌گیرد و با تمام وجودش این رابطه را حس می‌کند چه نیازی به ورقه بن نوفل کاهن نصرانی دارد و چگونه می‌توان بر چنین وحیی اعتماد کرد، چرا موسی بن عمران که در وادی طور نخستین وحی را دریافت داشت هرگز چنین شکی به خود راه نداد، یا این که موسی تنها صدا را شنید و فرشته وحی را ندید، آیا این‌ها دلیل بر آن نمی‌شود که دست‌های مرموز دشمنان برای سست کردن پایه‌های وحی و نبوت اسلامی چنین خرافاتی را جعل و به کتب اسلامی کشانیده است؟»

بهره‌گیری از احادیث به منظور روشن‌گری فزون‌تر مباحث قرآنی

در تفسیر موضوعی پیام قرآن در هر باب می‌توان احادیث گوناگون و بسیاری را نگریست که هر کدام به گونه‌ای، روشن‌گری پیرامون موضوعی قرآنی مورد نظر دارد. شکی نیست که تفسیر آمیخته به معارف اهل بیت نسبت به تفاسیر گسسته از عترت پیامبر اکرم (ص) آثار مطمئن به شمار آمده و مفسران و خوانندگان را از لغزش در وادی‌های نگران‌کننده باز می‌دارند. بسا برداشت‌های قرآنی که به دلیل بریدگی از مکتب ولایت، نتوانسته روشن‌گر راه و زندگی مسلمانان شود و آنان را به سرگردانی فزون‌تر رانده است.

این‌که به منظور ارائه نوع کوشش پدیدآورندگان تفسیر موضوعی پیام قرآن، حدیث‌هایی چند از این اثر آورده می‌شود که همراه با نتیجه‌گیری آنان از کلام عترت است:

«تلاش برای راه یافتن به این جهان مرموز (وحی) بیهوده است ولی با

موضوعی پیام قرآن اشاره می‌شود که گواه این ویژگی است.

فخر رازی و تفسیر «کبیر»

«فخر رازی در تفسیر این آیه «قل من کان عدواً لجبرئیل فانه نزله علی قلبک باذن الله مصداقاً لما بین یدیه وهدی وبشری للمؤمنین» (بقره ۹۷) اصرار دارد که آیه را توجیه کند و بگوید جبرئیل بر شخص پیامبر نازل می‌شد و آیات الهی را بیان می‌کرد، نه بر قلب او، منتها چون مرکز حفظ این آیات قلب مقدس پیامبر (ص) بوده، تعبیر «فانه نزله علی قلبک» (تفسیر کبیر فخر رازی جلد ۲، ص ۱۲۶). ولی مالزومی برای این توجیه و ارتکاب خلاف ظاهر نمی‌بینیم و همان‌گونه که گفتیم ممکن است ارتباط جبرئیل با پیامبر، ارتباط روحانی بوده و گاه ارتباط جسمانی»

علامه طباطبایی و تفسیر «المیزان»

«به گفته مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه «فلما اتاها نودی یا موسی. انی انا ربک...» (طه ۱۱-۱۲) هنگامی که پیامبر (ص) اولین بار با وحی و رسالت مواجه می‌شود، هیچ شک و تردیدی برای او باقی نمی‌ماند که وحی‌کننده خداوند سبحان است، بی آنکه که احتیاج به بررسی و استدلال و اقامه حجت داشته باشد و اگر نیازی به چنین مطلبی داشت، وحی عینی و بی‌واسطه نبود، بلکه نوعی استدلال و استفاده از برهان عقلی بود.»

«از روایات متعددی استفاده می‌شود که علوم امام معصوم از چند طریق حاصل می‌شود: علمی که به وراثت از پیامبر اکرم و امامان پیشین به آنها رسیده و یا به صورت دستورالعمل‌هایی نوشته شده و در اختیارشان است که گاهی در اخبار از آن به عنوان «جامعه» یاد شده است و هرگاه مسئله‌ای برای آنان پیش آید که در این منابع نیست، از سوی خداوند، از طریق الهام به قلب یا شنیدن صدای فرشته آگاه می‌شود (همانگونه که حضرت مریم آگاه شد) ولی مسلم است که این وحی هیچ‌گونه ارتباطی با وحی نبوت ندارد و از قبیل وحی حواریون مسیح (ع) و مانند آن است. اصولاً در اصطلاح امروز وحی معمولاً به وحی نبوت اطلاق می‌شود و این‌ها را الهام می‌نامند و به گفته مرحوم علامه طباطبایی چه بهتر که ما نیز این‌ها را الهام بنامیم که با ادب دینی مناسب‌تر است.»

سید قطب و تفسیر «فی ضلال القرآن»

«روی هم رفته از روایات استفاده می‌شود که وحی به اشکال مختلفی بر پیامبر اکرم نازل می‌شد و هر کدام از آثاری همراه داشته است و نیز استفاده می‌شود که جبرئیل گاه به صورت اصلی که خدا او را بر آن صورت آفریده بود بر پیامبر نازل می‌شد و این احتمالاً در طول عمر پیامبر تنها دو بار صورت گرفت. همانگونه که در سوره نجم بنا بر بعضی از تفاسیر مانند تفسیر فی ضلال القرآن، جلد ۷، ص ۳۰۲ به آن اشاره شده

این حال پیامبر اکرم یا امامان معصوم هنگامی که به سؤالات مربوط به کیفیت وحی رو به رو می‌شدند، پاسخ‌های سر بسته‌ای بیان می‌داشتند که شبحی از وحی را ترسیم می‌کند، فقط شبحی. مرحوم «صدوق» در «اعتقادات» درباره نزول وحی سخنی دارد که قاعدتاً از محتوای اخبار جمع‌آوری شده و حاصل آن چنین است: ما عقیده داریم که پیش روی اسرافیل لوحی است. هنگامی که خداوند متعال می‌خواهد وحی بفرستد لوح به پیشانی اسرافیل می‌خورد و او آنچه را در آن است می‌خواند. پس او به میکائیل القا می‌کند، میکائیل هم به جبرئیل و جبرئیل آن را به انبیا القا می‌کند اما آن حال بیهوشی که عارض پیامبر اکرم (ص) می‌شد، بدن سنگین می‌گشت و عرق می‌کرد، مربوط به موقعی است که خداوند مستقیماً او را مخاطب می‌ساخت. اما جبرئیل برای احترام پیامبر هرگز بدون اجازه وارد نمی‌شد و نزد حضرت بسیار مؤدب می‌نشست.»

مضمون این حدیث اجمالاً در روایات آمده است. در حدیث دیگری می‌خوانیم «هنگامی که وحی بر آن حضرت نازل می‌شد، صدای زمزمه آرامی نزدیک صورت خود می‌شنید» و باز در حدیثی آمده است که وقتی وحی بر آن حضرت نازل می‌شد، حتی در روزی که هوا کاملاً سرد بود، از پیشانی مبارکش عرق جاری می‌شد.»

روی هم رفته از روایات استفاده می‌شود که وحی به اشکال مختلفی بر پیامبر اکرم نازل می‌شد و هر کدام اثری به همراه داشته است و نیز استفاده می‌شود که جبرئیل گاه به صورت اصلی که خدا او را بر آن صورت آفریده بود، بر پیامبر نازل می‌شد و این احتمالاً در طول عمر پیامبر تنها دو بار انجام شد. (همان‌گونه که در سوره نجم بنا بر بعضی از تفاسیر به آن اشاره شده و گاه فرشته به صورت «دحیه کلبی» نمایان می‌گشت.)

مراجعه به تفاسیر شیعه و اهل سنت

یک تفسیر قابل عرضه همگانی نمی‌تواند ویژگی رجوع به تفاسیر شیعه و سنی را نداشته باشد و تنها برداشت‌های مفسران خود را به همراه داشته باشد زیرا در برخورد دیدگاه‌های تفسیری، خواه ناخواه نقاط ضعف و قوت تفسیر آیات از هر سو آشکار می‌شود. گاه مفسر امروز به نادرستی آرای مفسران دیروز پی می‌برد و با دلایل استوار به رد و نقد آن می‌پذیرد و برداشت‌های درست را جایگزین برداشت نادرست می‌کند و گاه برداشت جدید و تکاملی، جانشین برداشت‌های کهن از آیات می‌شود و چهره تازه‌ای از قرآن کریم به دست داده می‌شود و گاه خود مفسر متوجه خطا در تفسیر خود شده و از رأی باطل خود بر می‌گردد.

به هر حال تفسیر دقیق و قابل تأمل و مطالعه قرآن، می‌باید در رجوع به آرای مفسران پیشین - چه شیعه و چه اهل سنت - شکل گیرد تا غنا و عمق لازم تفسیری را به دست آورد. اینک به نمونه‌هایی از تفسیر

حال جبرئیل امین، هم در صورت فرشته به دیدار پیامبر اسلام آمده است و هم در باطن و بر قلب حضرت رسول فرود داشته است.

مراجعه به کتاب‌های علمی و عمومی

بی‌گمان آثاری که برای همگان و جوانان پدید می‌آید و هدف آن عبارت است از انتقال تعالیم و معارف اسلام و قرآن به زبان ساده و همه کس فهم و آسان‌یاب، می‌باید کم و بیش با رجوع به کتاب‌هایی همراه باشد که از طریق علم و مشاهده، کمک کار مفاهیم دینی می‌باشند. حضرت آیت‌الله مکارم - مدظله العالی - چنان کهن آثار متعدد و متنوع معظم له به دست می‌دهند، همواره از گفته‌ها و مشاهده‌های مؤلفان و کسانی سود جستند که در آیات تکوین و شناخت و تحقیق آن کوشیده و به سهم خود روشنایی بر پاره‌ای از تعلیمات اسلامی افکنده‌اند.

نقل قول از این گونه آثار کمکی، بی‌شک بر ذهن مخاطبان آثاری مانند تفسیر موضوعی پیام قرآن اثر مثبت گذاشته و آنان را در فهمیدن و شناختن آیات قرآنی مدد می‌رساند. از طرفی این شواهد کمک می‌کند که فضای مطالعه به صورتی هموار و دلپذیر در آید و خواننده مذهبی دچار خستگی و کسالت در خواندن آثار دینی به ویژه کتاب‌های تفسیری نگردد. اینک پاره‌ای از این نقل قول‌ها در این جا آورده می‌شود.

شعر عرب

«تکلم از ماده کلم (بر وزن زخم) در اصل به گفته راغب در مفردات به معنی تأثیر گذاشتن بر چیزی است، تأثیری که با چشم و گوش احساس شود. آنچه با چشم احساس می‌شود مانند زخم و جراحی است که بر بدن کسی وارد می‌شود و آنچه با گوش درک می‌شود سخنی است که از دیگری می‌شنویم». «خلیل بن احمد» در کتاب «العین» اصل آن را به معنی مجروح ساختن می‌داند. بنابراین اطلاق این واژه بر سخن گفتن به خاطر تأثیر عمیقی است که کلام در شنونده می‌گذارد، بلکه گاهی تأثیر سخن از تأثیر شمشیر و خنجر بیشتر است، چنان که در شعر معروف عرف آمده: «جراحات السنان لها التیام ولایلتام ما جرح اللسان»؛ زخم‌های نیزه التیام می‌پذیرد ولی زخم‌های زبان التیام‌پذیر نیست.»

کتاب‌خودشناسی

یکی از روان‌شناسان معروف درباره {وحی یا شعور آگاه} چنین می‌نویسد: ما می‌توانیم شعور آگاه را به قطعه بخی تشبیه کنیم که در آب شناور است و معمولاً یک نهم آن از آب بیرون است. قسمت بیرون از آن همان بخش از شخصیت ما است که بر وجودش واقفیم. در مقابل شعور ناآگاه قسمت دیگری از فعالیت ذهنی ما است که بر وجودش آگاهی نداریم و اختیارش نیز در دست ما نیست و قسمت بزرگ

و گاه فرشته وحی به صورت دجیه کلبی نمایان می‌گشت.» چنان که نمونه‌های ارجاعی تفسیر موضوعی پیام قرآن نشان می‌دهند، مفسر هرگاه لازم دیده است به نقل شاهدهی بر درستی تلقی قرآنی از تفاسیر و اقوال مفسران شیعه و سنی پرداخته است و هرگاه که ضرورت داشته در نقل و نقد اقوال آنان کوشیده است. این شیوه منطقی در تفسیر قرآن سبب می‌شود که خوانندگان با آرای گوناگون تفسیری آشنا شوند و نیز به علل تأیید و تکذیب اقوال تفسیری پی ببرند. از آنچه گفته شد بر می‌آید که تفسیر موضوعی پیام قرآن، در ارتباط با وحی و نبوت نگرش‌های زیر را پذیرفته است که مفسران آن برای اثبات آنها به آیات و احادیث استناد جسته و آرای خویش را به اثبات رسانده‌اند:

الف) ارتباط فرشته وحی؛ جبرئیل امین با پیامبر اسلام، فقط ارتباط جسمانی یا ارتباط روحانی نبوده است، بلکه در مواردی جبرئیل حضور عینی و ملموس و بشری یافته، در مواردی حضور باطنی داشته است. بنابراین نباید گونه‌های متفاوت در ارسال جبرئیل امین و ارائه وحی خداوند به پیامبر اسلام را منکر گشت و یک سر امر وحی را قلبی به شمار آورد و یا محسوس و ظاهری.

ب) همان‌گونه که روند وحی به انبیا در قرآن کریم به دست می‌دهد، هر پیامبری به هنگام وحی و شنیدن آن، اطمینان و یقین داشته است که خداوند با وی سخن می‌گوید. این امر چنان قطعی بوده است که رسولان الهی همچون موسی کلیم‌الله و بی‌گمان حضرت رسول اکرم کم‌ترین تردید به خود راه نداد و نیز خود را نیازمند تأمل و پرسش از دیگران یا اقامه دلایل نمی‌دانسته‌اند زیرا اگر چنین بود، دیگر نمی‌توان وحی مستقیم به پیامبران را پذیرفت.

ج) تمییز دادن مرز الهام و وحی، و اختصاص دادن کلمه وحی به انبیا، هم با ادب و فرهنگ قرآنی سازگار است و هم برخی را به خطا در مفهوم وحی نمی‌افکند تا هرگونه خطوری که به قلب خود یا دیگران می‌شود، آن را وحی خوانده و منزلت پیامبران تا سطح اشخاصی که از نبوت بی‌بهره هستند، تنزل پیدا کند.

بدین سان در کاربرد واژگان وحی و الهام باید دانست که وحی ویژه انبیاست و الهام می‌تواند نصیب دیگران گردد، هر چند که وحی و الهام در لغت و حتی در مواردی از قرآن کریم مانند وحی به زبور عسل یا وحی به مادران موسی کلیم‌الله و عیسی روح‌الله کاربردی همسان دارد. مهم این است که مرز وحی نبوت با پیامبری از وحی به صورت الهام از طرف غیب و پروردگار، از هم تمییز داده شده و هرگونه الهامی را وحی به حساب نیاوریم.

د) نمی‌توان انکار کرد که جبرئیل امین در دوران رسالت رسول اکرم در موردی چند در همان شکل خاص خویش بر پیامبر نازل شده و امر وحی الهی را انجام داده است زیرا در تفاسیر مسلمانان براساس شواهد عینی چنین چیزی رخ داده یا پیامبر اکرم از آن خبر داده است. به هر

شخصیت انسانی را تشکیل می‌دهد و به منزله هشت نهم باقی مانده قطعه یخ شناوری است که نمی‌شود آن را دید و زیر آب قرار داد.»

کتاب «دریا؛ دیار عجایب»

یکی از دانشمندان در کتاب خود نام «دریا؛ دیار عجایب» می‌نویسد: «رفتار بعضی از ماهی‌ها {در زمینه الهام‌گریزی} یکی از اسرار طبیعت است که کسی قادر به بیان علت آن نیست. ماهی قزل‌آلا دریا را ترک می‌کند و به آب شیرین نهرهایی که در آن زندگی را آغاز کرده بود، باز می‌گردد. در جهت مخالف جریان آب با کوشش تمام شنا می‌کند و از روی صخره‌ها می‌جهد و حتی از زیر آبشار بالا می‌پرد. تعداد آنها آنقدر زیاد است که نهر را پر می‌کند. این ماهی‌ها وقتی که به آن محلی که در جست‌وجویش بودند رسیدند، تخم‌گذاری می‌کنند و می‌میرند. از این عجیب‌تر رفتار مار ماهی است. مار ماهی‌های انگلیس وقتی به هشت سالگی می‌رسند، آبگیر یا شهری را که محل زندگی آنهاست، رها می‌کنند و مثل مار در شب روی علف‌های مرطوب می‌خزند تا به کنار دریا برسند، سپس تمام عرض اقیانوس اطلس را با شناطی می‌کنند و به آب‌های نزدیک «رمودا» می‌روند، آنجا به زیر آب فرو رفته و تخم می‌گذارند و می‌میرند... بچه‌های مار ماهی به سطح آب می‌آیند، سپس سفر خود را به سوی وطن آغاز می‌کنند، این مسافت دو یا سه سال طول می‌کشد تا به وطن باز گردند. مار ماهی چگونه مقصد خود را می‌داند با این که هرگز آن مسیر را طی نکرده؟ این سؤالی است که شما نیز مانند عاقل‌ترین دانشمندان می‌توانید به آن پاسخ دهید زیرا هیچ‌کس جواب آن را نمی‌داند.»

کتاب «فیلسوف‌نماها»

«یکی از دانشمندان فرانسه به نام «وارد» درباره این حیوان {پرنده‌ای به نام آکسیک‌اوپ} می‌گوید: من در حالات این پرنده مطالعاتی کرده‌ام. از خصایص او این است که وقتی تخم‌گذاری او تمام شد، می‌میرد. یعنی هرگز روی نوزادان خود را نمی‌بیند. نوزادان هنگام بیرون آمدن از تخم به صورت گرم‌هایی هستند بی‌بال و پر که قدرت تحصیل

آذوقه و مایحتاج زندگی را نداشته و حتی قدرت دفاع از خود را در مقابل حوادثی که با حیات آنها می‌جنگد، ندارند لذا باید تا یک سال به همین حالت در یک همین جهت وقتی مادر احساس می‌کند که موقع تخم‌گذاری او فرارسیده است، قطعه چوبی پیدا کرده و سوراخ عمیقی در آن احداث می‌کند. سپس یک تخم روی آن می‌گذارد و سقف نسبتاً محکمی از خمیرهای چوب بر بالای آنها بنا می‌کند. باز مشغول جمع‌آوری آذوقه می‌شود و پس از تأمین احتیاجات یک سال، برای یک نوازده دیگر و ریختن آن در روی طاق اطاق اول، تخم دیگر بالای آن گذارده و طاق دوم را روی آن می‌سازد. به همین ترتیب چندین طبقه را ساخته و پرداخته و بعد از اتمام عمل می‌میرد.»

آنچه گذشت پاره‌ای از نقل قول‌های جالب و جاذبی بود که در تفسیر موضوعی پیام قرآن به چشم می‌خورد. گفتنی است که این همه در بخش «وحی آسمان» آمده است. که از صفحه ۲۱۳ تا صفحه ۲۵۰ در کتاب یاد شده است. شاید به نظر برخی این حجم مطالب شگفت‌آور و یا این گونه مباحث حیوان‌شناسانه، شایسته یک تفسیر موضوعی قرآن نبوده و آنان بر این باور باشند که مفسر در عرصه وحی آسمان می‌باید به بحث‌های ضروری وحی و پیامبری از دیدگاه‌های فلسفی و کلامی بپردازد و در عین حال قرآن کریم را راهنمای گفتار و نوشتار خویش سازد.

اما از آن جا که تفسیر موضوعی پیام قرآن همچون تفسیر ترتیبی «نمونه» با هدف آگاهانندن همگان از محتوای آیات قرآنی فراهم آمده است، می‌توان آن را با همین ویژگی‌های جذب‌کننده در میان جامعه مذهبی پذیرفت. چنان که پیش‌تر گفته شد، اساساً شیوه کتاب‌سازی مرجع عالیقدر، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی - مدظله العالی - از آغاز حرکت تألیفی پربرکت خویش - که از جوانی همراه با تحصیل و تدریس

فقه در حوزه علمیه قم به چشم می‌خورد - همین بوده است. امروز کمتر فرد مذهبی می‌انسان در ایران اسلامی وجود دارد که دوران دبیرستان خود را به یاد نیاورد؛ دورانی که در رژیم ستم‌شاهی با آثار متنوع و خواندنی معظم له مأنوس بوده است. گستردگی کتاب‌های ایشان سبب گشته بود که هر جوان مسلمان مسجدی، در هر موضوعی از موضوعات اسلامی بتواند اثری راهنما و نجات‌بخش از حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی - مدظله العالی - در دست داشته و از رهگذر آن در برابر امواج بی‌دینی و الحاد و فساد اخلاقی و جنسی مصنوعیت روحی خوش را فراهم آورد.

آثار تفسیری و فلسفی و کلامی و اخلاقی و اجتماعی معظم له، نه فقط در توده مردم و نسل جوان مسلمان ایرانی، بلکه در حوزه‌های

مکارم شیرازی - مدظله العالی - در تفسیر موضوعی پیام قرآن، بحث حکومت اسلامی را گنجانده و جلد دهم آن را یک سر بدان اختصاص داده‌اند. در حقیقت ایشان با این حرکت به هنگام خود نشان داده‌اند که نمی‌توان از امامت و ولایت در تشیع یاد کرد، بی‌آنکه از حکومت اسلامی در عصر غیبت سخن گفت زیرا بر پایه ادله و روایات معتبر و مورد رجوع فقیهان بزرگی مانند «محقق کرکی» و مرحوم «نراقی بزرگ» ولایت فقیه در امتداد ولایت معصوم بوده و نیابت فقیه جامع الشرایط قابل تفکیک از مهدویت و انتظار حضرت حجت (عج) نیست، هر چند که عافیت طلبان روزگار شاه، امروز در بی اعتبارسازی آن می‌کوشند.

آیت‌الله مکارم شیرازی در اشارتی بدین موضوع چنین گفته‌اند: «پس از ملاحظه پیوند امامت و حکومت به مسئله مهم دیگری یعنی ضرورت وجود حکومت برای جوامع بشری می‌رسیم... بشر در هر مرحله‌ای از علم و دانش و فرهنگ باشد، ضرورت وجود حکومت را درک می‌کند و می‌داند زندگی اجتماعی بدون وجود نظم و قانون حاکمیت حتی یک روز هم امکان پذیر نیست به همین دلیل هنگامی که بعضی از حکومت‌ها متزلزل شده و از هم فرو می‌پاشند و هنوز حاکمیت جدید استقرار نیافته، چنان هرج و مرجی در جامعه پیدا می‌شود که همه چیز در آتش آن می‌سوزد و خاکستر می‌شود.»

پس از اشاره به ضرورت تشکیل حکومت در جامعه بشری به لحاظ عقلی که خردمندان هر قوم بدان گواهی می‌دهند، آیات و دلایلی از قرآن کریم به دست داده می‌شود که از لزوم همراهی جامعه و حکومت عادلانه و مقتدر حکایت دارد. معظم‌له پس از یاد کرد در خواست قوم بنی اسرائیل از پیامبرشان در دوران پس از حضرت موسی مبنی بر تعیین حاکم و فرماندهی برای جنگ با اشغالگران سرزمین‌شان، بدین نکته می‌پردازند که از منظر قرآنی، دستیابی مردم به آزادی و آرامش اجتماعی در سایه حکومت و نظام سیاسی مطلوب و منصوب از جانب مقام نبی ممکن است.

ایشان تعبیر «ملک» در آیه شریفه «اذ قالوا لنبی لهم ابعت لنا ملکانقاتل فی سبیل الله» (بقره ۲۴۶) را حاکی از ضرورت وجود حاکم و حکومت دانسته‌اند، نه این که مراد از درخواست قوم بنی اسرائیل فقط معرفی یک فرمانده نظامی برای یک دفاع نظامی باشد. بدین سان می‌توان گفت که نبی در این ماجرا همان رهبر الهی است که ملکی یا حاکمی به نام «طالوت» برای حکومت و دفاع در میان بنی اسرائیل برمی‌گزیند تا او بر اساس احکام تورات پیروان موسی را در نظام سیاسی الهی گرد آورد و زندگی اجتماعی‌شان را سامان بخشد.

«گرچه در این آیه به یکی از ابعاد و آثار وجود زمامدار برای یک قوم و

علمیه و طلاب و فضلاء جست‌وجوی حقایق اسلامی، تأثیر بسیار گسترده‌ای به جای گذاشته است.

نشریه «درس‌هایی از مکتب اسلام» که پیش از نهضت ۱۵ خرداد، به مسئولیت و مدیریت ایشان و مساعدت فضلاء حوزوی پدید آمد و سالیانی دراز به صورت ماهانه در کشور نشر یافت، به روشنی از جاذبه فوق‌العاده‌ای در میان مردم، به‌ویژه جوانان مسلمان حکایت داشت. گفتنی است که در آن ایام مجله مکتب اسلام تنها نشریه مذهبی کشور به شمار می‌آید، البته پس از آن مجله «مکتب تشیع» نیز نشر یافت که موقعیت مجله نخست را به دست نیاورد. به هر حال مجله درس‌هایی از مکتب اسلام را در آن روزگار می‌توان صدای اسلام و روحانیت و حوزه علمیه قم شناخت که مقالات و تحقیقات آن در دفاع از کیان اسلام و معارف آن مهیای گشت و بر ذهن و فکر دینی نسل نو و نیز توده مردم اثر می‌نهاد.

در پایان باید افزود که استقبال شایان اعتنایی که جامعه مذهبی ایران از تفسیر نمونه داشته و نیز همان استقبال کم و بیش نسبت به تفسیر موضوعی پیام قرآن به چشم می‌خورد، همه از این نکته حکایت دارد که معظم‌له آثار خویش، به‌ویژه آثار تفسیری‌شان را متناسب با افکار و اذهان همگان ارایه داده‌اند و خود را هرگز از اصل ساده‌نویسی دور نساخته‌اند، هر چند که در منظر برخی جالب به نظر نمی‌آید و آن را عیب و کاستی می‌شمارند.

نظام سیاسی اسلام در تفسیر موضوعی «پیام قرآن»

بی‌گمان پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی که نظامی مبتنی بر احکام دین و متکی به حوزه‌های علمیه و برخوردار از حمایت مسلمانان و روحانیت معظم است، انتظار می‌رود که افزون بر محورهای اعتقادی شیعه در اسلام، به محورهای اجتماعی و سیاسی و حقوقی و اقتصادی اسلامی پرداخته می‌شود. اگر مردم در تولید فکری و علمی حوزه‌های علمیه به‌ویژه حوزه علمیه قم - که به تعبیر مقام معظم رهبری مادر حوزه‌هاست - خوراک‌های معنوی و سیاسی لازم را به دست نیاورند، در کجا باید آن همه را سراغ بگیرند؟

از این رو بود که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - مدظله العالی - در طی سه دهه انقلاب اسلامی همواره بر تغذیه اندیشه و مدیریت کلان نظام جمهوری اسلامی به لحاظ حقوقی و قضایی و غیر آن از جانب حوزه‌های علمیه کشور تأکید داشته‌اند.

اکنون جای تقدیر است که حضرت آیت‌الله العظمی

به همین دلیل پیامبر اسلام تا تشکیل حکومت نداد به اهداف والای خود نرسید. در میان سایر پیامبران نیز آنها که موفق به تشکیل حکومت الهی شدند، به پیروزی و موفقیت چشمگیری نایل گشتند ولی آنها که این توفیق نصیبشان نشد، شدیداً از سوی قشرهای فاسد و مفسد در محاصره قرار گرفتند و نیز به همین دلیل در آخر زمان نیز گسترش توحید و عدل تنها از طریق تشکیل حکومت جهانی مهدی (عج) صورت می‌گیرد.»

حکومت صالح

سیاست‌زدایی از اسلام و فقه و روحانیت و حوزه‌های علمیه، همواره هدف استعمار نو و کهن در سرزمین‌های اسلامی بوده و دشمنان قرآن کریم و پیامبر اکرم در این جهت هنوز از توطئه‌گری و بداندیشی باز نمانده و اینک سعی در شکاف‌افکنی میان روحانیت و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران دارند. آیا تکلیف و رسالت مراجع تقلید اقتضا نمی‌کند که در برابر این دین‌ستیزی‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها ایستادگی کرده و مبانی فقهی نظام سیاسی اسلام را از منابع چهارگانه فقه استخراج کرده و در عرصه آیات الاحکام سیمای حکومت و جامعه دینی مطلوب اسلام را آشکار سازند؟

آیت‌الله مکارم شیرازی در سنگر مرجعیت و تفسیر قرآن کریم به طرح پرسش‌هایی می‌پردازد که پاسخ آنها روشن بوده و هر کدام گواهی استوار بر لزوم همراهی دین و سیاست، فقه و جامعه، جهاد و اجتهاد عالمان و مسلمانان است. ایشان با ذکر حکومت صالح که همان حکومت بر مبنای وحی و سیره نبوی و علوی است، یادآور می‌شوند که بدون چنین حکومتی بخش چشمگیر احکام اسلامی که مورد بحث و تدریس روحانیون و فقیهان است، در متون مکتوب و کتب مدارس علمیه خواهند بود و حتی عبادت‌های بزرگی مانند حج و نمازهای جمعه و جماعت در اسلام از تجلی و شکوهمندی خود بی‌نصیب خواهند بود.

ملت اشاره شده و آن مسئله مبارزه با دشمنان خارجی و پاک‌کردن شهرها از لوٹ و جود بیگانگان و آزادی اسیران است ولی مسلم است که در ابعاد دیگر نیز این معنی صادق است. قرآن با این تعبیر نشان می‌دهد که بدون تشکیل حکومت یا حاکمیت قوی، رسیدن به آزادی و آرامش اجتماعی ممکن نیست. ممکن است تصور شود که درخواست بنی اسرائیل در این جا تنها برای تعیین فرمانده لشکر بوده نه زمامدار، ولی باید توجه داشت که تعبیر که ملک، به معنی زمامدار در تمام شئون است هر چند برنامه بارز در این ماجرا پیکار با دشمنان خارجی بوده است. در حقیقت پیامبر ان زمان (اشموئیل) نقش رهبری را در آن جامعه به عهده داشت و طلوت منتخب او، نقش زمامدار و فرمانده لشکر.»

ضرورت حکومت اسلامی

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی برخلاف پندار کسانی که دین منهای سیاست و اسلام غیرسیاسی را باور داشته یا ترویج می‌کنند، بر این باورند که اساساً طرف تحقق اهداف پیامبران، حکومت الهی بر جامعه است.

این نگاه، پیوند نبوت و حکومت را می‌نمایاند یعنی افزون بر پیوند امامت و حکومت در دیدگاه شیعه، حتی باید ارتباط حکومت و نبوت را باور داشت زیرا اقامه قسط و عدل و نیز حاکمیت توحید بر شرک و کفر بدون نظام سیاسی مقتدر امکان‌پذیر نیست. از طرفی دیگر مسئله آخر زمان و مهدویت گواه روشنی بر پیوند دین و حکومت بوده و مسلمانان می‌باید برای تأسیس و ثبات و تداوم حکومت دینی کوشش‌های بایسته را داشته باشند. «چگونه ممکن است با وجود یک حکومت ظالم و فاقد دین و ایمان یا وابسته به مستکبران و استعمارگران اقامه قسط و عدل نمود؟ کوتاه سخن این که هیچ‌یک از اهداف مقدس پیامبران الهی بدون تشکیل حکومت جز در مقایسه محدود تحقق نمی‌یابد.

شناخته شده‌اند. بدین سان تفسیر موضوعی پیام قرآن، حاکمیتی را حاکمیت قرآنی می‌شمارد که از بالا تعیین می‌شود و مردم یا شهروندان صاحب حق می‌باشند؛ اما حقی که باز از بالا یعنی از سوی خدا تعیین شده باشد، یعنی خداوند است که حق حاکمیت را داشته و آن را به کسی یا کسانی می‌دهد.

از منظر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی برداشت دوم که همان حق حاکمیت شهروندان است، با تفکر توحیدی ناسازگار بوده و آن جز نظریه ناآگاهان نیست، زیرا چنین تفکری، تفکر الحادی است که حاکمیت و تعیین آن را از پایین، یعنی از جانب شهروندان می‌شمارد، نه از بالا و از جانب خداوند.

«در واقع توحید خالقیت ملازم توحید حاکمیت است؛ یعنی هنگامی که بپذیریم سراسر عالم آفرینش مخلوق خداود است، باید قبول کنیم که ملک تام اوست و طبیعی است که حاکمیت مطلق بر چنین جهانی قبل از هر کسی و هر چیز از آن خواهد بود. بنابراین حاکمیت‌ها باید به او منتهی شود و به فرمان او صورت گیرد و هر کسی بدون اذن و فرمان او بر مسند حکومت بنشیند، متجاوز غاصب است. این دیدگاه که از توحید افعالی پروردگار که یکی از شاخه‌های آن توحید مالکیت و حاکمیت است سرچشمه می‌گیرد... براساس همین تفکر در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) نیز کسانی حق حکومت دارند که از سوی او به طور خاص یا به طور عام برای احراز این مسئولیت منصوب شده باشند.

از مجموع آن چه در بالا گفته شد، نتیجه می‌گیریم که حکومت از دیدگاه یک مسلمان موحد باید از سوی بالا تعیین شود. حتی حقی که برای مردم قائل می‌شویم، آن حق نیز باید از سوی خدا معین گردد. هرگز یک موحد خداپرست نمی‌تواند اراده مخلوق را بی‌آنکه منتهی به اراده خالق شود، به عنوان اساس حکومت بپذیرد و این که بعضی از ناآگاهان نوشته‌اند: «این حقیقت ملموس را همه درک می‌کند که هر کسی را اکثریت مردم به زمامداری برگزینند و

«از سوی دیگر احکام اسلام منحصر به عبادات نیست، بلکه احکام فراوانی داریم که به شئون سیاسی و اجتماعی مسلمین مربوط است، مانند احکام حدود، دیات و خمس و زکات و انفال و مانند آنها آیا بدون تشکیل حکومت می‌توان حقوق نیازمندان را به عنوان زکات از همه اغنیا گرفت، و یا قضاوت اسلامی را در تمام سطوح پیاده کرد، چه تضمینی برای اجرای حدود و جلوگیری از فاسدان در دست داریم، و اگر دشمنی به کشور اسلام هجوم آورد، چگونه بدون تشکیل حکومت و بسیج لشکرهای کارآموده و تهیه سلاح‌های مختلف، دفاع از حوزه اسلام و دفع هجوم خارجی امکان‌پذیر است؟

کوتاه سخن این که تا حکومتی عادلانه و مردمی براساس اعتقادات الهی تشکیل نشود، قسمت عمده احکام اسلامی زمین می‌ماند، چرا که از بخش‌های سه‌گانه احکام، «سیاسیات» برنامه حکومت است و در متن حکومت قرار گرفته، معاملات بدون پشتوانه حکومت صالح هرگز سامان نمی‌پذیرد، حتی عبادات مانند حج و نماز جمعه و جماعت نیز در سایه حکومت الهی عظمت و شکوه دارد.»

انتصابی یا انتخابی بودن حاکم در نظام اسلامی

معظم له با طرح این پرسش که آیا حکومت انتصابی است یا انتخابی؟ از دیدگاه‌های گوناگون یاد کرده و در نهایت حکومت را متعلق به پیامبران می‌شمارند که همان حاکمان اصلی شناخته شده‌اند. از آن پس کسانی لیاقت حاکمیت بر مردم را پیدا می‌کنند که بی‌واسطه یا با واسطه از جانب پیامبر اسلام برگزیده شده‌اند. در این عرصه نخست باید از امامان معصوم نام برد که پیامبر اکرم با صراحت و مکرر، امامت و ولایت‌شان از نسلی پس از نسلی را یاد کرده و همه را به نام شناسانده‌اند.

امادر عصر غیبت آخرین حجت و امام معصوم، نایبانی حق حاکمیت بر جامعه دینی را خواهند یافت که مستقیم یا غیرمستقیم از جانب حضرت ولی‌عصر (عج) سزاوار حکومت

پشتیبانش باشند، حاکم می شود زیرا نیروی اصلی جامعه مردم هستند... این مردم هستند که ولایت را به کسی می دهند که به حاکمیت او عینیت می بخشند» با تفکر توحیدی سازگار نیست. ما می گوئیم تفکر توحیدی عکس این را بیان می کند و می گوید این خداست که ولایت را به کسی می دهد و به حاکمیت او عینیت می بخشد و اگر مردم در این زمینه حقی دارند، آن هم به اذن و فرمان اوست. کوتاه سخن این که تفکر توحیدی حکومت را از بالا می بیند و تفکرات الحادی از سوی پایین.»

دیدگاه میانه درباره مردم و جایگاه آنان در حکومت اسلامی

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در بیان ماهیت حکومت اسلامی در عصر غیبت حضرت حجت (عج)، ضمن الهی خواندن آن ضرورت مشارکت مردم در عرصه حاکمیت سیاسی و اجتماعی را طرح می کنند اما هرگز حکومت اسلامی را یکپارچه متکی به آرای مردم نمی دانند. ایشان در این ارتباط دودسته از مخالفان و موافقان را در خطا می نگرند. نخست آنان که بدون توجه به عنصر الهی، جایگاه مردم و آرای آنان را برتری بخشیده و آن را مبنای حرکت حاکمیت می شناسند و دسته دیگر کسانی هستند که با اتکا به عنصر الهی و حاکمیت از بالا، به کلی مردم و آراء را به فراموشی می سپارند.

بدین سان برداشت معظم له از آیات و حاکمیت و شورا در قرآن کریم، دیدگاهی میانه را در عرصه جامعه و حکومت آن می نمایاند که هم در آن نقش خدا و پیامبر و امام هویدا است و هم نقش مردم و مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی؛ از جمله رأی دادن به افراد منتخب خویش. ایشان جایگاه مردم در عرصه حاکمیت دینی را انکار نکرده و آن را همان رعایت مصالح مردم دانسته اند که پیامبران و طبعاً جانشینان آنان می باید بدان پردازند. از منظر معظم له، مردم را می باید سهیم در حکومت به حساب آورد و آرای آنان نسبت به منتخبان و نیز برنامه های حکومتی را باید ارج داد، چرا که جنبه الهی یافته است.

حمایت مردم در گزینش ولی فقیه

گفتنی است که ایشان با بیان وجوب اجرای احکام الهی که در آن تردیدی نباید داشت، «مشارکت مردم» را به عنوان مقدمه چنین واجبی بزرگ و تعیین کننده در حکومت اسلامی می شمارند که خواه ناخواه برای دست اندرکاران حاکمیت دینی به شکل یک امر واجب شرعی در می آید. بر این پایه اعتقادی و قرآنی است که معظم له در تعریف حکومت اسلامی معتقد هستند که حکومت اسلامی با اصل وجوب رعایت مصالح مردم که مشارکت سیاسی و رأی آنان در انتخابات، جلوه بارز آن به شمار می آید، یک حکومت مردمی شناخته می شود.

«پیامبر اسلام و جانشینان معصوم او و دانشمندان و علمایی که به عنوان ولی فقیه مشروعیت خویش را بالواسطه از خداوند کسب می کنند، مأموریت دارند که مصالح مردم (بندگان خدا) را در همه جا مورد توجه قرار دهند و به اصطلاح رعایت غبطه عموم کنند و مسلم است مصلحت مردم ایجاب می کند که به نوعی در امر حکومت سهیم و شریک باشند و به آرای آنها توجه شود بنابراین توجه به آرای مردم جنبه الهی پیدا می کند.

به تعبیر دیگر حکومت الهی وقتی انسجام پیدا می کند که توان و قدرت اجرایی بالایی داشته باشد و به دست آوردن این توان و قدرت جز با مشارکت مردم در امر حکومت میسر نیست. در واقع اجرای احکام الهی واجب است و مشارکت مردم در امر حکومت مقدمه این واجب محسوب می شود و مقدمه

واجب، واجب می باشد.

خلاصه این که جوهره حکومت اسلامی، حکومت الهی است ولی این حکومت در نهایت سر از حکومت مردمی در می آورد. تعیین پیامبران و امام و جانشینان آنها جوهره الهی حکومت را تشکیل می دهد و مأمور بودن این افراد به مسئله مشورت و احترام به آرای مردم که آن نیز به فرمان خداست، جوهره مردمی آن را تشکیل می دهد. آنها که تصور می کنند که حکومت اسلامی یک پارچه متکی به آرای مردم است و عنصر الهی آن را به فراموشی می سپارند، بیراهه می روند و آنها که فقط به عنصر الهی آن توجه دارند و جنبه شورا و آرای مردم را نادیده می گیرند باز در اشتباهند.»

ایشان در تأکید بر جایگاه مردم و مشارکت آنان، یاد آور شده اند که حکومت دینی، چه در عصر معصوم و چه در عصر غیبت معصوم حمایت مردمی را می طلبد و در حقیقت این حمایت همگانی است که بر ولی منصوب از جانب خداوند، می تواند اتمام حجت باشد؛ همان گونه که پس از قتل عثمان به چشم می خورد. در آن روزگار مسلمانان با هجوم آوردن به خانه امیرمؤمنان و درخواست حاکمیت علوی، حجت را بر حضرت امیر تمام کردند که ایشان ناگزیر از قبول خلافت گشت. از منظر تفسیر پیام قرآن، همه فقیهان شیعه، ولایت فعلیه دارند اما این فقیه مورد حمایت مردم است که به دلیل یافتن قدرت سیاسی و اجتماعی از جانب مردم، ولی فقیه شناخته می شود بنابراین اولویت فقهی بر فقهی دیگر در امر حکومت، دلیلی جز حضور فعال مردم و آرای سرنوشت ساز آنان نخواهد داشت.

«به هر حال چگونه می توان این واقعیت را انکار کرد که مشارکت مردم در امر حکومت به حاکمان قدرت و قوت می بخشد و بدون مشارکت آنها هیچ کاری از آنان ساخته نیست، همان گونه که امیرمؤمنان علی در خطبه شمشقیه می فرماید... در مورد فقه های اسلام نیز چنان که خواهیم گفت، ولایت فعلیه برای همه ثابت است، ولی اعمال این ولایت تنها در صورتی میسر است که حمایت و پشتیبانی مردم نسبت به آن حاضر گردد و به همین دلیل آن ولی فقیه که بتواند آرای مردم را به خود جلب کند، نسبت به دیگران اولویت خواهد داشت؛ چرا که او بهتر می تواند مقام ولایت خود را اعمال کند در حالی که دیگران نمی توانند.»

در تفسیر موضوعی پیام قرآن، رکن های چهارگانه برای نظام سیاسی اسلام طرح شده اند که عبارتند از:

۱. نظام قانونگذاری در اسلام

۲. نظام اجرایی

۳. نظام قضایی در حکومت اسلامی

۴. تعلیم و تربیت

شاید در فرصتی دیگر به گفتارهایی پیرامون رکن های یاد شده پرداخته و تصویرهای یک نظام سیاسی از منظر تفسیر پیام قرآن به دست داده شود. به هر حال مقصود از این نوشتار کوتاه فقط یادکردی گذرا از تلاش های یک مرجع قرآن پژوه معاصر بود که بایسته است پیرامون آرای ایشان بحث و گفت و گو شود. گفتنی است که این گونه گام های کوتاه در شناساندن آثار علمی و فرهنگی حوزه علمیه قم بی تاثیر نبوده و می تواند ضمن قدردانی از بزرگان حوزه و روحانیت، زمینه فعالیت فزون تر قرآن پژوهی حوزویان را فراهم آورد و جامعه ایران اسلامی بیش از پیش رویکرد به فرهنگ قرآنی داشته باشد.



آلبوم خاطرات آیت الله العظمی مکارم شیرازی

